سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

من متملکات ... الراجی ...

١١٠٩

من متملکات العبد ... الراجی ...

١١٢٣

ج

٣ باب

لمعالم

هو الفتاح العلیم

یا علی مدد

۴۸-۶۹۹۸

گنجینه کتب ... ۱۳۰۳

هو الله بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

یا هو

الحمد لله الذی انزل الکتاب مشتملا علی غرایب الخواص حروفه و کلماته و محتویا علی عجایب الآثار سوره و آیاته
ثم نبه بما اودع فیها من الآثار نبیه المختار حتی انا عهده ظهوره نفحاته فصلیه و علی آله الاطهار صلواته و تحیاته
و تحیاته فصلیه و علی آله الاطهار صلوة و اولاده الاخیار و برکاته و تسلیماته   چنین گوید بنده فقیر داعی
و حقیر جانی اردواعی علی بن الحسین الواعظ الکاشفی المشهدی بالصفی دالله بالطف الخفی که این رساله ایست
کثیرة الفواید عزیزة العواید مشتمل بر خواص و آثار حروف مقطعه قرآن و اسماء حسنی سبحانی ربانی و سور و آیات
فرقانی که نفایس علوم خفیه است و منسوب و مخصوص است بحضرات کرام و ائمه اهل البیت علیهم السلام
سمت تقریر و تحریر یافته و صورت تصنیف و تالیف پذیرفته ملتقط و منتخب از کتب معتبره مستند و اکثر آنچه در حین
قلم موثوق بها و معتمد علیها است و کرچه مشغول فواید این مختصر و عموم عواید این ما حضر ... بر آنست که کافه انام
را از خواص و عوام سرمایه حصول مرادات دنیوی و اخروی است و پیرایه وصول سعادت صوری و معنوی لیکن ارباب
حیات و مکنت را بیشتر بکار آید و اصحاب منصب و حشمت را باید غرة و اعتبار و افتخار فزاید خصوصا مقربان
درگاه الهی و سلاطین و پادشاهان بارگاه خواقین را که زمام حل و عقد و قبض و بسط ممالک بکف کفایت و قبضه
درایت ایشان باز بسته داشتن و کار بستن اکثر از این اعمال شریف لازم بود و توسل جستن واجب و متحتم زیرا که
نیل مطالب و مآرب و عروج بمراتب و مناصب و تسخیر نفوس جباران و قبول قلوب شهریاران و تدبیر اعلای
دین و دولت و غلبه و استیلا بر ازدیاد ملک و ملت و تحصیل فتح و فیروزی و توسیع رزق و روزی و اتصاف
باوصاف اخلاق سنیه و اشراف بر اصناف علوم خفیه و ازدیاد خیرات و برکات و ادراک سعادت و درجات
و ایمنی و سلامتی در سفر و حضر از هر خوف و خطر و دفع فقر و احتیاج و حفظ اموال و اولاد و ازواج و منع آفات و آلام
و دفع مخافات و اعراض و ایمنی از شر جن و انس و خلاص از قید و حبس جمله با جمال که در این رساله مذکور است
منصوص و مربوط است امید بکرم الهی واثق و امید بنعم لامتناهی صادق که برکات خواص و منافع
و دلالات کلام ربانی در دنیا فواید و عواید دعوات و آیات قرآنی بروزگار سعادت آثار ناصر ارباب اخلاص

منصف

منصف و مطالعه کننده کار نه بکمال اخلاص و انصاف متصف و اصل و مواصل گردد انّه غریب مجیب و اهل
من کو میر لا یخیب و فیما این ساله اگر مماس بحل الایمان حرز آکات فتن الزمان بر پنج مقاله اتفاق و انتشار و
هر مقاله بر پنج باب منقول گشت و هر باب بر دوازده فصل اشتمال یافت و جمیع مباحث این کتاب از جمله علوم غریبه است
که منسوب و منصوب بائمه عباد و ایمه اثنا عشر علیهم التحیة والسلام لاجرم مقالات و ابواب انما بر پنج که عدد اکل عبادات بناها و اصول
این ابواب که در اثنای کتاب تفصیل خواهد یافت بر دوازده که عدد ائمه اثنا عشر است قرار داده شد اما فهرست مقالات ابواب بیت مقاله
اولی در بیان صفات و خواص حروف و ذکر شرایط و آداب عام و خاصه که رعایت آن در اعمال این کتاب لازم است مشتمل بر پنج باب
باب ۱ در بیان صفات و خواص و آثار حروف و اسماء و آیات و اثبات منافع و فواید و نتایج ایشان باب ۲ در شرایط و آداب عامه کلیه که رعایت
آنها در مجموع اعمال خیر و شر ضرور است باب ۳ در شرایط و آداب تلاوت باب ۴ در شرایط و آداب کتابت باب ۵ در شرایط و آداب
مخصوصه باعمال حروف مقاله دوم در خواص و آثار حروف ثمانیه و عشرون مشتمل بر پنج باب باب ۱ در منافع مطلق حروف باعتبار
طبایع ایشان و حرارت هفت حرف الف و با و تا و جیم و حا و خا باب ۲ در صفات و حرارت و ده حرف دال و ذال و را و زا و سین
و شین و صاد و ضاد و طا و ظا باب ۳ در صفات یازده حرف عین و غین و فا و قاف و کاف و لام و میم و نون و واو و ها و یا باب ۴
در صفات و خواص حروف مقطعه قرآنی باب ۵ در خواص بعض از مفردات حروف با کمال القاب مسمی و مسند و معروف مقاله ۳
در خواص اسماء حسنی الهیه مشتمل بر پنج باب باب ۱ در خواص اسماء مفرده الهی باب ۲ در خواص اسماء ثنائیات باب ۳ در خواص
اسماء ثلاثیات باب ۴ در خواص اسماء رباعیات و مافوق آن باب ۵ در بیان اسم اعظم و اختلافی که علما در خصوصیت آن کرده
اند و ایراد بعضی از خواص و آثار آن و ذکر دعواتی که شامل اسم اعظم است بقول بعضی از اهل تحقیق مقاله ۴ در خواص آیات قرآنی
مشتمل بر پنج باب باب ۱ در قبول نظر سلاطین و حکام و اصابت رای و اطفای غضب ظالمان و ایمنی از همه آفات و حصول
جاه و رفعت و سعادت و حشمت و قبول قلوب خاص و عام و تسخیر نفوس کافه انام باب ۲ در تحصیل فتح و نصرت بر معاندان
و تدبیر ظالمان و تفریق اعوان و تحریر موت ایشان و دفع موذیات و ابطال سحر ساحران باب ۳ در تیسیر و ترویج رزق و تکثیر خیرات
و برکات و ایمنی و اسفر بر و بحر و رجوع آبق و سارق باب ۴ در دفع امراض دماغی و اعراض بدنی و حفظ حوامل و تسهیل ولادات
و تعوید اطفال باب ۵ در اعمال غریبه و امور عجیبه و اطلاع بر مخفیات و غیبیات مقاله ۵ در خواص سوره قرآن
مشتمل بر پنج باب باب ۱ در تحصیل جاه و دولت و تیسیر هر حاجت نظر سلاطین و اکرام و ایمنی و خلاصی از غضب و حبس
حکام و سلاطین مطلق از جمیع آفات و تسخیر نفوس جن و انس و سایر حیوانات باب ۲ در تیسیر فتح و نصرت
بر دشمنان و تفرقه ظالمان و تخریب منازل ایشان و ابطال سحر و دفع موذیات جن و انس و طرد هوام باب ۳

در تسهیل و توسیع رزق و دفع فقر و فاقه و افراج دفاین و رجوع غایب و آبق و نیل خیرات و ضبط محروسات
و ایمنی مسافر در بر و بحر و حفظ مال تجارة قطاع الطریق و باز یافتن راه بعد از سرگشتگی باب ۴ در دفع امراض
و اوجاع بدنی و تسهیل ولادت حوامل و تعوید اطفال باب ۵ در تحصیل اختلاف جنس و ضمایر ضیه مقاله ۱ در بیان
صفات و خواص حروف و ذکر شرایط و آداب عامه و خاصه که رعایت آن در اعمال این کتاب لازمست مشتمل بر پنج باب
باب ۱ در بیان صفات و خواص و آثار حروف و اسماء و آیات اثبات منافع و فواید و نتایج آن مشتمل بر دوازده فصل
فصل ۱ در بیان منشاء و بدو علم حروف فصل ۲ ~~در شرف علم حروف و بیان طبقات علمای این فن فصل~~ در اطلاع
بر بدو و حدوث و طبایع احرف مقطعات فصل ۳ در استخراج حقایق و التنبیهات حوادث از حروف فصل ۴
در شرف علم حروف و بیان طبقات علمای این فن فصل ۵ در ذکر اسامی اکابر و کتب ایشان که مقتضای این رساله است
فصل ۶ در اثبات ارواح و طبایع حروف بمذهب اهل حقیقت فصل ۷ در اثبات ارواح و طبایع بمذهب اهل
خاصیت فصل ۸ در خواص و اثبات و آثار حروف فصل ۹ در اثبات خواص و آثار اسماء الهی فصل ۱۰ در اثبات خواص
و آثار آیات و سور قرآنی فصل ۱۱ در کیفیت انتفاع بحروف اسماء و آیات فصل ۱۲ در طریق استعاده از حروف
و اسماء و آیات فصل ۱ در بیان تدوین و منشاء حروف بدانکه وفقک الله العمل بما فی هذا الکتاب که علم جفر مشتمل
بر حقایق و خواص حروف و اسماء و آیاتست و مخصوص بائمه کرام و اهل بیت علیه السلام و واضع جفر جامع که در کتب شریف بعد
در بدو حضرت مقدسه حضرت شاه ولایت پناه و اهل هدایت امیر المؤمنین و امام المتقین اسد الله الغالب علی
ابن ابی طالب علیه السلام بجرات و در بعض اشعار اکابر منقبت آنحضرت اثبات کرده اشعار بر این معنی واقعست
انجا که فرمود بیت من کان مثله کان ذا جفر و جامعه له تدوین سر المبیب تدوینا و بعد از آن آنحضرت یازده فرزند
بزرگوار ایشان که ائمه معصومین و هداة اهل حق و یقین اند رضوان الله علیهم اجمعین بطریق وراثت این علم
نفیس را مستخص نموده اند و از آن ده کتاب شریف استخراج معانی غامضه میفرموده اند بتخصیص حضرت امام
همام ابو عبد الله جعفر بن صادق علیه السلام که صاحب کتاب جفر و خابیه اند و ابو حامد محمد حجة الاسلام امام محمد الغزالی در مقدمه کتاب
سر المصون و جوهر المکنون که مشتمل است بر خواص حروف مرتبه احوال که در لوح مثلث وضع کرده اند چنین آورده است
که استخراج یافت این نسخه از کتابی که حضرت امام همام لیث بنی غالب امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام جمع فرموده
در کتاب خود که مسمی است بجفر جامع الدنیا و الآخرة و مطلع شده است که کیفیات مخفیات که در آن کتاب شریف است از اسرار
نوار آینه و انوار ربانیه غیر امام جعفر صادق علیه السلام واصل نشد بمعرفت این علم شریف الا قلیلا از اهل دانش حضرت امام جعفر

صادق ع

۶۹۹۸-۴۸

امام جعفر صادق علیه السلام شرح فرموده و ما برکت آنحضرت واصل شدیم بتخصیص این علم شریف بعنایت رب العزت
والحمد لله علی ذلک **فصل ۲** در اطلاع اکابر دین بر وقوع حوادث از حروف مقطعات معدن جواهر حکمت و قیاس عبد الله
بن عباس رضی الله عنه بهما روایت کرده که مجمع مناقب و مظهر عجایب حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام وقوع
یافتن و حدوث آن از حروف معجم دانسته بودند تفسیر ثعلبی از ربیل تشیری مذکور است که چون این حروف مشتمل اسرار
جلالت جبین مبین آنحضرت رسالت صلعم مشاهده افتاد یکی از بحرهای جبال را سوال کرد آنحضرت فرمود که مرا خبر دادند که
از بلاهایی که برامت من در آخر الزمان نازل شود از خسف و قذف و آتشی که ایشان را در میان جمع کند و بادی که ایشان را
بدریا افکند و نشانهای دریب و خروج دجال و فتنهٔ یاجوج و غیر آن از علامات قیامت و ازین نکته روشن شد که کیفیت
حدوث وقایع و وقوع حوادث در ضمن این حروف مندرج است و از دوحهٔ روضهٔ رسالت و نبوت و ثمرهٔ شجرهٔ ولایت
ابی عبد الله الحسین علیه السلام سوال کردند که معنی کهیعص چیست ایشان فرموده بودند که لو اخبرتکم بها لمشیتم علی الما
واگر شمارا از آن معنی آگاه گردانم هر اینه از آب بگذرید قدم شما تر نشود و غیر ازین اخبار بسیار صحت اینمعنی دلالت دارد
و استنباط اشیا و حقایق از حروف و اطلاع یافتن بر اسرار مکنون آن مخصوص بائمه علیهم السلام است بجمل و ورثه
ایشان که از اکابر این امت بقدر متابعت نصیبی از آن فرا گرفته اند و بحصه از آن واصل شده والله اعلم بالصواب **فصل ۳**
در استخراج حقایق و استنباط حوادث از حروف در کتب معتبره مذکور است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از کتب
جفر و جامع صور حوادث یومیه و نوازل کونیه و قبل از آن ظهور آن استخراج مینموده اند و احیانا به بعضی از محرمان
معتمد علیه خود اظهار می نموده اند گویند روزی یکی از مصاحبان امام که ملازم معتمد امام بود چند بیت عربی منقبت
آنحضرت انشا کرده بود بملازمت ایشان آورد پیش از آنکه بداوه عرض رساند امام کاغذ بدست وی دادند چون
بر مضمون نوشته اطلاع یافت دید که همان ابیات است که خود فکر نموده که حضرت بخط مبارک خود نوشته اند آن
شخص متحیر و متفکر شده مسوده خود را بیرون آورده گفت بروحانیت جد بزرگوار تو یا امام که من خود این ابیات
را بسلک نظم در آورده ام و زادهٔ طبع منست و کسی را درین دخل و شرکتی نیست و این مسوده را هنوز هیچ کس ندیده این
چگونه است حضرت امام تبسم نموده و فرمودند که اینچنین است لیکن امشب در کتاب جفر و جامع نظر میکردم دیدم
که یکی از دوستان ما چند بیت عربی بنعلین نظم در آورده علی الصباح خواهد آورد آن نظر باعث شد که این ابیات استخراج کردم
و منقولست که مامون الرشید بحضرت امام الدین والدنیا ابو الحسن علی ابن موسی رضا علیه السلام در شهور احدی و مائتین
بیعت کرد و عهدنامه نوشت و از حضرت امام عهدنامه طلبید و امام عهدنامه حضرت امام که بر ظهر عهدنامه او نوشتند

نوشته بودند این بود الجفر والجامعة یدلان علی ضد ذلک وما ادری ما یفعل ولا
بکم ان الحکم الا لله یقضی بالحق وهو خیر الفاصلین ولکن امتثلت امر امیر المؤمنین انّ
واثرت رضاه والله یعصمنی وایاه چون اندک زمانی گذشت فضل ربیع که وزیر مأمون بود با جمعی
بکر از اشقیا لعنهم الله اتفاق کرده وی را از آن عهد پشیمان کرده وحضرت امام را شهید کرد صاحب کشف الغمه علیه
الرحمه گفته است که من در شهور سنه سبعین وستمائه عهدنامه بخط مأمون وخط حضرت امام دیدم اهم از این مقوله است
استنباط فتح بیت المقدس در شهور سنه ثلاث وثمانین وخمسمائه از آیه کریمه الم غلبت الروم فی ادنی الارض
الی قوله بضع سنین وتفصیل این قضیه در باب ... از فتوحات مکی مذکور است **فصل ۴** در شرف علم حروف وبیان طبقات
علمای این فن بدانکه علم حروف از جمله علوم مکنونه است و بر قیاس علمهای ارجمند که از جلایل علوم توان داشت مشتمل است
و فواید بی نهایت ومنافع بی حد وغایت بر وی مترتب واز وی حاصل است وعلامت کرامت حروف همین که مخزن اسرار
مکنونه الهی وحکمی ومعارف مخزونه لا متناهی است وشیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمه الله در کتاب شمس المعارف
آورده که حروف اعلام واسرار احکام است و سر اسم العظیم بوی ظاهر گردد وکلام مجید بوی شنیده شود وطایفه بزرگ که اوقات خود را
به تتبع علم شریف مثبت ساخته اند یکی اهل حقیقت ودیگری اهل خاصیت اما بحث طایفه اول که اهل حقیقت اند وایشان
اعلی واکبر اند از حیثیت معانی واسرار وحقایق حروف است واستخراج علوم غامضه از آن زیرا که هر چه هست از صنوف
معارف وفنون علوم خواه متعلق بحضرت الهیه باشد وخواه نسبت بمراتب کونیه وانچه در هر باب حادث گردد
جمله را در حروف استنباط ... تعلق کرده چنانچه بعضی از اهل این فن حرف نام ولقب خاصه هر کس را منشأ استخراج
ساخته بر اکثر وقایع وسوانح احوال وی اطلاع یافته اند واکابر این طبقه را درین علم شریف کتب ومصنفات چون
جفر کبیر وجفر جامع وجفر خابیه والدر ورسائل متأخرین بجمیل الواح مر تصنیف شیخ سعد الدین حموی رحمه الله ومحجوب
ودایره سه وکشف المعانی بغیر الحاد کتاب المبین وغیر آن اما طایفه دوم که اهل خاصیت اند وایشان اکثر واظهر اند
از حیثیت خواص حروف وکلمات وارقام واشکال ایشان است بحسب وجود لفظی که از طریق کلام می خوانند
صورتی از صور رقمی که از طریق کتابت گویند ومدعای این طایفه آنکه چون کسی بوقت معین وعددی معلوم در زمانی
خلای حروف را یا کلمه یا کو رچند بار بخواند یا بنویسد وآنگاه نگاه دارد یا جایی دفن کند یا محو کرده بیاشامد یا در
موضعی بسازد واز آن خاصیت ومنفعت از وی مشاهده نماید بحسب مراتب دنیوی یا مدارج اخروی واکثر مردم
که بدین علم تبحر کرده اند غرض ایشان تعیین ادراک آثار وخواص حروف وکلمات وارقام واشکال ایشان است

از برای منفعت

فصل ۵ در ذکر اسامی اکابر و کتب ایشان که ماخذ این رساله است از برای منفعتی در رفع مضرت و آنچه در بیع در رساله ثبت ایراد می باید از جمله تجربات اهل خاصیت است

بدانکه بهترین اعظم علمای این فن که جامع هر دو طایفه است یکی شیخ عالم کامل و عامل و فاضل شرف الدین ابو عباس احمد بن علی البونی است که صاحب کتاب شمس المعارف الکبری و اصغر و لطایف الاشارات و کتاب اسرار الحروف و علم الهدی و لمعة النورانیة فی اوراد الربانیة و ختمات سوره قرآنی و الوح الذهب و غیر آنست و همه تصانیف وی درین فن و غیر آن معتبر و معتمد علیها است و موثوق به بتخصیص شمس المعارف و ختمات که درین رساله بسیار نقل از آن ایراد خواهد یافت و دیگری از اکابر این طبقه شیخ واصل و محقق کامل مدقق ابو عبدالله محمد بن یعقوب التونسی المغربی است که صاحب سر المطالب است و آن کتاب شریف و نفیس معتبر است درین علم و از آنجا نیز نقل بسیار درین نسخه مذکور خواهد شد و دیگری شیخ اعظم اعلم اکمل احکم محی الدین علی العربی است که صاحب کتاب المدخل در علم حروف است و وی از اکمل هر طبقه است از اهل حقیقت و اهل خاصیت است و دیگری شیخ محقق مدقق تقی الدین عبدالله ابن محمد ابن حجر است که صاحب کتاب الحجر است در حقایق حروف و آن کتب از نفایس نفیسه است در معانی حروف و دیگری شیخ عالم عامل ابو حامد محمد الغزالی است که صاحب کتاب خیر المعون و جواهر المکنون است در خواص حروف مرتبه آحاد که در لوح مثلث مندرجست و وی نیز از کبار هر طبقه است و دیگری شیخ عالم عارف ابو سعادات عفیف الدین بن عبدالله بن اسعد التمیمی الیافعی است و دیگری که صاحب درر النظیم است در منافع قرآن العظیم است در خواص اسماء حسنی ربانی و آیات و سور قرآنی و آن کتابیست بغایت شریف و عزیز و معتبر که اکثر مقاله ٤ و ۵ [illegible] خود است و وی نیز از اعلم هر طبقه حقیقت و اهل خاصیت است و دیگری شیخ فاضل و حکیم کامل محمد ابن ابراهیم التمیمی الکازرونی است که صاحب خواص القرآن است و کتاب است بغایت معتبر است و صاحب درر النظیم نقل بسیار از آنجا نمود در کتاب ابراز نموده در مقاله چهارم و پنجم ۵ این رساله است از آنجا خواص کثیره مذکور خواهد شد و دیگری شیخ عامل عالم محقق و علامه مدقق فخر الدین رازی است که صاحب لوامع البینات است در شرح اسما حسنی و صفات علیا و دیگری شیخ کامل مکمل مولانا یعقوب چرخی است که صاحب خواص اسماء الهی است و رساله دیگر که از آنجا خصوصی نقل بسیار درین نسخه ایراد یافته کتاب نصر الایات است که بعضی از تلامذه ابن عباس از منابع انفاس نفیسه وی جمع کرده است و غیر از این کتب معتبره که مذکور شد در رسایل و نسخ بسیار است چه از [illegible] حکما متقدمین و چه از علمای متاخرین که درین رساله از آنجا فواید و خواص نقل افتاد مثل کتاب لیمیا دیوس حکیم و آن کتابیست عجیب و غریب است مشتمل بر تولدات حروف و حقایق و طبایع و خواص و منافع ایشان و وی از کبار تلامذه معلم اول ارسطو بود

است و از حکمای بابل تخت اسکندر روم بکتب هیاکل و نمایش حکیم فاضل ابوبکر بن محمد علی بن وحشیه کلدانی الوحشیه مشهور است و نزد علما
رساله این فن اعتبار تمام دارد و دیگر الشیخ فاضل و استاد کامل نجیب الدین احمد سکاکی است در خواص حروف و دیگر رسایل و نسخ نفیس
مختصره سید المحققین سید حسین اخلاطی است و منشآت و مشکات حقایق بتخصیص شیخ عارف محقق زین الدین ترکه که در مرکز دایره
هر دو طبقه است و اهل حقیقت و خاصیت است و دیگر کتاب کلکلوتری است که یکی از اکابر اهل علم تالیف نموده اند و مشتمل است
بر غرایب خواص حروف و نزد این طایفه اعتبار تمام دارد و دیگر کتاب حل قواعد التکسیر است که از بعض تلامذه سید حسین
اخلاطی تصنیف کرده و دیگر هیچ کتاب جواهر التفسیر و تفسیر مواهب و تحفه علیه و مرصد اسنی فی استخراج الاسماء الحسنی و لوایح القمر که مجموع آن تالیف والد را
قسم لمی حروف است روح الله روحه و در مجموع از کتب نام برده شده بر قواعد و فواید و خواص و آثار را ایراد یافته و بران اعتماد تمام حاصل شده
والحمد لله علی ذلک فصل ۶ در اثبات ارواح و طبایع حروف بمذهب اهل حقیقت شیخ عالم عارف محقق و کامل و اصل مدقق صدر الحق
والدین القونوی در شرح حدیث چهارم از احادیث آورده که هر حرفی را از حروف مؤلفه شیء از ترکیب و لهذا از ترکیب خواص و منافع ا
از ارواح ایشان ظاهر شود و این همه تاثیرات و انفعالات ناشی از حقایق ایشان است و بعضی از اهل تحقیق در شرح نسخ شیخ صدر الدین حسینی قدس سره
مشایخ که ارواح حروف کنایه از طبایع ایشان ناشی از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست و هر یک را از این طبایع ما تعینات نوعی و تشخص در صورتی
خاص و جملی و چون روحانیات حرفی از حروف بر صاحب کشف در صورت مثالی متمثل شود هر آینه آن صورتی خواه مطلقه خاص متمایز شود از سایر صورتهای
پس هر حرفی از حروف ثمانیه و عشرین صورت نوعی و هر فردی از افراد این نوع صورت تشخصی و صور شخصیه هر نوعی از این انواع صفت کلیه بصورتی
واحد که بر صاحب کشف در عالم آثار برزخ و مثال گویند ظاهر شود و از این صور برزخ مثالی ارواح و حقایق حروف آثار در کائنات عالم کون
و فساد بظهور می آید و تجربه ارباب علم حروف بر صحت این معنی شاهد است عدل علامت و آن طبقه از حکما که خواص را حروف شناخته اند از این آثار را از جواهر
نجابت حروف می کنند و می گویند که عقل را بنظر و فکر درین باب هیچ مدخلیت نیست بلکه دریافت این معنی بالذات طور عقلست چنانچه صاحب گلشن راز گفته
و رای عقل طوری دارد انسان که بشناسد بدان اسرار پنهان و ملتی رب نکرده در ظهور آثار و خواص حروف سایر است و تجربه ما کرد از اسباب نیست فصل ۷
در اثبات ارواح و طبایع حروف بمذهب اهل خاصیت بدانکه بعضی از علما این فن گفته اند ارواح از حیثیت اعداد ایشان است و صور حروف اجسامند
ارقام اجسام آن اعداد و در الواح و دقق و غیر آن بواسطه توافق و تفاوت قوای ارواح و حقایق عددی حروف بسی خواص عجیبه و آثار غریبه ظاهر شود و چنانچه
نزد ارباب این فن روشن و مبرهن است هیچ گونه شک و ریب در آن راه نیست و شیخ شرف الدین بونی رحمه الله در کتاب شمس المعارف الکبری فرموده
ان الله عدد الهاسانی کما ان للحروف آثار و در الواح الذهب آورده که در زمان ملوک فارس کاوه آهنگر که ضحاک یک پسر او را کشته بود و قصد
دیگری داشت خروج کرد و ضحاک را با وجود سلطنت و عظمت گرفت و فریدون را از حبس بیرون آورده بجای وی بر سریر پادشاهی نشانیده هم باستعانت خواص عدد
و آثار و تاثیر حقایق عددی حروف بعد هر یک از نگار زمان برای هر نوعی از طبایع الواح و دقق وضع کرده بعد از آن از ابر جو هایله بیرون آمده و جمع کثیر را بر جمع شدند

و کار بها کرده

و کار های منکر ذرا معقود اما حیز او بود دیگر که آن لوح عدد ریش بر دو لوح بالا بالا خیب در فرش گاه و بانی نام کردن و اثر آن لوح از اثر امکان در خانواده
ملوک فارس باقی مانده بود والله اعلم بالصواب **فصل ۸** در حروف و آثار حروف نوشته نماند که حکمت و اثر حروف واضح از آن است که بر هر که شمه ای از نسیم
از روایح ریاض فن الشیء و نکته از فوایح ریاحین بساتین انصاف و بینش استشمام نموده مخفی و ما احتیاج النهار الی الدلیل همچنین برهان نجوید بر وجود آفتاب
بر وجود او ظهور او دلیل دیگر است و اگر منکری از روی عناد و جهل نفی این معنی کند بار دیگر یک نکته را ممد گرفتن توان دید که هر چه در عرصه ابداع و تکوین
کسوت ظهور پوشیده از بسایط علوی و مرکبات سفلی هیچ یک بی منفعتی و خاصیتی نیست بلکه در هر ذره از ذرات موجودات مخصوص فایده و منفعتی موجود است
که حضرت حکیم علی الاطلاق تعالی شانه به مقتضای حکمت بالغه و اراده شامله خود از خلوت خانه علم به فضای صحرای عین فرستاده ما مکونات فحوای [illegible] الذی
بحسب آن خواص و خصوصیات که منظور هر یک است که از رتبه اجمال به عرصه تفصیل در آید **بیت** تا رنگ و بوی آن سر بینی بو که گوش هر گل را زین
گلستان رنگ و بوی داده خاصیتی و چیزی از موجودات بی منفعت و خاصیتی نتوان بود چنانچه با تیز نظران فن اعمال علوی و آثار سفلی معلوم و مقرر است و هر یک از
موالید ثلثه چون معدن و نباتات و حیوانات انواع منافع و فواید و خواص و آثار در معالجات طبی معلوم و مخصوص گردیده العیان لا یحتاج الی البیان پس
حروف که احاطه اش جمیع موجودات را شامل است بلکه اصل از همه عالم که تصور کنند هر چه است از انعام و خاصی بود مذکور گردد و از و مسموع شود و هر حرفی را که قدم در
دایره وجود نهاده او نیکار راست و آن از غریزه باید که او در خواص بکار و آثار عظیم باشد چرا خود نسخ حروف عجیب نباشد و اگر کشف صاحب فطنت تشرف
حروف کافی و خاصیت را که بکار می تیز نشده در تکوین موجودات و ایجاد مکونات تامل و دقت که هر اینه قوه اعانت حروف را در وجود هر رشته از فرات [illegible] دوکس
مشاهده خواهد نمود و از این مقدمات بوضوح پیوست که جواهر حروف بعینها از جمله عیال قدسی بر ایل که منبع قوه جمع تاثیرات است بدین بیان
امیرش و بدان الاتی نزول فرموده هر آینه مشتمل بر خواص بسیار خواهد بود باآنکه بحسب التکرار حروف حاره زوال امراض بارده در یافته اند
و بسیار حروف بارده تسکین ماده رطوبت معاینه دیده اند و از ترکیب بعض حروف حکما بسیار کیفیت در صورت اهل کمالات انواع از آثار
تهیه حیات و انواع عقاقیر [illegible] مرتب داده اند و مسمون نام نهاده اند و اثرش بطریق ظاهر است و غیره مشاهده نهاده و اکابر این فن چنین فرموده اند
که حروف موقوفه ایجاد در اصل از ترکیب آنها عجیب و خواص غریب بسیار است و اگر کسی را این معنی معتقد نماید باید که در حروف مقطعه قرآنی که مجمع حقایق تنزیل است
نظر کند تا غبار شک و ریب از پیش دیده بصیرت دور گردد و معلوم شود که اثر آن جز که از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت امیر
علیه السلام که ما علی و اهل العالم لا یعرف سر الهجاء و چیزی این نکته محقق شد باید دانست که همچنانکه احجار در معادن ظاهر می گردد و ادویه مفرده از جنس
نباتات که در هر زمین می روید و اجزاء و اعضاء حیوانات از هر صنف که و هر یک از خاصیت و منفعت خالی نیست و معالجات طبی موقوف بر آنهاست همچنین
جواهر حروف نیز همگی بسته از شکل این خواص خاص که از آن همچنانکه مفرد و امزجه و مرکب [illegible] حکما یونان و غیر ایشان طبایع آنها را
کرده اند و ایشان [illegible] هر یک از ادراک [illegible] فرموده اند و [illegible] موافق حروف نیز [illegible] طبع و مزاج جداگانه ثابت کرده اند بعضی
سرد و بعضی خشک و بعضی تر و بعضی مرکب الطبع [illegible] اند از آن [illegible] در فصل یازدهم و دوازدهم و باب پنجم ازین رساله سمت تحریر خواهد یافت

فصل ۹ در اثبات خواص و آثار اسماء حسنی الهی بدانکه بحول الکریم و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها ثابت شد که از کمال حق سبحانه و تعالی از محض بل حسن معتبر
تواند بود و به دلایل عقلی و براهین نقلی نیز ثابت شد که ذات حق تعالی از صفات ناقص [illegible] و با کمال حسن و صفات علیا از جمله لوازم کما قال سبحانه و تعالی فسبح باسم
ربک العظیم و اخص اسماء الهی مستلزم فیوض خصوص نامتناهی و مستکشف حقایق [illegible] کما هی چنانچه مضمون حدیث من احصاها دخل
الجنة اشاره بدان است اگرچه بعضی از علماء احصار بمعنی طاقت داشته اند کما قال سبحانه علم ان لن تحصوه ای لن تطیقوه و در
طاقت آوردن باشد در عمل بدین اسماء و مراد از آن قیام نمودن تا بر نسبت تحقیق بآن رسد و بحقیقت چنان باید که قاری در هر اسمی نفس خاص از
سمی محفوظ و متمتع گردد و بصفت و خلقی که مقتضای آن اسم باشد متصف و متخلق گردد تا وقتی که حقیقت آن اسم تجلی کند در طالب صادق بقدر
استعداد خود و مظهر کمال آن اسم گردد و در حیطه تصرف آن اسم و تربیت وی بثبوت فعل و تاثیر کارهای عظیم پیش برد که در وسع بشر نگنجد
و اگر عروج مراقی این مقام و حصول بجوار این مرام دست ندهد بار[illegible] آناء اللیل و اطراف النهار بر قرائت اسماء باری تعالی که صفات خارا
سبحانی مواظبت و مداومت نماید که تکرار آن ثمر فواید جزیله خواهد بود [illegible] نام بهر آن اکسیر تاثیر که [illegible] زهر آگنده بیست
بهر رتش آمد به بود ورنه علامت بس از خاک تبه و بر عکس آن روشن و مبرهن است که بعضی [illegible] ترکیب [illegible] کمی [illegible] همه [illegible]
دفع مضرت [illegible] و نفع حیات [illegible] عقاقیر و غیر آن مرکب گردیده اند و طبایع مختلفه و حروف و فراقات متنوعه [illegible] در آن ترکیب [illegible] امتزاج داده
و آثار [illegible] برکات [illegible] مشاهده فتاده پس هرگاه ترکیب کلمه که مفهوم آن بحسب وضع لغت معلوم نباشد این مرتبه مفید است که آثار کلیه متوقع می‌گردد هر چند
کلمات از روی لغت عرب که افصح جمیع لغات است دلالت بر کلمات [illegible] العلم [illegible] و از حیثیت وضع بحکم صاحب شریعت اسمای از اسماء الله
[illegible] تلاوت و تکرار آن منتج منافع و دافع مضار خواهد بود شیخ شمس الدین بونی در شمس الکبرا آورده اعلم ان اسماء [illegible] خواص ینفعل [illegible]
[illegible] التلاوت [illegible] المداومه علیها [illegible] علما جعفر [illegible] الدر [illegible] خود آورده اند که ضعف طالع و بی رونق امور را جز اسماء الله علاج نتوان کرد و قول
حضرت رسول صلی الله علیه و آله مؤید این است انجا که میفرماید که ادعو الله [illegible] و میفرماید که لا یرد القضاء الا الدعاء و مقرر است که دعا بی ذکر
صورت نبندد فصل ۱۰ در اثبات خواص و آثار حروف و آیات و سور قرآنی بدانکه از مضمون کریم و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین و آیه و ننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین معلوم می‌شود که هر حاجتی که در جمیع افراد موجودات از علویات و سفلیات واقع است جمله در ضمن حروف و کلمات و آیات و سور قرآن
[illegible] و وجهی که ملتزم التجی موجود خواهد بود [illegible] هر چه خواهی همه وارند تو تنها داری [illegible] قول است از شیخ شرف الدین بونی رحمه الله که در تعلیقه کبری
آورده که بحکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء باید که هر چه طلبند از فواید ملکی و عواید ملکوتی مجموع آن در جامع مجید که لباب اعجاز تجلی [illegible] از انوار تنزیل
من حکیم حمید منطوی است میتوان یافت [illegible] مذکور نهایتش آنکه ادراک وقت آن صعوبت المقاصد است و بمدد توفیق ربانی و مساعدت عنایت و ماسیدی [illegible]
اشرف بر اصناف و اطلاع بر انواع آن میسر نگردد و الا چه مطلوب جوینده و در راه کدام مقصود پوینده بیان کیفیت و [illegible] کمیت با جمع مقامات
و منسوبات در این کلام معجز نمات مندرج [illegible] آن نقد کدام است که در گنج نو نیست و بعد از آن که بدلایل نقلی و براهین عقلی ثابت و متواتر است
که این کتاب شریف خطاب لطیف اتم و اعظم کتب منزله است و آیات او انوز واکبر و معجز او اظهار از سایر معجزات و آثار مذکوره در وی اعظم

از بواق ۹

از بیداق اسمای مسطوره در صفایح مقدمه هر اینه خاصیتهای او از خواص سایر کتابها اکثر و انفع خواهند بود و بجز امور آثار و تصرفات ملکی
در عالم کون و فساد مبیسر خواهند شد و نیز حدیث صحیح فاتحة الکتاب شفاء من کل داء و بروایتی تقدیمی لکل داء الا السام بدین معنی اشارتیست صحیح و قصه رقیه
دیما و بیدار کلمات و آیات قرآنی که حضرت رسول جبار بان اشاره فرموده اند بموجب متیقن و توضیح والله اعلم **فصل ۱۱** در کیفیت انتفاع بحروف اسما و آیات پوشیده
نمانند که سالکان مسالک طلب و قاصدان مقاصد ادب در ادراک خواص و آثار حروف و اسما و آیات و مشاهده فواید و عواید آن مرتبه اول تعلق همت
باستجلاب امری که مقصود و مطلب ایشان است نفس ناطقه را تاثیر تام و عمل خواصست درحین توجه بمقصود و بعضی از ارباب ریاضت بمجرد توجه و جمع همت
بی تکلم بمقاصد کلیه دینی و دنیوی و معنوی فایز شده اند مرتبه دیگر آنست که در لسان ظاهر شود و از قوت بفعل آمده التباس وجه لفظی بود و اینجا
نفس در تصرف بمقصود بسبب این وجود لفظی قوی دیگر باید مرتبه دیگر آنست که این وجوه لفظ منقش گشته مدد و معاون نفس شخصی و در تعجیل تام بمقصود
رسند مرتبه دیگر آنکه موجود در قمی بوثوق عددی منتصف گردد و درین صورت بواسطه توافق و اتفاق اعداد خواص عملی و آثار عظیم ظاهر میشود و از
این صورت در تحلیل نتیجه اجلی بلیغ و اوضح خواهد بود و لیکن شبهه نیست که این صورت تمام باید در تحصیل مقاصد مترشح بود و بالله حسن التوفیق
فصل ۱۲ در طریق التعالیه از اسما و آیات قرآنی منحصر در سه طریق تواند بود اول طریق توجه بارواح و حقایق حروف و توسل جستن بصورت
مثالی ایشان که در عالم ارواح دارند چنانچه در فصل ششم بآن رفته است و این طریق تجلیل خوانند دوم تلاوت حروف اسما و آیات که این طریق کلامی
خوانند سوم طریق کتابت آن رقم زدن اشکال حرفی و هیئت رقمی ایشان و این طریق کتابت گویند و اگر چه طریق اول اتم و اکمل است
و تنبیه آثار در آن صورت اعم و اکمل زیرا که در طریق کتاب و کلامی توجه بصورت تلاوت و کتابت مینمایند و انجا توسل بمعانی
و ارواح و حقایق حروف و کلمات میکنند لیکن و رزش این طریق که اعلی طریق استفاده است از کلمات و حروف مخصوص باکابر دین
و ارباب کشف و یقین است و عامه خلایق مبتدیان طریق حقایق بلکه متوسطان ایشان را از آن خطی و بهره نیست لاجرم
در ذکر آن شروع نمیرود و داد این مذهب شیخ بزرگوار ابو عبدالله مغربی رحمة الله در کتاب [illegible] المطالب داده و برای حروف خلوتی
معین ساخته و در هر خلوتی آداب و اوراد و اذکار مقرر گردیده و فواید و فتایج آن خلوت به تفصیل باز نموده پس اگر طالب علم است
راه و ق سلوک این طریق باشد باید که بآن کتاب نفیس رجوع نماید و چون طریق کلامی و کتابی نسبت بطریق تحلیل اسهل و اشهر بود باید
آن اقدام نمایند پوشیده نماند که طریق کلامی مسلک انبیاء کرام علیهم بود و طریق کتاب منهج حکمای عظام شکر الله سعیهم فی الاسلام
و هر یک از این دو طریق را قواعد و طریقی است و شرایط که بی رعایت آن هیچ فایده بر اعمال مترتب نمیشود لاجرم در ابواب آینده این مقاله
بذکر آن اقدام میرفته و بالله التوفیق **باب ۲** در شرایط و آداب عامه کلیه که رعایت آن در مجموع اعمال خیر و شر ضروریست مشتمل بر دوازده
فصل **فصل ۱** در طلب استاد کامل و عالم عاقل و گرفتن اجازه و تلقین از وی **فصل ۲** در ایجاب امانات شاقه و انصاف بصفات
حسنه **فصل ۳** در توجه تام بشغل اعمال **فصل ۴** در ملاحظه التحقاق معمول الله **فصل ۵** در تقلیل و حلیت طعام و ارتکاب
صوم و صدقه **فصل ۶** در ترک اکل حیوانی و بتوسلات که بخیر التراویح **فصل ۷** در طهارت جلوس ~~بحیی~~ عمل **فصل ۸**

[illegible]

در ملاحظهٔ ازمنه و تربیهٔ امکنهٔ متبرکه فصل ۹ در اختیار خلوت و عزلت و کیفیت جلوس در حین عمل فصل ۱۰ در سوختن بخور لایق
هر عمل و بر بخور داشتن معمول فصل ۱۱ در ذکر اعمال و عزیمت و نتیجه و کتمان آن فصل ۱۲ در افتتاح و اختتام عمل به ذکر و تسبیح و صلوات فصل ۱
در طلب استاد کامل و عالم عاقل و گرفتن اجازت و تلقین وی باید که طالب صادق قبل از شغل با عمال ملازمت استادی کامل و حکیم عاقل
اختیار کند بحکم خذ العلم من افواه الرجال از قول و فعل وی طریق اشتغال باعمال اخذ کند بتلقین و اجازهٔ وی در آن کار شروع نماید و حسب المقدور
در ملاحظهٔ شرایط رعایت آداب سعی جمیل به تقدیم رساند تا نتیجهٔ ثابته و فواید کامله مترتب شود و اگر بی اجازه و تلقین استاد کامل در اعمال شروع کند یا اگر
جمیع شرایط و مطلوبات را کما ینبغی رعایت کرده باشد هیچ خاصیت و منفعتی متفرع نگردد و بسیار اعمال باشد که اگر کسی برشد در آن خوض کند و اجازه
عمل نیافته باشد و طریق شغل با آن از استاد کامل مشاهده نکرده بجنون و اختلال فهم و عقل باشد و ممکن که دماغ و ارکان ضایع و پریشان شود که
بهیچ وجه من الوجوه اصلاح نپذیرد و همه اطبا و حکما از معالجهٔ وی عاجز و مضطر شوند و از این جهت گفته اند تحت الاستاد به آنکه کار ۵
فصل ۲ در اتحاد ریاضات شرعیه و اتصاف بصفات حسنه بدانکه از شرایط کلیه در اعمال ارتکاب ریاضات و مجاهده ایست و ریاضات
بدو قسم منقسم است یکی ریاضیات بحسب ظاهر است اعمال ظاهر مثل صیام ایام و قیام لیالی و ترک منهیات کلام و منام و طعام و عزلت از
صحبت خاص و عام و امثال آن و دیگر ریاضت بحسب باطن از توسل باعمال باطنی تنقیهٔ خاطر و تصفیهٔ محل از شواغل و تحلی باخلاق ملکی
و ترک صفات انسانی و شیطانی است تا وقت اشتغال باعمال لطیفه بمقتضای نفس و هوا در معاصی و شهوات شروع نکنند و در زمان مشغولی اعمال
قهریه از دروغ و غیبت و نفاق و نمیمت و عداوت و دشمنی خلق خدا خواص نماید بلکه باید که اعمال قهریه را مرتکب نشود الا از برای دفع ظالمی و فاسقی
که عامهٔ خلایق از دست زبان ایشان باشند و از قول و فعل او مضطر و حیران و اگر کسی بر خلاف این عمل کند و بهوای نفس و مقتضای طبع در اعمال قهریه
شروع نماید و بلای عظیم و نکال جسیم بر وی متفرع می شود و رجعت کلی نموده نفس و مال و اهل و عیال وی ضایع و بیکار شود و عضو تلف می شود برکت و جمعیت
از خان و مان و روزگار وی برده دو زیان نقد دنیا و آخرت کرده نعوذ بالله من شر و نقصان و سیئات اعمالنا فصل ۳ در توجه
تام بشغل اعمال و این از اعظم شرطهاست و بمنزلهٔ المطالب و مرده در علم نطق عبارت از اشکال است در هوا که قرع و کم میکنند در این
شکل الارت هوای بمثابه اجسام مثال است و روح این اجسام و قیوم آن توجه قاری و کاتب است و صعود حروف و کلمات بسوی
هر عالمی که متوجه بمفهوم و مضمون آن باشند آن کلمات اموات باشد قال الله تعالی الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه یعنی عمل صالح که رفع
کلمه میکند عبارت از آن توجه تام است که روح و قیام کلمه است و صعود کلمه بسبب اوست و هر کلمه که او را روح نباشد صعود او ممکن نیست
بی صعود کلمه اجابت مترتب نشود و نیز حصول اجابت بعد از صعود کلمه چنانچه اهل تحقیق فرموده اند خواهد بود که حروف و کلمه را
بحسب حقیقت صورتی است مثالی در عالم برزخ که بر صاحب کشف ظاهر میشود و آن صورت مثالی عبارت از روحانیت الحروف و الکلمه است
که در مبادی مثال منکشف میشود و چون سالک مترتب گردد و بروحانیت آن حرف که در این پیکر مثالی متجلی گردیده است اثر کلی بر آن
مترتب گردد و حقیقت این اثر آن تواند بود که روحانیت الحروف و کلمه در عالم مثال بصورتی که مناسب انعام است ظاهر گردد و در حضرت
الهی که مربی آن در حضرات اسمائی شده اند و باعث شود در سرعت اجابت و حصول آنچه مقصود است و در بعضی جهت شفاعت آنچه مراد

ومطلب عالی است

ومطلب عامل است افاضه نماید والله اعلم **فصل ۴** در ملاحظهٔ استحقاق آنچه مقصود است معمول له آن براعانت مسلمین و رعایت
مظلومین است در تحصیل منافع و دفع مکاره پس باید که در مباشرت عملی که برای منفعت است نظر باستحقاق محتاج کند اعم از آنکه محتاج خود
بود یا دیگری و در ارتکاب عملی که برای دفع مضرت است ملاحظه حقیقت مظلومیت کند اعم از آنکه مظلوم خود باشد یا دیگری چه دفع ستمکاران
از ستم رسیده کان علیت عند الخالق و الخلایق مستحسن اگر در آن باب حق بجانب مظلوم نباشد هرچند بحسب ظاهر مظلوم نماید دفع موجب
موجب نکال عامل خواهد بود پس در هر عملی از اعمال لطیفه یا قهریه باید که باشد به اعراض نفس نیز در اعراض شیطانیا شروع کند و بملکات
ملکی و اخلاق الهی متصف شود چنانچه قبل ازین گذشت یا بواسطه علاقه مناسبت و رابطه جنسیت بروحانیات و مجردات از جانب آن
در اعمال مدد های کلی یابد و حصول مآرب و وصول مطالب عنقریب فایز گردد **فصل ۵** در تقلیل طعام و ارتکاب صوم و صدقه باید
که عامل پیش از شروع و بعد از آن چند روز خود را از لقمه شبهه نگاه دارد که اکابر دین فرموده اند که آثار کدورت و ظلمت یک لقمه یا وجه با حصول روز
در باطن سالک میماند و ضمیر را مکدر دارد و با کدورت باطن دعا و تلاوه را هیچ اثر نخواهد بود و صاحب دار النظیم آورده که بروایت صحیح ثابت شده
که حضرت پیغمبر علیه السلام از یکی اصحاب را می طلب ساخته فرمود که مطعم مستجب دعوتک یعنی پاک کن دانه خود را تا مستجاب شود دعای تو
و از یوسف ابن اسباط منقول است که دعا فرو بسته میشود از رفتن بآسمان بسبب سوء طعمه و هرچند لقمه حلال بوده باشد باید در تقلیل
اکل آن کوشد و از خوردن اغذیه منجره اجتناب واجب داند چه بسیار خوردن طعام خصوصا طعام پر زناک هر آینه قوی دماغ را
تیره میگرداند و در حواس ادراکات کلال و ملال پیدا میکند و آن موجب کسالت و کدورت و غلبه خواب میشود و باطن از آنجهه
مکدر میگردد و البته باید که در روز روزه دار بود که روزه را در اجابت و اعانت و حصول مرادات مدخل تمام است و در اخبار
وارد شده که دعای روزه دار مردود نمیشود باید که قبل از شروع هم در عمل تصدیق کند که اثر آن در انجاح اثر کلیت چه او خاک
سر و در دل شکسته کان بحکم انا عند المنکسرة قلوبهم موجب خوشنودی حق سبحانه و تعالی باشد و در استجلاب فیض الهی و رحمة
نامتناهی نتیجه عظیم دهد **فصل ۶** در ترک اکل حیوان و بقولات کریهة الروایح باید چون مرتکب عملی شود
از اعمال کلی که در آن اهتمام بلیغ داشته باشد ترک اکل حیوانی کند از لحوم و شحوم و آنچه از حیوانات حاصل
میشود شیر و روغن و بیضه و غیر آن و اگر بطعامی چرب احتیاج افتد بدهن الحل اکتفا نماید که اثر آن بنانی یا برنج
یا شیره و امثال آن بیامیزد و فایده در آن ترک نمودن آنست که از خوردن حیوانی نفس و طبع قوت
عظیم یابد و با شهوات بحرکت آید و از ترک آن نفس و طبیعت ضعیف شود و جانب روحانیت قوی گردد
و بر جسمانیت غلبه کند و بعالم مجردات و بواسطه مناسبت پیدا زد و بقدر متابعت استفاضه کند
و باید که در اثنای عمل خواه کلامی و خواه کتابی خصوصا کلامی از تناول کردن سیر و پیاز و گندنای خام و هر چه بوی ناخوش

دارد بکلی پرهیز د چه ملائکه بغایت از آن متاذی میشوند و ارواح علوی و سفلی متنفر میگردند و امداد و اعانت ایشان بدان واسطه از عامل منقطع میشود و در احادیث صحیح وارد شده حضرت پیغمبر ص فرمودند که چون کسی ازین چیزها خورد باید که آن مجلس حاضر نشود که ملائکه از بوی ناخوش کراهیت دارند و از کسی که آن بو بهم آید متوحش میشوند

فصل ۷ در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل باید که قبل از شروع در عمل وضوء کامل سازد و اگر غسل کند اولی بود و اگر قوت مزاج وفا کند باب سرد و الا باب گرم و بدن را همیشه از نجاست پاک نگه دارد تا بحکم کریمه و یحب المتطهرین ابواب فتوحات نوری بمفتاح ظهوری بر دل وی گشاده گردد و باید در حین عمل جامه خوشبوی در پوشد چه پاکیزگی لباس را در صفای باطن مدخل تمام است و آیه مبارکه و ثیابک فطهر مؤید این معنی است و باید که آن لباس از وجه حلال ترتیب یافته باشد و اگر یک رشته در آن از وجه حلال دوخته باشند دعا یا شامل در آن لباس مستجاب نشود هم چنانکه لباس پاک معطر باید که در آن عمل شغل گیرد از خس و خاشاک و نجاسات و روایح کریهه پاک و پاکیزه و رفته و چیده باید و هیچ چیز از مطاع خانه و ماء و مصالح طبخ در آن خانه نشاید و اولی آنکه در اکثر اوقات خصوصا در زمان عمل بخورات لایقه مطیب و معطر باشد

فصل ۸ در ملاحظه ازمنه شریفه متبرکه اما ازمنه و آن دو قسم است شرعی و حکمی اما شرعیه دو نوع است مطلق و مقید اما ازمنه مطلقه آنست که مقید بشهور و ایام و لیالی مخصوص نیست و از نزد صاحب شریعت ص برای اجابت دعوات و نیل مرادات مقرر شده و در آن باب احادیث صحیح وارد شده مثل وقت سحر و هنگام طلوع فجر و طلوع آفتاب و وقت نزول باران و میان اذان و اقامه و سجده و تلاوت و بعد از اداء صلوة مفروضه اما مقیده آنست که بشهور و ایام و لیالی متبرکه مخصوص است مثل چهار ماه حرام و ماه رمضان و مثل عیدین و عرفه و عاشورا و روز جمعه و روز پنجشنبه و دوشنبه و مثل شب عید فطر و اضحی و برات و قدر و شب جمعه و شب پنجشنبه که در مجموع این اوقات عمل را تاثیر دیگر است و برای هر وقتی در کتب قوم عملی مقرر است و تطویل آن موجب ملال است اما ازمنه حکمیه عبارت از اختیار است از ساعات مسعوده و منحوسه ایام و لیالی مخصوصه و ساعات بکواکب و نظرات سیارات و حلول قمر بروج و منازل و طلوع درجات بروج و ملاحظه شرف و هبوط و تثلیث و وبال کواکب و رعایت طالع وقت و غیر آن از احکام کلیه و جزئیه ملاحظه نمودن همه اوقات محمود است و در بعضی اعمال رعایت بعضی احکام لازم است و تحقیق تفصیل آن مناسب این مقام نیست اما امکنه متبرکه که آن مواضع است که از برای اجابت دعوات از حضرت رسول الله ص بروایات صحیحه بثبوت پیوسته

مثل بعد آن جهاد و بعد از تغیر عام وصف اول از جماعت و عرفات و مشعر الحرام و حطیم و مقام ابراهیم علیه السلام و درون
کعبه و بام خانه و مروه و مسجد اقصی و مسجد حضرت پیغمبر صلعم و روضهٔ مقدسه وی و مقابر سایر انبیا و مشاهد ائمهٔ معصومین
و سایر مساجد و معابد روی زمین

فصل ۹ در اختیار خلوت و عزلت و کیفیت جلوس در حین عمل باید که عامل
در وقت مشغولی باعمال خلوت و عزلت اختیار کند و ترک اختلاط اهل رسم و عادت نماید خصوصاً عوام و اطفال
و اصحاب عقول ناقصه تمام چه بحکم تجربه که امری مقرر است از ظلمت غفلت اهل نفس و هوای باطن وی متأثر
خواهد شد و فتور تمام بصفای خاطر وی راه خواهد یافت و باید که در خلوت هیئة متوجه قبله نشیند چه از حضرت
رسالت پناه هر چنین مشاهده افتاده که در حین دعا روی بقبله می آوردند و متوجه کعبه می نشستند و دستهای مبارک
بهم میداشتند و چون دعا تمام میکردند دست مبارک بر روی فرو می آوردند و متوجه و میگفتند که پروردگار
شرم نکی و کریم است و شرم دارد از بنده خود وقتی که دست حاجت پیش او برد آنکه آنرا خالی باز گرداند
و باید که در حین توجه بقبله وقتی که بطریق کلامی عمل میکند مربع نشیند که اکثر علما و اهل فن بر آنند که در وقت قرائت
دعا و تلاوت قرآن بر وضع مربع نشستن در حصول نتایج انفع و ابلغ است چه دغدغه طبیعت در آن کمتر است و صورت
و از حضرت رسالت صلعم بنقل صحیح ثابت شده است که بعد از ادای نماز بامداد که وقت اجابت دعوة است چون
بخواندن اشتغال میفرمودند مربع می نشستند تا وقتی که آفتاب طلوع میکرد و بعضی دیگر از اکابر محققین طریق
دوزانو نشستن را با وقت معینی که میان فریضهٔ بامداد و طلوع آفتاب است مخصوص ساخته اند و صاحب
ترجمه عوارف رحمة الله آورده که صاحب خلوت باید که همیشه در حالت جلوس بر هیأت قعود تشهد نشیند
و با خود چنان تصور کند که حاضر حضرت عزت است و حضرت رسول صلعم اینجا حاضر بقید وقار و احترام بنشیند

فصل ۱۰ در بخورات لایق سوختنی و برخود داشتنی معمول باید که قبل از افتتاح عمل خواه در طریق کلامی و خواه
در طریق کتابی بخورات مناسب العمل بکار برد و مخفی نماند که برای هر عمل در هر روزی از ایام اسبوع
و برای هر کوکبی از سبعه سیاره بخوری خاص مقرر است که در آن وقت و چه روز که تعلق بآن کوکب
دارد باید سوخت و در امثال ایراد بعضی از اعمال مذکور خواهد شد و اگر چه اهتمام طبع در بخور سوختنی
مخصوص باعمال تسخیرات جن و کواکب است اما در بعضی اعمال این کتاب نیز بخورات لایق
سوختنی و در بخورات داشتنی معمول امری مقرر و شرطی معین است و در جمیع اعمال خیر و شر
سوختنی عود و عنبر و عطرهای خوشبوی بکار داشتنی مناسب است و در جمیع اعمال کتابت
نیز سوختن کندر و سندروس و داروهای که باتش بوی بد دهد نهادن لایق است و اعمال کتابها که اگر از قبیل لطفیات

بعد از اتمام بخورات خوشبوی باید داشت پس درهم باید پیچید و ذکر آن در اثنای اعمال ایراد خواهد یافت

فصل ۱۱ در تکرار عمل و صبر بر تاخیر نتیجه و کتمان عمل باید که بیک نوبت که عمل کند اکتفا ننماید و به اندک اثری
که مترتب شود قناعت نکند و اگر ظاهر نشود باید که ملول نگردد و قطع امید نکند چه میشاید که بواسطهٔ تقصیری
در ضوابط و شرایط نتیجهٔ آن عمل در عقدهٔ تعویق و تاخیر افتد پس بتکرار تدارک عمل آن تقصیر باید کرد یا بجهت انتظار
فلکی مانعی بوده باشد لکن نیز مرتفع شود و اگر در رعایت شرایط فرو گذاشتی بوده باشد لکن تکرار موجب مزید نتیجه
و مدد قوت باشد در ظهور اثر و خاصیت و باید که عامل بر ریاضت اعمال و مشقت آن تحمل کند و کلفتی که در عمل بطبع
و نفس وی رسد ملول نگردد و اگر شاهد مقصود بزودی جمال ننماید ترک عمل نکند و بر یقین دوام و عزم
صحیح راسخ و ثابت قدم باشد تا وقتی که بمراد خود فایز گردد که در کتمان عمل از اهل و بیگانه و محرم و نامحرم
به تخصیص زنان و کودکان و اصحاب عقول ناقصه و عوام الناس و ارباب فسق و فجور و سفها اقوام سعی
جمیل بتقدیم رسانند و قاعدهٔ استعینوا علی حوائجکم بالکتمان را نیک رعایت کنند که از خفای عمل موجب
سرعت نیل مقصود است و صاحب کتاب دُر النظیم آورده که از جملهٔ شرایط دعا اخفا آنست
پس باید که هیچکس بر دعا و مناجات وی مطلع نشود و بر عمل وی واقف نگردد کما قال الله تعالی ادعوا ربکم
تضرعا و خفیة حکایت زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا و معنی خفیا آنست که پوشیده و پنهان و پوشیده
دعا فرمود و در دل شب مناجات عرض و در نفس خود نهفته از همه کس چنانچه غیری بر آن اطلاع نیافت و نتیجه
این دعای پنهان آن بود که حضرت حق سبحانه و تعالی یحیی را ع موهبت فرمود

فصل ۱۲ در افتتاح و اختتام عمل
بذکر ~~و تسبیح نه جهر و نهان لکن به~~ و تسبیح و صلوات باید که در جمیع اعمال کتابیه و کلامیه پیش از شروع بآن
ابتدا بآن ذکر و تسبیح و صلوات کنند چه در اخبار روایت است که هرگاه حضرت رسالت ص خواستی که دعایی
بخواند اول گفتی سبحان ربی العلی الاعلی الوهاب و در آثار آمده که آنحضرت فرموده که چون کسی از حق سبحانه و تعالی
حاجتی خواهد اول بر من صلوات فرستد که حق سبحانه و تعالی از آن کریمتر است که بنده از وی دو حاجت خواهد و او
همین یک حاجت را اجابت کند و دیگری را فرو گذارد و صاحب در النظیم آورده که از بعض اصحاب کبار رضی الله عنه
مرویست که دعای بنده موقوف میباشد و بمصعد قبول و باجابت نمیرسد تا وقتی که بر حضرت رسول ص
صلوات فرستد و باید که عامل در جمیع اعمال چنانچه قبل از شروع ابتدا بصلوات میکند بعد از اتمام ختم
بر صلوات کند تا عمل و دعای در میان دو دعای مستجاب واقع شده باشد و هم صاحب در النظیم از ابی
سلیمان دارانی که از مشایخ کبار است نقل کرده که چون از حق سبحانه و تعالی سؤالی کنی باید که ابتدا بصلوات

پس حاجت خود عرضه داري بعد از آن ختم بصلوات کن که حق سبحانه و تعالی شبهه آن دو صلوات را قبول می کند و از کرم آلهی
و لطف نامتناهی نه سزد که سه حاجت را که بنده عرض کند اول و اخر را قبول کند و انچه در میان باشد بگذارد ۵
در شرایط و آداب تلاوت مشتمل بر دوازده فصل باب ۳ در تلاوة حصری فصل ۱ در تلاوه اطلاقیه فصل ۲ در بیان
حفظ عدد و ترک بالانفین بین الوقتین فصل ۳ در اختیار خلوت و صفت خلوت خانه و آداب در آمد بانجا فصل ۴ در
صفت جلوس در آن خلوت و شرایط ضروري عامل انجا فصل ۵ در موافقت دل با زبان در حین تلاوة فصل ۶ در رعایت
تجوید و فت قراءات فصل ۷ در ملاحظه ترتیل هنگام قراءت فصل ۸ در حفظ صورت و سطحی فه و جهر فصل ۹
در ترک سجع و التکلف فصل ۱۰ در ترک تفهق و تشدق فصل ۱۱ در نفث که در رسیدن نفس است بکیفیتی خاص
فصل ۱ در تلاوه حصری بدانکه طریق کلامی و کتب با مسلک انبیاء کرام صلواة الله و سلامه علیهم اجمعین بوده است
و آن تلاوه حروف و اسماء و سور و دعوات است منقسم بدو قسم اول حصری دویم اطلاقیه و هر قسمی در فصلی ایراد
می یابد اما حصري آنست که نصاب قراءات معینی کرده باشند بعدی خاص قراوت بدان نصاب نرسد فایده و نتیجه
بران مرتب نگردد و اگر از آن نصاب در گذرد هم خاصیت و اثر متفرع نشود همچنانکه کسی را بگنجی نشان داده باشند
که از آن فلان موضع که مثلا چهار گام که بفلان موضع رود ببر گنج رسد پس اگر وي تقصیر کند و یک گام برداشت دیا
یا غلو کرده پنجاه گام بر رود هرگز بمطلوب نرسد و از مقصود دور افتد و پوشیده نماند که قسم حصری در ایصال
منافع و فواید از قسم اطلاقیه اهم و اکمل است چه خواص عدد و اثار و منافع آن از التکلف شرح و بیان مستغنی است
و عوام احتیاج که کافه انام را از خواص و عوام بعدد هست و شمول نفعی که اورا در فنون معاملات و مشارکات
و صنوف حروف صناعات واقع است در کمال وضوح و ظهور است و الامر واضح من نادعی العلم فصل ۱ در بیان
تلاوه اطلاقیه بدانکه تلاوه اطلاقیه آنست که قراوت بعدد خاص اختصاص نیافته باشد بلکه الداعی الیقینی چند انکه
خواهد بخوانند و مخفی که مال اطلاقیه نیز از روي حقیقت بحصری باز میگردد زیرا که درین قسم نیز وقتی که اثر عمل
مترتب شود هر آینه عدد آن بحدي معینی رسیده باشد غایتش انکه این حد معین غیر حق سبحانه و تعالی کسی نمیداند
مگر بتعلیم و الهام وی کسی را از بندگان خاص خود را برین معنی مطلع گرداند و چون عامل درین قسم عددی با خود محرر
و مقرر نزد که در وقتی از اوقات شب و روز بتلاوه حرفی یا اسمی یا آیتی یا سوره ئی یا دعائی قیام نماید روا بود
عند الضروره در آن اثنا سخنی اجنبی گوید بخلاف قسم حصری که بهیچ وجه در اثنای میان سخن گفتن جایز نبود نه بضروره
و نه بغیر ضرورت چنانچه در فصل آینده انشاءالله بدان خواهد رفت و درین قسم چون بحسب ضروره حدیثی

اجنبیه افتاد اثر العمل ضعیف گردد و فایده معتد به بر آن متفرع نشود و اگر عمل از سر گیرد اولی بود

فصل ۲ در حفظ عدد و ترک ما لا یعنی بین الوقتین بدانکه رعایت عدد از اعظم شرایط است در طریق کلامی زیرا که در ضمن عدد
خواص عجیبه و آثار غریبه مندرجه لهذا القیح مجمع ازین مو از باب دینی و دنیا از وی خالی نیست چه مواظبت ارکان
طاعات و عبادات و امور کلیه از شرعیات همه وابسته بعدد است و ازین است که اوضاع شرعیه اکثر بر عدد خاص
مبنی گشته و قراءت بعضی و آیات و سور قرآنیه یا دعاء معینه مخصصه از وضع صاحب شریعت ع در مواضع کثیره بنقل
صحیح ثابت شده است پس در اعمال کلامی چه قراءت و تلاوه حصری نوعی چنان معین شده باشد که یک بار
در روزی یا شبی تمام نتوان آن گفتن اثرا بر اوقات قسمت نماید و در حین فراغت بین الوقتین باید که از
چهار چیز اجتناب کند اول از کثرة کلام دویم از بسیاری مقام سیم از اکثار طعام چهارم از اختلاط اطفال
و ... و عوام و بعضی علماء این فن بر آنند که چون تلاوه حصری بود تا آن عدد بنصاب خود نرسد
با هیچ کس از آشنا و بیگانه به بریان آن نرسد بلکه هیچ چیز آنی که منع وی ممکن نوع باشی نرسد و در آن
خلوت باید غیر ذکر و نماز و تلاوه و آنچه در عمل مقرر شده امری دیگر از وی صادر نشود البته از اقوال
و افعال اجنبیه که در عمل هیچ دخل ندارد بغایت محترز باشد و باید که در آن خلوت خانه اصلا پهلو
بر زمین ننهد و خواب نکند مگر باختیار در حینی غلبه خواب و این چیزی مطلقا نخورد و نیاشامد
و همیشه بر وضوی کامل بود و در حین جلوس چشم وی بخواب گرم شود یا از کثرت تکرار ذکر و تلاوه ملالی
و ملالی عارض شود تجدید وضو کند و باز بر سر عمل رود

فصل ۳ در موافقت دل با زبان و در حین تلاوه
باید که چون عامل آغاز تلاوه کند دل خود را حاضر گرداند و هر چه بزبان میگوید معنی آن را بدل می اندیشد و چیز
دیگری را جای ندهد و این وقتیست که عالم باشد بمعنی آن چه میخواند و اگر عالم نبود باید در تلاوه قرآن اندیشه
کند که این کلام حضرت خداوند است و در ذکرها اسماء الهی ملاحظه نماید و در صفات کمال او و در قراءت دعوات
اندیشه کند که مناجات و رفع حاجات است در حضرت رفیع الدرجات بواسطه این اندیشه و عظمت حق سبحانه و تعالی
در دل وی جا کرده خاطر از پریشانی خلاص گرداند و آثار رکیه بر جمعیت باطن وی مترتب گردد و اگر زبان وی با اسما
و آیات جاری بوده دل وی از معانی آن غافل هیچ فایده از آن متفرع نشود و اوقات ضایع کرده باشد بلکه
در بعضی اعمال خوف رجعت بود و آیه فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله مؤید این معنی است چه بعضی از اکابر
اثرا گفته اند که در اثنای ذکر از مفهوم آن غافل و ذاهل باشد

فصل ۴ در رعایت تجوید وقت قراءت باید

که هر حرفی و کلمه را که بر زبان براند ملاحظه تجوید آن بکند یعنی هر حرفی را از مخرج وی ادا نماید پس اگر بود که بواسطه مخرج در بعضی از کلمات
حرفی را از غیر مخرج ادا کند و بدان سبب تغیر تمام معنی آن کلمه راه یابد باید مثلا در اسم ظاهر اگر حرف ظا بحرف زا مبدل شود و
وقاف بغین تبدیل یابد ظاهر گردد موقوف علیه شود و در معانیه تفاوت فاحش پیدا شود و بدان سبب عمل وی بی فایده گردد
بلکه نتیجه بعکس دهد **فصل ۵** در ملاحظه ترتیل هنگام تلاوه باید که رعایت ترتیل را در تلاوه واجب دانند و ترتیل آنست
بود که کلمات را حرف بحرف روشن و ظاهر ادا کند به سرعت و شتاب نکند تا کلمات و الفاظ شکسته نشود بهیچ وجه من
الوجوه در آن اثنا تکلم بکلام اجنبی جایز نبود اگر به اختیار اتفاق افتد عمل باطل شود و در عمل خیر هیچ اثر مترتب
نشود و در عمل رجعت نیز بود و صاحب عمل اکثر اوقات ساکت ماند خصوصا بین الوقتین و اگر در آن حین بحسب ضرورة
سخن گوید باید که سخنی گوید که ضروری و خیر مستمع در آن باشد و الا سکوت کند و همیشه زبان او از کذب و غیبت
و تهمه و بهتان و فحش و کلمات بیهوده نگاه دارد **فصل ۶** در اختیار خلوت و صفت خلوتخانه و آداب در آمدن در وی بر عامل
واجب است که در حین تلاوه منزوی و منقطع بود از خلق و تا عمل با تمام نرسد قدم از خلوت خود بیرون ننهد مگر بضرورة
اکل و شرب و وضو و طهارت و باید که وسعت خلوتخانه همان قدر باشد که تواند بر پا ایستاد و نماز تواند کرد و البته زیاده بر آن
نباید و باید که یک در داشته باشد و در وی روزنه و فرجه دیگر نبود که باد و روشنی در آید و حواس همه از و متفرق شود
و باید که آن خانه از مردم و مواضع ازدحام و غوغای خلق دور بود تا آواز و مشغله مردم نشنود و موجب توزع و تشویش
خاطر وی نشود و باید که چون قدم در آن خلوت نهد بگوید رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق واجعل لی
من لدنک سلطانا نصیرا و چون قدم بر مصلی نهد بگوید بسم الله و بالله والحمد لله والصلوة والسلام علی رسول الله
اللهم اغفرلی وافتح لی ابواب رحمتک پس دو رکعت نماز گذارد و پیش از شروع در عمل از سر خضوع و خشوع
در رکعت اول بعد از فاتحه بخواند وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا و در رکعت
دوم بگوید رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ بعد از آن در عمل و تلاوه شروع کند **فصل ۷** در صفت جلوس
در آن خلوت و شرایط ضروری عامل اینجا بدانکه باید همیشه عامل در آن خلوت در زمینی بی فرش نشیند و میان وی
و زمین هیچ حایل نباشد که آن بتواضع اقرب است و اگر فرشی باشد باید که چیزی بود که از زمین جدا روییده باشد
مثل بوریا و حصیر و غیر آن و باید همیشه برابر قبله نشیند تا تواند در حالت جلوس نیز بر هیئات قعود و تشهد خصوصا در وقت
فراغت از شغل و اگر در حین عمل چارزانو نشیند بلکه اولی بود بمذهب جمعی از علمای این فن و باید که غیر وی اصلا و قطعا بمجلس
با آن خلوت راه نیابد و قدم هیچ یکی نه نرسد که برکشش لفظ نزدیک تر بغیر راه یابد **فصل ۸** در حفظ صورت میان مخافه و جهر

يفت

يعنى عامل بايد كه در اثناى تلاوة آواز خود را فرود آورد ميان نرم خواندن وبلند خواندن كما قال سبحانه وتعالى ولا تجهر بصلواتك ولا تخافت بها بعضى از مفسرين آن را به صلوات را بمعنى دعا داشته اند ودر خبر صحيح آمده كه حضرت پيغمبر صلعم از سفرى مراجعت كرده بودند وبمدينه مشرفه مى آمدند چون نظر صحابه بر سواد شهر افتاد بآواز بلند تكبير گفتند آنحضرت فرمود كه اى مردمان بدرستى كه شما نمى خوانيد كه اصم نيست بلكه كسى را ميخوانيد كه سميع است ونزديك بشما است از رگ گردن شما

فصل ۹ در ترك سجع وتكلف بدانكه يكى از شرايط عمل در طريق كلامى ترك سجع وتكلف است ودر عبارات دعوات ومناجات پس بايد كه چون حاجت خود را بر حقيقى تعالى عرض كند در آن وقت از اداى سجع سازى وتكلف عبارت پردازى اجتناب واحتراز فرمايد چه در مقامى كه خضوع وخشوع وتضرع ونياز مطلوب تكلف در سجع عبارت نامرغوب است پس البته بايد كه در حين عرض حالات از تكلف عبارت بپرهيزد زيرا كه در وقتى دعا بحكم آيه ادعونى استجب لكم ادعوا ربكم تضرعا وخفية انّ الله لا يحبّ المعتدين تضرع وزارى بايد نمود وتضرع منافى تكلف است مفسران درين آيه چنين گفته اند كه معتدين طايفه اند كه در دعا تكلف كنند وسجع وقافيه مرعى دارند ودر اخبار روايت آورده شده كه حضرت پيغمبر صلعم فرمود كه زود باشد كه پيدا شود قومى كه در دعا تكلف كنند

فصل ۱۰ در ترك تفهق وتشدق بايد كه عامل در حين قراءت وتلاوة البته ترك اين دو صفت كند كه از جمله مكروهات است وتفهق كنايت از توسع است در كلام بنا بر اظهار فصاحت ودعوت بلاغت پس بايد كه عامل در حين مناجات وعرض حاجات دعاء ومدعاى خود را باندك عبارتى دلاويز واشارتى مرحمت انگيز ادا نمايد واز تطويل كلام وتفصيل مرام اجتناب تمام نمايد كه بهترين كلامى آن بود كه الفاظ او كم باشد ودلالت كند بر معنى بسيار واين منع بسيار الحاح است بلكه بحكم حديث انّ الله يحبّ الملحين فى الدعاء الحاح در دعوات ومناجات از جمله مستحبات است وحد الحاح سه بار تكرار كردن حاجات وزياده بران لجاجت است وتشدق عبارت از لب ودهان كج وراست كردن در حين تلاوة وتكلم چنانكه بعضى از جهال قرا بجهة مبالغه در تجويد واهتمام در اداى حروف از مخارج آن بلب ودهان حركات كنند وآن را هنرى مى پندارند وفضيلتى ميدارند وحضرت رسالت پناه صلعم در بعضى احاديث متشدقين را مذمت فرموده

فصل ۱۲ در نفث كه دميدن نفس است بكيفيتى خاص وآن بعد از اتمام تلاوة حروف واسماء وآيات وسوره ودعوات باشد وكيفيتش چنان است كه فرجه ثاء مثلث را از ضم شفتين بر وجهى كه در حين تلفظ حرف واو مى باشد يعنى نرم در دمد واز حضرت رسالت پناه صلعم بدين وجه مرويست ودر احاديث

صحیح ثابت شده که کان رسول الله اذا مرض احد من اهله نفث علیه بالمعوذات و مثل این از اکابر ماثور منقولست
و حکمت درین است که باطن منطوقیت بر سری از اسرار الوهی که موسوم شود بروحانیت آن و خواننده نفث آن
روحانیت میرکشد بسط آن در نفس و امتثال آن بحسب صورة در حینی که متوجه آن است هرآینه فایده که بر آن مترتب
خواهد شد والله اعلم باب چهارم در آداب و شرایط کتابت مشتمل بر دوازده فصل فصل ۱ در بیان کتابت رسمی
فصل ۲ در بیان کتابت وفقی فصل ۳ در بیان ملاحظه جدیه فصل ۴ در رعایت الوان مداد فصل ۵ در اوراق
و صفایح و خواتیم که بر آن رقم زنند فصل ۶ در آلات و ظروف و اوانی که بران نویسند فصل ۷ در جلود
و عظام حیوانات که برو رقم زنند فصل ۸ در توجه تام بصورت خطی و امعان نظر برو فصل ۹ در اشتغال
قوت خیالی با حرکات فصل ۱۰ در بیان محل مکتوب فصل ۱۱ در بیان ضبط در فن معمول فصل ۱۲
در بیان محو کردن مکتوب و آشامیدن و پاشیدن و مالیدن فصل ۱ در بیان کتابت رسمی
بدانکه طریق کتابتی که منهج حکمای عظام است شکر الله مساعیهم فی الاسلام و لکن کتابت حروف و اسماء و آیات
و سور و دعوات است منقسم است بدو قسم اول رسمی دوم وفقی و هر قسمی در فصلی ایراد می یابد اما رسمی و آن چنان است
که حروف و کلمات و اسماء و آیات را بقلمی خاص که بعضی از کبرا و حکمای متقدمین و علمای متاخرین وضع کردن که رقم
زنند بنا بر نکته اخفا از نظر اغیار یا غیر آن چنانچه بر ارباب آن روشن است و از قلمها آنچه بنظر در آمده سی قلم است
اسماء آن مذکور میشود اول داودی دوم عبری سیم و چهارم و پنجم سریانی و آن سه نوع است ششم یونانی هفتم طلسم اطوقی
که هم یونانیه وضع کرده اند هشتم قلم جابر حیانی که بعضی رسایل کیمیا و غیر آن بان قلم نوشته اند تا سفها بر رقم بر آن اطلاع نیابند
نهم قلم عبرانی دهم قلم صابیا یازدهم ستی که دایره ستی را بان قلم نوشته اند دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم قلم دیلمی و آن
سه نوع است پانزدهم غبار شانزدهم و هفدهم و هیجدهم و نوزدهم و بیستم قلم ریحان و آن پنج نوع است بیست و یکم قلم
سنبل است بیست و دوم و بیست و سیم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم قلم طلسمی طلسمات است و آن بر
پنج نوع است بیست و هفتم قلم حمری بیست و هشتم قلم طبیعی و بیست و نهم قلم رمام و عبار سی ام قلم کاتبی و آن قلم
علمیت که والد این فقیر وضع کرده و در تخلص خود موسوم ساخته و کتاب اسرار قاسمی که در بیان علم سیمیات ساخته
و غرایب فن سیمیا تالیف کرده اند و بان قلم نوشته بنا بر ملاحظه اخفا از نظر جهال و سیمیا کنایت است
از علم تصرف در خیالات و ریمیا عبارات از فن شعبده است و چون تفصیل این اقلام موجب تطویل کلام
بود در مقصود چندان دخلی نداشت لاجرم بذکر اسماء آن اکتفا نمود والسلم فصل ۲ در بیان کتابت وفقی

بدانکه کتابت وفق آنست که حروف و اسماء و آیات را با اشکال یا حروف را بصورت یکی از قلمهای رسمی کانه اعداد
حروف را وکلمات را بصورت ارقام هندیه و این شیوه تر است یا مجموع حروف وکلمات و ارقام هندیه را و این
کامل تر است در الواح و مربعات وفق درج کنند بر وجهی که در علم اعداد ووفق اکابر این فن تعیین فرموده اند
و پوشیده نماند که آثار اعمال کتابی را بقا و ثبات از اعمال کلامی زیاده است و نتیجه و فایده عظیم تر و قوی تر است
دوام بقای حروف و ارقام بر اوراق و الواح و اگرچه در اعمال کلامی سرعت و اجابت مقرر است لیکن
آثار آنرا چندان ثبات و بقایی نیست بواسطه عدم ثبات وکلمات ملفوظ بخلاف کلمات مکتوب
خصوصا آنچه در مربعی از مربعات وفق درج کنند و پوشیده نیست که وفق از سایر کلمات مکتوبه بواسطه
اجتماع اعداد وتوافق ارقام وتفاوت عددی که موجب تاثیر کلیه است اتم واکمل خواهد بود در اثبات آثار و بقای
خواص کما لا یخفی اهل الاختصاص و این قسم وفق دو نوع است اول تصحیح دوم تکسیر و ارباب علم حروف
قسم تکسیر را اعتبار نموده اند وقسم تصحیح را با آنکه از روی خاصیت درین فن مدخل میتواند بود علیحده فن
دانسته اند و وقوف بر تفاصیل آن کتب اعدادیان مفوض میگردد خصوصا کتبه المراد در تفصیل کتاب
علم مراد اعداد بر آن کمال و جمال کل شکفته است بیت هر که از این چمن گل باید تماشای آن کند باید
فصل ۳ در ملاحظه قلم جدید عامل باید که چون یکی از اعمال کتابی اقدام نماید اول قلمی اختیار کند
که هنوز او را نتراشیده باشند و بآن چیزی ننوشته باشند و قلمی که یکبار او را تراشیده باشند و بآن حرفی
نوشته باشند اصلا و قطعا روا نبود که چیزی از اعمال بدان نویسند و اگر بقلم فولاد نقش خواهد کرد باید که
این نکته را مرعی دارند و از فولاد جدید غیر معمول سازند و آن قلم جدید باید که از وجه حلال حاصل شده باشد
تا نتیجه که مطلوب است بدان اعمال مترتب شود والا در لطفیات فایده ندهد و در قهریات ضرر کند
فصل ۴ در الوان مداد باید که مناسب هر عملی از اعمال قهریه و لطفیه برای کتابت لونی خاص اختیار کند مثلا
در اعمال عداوت لونی بکار برند که تعلق بکواکب نحس دارد مثل سیاه وکبود و سرخ و در اعمال محبت صبغی اختیار کنند
که منسوب است بکواکب سعد مثل سفید و سبز و زرد تا بسبب مناسبت فایده تمام ترتیب یابد و باید که
ملاحظه حلیه مداد را از لوازم شمرد والا ضرر کند چنانچه در ذکر قلم ایراد یافت فصل ۵ در اوراق و صفایح
و غیرهم که بر آن رقم زنند باید دانست که بعضی اعمال از آن قبیل است که آنرا بر کاغذ باید نوشت پس اگر عمل از
اعمال لطیفه است آن کاغذ جدید سفید و پاک و صاف باید چنانکه رنگ و داغ و زخمی نداشته باشد و از وجه حلال

حاصل شده باشد و اگر از اعمال قهریه است هم جدید و پاک باید و از وجه حلال اما رنگ او تیره باید که سفید
و بعض از الجمله است که بر حریر باید نوشت و آن نیز حکم اوراق دارد و حریر نو باید و پاک و سفید در اعمال
خیر و نو و پاک و رنگین در اعمال شر و بعضی از اعمال که از آن مقوله است که از ابر و ورق آهو باید نوشت پس
وی را ذبح کرده باشند پوست وی گرفته و ورق ساخته اولی بود خصوصا در اعمال لطیفه و آنچه از دهن فرا گیرند
درین مرتبه روا نبود اما برای اعمال قهریه انسب بود و بعضی اعمال که بر صحیفه زر یا نقره یا مس نویسند و بعضی
که بر نگین انگشتری رقم زنند این مجموع باید که جدید غیر معمول باشد و خالص غیر مغشوش که از وجه حلال بدست آورده
باشند تا نتیجه دهند بر وجه کمال و انگشتری اگر خواهد نوشته باید که از زر نباشد که تختم بران حرام است مرد را الا بلکه اگر با خود
نگاه دارد که نپوشد روا است **فصل ۶** در آلات و ظروف و اوانی که بران نویسند بدانکه بعضی اعمال از آن قبیل است
که بر آلات چینی یا زجاجی و امثال آن باید نوشتن از برای شستن و محو کردن و آن ظرف چنان صلب و شفاف باید که
مداد در وی نفوذ و تصرف نباشد تا وقت شستن تمام لکن محو شود و اثری از کتابت و مداد بر او نماند پس بر ظرف مرمر و بلور
و امثال آن نوشتن لایق بود و بر ظروف رنگ ریخته که رنگ او پخته و صاف بود بر قلعی زری و سیمین و امثال آن مناسب باشد
و مجموع آن آلات و ظروف و اوانی نو باید که هنوز کار نفرموده باشند و از وجه حلال میسر شده باشد و اگر عمل بر ظرف
مسینی مستعمل نویسند که نو قلعی کرده باشند که هنوز کار نفرموده باشند جایز بود و اولی آن است که آن نیز نو و غیر
مستعمل بود و پاک از غصب و سرق **فصل ۷** در جلود و اعظام حیوانات که بر آن کتابت کنند بدانکه بعضی اعمال از الجمله
است که بر پوست حیوانات از سباع و بهایم مثل شیر و ببر و پلنگ و گرگ و گوسفند و غیر آن باید نوشت پس پوست
هر حیوانی که ماکول اللحم نباشد باید که دباغت کرده باشند بتخصیص حیوانی که خود مرده باشد و اگر حیوانی غیر ماکول اللحم
نباشد ذبح کنند بر پوست بی دباغت نوشتن روا بود بشرط که از خون و نجاست پاک شده باشد و بوی بد نگرفته
باشد و بهر مطلب معطر باید ساخت و پوست سگ و خوک اصلا هیچ کتابت حروف و اسماء و آیات جایز نبود زیرا
که پوست این دو دباغت نه پذیرد اما در اعمال قهریه چیزی از اقسام هذیر الحروف و کلمات بر پوست و استخوان سگ
یا خوک نویسند مرخص بود و ترک آن نیز اولی بود و در بعضی اعمال آن است که بر شانه و ساق حیوانات نویسند
و اولی آن بود که استخوان از حیوان مذبوح فرا گیرند خواه گوشت وی حلال بود و خواه حرام و اگر از مزابل و مواضع
قاذورات استخوان سوده و فرسوده فرا گیرند و ندانند که خود مرده یا ذبح کرده اند و گوشت وی حلال بود و خواه حرام بر وی
نوشتن جایز بود بشرط که پاک شسته باشند زیرا که حکم در اشیاء حلیت و طهارت است و بر پایه این حکم کردن

اولی است ولیکن طریق احتیاط آن است که حیوانرا بعد ذبح استخوان وی را فرا گیرند خصوصاً در اعمال لطیفه **فصل ۸** در توجه
تام بصورت خط و امعان نظر بر آن باید که در حین کتابت نیک متوجه باشد بصورت خط و هیأت رقم با خطوط
و ارقام و اشکال راه نیابد تا چیزی بر وضع اصلی بیفزاید که هر دو در حصول نتیجه مضر است و باید که در حال کتابت
با معانی نظر و گماشتن بصر بر صورت خط و هیأت رقم مقید باشد و چشم بر آن دارد و دیده بر آن گمارد و اگر فرضاً چشم
پوشیده یا نظر از آن برداشته چه می‌نویسد یا رقم زند آن اثر و نتیجه نخواهد داد که دیده بر آن دوخته باشد و چراغ بصر بر افروخته
و مقصود ازین تاکید کمال توجه نفس است بر شغل کتابت که اثر و خاصیت کلی بران توجه متفرع است در استعمال
قوت خیال با مرکبات عامل باید که در وقت کتابت بحسب خیال و اندیشه بشغل کتابت و تسطیر خطوط و تحریر ارقام
مشغول باشد و غافل و ذاهل نگردد و اگر در آن حین اندیشه و خیال مصروف امر دیگر است و دست وی
حرکت میکند و قلم بطریق عادت جاری میشود لیکن دل از آن خبر ندارد هر چند چشم بر آن داشته باشد و نظر
بر آن گماشته این کتابت حکم تلاوت دارد که زبان حرکت میکند و خاطر بجای دیگر مشغول است چنین کتابت و تلاوت
هیچ فایده مترتب نشود و اوقات کاتب ضایع باشد و در اعمال قهریه خوف رجعت **فصل ۹** در بیان حمل مکتوب
چون حمل مکتوب کتابت بر اوراق صفایح و صحایف و خواتیم با تمام رسد و اگر شرط وی
آن بود که با خود نگاه دارد اول اوراق و جلود را و آنچه قابل است بعد از اتمام کتابت بر بخور ریاقی
دارند تا برایحه آن مطیب و معطر شود و فی الحال در میان خرقه پاک خوشبوی نهند پس در موم کافوری پاک بپیچند
باز در خرقه پاکیزه دوزند و نگاه دارند بر آن وجه که حمایل کنند یا در طاقیه یا گریبان جامه برو فرو زنند و دایم با وضو
کامل باشد و چون بخلاجا میروند آنرا از گردن جدا کرده و با طاقیه و جامه از تن دور ساخته در آیند
و چون بر می آیند و طهارت کنند و باز در گردن کنند یا بپوشند و اگر آن معمول مجرد از ارقام هندی باشد
با آن بخلاجا رفتن جایز بود و صفایح و خواتیم که با خود نگاه دارند و در انگشت کنند همین حکم دارد
فصل ۱۰ در بیان ضبط و دفن چون بکتابت عملی تمام شود اگر شرط وی آن بود که آنرا در خانه ضبط کنند
باید که بعد از آنکه بر بخور داشته در شیشه نو سفید پاکیزه یا سبز روشن کنند اگر از اعمال لطیفه است
در شیشه نو که رنگ تیره داشته باشد نهند و اگر از اعمال قهریه است سر از موم و کرباسی نو مضبوط
کرده بر طاق نهند که دست نسا و اطفال با آن نرسد و تا مقصود حاصل نشود اصلاً سر آن نگشاید و چون کتابت
با تمام رسد اگر شرط آن بود که آنرا در زمین دفن کنند باید که معمول را بعد از آنکه بر بخور داشته باشد بر کوزه

نو نهد و سر آن را محکم به بندد و اگر از اعمال لطیفه است در موضعی پاکیزه و روشن چون مساجد معموره و منازل نورانی
و حوالی انهار جاریه و بساتین باغات خرم و تازه دفن کند و اگر از اعمال قهریه است در مواضع خراب و منازل
تاریک و تیره مثل مقابر قدیم و غیر آن مدفون گرداند بشرطی که آن موضع از نجاست پاک باشد فصل ۱۱ در محو کردن
مکتوب و آشامیدن و پاشیدن و مالیدن آن چون بر ظرفی کتابت کند اگر شرط آن بود که آن را یا روغن محو باید
باید که آن آب اگر آشامیدنیست از باران نیسان فرا گرفته باشد و در شیشه نو ضبط کرده و اگر میسر نباشد آب زلال شیرین
که از جوی بزرگ جاری فرا گیرد و اگر آشامیدنی نیست آب شور پاک نیز جایز است الا آنکه در اعمال قهریه آن اولی است
و اگر مکتوب از قبیل حروف و اسماء و آیه است آن را جایی بپاشند که زمین وی پاک باشد و راه گذر نبود بلکه بر دیوار
و زاویه‌ها خانه است یا بر زمینی پاک و طیب که نه ممر بود و اگر مکتوب را بر روغن مالیدن بر جبین و وجه و سایر اعضا
آن را در شیشه نو سبز که سر وی تنگ بنهد و سر آن را محکم همیشه بموم و کرباس نو بسته دارد و بوقت ضرورة
بکشاید و این صورة شستنی معمول و آشامیدن و پاشیدن و مالیدن اگر چه از حکمای متقدمین منقول است
ولیکن اکابر متاخرین آن را بتجربه کرده اند و خواص و آثار نیک بران ترتیب یافته اند و الله اعلم فصل ۱۲
در شرایط و آداب مخصوصه باعمال حروف مشتمل بر دوازده فصل باب ۵ در بیان قسمت حروف بر افلاک
تسعه فصل ۱ در قسمة حروف بر کواکب بقول اشهر فصل ۲ در قسمت حروف بر کواکب بقول اوثق ۵
فصل ۳ در قسمت حروف بر منازل بیست و هشت گانه فصل ۵ در تاثیرات حروف وقت حلول قمر
بمنازل فصل ۶ در ذکر اسماء الله تعالی که تعلق بحروف بیست و هشت گانه دارد فصل ۷ در بیان اذکار و آیات
بیست و هشت گانه فصل ۸ در اسماء ملائکه که اعوان بروج و کواکب اند فصل ۹ در اسماء و اعوان ملائکه که اعوان
حروف اند فصل ۱۰ در بیان اسماء ملائکه که اعوان ایام الاسبوعند فصل ۱۱ در بیان طبایع بسیط حروف هجاء
در اسماء فصل ۱۲ در بیان طبایع مرکبه حروف فصل ۱ در بیان قسمت حروف بر افلاک تسعه بدانکه
شیخ شرف الدین رحمه الله در بعضی از رسایل خود حروف جمل مشهور را که مسمی است بجمل مشارقه و در آن
با جمل مغاربه و در فصل یازدهم خواهد آمد بر افلاک تسعه قسمت کرده است و هر حرفی را بفلکی نسبت داده
تا عامل حروف در اثنای عمل ملاحظه آن فلک و منزل و کواکب وی کرده به بصیرت کامله شروع کند و رعایت
سعادت و نحوست ایشان بجای آورد و از ارواح و عوان افلاک استمداد و استعانت جوید بر حصول
آنچه مقصود است تا آثار نیک متفرع و طریق آن قسمت این است که حرفی را که بحسب عدد مرتبه اول دارد

احاد و عشرات و مات و الوف یعنی این متعلق بفلک الافلاک است و هر حرفی که مرتبه دوم دارد از احاد و مات یعنی ب ی
ب ک ر متعلق بفلک البروج است و هر حرفی که مرتبه سیوم دارد یعنی ج ل ش متعلق بفلک زحل است و آنچه مرتبه
چهارم دارد یعنی د م ث متعلق بفلک مشتری است و آنچه مرتبه پنجم دارد یعنی ه ن ث متعلق فلک مریخ است و آنچه
مرتبه ششم دارد یعنی و س خ متعلق بفلک آفتاب است و آنچه مرتبه هفتم دارد یعنی ز ع ذ متعلق فلک زهره است
و آنچه مرتبه هشتم دارد یعنی ح ف ض متعلق فلک عطارد است و آنچه مرتبه نهم دارد یعنی ط ص ظ متعلق فلک قمر است
قمر است **فصل ۲** در قسمت حروف بر کواکب سبعه بقول اشهر و آن ماخوذ از کتاب حل قواعد الجفر الکبیر است
که درین معتبر است تالیف بعضی از تلامذه حضرت سید حسینی اخلاطی است قدس سره و این قولیست مشهور و معروف
در میان علمای حروف و اکثر اهل خاصیت برین قول عامل اند و آن چنان است که از حروف جمل مشارقه ا ب ج د تعلق
بزحل دارد ه و ز ح تعلق بمشتری دارد ط ی ک ل تعلق بمریخ دارد م ن س ع تعلق بآفتاب دارد ف ص ق ر
تعلق بزهره دارد ش ت ث خ تعلق بعطارد دارد ذ ض ظ غ تعلق بقمر دارد **فصل ۳** در قسمت حروف
کواکب سبعه بقول اوفی و آن ماخوذ است از کتاب نقمادیوس حکیم و اگرچه این قول از حیثیت شهرت درجه قول اول
ندارد لیکن نزد محققان این فن بغایت معتبر است و رعایت آن مثمر نتایج کلیه و آن چنانست که نون و دال
مهمله و خاء معجمه بزحل منسوب است و ظاء معجمه و قاف و کاف و ضاد معجمه بمشتری منسوب است و الف و تاء مثنات فوقانیه
و حاء مهمله و هاء و عین مهمله و یاء مثنات تحتانیه بشمس منسوب است و شین معجمه و واو و طاء مهمله و را بزهره منسوب
است و باء موحده و صاد مهمله و ثاء مثلث و ذال معجمه بعطارد و جیم و لام و سین مهمله و فا بقمر منسوب است پس چون
عامل برین علاقها و نسبتها اطلاع یابد در عمل هر حرفی از اعمال خیر و شر بازگشت بکواکب آن کرده ملاحظه سعادت
و نحوست نظر سعد و نحس خواهد نمود تا در اعمال خطایی واقع نشود **فصل ۴** در قسمت حروف بمنازل بیست و هشت
گانه و عامل حروف را اطلاع برین معنی ضرور است تا ملاحظه نمایند که هر حرفی تعلق بکدام منزل دارد و از منازل
سعد و نحس و حکیم کامل خواجه نصیر الدین طوسی قدس سره العزیز سعد و نحس را در قطعه بنظم آورده از منازل که برین
چرخ برین دارد ماه آنچه نحس است همین است که گفتم خاش ک شوله و اخبیه و نثره و طرفه دبران بلده و ذابح و اکلیل
و زبانا و سماک و در قسمت حروف بر منازل دو قول است اول قول شیخ شرف الدین یونی دوم قول شیخ محی الدین
ابن العربی قدس سره چنانچه در کتاب شمس المعارف الکبرا آورده که حروف اصلیه بیست و هشت است و منازل فلکیه
بیست و هشت و هر حرفی که بمنازل تعلق دارد و قسمت او بدو طریق کرده اند یکی بطریق جمل مشارقه که ابجد هوز

دویم بطریق مغاربه که نزد بعضی از علمای حروف اعتبار وی زیاده از جمل مشارقه است برین وجه است که الف تعلق
بشرطین دارد که دو کواکب است و ب تعلق ببطین دارد که سه کوکب است و ج بثریا که شش کوکب است
و دال بدبران که یک کوکب است و ه بهقعه که سه کوکب است و و بهنعه که دو کوکب است ز بذراع که دو کوکب
است ح به نثره که دو کوکب است ط بطرفه که دو کوکب است ی بجبهه که چهار کوکب است ک بزبره
دو کوکب است ل بصرفه که یک کوکب است م بعوا که پنج کوکب است ن بسماک که یک کوکب است
ص مهمله بغفر که سه کوکب است ع بزبانا که دو کوکب است ف باکلیل که یک کوکب است ض معجمه
معجمه بقلب که یک کوکب است ق بشوله که دو کوکب است ر بنعایم که چهار کوکب است س
مهمله ببلده که خالیست از کوکب ت بذابح که دو کوکب است ث ببلع که دو کوکب است خ بسعود
دو کوکب است ذ بخبیه که چهار کوکب است ش معجمه برشا که یک کوکب است فصل ۵ در تاثیرات
حروف وقت حلول قمر بمنازل شیخ بونی علیه الرحمه در شمس المعارف آورده که قمر بهر یک از منازل بیست و هشتگانه
حلول کند روحانیت آن که تعلق بآن منزل دارد و از جای عالیات تجلی کند و تاثیر خود را در موجودات
سفلیات ظاهر کرداند و شیخ اکمل محی الدین ابن العربی در بعضی از مواضع فتوحات آورده اند که ارواح حروف از فلک
و منازل در تحت خود متصرفند اما در فوق فلک ایشان را تاثیری نیست و بیان تصرفات و تاثیرات
ایشان چنانچه در شمس المعارف آورده بطریق جمل مشارقه برین وجه است که چون قمر در شرطین بود ا جهد
و غضب احداث کند و چون در بطین بود ب لطف و مرحمت ایجاد کند و چون در ثریا بود ج سعادت متوسط
بخشد و بلا و فتنه انگیزد و در هقعه ه اگر بود قمر میان سعد و نحس باشد و در هنعه و سعادت و دولت
بخشد و در ذراع ز هم سعادت احداث کند و در نثره ح نحوست و شقاوت انگیزد و در طرفه ط بلیت
و محنت افزاید و در جبهه ی حرکت متوسط انگیزد و در زبره ک خیر و برکت زیاد کند و در صرفه ل
ممتزج بود میان خیر و شر و در عوا م مدد سفر دریا بود و در سماک ن شور و شر انگیزد و در غفر س سعادت
کامله ایجاد کند و خیر غالب بود و در اکلیل ف نحوست و بلا انگیزد و در قلب ص سعادت بخشد
و در شوله ق ممتزج است و شر غالب و در نعایم ر سعادت عظمی ایجاد کند و در بلده ش نحوست
کبرا احداث کند و در ذابح ت ممتزج است و شر غالب و در بلع ث نحوست و فتنه عظیم انگیزد
و در سعود خ سعادت معتدله ظاهر کرداند ذ هم سعادت پیدا کند و در مقدم ض سعادت

تامه یابد و در مطبخ ممزوج بود میان جرو شرو در رشاغ دولت و سعادت افزاید **فصل ۶** در ذکر اسماء الله که تعلق
بحروف بیست و هشت گانه دارد و شیخ عبد الله مغربی در کتاب تیسیر المطالب آورده که روحانیت هر حرفی از حروف
ثمانیه و عشرین مظهر اسمیست از اسماء الهی و تاثیر و تصرف حروف در عالم بواسطه قوات آن اسماء است
که از مظاهر ایشان ظهور کرده و شیخ در بعضی مواضع برای هر حرفی یک اسم تعیین کرده و در بعضی مواطن زیاده
و دوازده اسم عامل حروف در اثنای شغل با عمل باید که متذکر این اسما بود تا فایده تامه بر عمل متفرع گردد
و آن اسما بر ترتیب حروف جمل مشرفه اینست الف پنج است الله اله احد اول اخر ب را نه اسم
است باری باسط باطن باعث باقی بالغ امر بر بدیع بصیر ج را هفت اسم است داعی دائم
دلیل دیان د را چهار اسم است جابر جاعل جامع جبار جلیل جمیل جواد ه را دو اسم است
هو از حسب باطن و آن مناسب منتهی است و هادی از حسب ظاهر و این لایق مبتدا است و بعضی گفته اند
که اسم وی در اعمال خیر هادیست و در اعمال شر مهلک و او را دوازده اسم است واحد واجد وارث واسع ولی
والی وتر ودود وفی وکیل وهاب ز را یک اسم است زراع قال الله تعالی ام نحن الزارعون و بعضی گفته اند
که اسم وی مزکیست و بعضی گفته اند زکیست و صاحب در النظیم آورده است که اسم وی زایل است
ح را نه اسم است حبیب حفیظ حق حکم حکیم حلیم حمید حنان حی و صاحب در النظیم آورده که حنان
داخل وی نداشته و فرموده که اسمای وی هشت است بعدد جمل وی ط را یک اسم است مطهر و صاحب
در النظیم آورده غیر ازین سه اسم دیگر آورده طاهر طالب طالق ی را یک اسم است میته و بعضی
گفته اند که اسم وی مخففست از غایت شتی شرکه وی راست و لهذا در نهایت حروف تهجی
افتاده است و بعد از حرف لا واقع شده که الف نفی است بمذاهب انها که لا را یکی از حروف
داشته اند و صاحب در النظیم فرموده که حرف یا را اسم عظیم است بزبان عبرانی که یهوه است
بفتح یا و فتح واو مشدده و بنی اسرائیل تاویل وی تا از زمانی نداشته اند که ک را چهار اسم است
کافی کبیر کریم کفیل ل را یک اسم است لطیف و م را ده اسم است بقول صاحب المطالب
ماجد مالک الملک مانع مبین مجید ملک ملیل منان مهیمن و صاحب در النظیم آورده که وی را
سی و سه اسم است که جزو اول وی حرف میم است و درین فقره داخل ساخته ده اسم است که
مذکور شد و بیست و سه اسم دیگر مبدی و متعالی و متکبر و متین و مجیب مجمع محی مذل مصور معز

معطی معید مغنی مقدر مقدم مقسط و مقیت منتقم مذل و منشی مؤخر مؤمن مهلک مهیمن ن را
چهار اسم است ناصر نافع نصیر نور س را پنج اسم است ستار سریع سلام سید و صاحب در النظیم گوید که سبوح
اسمی دیگر است وی را ع را هشت اسم است عالم عدل عزیز عظیم عفو علام علی علیم ف را ده اسم است فارق
فارج فالق فاضل ناضل فتاح فرد فعال فرق ص را چهار اسم است صبور صادق صانع صدق ق را دوازده
اسم است قابض قابل التوب قادر قاهر قایل قایم قدوس قدیر قریب قهار قوی قیوم و در کتاب در النظیم
آورده که قایم را بر نوعی گوید که قایم علی کل نفس کسبت و فرموده که قدیم نیز اسمی دیگر است برای این حرف ر
را ده اسم است رزاق رافع رب رحمن رحیم رازق رشید رفیع الدرجات رقیب رؤف ش را چهار اسم است
شافی شدید شکور شهید و صاحب در النظیم آورده که شاه نیز اسمی دیگر است برای این حرف و فرموده که شدید
نگوید بلکه العقاب بگوید و برین قیاس در حرف فا فعال را فعال لما یرید بگوید و در حرف سین سریع را
سریع الحساب بگوید ت را یک اسم است تواب و ث را یک اسم است مثبت قال الله تعالی یثبت الله
الذین آمنوا بالقول و صاحب در النظیم آورده که اسم وی ثابت الوجود است خ را سه اسم است خافض خالق
خبیر ذ را نه اسم است ذو انتقام ذو البطش ذو الجلال و الاکرام ذو الطول ذو العرش ذو الفضل ذو القوة
المتین و ذو المعارج و ذو المنن ض را یک اسم است ضار ظ را یک اسم است ظاهر و گویند مظهر نیز اسم دیگر است
و غ را هفت اسم است غافر غالب غفار غفور غنی مغنی غیاث المستغیثین و اگر چه بعضی اسماء مذکوره از آن قبیل
است که اطلاق شرعیه لکن مستعمل است لیکن چون اکابر این فن در کتب معتبره خود ایراد فرموده اند که بذکر آن
اقدام یافته است و خواص و منافع اکثر این اسماء در مقاله ثالثه مذکور خواهد شد والله ولی التوفیق

فصل ۷

در بیان اذکار و روایات حروف بیست و هشت گانه بدانکه بعضی اسماء و آیات است که صاحب المطالب
از برای حروف تعیین کرده و فرموده که چون طالب صادق به یکی از اعمال حروف شغل کند باید که خلوت
اختیار کند و پیش از شروع و بعد از شروع بر اسم و ذکر و آیتی که تعلق با آن حروف داشته باشد مداومت
نماید و مواظبت فرماید تا بزود بر مقصود فایز گردد و لنا آنها و اذکار و آیات الف ا را یک است
و آن الله است و آیتش الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و سوره اخلاص و ایضا شامل معنی توحید و تقدیس است
ب را ذکر او یک اسم است و آن البدیع است و آیتش برای مبتدیان بدیع السموات والارض و از برای
مبتدیان بسم الله الرحمن الرحیم ج را دو ذکر است و آن الجلیل و الجمیل و صاحب در النظیم

فرموده که ذکر وی الحی الباقی است وآیتش جاء الحق وزهق الباطل در یک ذکر است وان الدایم وآیتش شهد الله الآیه
وعنده مفاتح الغیب الآیه ه را یک ذکر است هو الاول والآخر واو را سه ذکر است وان الوالی الولیست و
وآیتش هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الابد الله نور السموات والارض الآیه ذال را یک ذکر است وان المزکی است
وصاحب دور النظم گوید که ذکر وی المزکی است وآیتش ان الدین عند الله الاسلام الآیه و در اعمال این حروف
بسیار باید فرستاد ح را سه ذکر است وان الحی الحفیظ الحکیم است وآیتش فقلنا اضربوه ببعضها
الآیه وطه را دو ذکر است وان سبوح وقدوس وآیتش طه الی قوله الحسنی ویس والقرآن الحکیم الی قوله کریم
ی را ذکری ظاهر نیست اما آیتش وما نتنزل الا بامر ربک الآیه ک را دو ذکر است وان الکافی الکفیل است
وآیتش انما امره الی قوله ترجعون ل یک ذکر است وان اللطیف وآیتش الم الله لا اله الا هو الی قوله تع الفرقان
م را یک ذکر است وان ملک الملک المجید است وآیتش قل اللهم مالک الملک الی قوله تع انک قدیر ن را
یک ذکر است وان النور است وآیتش الله نور السموات والارض الآیه س را یک ذکر است سبحان
السلام سبحان السمیع العلیم وآیتش سلام قولا من رب رحیم ع را سه ذکر است وان العالم العلیم
علام الغیوب است وآیتش قد احاط بکل شیء علما وآنچه از آیات مشتمل بر معنی احاط علمیست ف را
یک ذکر است وان الفتاح صاحب دور النظم گوید اسم وی الفاظ وآیتش نصر من الله وفتح قریب وسوره
اذا جاء نصر الله وسوره انا فتحنا ص را یک ذکر است وان الصمد وآیتش قل هو الله احد ق را
دو ذکر است وان القدیر القیوم است وآیتش وعنت الوجوه للحی القیوم وآیه وهو علی کل شیء قدیر
ر را دو ذکر است الرحمن والرحیم است وآیتش فاما ان کان من المقربین فروح وریحان وجنة
نعیم ش را یک ذکر است وان الشهید وصاحب دور النظم گوید ذکر وی الشکور است وآیتش
شهد الله در اعمال خیر و آیه وکذلک اخذ ربک الی قوله شدید در اعمال شر ت را یک ذکر است وان
التواب است وآیتش والیه یرجع الامر کله ث را یک ذکر است وان مثبت است وصاحب دور النظم
آورده که ذکر وی الثابت است وآیتش ربنا افرغ علینا صبرا وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم
خ یک ذکر است وان الخبیر وصاحب دور النظم گوید که وی را سه ذکر است الخالق الخافض الخبیر وآیتش
وآیتش آنکه منتهی باسم الخبیر باشد ذ را یک ذکر است وان الله است وعدد قرائت هر بار هفصد نوبت
است وباید که هر بار که عدد با تمام رسد از عقب آن بگوید که اللهم انی ذکرتک بصفة نقص فاذکرنی بکمالک فانت

خير الذاكرين و آيتيش انچه دلالت كند بر معنى توحيد ض را يكذر است وان الضار و آيتيش يضل الله الظالمين ويفعل
الله ما يشاء ظ را ذكرش اينست كه الله يفعل الله ناظر الله شاهد و صاحب در النظيم كه ذكر وى ظاهر است آيتش
وهو معكم اينما كنتم غ را يكذر است ولكن الغنى است و آيتيش وهو الغنى الحميد وان الله لغنى عن العالمين لا ابست
بحال مبتدى ذكر لا اله الا الله است و نسبت بحال منتهى لا اله الا هو **فصل ٨** در اسماء ملائكه كه اعوان بروج و
كواكب اند اما اسماء ملائكه كه اعوان بروج اند بدانكه بر بروج اثنى عشر دوازده ملك مقرب موكلند كه ممد و معاون
بروجند پس عامل حروف چون بعمل شغل گیرد باید که ملاحظه كند كه آن حرف بكدام برج و منزل منسوب است
پس بملكى كه بر آن برج موكل است توسل جويد و نام وى بتعظيم تمام برده از وى استعانت جويد بر حصول مقصود
مقصود كه اثرهاى عظيم است در سرعت اجابت و ترتيب نتيجه و اسماء و اعوان بروج بروجهى كه در دره مكنونه
تصحيح كرده است ملك حمل سراحيل ملك ثور عزرائيل و ملك جوزا اسرائيل و ملك سرطان تهقائيل
و ملك اسد شرطائيل و ملك سنبله تهكيل و ملك ميزان سهراكيل و ملك عقرب صرصائيل و ملك قوس
سرطائيل ملك جدى تمكائيل ملك دلو صهمكائيل ملك حوت فقيائيل اسماء ملائكه كه اعوان كواكب
سبعه اند بدانكه هفت ملك مقربند و معاون ارواح سبعه سياره پس عامل حروف بايد كه نظر كند
كه حرف معمول عليه تعلق بكدام كوكب دارد انگاه بملك آن كوكب توجه كند و از وى اعانت جويد
از روى خشوع و خضوع و اسماء ملائكه سبعه سياره چنانچه در كتاب دره مكنون تحقيق كرده
باسماء افلاك ايشان اينست ملك زحل فرهتائيل و فلك وى بجوبيا ملك مشترى سميائيل
و فلك وى بربغا ملك مريخ كلكائيل و فلك وى رتقا ملك شمس صاصائيل و فلك وى افلون
ملك زهره سبند نائيل و فلك وى ماعون ملك عطارد شغبائيل و فلك وى برقيد و ملك قمر اسماعيل
و فلك وى برقيقا **فصل ٩** در اسماء ملائكه كه اعوان حروفند بدانكه بيست و هشت ملك مقربند
كه بترتيب بيست و هشت حروف جمل موكلند و ممد روحانيت ايشانند پس عامل حروف را از دانستن
اسماء ايشان چاره نباشد تا در عمل هر حرف بملكى و تقرب و توسل جويد و از وى طلب مدد و معاونت
كند تا بركت التفات ايشان مقاصد طلبه بروجه الیسر میسر شود و اسماء اعوان حروف چنانچه
در كتاب دره مكنون مقرر فرموده اينست كه ملك الف اسرافيل است و ملك ب جبرائيل
و ملك ج كلكائيل و بقول صاحب در النظيم عيائيل و ملك د اهراطيل و ملك هـ روزيائيل

وملک واو رقیائیل وملک ز سرفنائیل وبقول صاحب در النظیم سمسائیل وملک ح تنکائیل وملک
ط اسمعیل وملک ی نتراکیطائیل وملک ک جدورا وملک ل طاطائیل وملک م رویائیل وملک
ن حولا وملک س همراکیل وملک ع لوما وملک ف سرحاکیل وبقول صاحب در النظیم حصصائیل
وملک ص ججمکائیل وملک ق عطرائیل وملک ر اهواکیل وملک ش امراطیل وملک [illegible] بقول
صاحب در النظیم جبرئیل وملک ت عزرائیل وملک ث میکائیل وبقول صاحب در النظیم
صرفنائیل وملک خ سمهکائیل وبقول صاحب در النظیم روقیائیل وملک ذ اردوائیل وملک ض
عطکائیل وملک ظ لوطا وبقول صاحب در النظیم روقیائیل میکائیل وملک غ لوخا **فصل ۱۰** در اسماء
ملائکه که اعوان ایام اسابیع اند شیخ اعلم حجة الاسلام ابو حامد غزالی در کتاب سر المصون وجواهر الملکوت
آورده که بهر روزی از ایام هفته دو فرشته مقرب موکلند یکی علوی سماوی ودیگر سفلی ارضی وعامل
حروف را لازم است که اسمای ایشان نزد داند تا هر روزی که بعمل حرف شغل کیرد تا نامهای این دو فرشته
بزبان راند وازیشان مدد واستعانت خواهد بر تحصیل مراد تا بزودی زود بمقصود فایز کردد و اسماء
واسمای ایشان اینست یوم الاحد را ملک علوی روقیائیل کویند بقاف وملک سفلی ابوعبدالله
المذهب یوم الاثنین را ملک علوی جبرئیل وملک سفلی ابوعبدالله الحارث وجبرئیل را از ملائکه
سماوی اسم وی شمکائیل که وی را نیز یاد باید کرد یوم الثلاثا ملک علوی سلسائیل بسین مهمله ودر بعض
نسخ بصاد آمده کویند سمسائیل وملک سفلی یوم الاربعا ملک علوی را میکائیل وملک سفلی وی
دو نام دارد زوبعه وبرقان ومیکائیل را خادم ایست از ملائکه سماوی لوائیل که وی را نیز یاد باید کرد
ویوم الخمیس را ملک علوی صرفیائیل بفا وملک سفلی السید شمهورش یوم الجمعه ملک علوی عنیائیل وملک سفلی
السید عبدالرحمن ولقب وی ابیض یوم السبت را ملک علوی حصفیائیل بفا وکویند بقاف وملک سفلی
ابو نوح میمون التسی **فصل ۱۱** در بیان طبایع بسیط حروف پوشیده نماند که میان علما و مشارقه ومغاربه
در طبایع بسیط بعضی حروف اختلاف است بنا بر اختلاف که در ترتیب حروف جمل وتهجی ایشان واقع است
پس طبایع بسیط حروف جمل وتهجی ایشان هر دو طایفه مذکور میشود تا عامل مزاج وطبیعت هر حرفی را به مذهب
وازروی بصیرة تامه در اعمال شروع کند اما حرف جمل وتهجی نزد علما مشارقه مهین ابجد سلاما مشهور است وقسمه حروف
جمل وتهجی بر طبایع اربعه که حرارت وبرودت ورطوبت ویبوست است بر این وجه است که کویند حرف اول خواه

از جمل و خواه از تهجی حارّ است و حرف دوّم بارد و حرف سیم یابس و حرف چهارم رطب باز حرف پنجم حار است همچنین تا به آخر حروف چنانچه درین جدول مرقوم و مرتسم است اما حروف جمل اینست جدول مذکور را از مشارقه

حارّه ناریه / حارّه	بارده ترابیه / بارده	یابسه هوائیه / یابسه	رطبیه مائیه / رطبیه	جدول حروف تهجی مشارقه حارّه	بارده	یابسه	رطبیه
ناری	ترابی	هوائی	مائی	ناری	ترابی	هوائی	مائی
ا	ب	ج	د	ا	ب	ت	ث
ه	و	ز	ح	ج	ح	خ	د
ط	ی	ک	ل	ذ	ر	ز	س
م	ن	س	ع	ش	ص	ض	ط
ف	ص	ق	ر	ظ	ع	غ	ف
ش	ت	ث	خ	ق	ک	ل	م
ذ	ض	ظ	غ	ن	و	ه	ی

و تهجّی نزد علماء مغاربه به ترتیب دیگر دارد و در میان ایشان و علماء مشارقه در تقدیم و تاخیر بعضی حروف تفاوتی وا واقع است و حروف جمل ایشان برین ترتیب است ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ظ غ ش و حروف تهجّی ایشان برین ترتیب است ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ط ظ ک ل م ن ص ض ع غ ف ق س ش ه و ی و قسمت حروف جمل و تهجی بر حروف طبایع اربع بوده ایشان نیز بهمین نوع است که در قسمت مشارقه گذشت و درین جدول اینست جدول این

جدول طبایع حروف مغاربه جمل				جدول طبایع حروف تهجی مغاربه			
حارّه ناریه	بارده ترابیه	یابسه هوائیه	رطبیه مائیه	حارّه ناریه	بارده ترابیه	یابسه هوائیه	رطبیه مائیه
ا	ب	ج	د	ا	ب	ت	ث
ه	و	ز	ح	ج	ح	خ	د
ط	ی	ک	ل	ذ	ر	ز	ط
م	ن	ص	ع	ظ	ک	ل	م
ف	ض	ق	ر	ن	ص	ض	ع
س	ط	ث	خ	غ	ف	ق	س
ذ	ظ	غ	ش	ش	ه	و	ی

فصل ۱۳ در ذکر طبایع مرکبهٔ حروف و در این دو قول است اول شیخ شرف الدین بونی دوم شیخ محی الدین عربی اما قول
شیخ بونی آنست که حروف ناریه جمل مغاربه مرکب است از حرارت و یبوست و حروف ترابیه و توابع ایشان
یعنی لو بیضنظ مرکب است از حرارت و رطوبت و همه حروف هوائیه ایشان جز که صقشع مرکب است
از حرارت و رطوبت و حروف مائیه ایشان یعنی مرکب است از برودت و رطوبت اما قول شیخ ابن العربی
چنانچه در کتاب المدخل آورده آنست که نه حرف از حروف بیست و هشت گانه مرکب القوی است و اول ح
و آن ترابیه و هوائیه است و تقدیم ترابیه بجهة آنست که حقیقت ترابیت حقیقت اقوا است دوم ح
و آن هوائیست و ترابیه سیم طه و آن مائی و هوائیست چهارم ی و آن ناری و مائیست پنجم ل و آن ناری
و ترابیست ششم ص و آن مائی و هوائیست هفتم ف و آن نیز مائی و هوائی است هشتم ق و آن
ناری و مائی است نهم خ و آن ترابیه و ناریست والله اعلم مقاله ۲ در خواص ثمانیه و عشرین مشتمل
بر پنج باب باب ۱ در منافع مطلق حروف باعتبار طبایع ایشان و خواص هفت حروف او با و تا
و ثا و ج و حا و خا مشتمل بر دوازده فصل فصل ۱ در خواص مطلق حروف باعتبار طبایع ایشان
بقول شیخ بونی فصل ۲ در خواص مطلق حروف به اعتبار طبایع ایشان بقول شیخ ابن العربی و صاحب
کتاب درهٔ مکنونه در خواص اسمیتی از اسماء و اسرار مکنونه التی فصل ۳ در خواص حرف با صاحب
کتاب شمس المعارف گوید که هر که شکل با را صد و بیست و چهار بار بنویسد و روز جمعه که روزه دار بود
و روز پنجشنبه نیز روزه داشته باشد و در آن دو روز تصدق کرده باشد بشرایطی که در طریق کتابت گذشته بجای
آورده باشد پس این نوشته را بر بازوی راست بندد حق تعالی سینهٔ وی را منشرح گرداند و صفه
کدورت از نهاد وی برطرف برد و برکت و جمعیت در روزگار او بظهور و بنهایه برساند که قایم است بابی
و ظاهر گرداند بروی انوار ملائکه و روحانیان را و در هر اسمی از اسما که این حرف باشد خصوصا در اول این اسم
مداومت بر آن اسماء از برای حصول مقاصد بغایت نافع بود و ذکر خواص آن اسماء در فصل ششم از باب چهارم
از مقالهٔ اسمایی سمت ایراد خواهد یافت و در کتاب شیخ حسین سکاکی مذکور است که هر محبوسی که هزار
و یازده بار حرف با را بر زبان راند از حبس خلاص شود و اگر بهمین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد
از همه بلاها و فتنه و آفتها محفوظ ماند و هیچکس نتواند بوی آزاری رساند و بعضی ازین طایفه
در خواص این حرف آورده اند که اگر جامی از سفیده روی بسازند و آنرا دوازده بخش کنند در وقتی که قمر در سرطان باشد در حوت

بود و از مقابله مریخ دور باشد و در هر پنجشنبه صد و پانزده بار حرف با را بنویسد صاحب طحال یا مسموم یا صاحب
کلب کلب از آن جام آب آش مدوق که مقابل قلب العقرب ایستاده باشد و آن ستاره ایست روشن در میان
برج عقرب نفع بلیغ رساند و اگر این حرف را هزار و یکبار بر پوست گربه سیاه دباغ کرده بنویسد صاحب دق
با خود دارد شفا یابد و اگر بجهة دشمن هزار و یکبار بر پوست شغال دباغ کرده بنویسد و در منزل دشمن دفن کنند بزودی
رفع شود باذن الله تعالی **فصل ۵** در خواص حرف تا بعضی از اهل خاصیت گفته اند که این حرف از برای اعمال قهریه
است و در کتب اهل خواص مذکور است که اگر بر پوست شیر دباغ کرده مثلثی بکشند و در روز سه شنبه بوقت طلوع
مریخ بنام محبوس و بر اضلاع آن مثلث پنجاه و نه بار این حروف را بنویسد و محبوس آن نوشته با خود نگاه دارد
بزودی از بند و زندان رهائی یابد و یکی در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را بعدد مجمل وی که چهار
صد است بنویسد و با خود نگاه دارد در نظر مردم عزیز و مکرم شود و هر روز بعدد مفصل وی که چهار صد و یک
عدد بر زبان راند در اقبال بر روی او گشاده شود و فتوح روی نماید **فصل ۶** در خواص حرف ثا صاحب دور العظیم
آورده هر حرفی است که در سوره فاتحة الکتاب نیامده و آن اینست ث ج خ ز ش ظ ف و این حروف سبعه در آیتی
جمع شده است که بمذهب اهل تحقیق اسم اعظم در آن آیه یکی مکرر شود و آن در سوره انعام است حیث قال الله تعالی و اذا
جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته الایة و بروایتی هر حرفی
از این حروف سبعه روزی از ایام اسبوع مقرر شده و برای هر یک خادمی از روحانیان تعیین کرده چنانچه
فصل ۷ از باب پنجم از مقالهٔ اولی مذکور شد و برای هر حرف ذکری از اسماء حسنی الهی فرموده چنانچه
در فصل ششم از باب پنجم از مقالهٔ اولی ایراد یافت پس چون عامل این حروف در روزی که تعلق بوی
دارد نام آن فرشته بخواند و ازوی استمداد جوید و متذکر آن اسم الهی شود نتایج کار آن عمل وی متفرع شود
و صاحب دور العظیم آورده که روز پنجشنبه از ایام هفته تعلق بحرف ثا دارد و در بعضی از کتب خواص
نوشته اند که حرف ثا از برای دفع حزن و ملالت است و بعضی از اکابر این فن در خواص وی
آورده اند که اگر پانصد و هفتاد و نه بار آن را بر لوح صدف نقش کند و در سفر دریا با خود نگاه
دارند از کسر سفینه و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت بساحل آید و اگر کسی از موم سفید لوحی سازد
و این حرف را بعدد مذکوره بر آن لوح نقش کند و در چاه کاریز که ملا وی بعضی (?) بند و آب آن
کم شده باشد بیندازد آب آن کاریز فراوان شود و هرگز کم نگردد و اگر سیصد (?) و یکبار بر پوست جوزی

پهلوکه درست بود و پر مغز از آن نقش کند و بر سر راه صف دشمن و فاسقان دفن کند و بر زودی جمیع ایشان پریشان شوند

و هر یک بطرفی افتند و از ایشان اثری نماند و در کتاب شکا که مذکور است که اگر کسی هر روز بعدد مجمل جیم یا بعدد

بر زبان راند برای احداث محبت نظیر ندارد و اگر کسی بهمین عدد بنویسد و در زیر گهواره اطفال نهند فید

در خواب و بیداری نترسند **فصل ۸** در خواص حرف جیم و آن یکی از حروف سبعه است ایشان زبان رفته

است و صاحب در النظیم آورده که روز جمعه از ایام اسابیع تعلق بحرف جیم دارد و اهل خواص گفته

اند که جیم از برای اخبار و رسالت مشتمل است و محققان بنویسند بدین صورت ج و بخورد صاحب قولنج

دهند شفا یابد و شکا که آورده که اگر بعدد مفصل وی که پنجاه و سه است بر قدح نویسد و محو ساخته بیاشامند

دفع مرض مرتش بکند و در بعض از کتب خواص مذکور است که اگر مرد او داماد را به سحر بسته باشند چنانکه از

از آن که بکارت عاجز بود باشد این حرف را هزار بار بر پشت قلم نویسد باین صورت ج و باب شیرین محو کرده بیاشامد

قوت مباشرت وی بود کند و مراد حاصل گردد و کتاب شکایک آورده که اگر کسی حرف جیم را هزار بار بر زبان

راند حضرت رسول صلعم را آن شب در واقعه بیند **فصل ۹** در خواص حرف حا بعضی از اهل خاصیت نوشته اند

که این حرف از برای انس و مواصلت است و در کتب محققان این فن مذکور است که اگر کسی بر نگین خاتم خود

هشت حرف حا نویسد برین صورت ح ح ح ح ح ح ح ح و صاحب تب انرا بر انگشت کند شفا یابد و اگر این خاتم را

در آب اندازند و صاحب تب از آن بیاشامد مرضها وی زایل شود و اگر باین آب چند بار غسل کند تب وی

تمام دفع شود و باید که این عمل وقتی کند که قمر ناظر بسعد بود و منصرف از نحوس و در ساعت اول یا هشتم از روز

دوشنبه تا جمعه بنویسد و با خود داشتن این خاتم تقویت باه کند و اگر وی را بسحر بسته باشند باطل شود و صاحب

کتاب التمه آورده که حرف حا از برای دفع حمیات محرقه و اورام حار و جمیع امراض که ناشی از حرارت و یبوست

بود بغایت نافع بود و مواظبت بر تکرار وی اشتها وی احداث برودت و رطوبت کند و این حرف در امثال

این اعمال که مذکور شد از سایر حروف بار بقوه نفوذ و تاثیر ممتاز است و فعل وی از همه حروف اقوا و اکمل است

و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف را در تلیین قلوب و تسکین غضب سری عجیب هم راه است و در جلب

محبت و مودت و جذب نفوس تاثیر بغایت عظیم دارد و هر که این حرف را در هشتم روز چهارشنبه اول ماه با سماء

که اول آن این حرف است بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد خیال دل او را به لطایف حکمی زنده دارد و از طغیان

غضب و وفق دقلب در پناه آورد و اگر باین هشت حرف اسمای او را بطریق خطاب یا حی و حکم است تا آخر بر نگین

فصل

فضه نقش کنند تا ثیر وی در انچه گذشت اقوی بود و حامل آن از حرارت و عطش و گرمی هوا سالم بود و اگر این خاتم را زمانی
در میان پیاله آب یا شربت نهد پس آن آب را یا شربت را صاحب تب بیاشامد امراض وی زایل گردد و آتش حرارت
ساکن شود و اگر غمگین از آن آب بیاشامد غم وی بفرح مبدل شود و اگر آن خاتم را محبوس با خود نگاه دارد زود برود و
خلاص شود و اگر آن هشت حرف را با تمامه وی و با سوره مبارک بر ظرفی پاک نویسد و بچوب خته کسی بشوید که حافظه
نداشته باشد از آن بیاشامد قوه حافظه وی بقرار آید و اگر این هشت حرف را با تمامه وی بر لوح نقش کنند و کسی
اثرا در محاذی دل خود بیاویزد حرارت شهوت دنیویه باشد از آتش محبت دنیا است در دل وی تسکین گردد
و شعله حرص و طلب دنیا فرو نشیند و از کار و بار عالم فرد گردد فصل ۱۰ در خواص خا و آن یکی از حروف سبعه است که در آیه
اسم اعظم واقع است و صاحب مدار النظم گوید که روز یکشنبه از ایام هفته تعلق باین حرف دارد و تمامی که ذکر اسم این
حرف است و اسم وی ملک وی مذکور شد پس اگر شغل عامل قهریات نیست ذکر اسم الهی خفی است و اگر در لطفیات است
اسم او الخالق و الخرات و بعضی گویند ذکر او همین آیه اسم اعظم است از سوره انعام که در فصل نهم ازین باب گذشت
و بعضی ازین خواص گویند که این حرف از برای هبوط و هلاکت دشمن است و در کتب خواص مذکور است که اگر این
حرف را بر دوازده پاره خشت آب نارسیده نقش کنند و در هر گذاری که بباغ و مزرعه میرود دفن کنند
آن موضع از جمیع آفات ارضی و سماوی ایمن ماند و خیر و برکت انجا حاصل شود سکاکی در کتاب خود آورده
که چون کسی خواهد که از غایب خود خبری یابد باید که این حرف را بعدد که ششصد است بخواند و بر آن جانب
نفس را دمد که غایب وی در آن جانب است چون بهمین عدد بنویسد و در زیر بالین نهد وی را بخواب بیند
و احوال وی معلوم گردد و اگر در قراوت اسم الخبیر را بهمان عدد اضافه کند در حصول مقصود ابلغ و ادخل بود و بمراد
خود برسد البته فصل ۲ در صفات و خواص حروف ل ی ر ز س ش ص ض ط ظ مشتمل بر دوازده فصل ۵

فصل ۱ در صفات حرف دال و خواص وی فصل ۲ در خواص مربع دال فصل ۳ در خواص حرف ذال که
فصل ۵ در خواص حرف را فصل ۶ در خواص حرف زا فصل ۷ در خواص حرف سین فصل ۸ در خواص
حرف شین فصل ۹ در خواص حرف ص فصل ۱۰ در خواص حرف ض فصل ۱۱ در خواص حرف ط
فصل ۱۲ در خواص حرف ظ فصل ۱ در صفات حرف دال و صفات وی و صاحب شمس المعارف
آورده که حرف دال از اسرار دیمومیت است و حق سبحانه و تعالی تکمیل طبایع اربعه کرده است پس وی را
قوه طبایع و اعتدال ایشان و طبع وی علی الجمله بارد و معتدله است و بعضی ازین خاصیت گفته اند که دال

در اعمال از برای فصل طبیعت است و گویند اگر کسی هر صباح بر بلندی رود و سی و پنج بار این حرف را بر زبان راند و هر شام مثل آن بگوید
و بجانب منزل دشمن بدمد از آن منزل بزودی آواره شود و در کتب این خواص نیکو راست که اگر حرف دال را با عدد هندسه
انرا برین صورة ٤ سی و چهار بار بر قطعهٔ حریر سفید نویسد وقتی که قمر در سرطان بود و ناظر بمشتری بنظر مودت و [illegible]
در زیر نگینی انگشترین نهد و در انگشت کند وقتی که بر وضوی تمام بود جامهٔ پاک پوشیده باشد اگر منعم بود نعمت وی بقا
بود و خیر و برکت بیفزاید و اگر فقیر بود ابواب رزق وی مفتوح شود و وسعت پیدا کند **فصل ٢** در خواص مربع حرف دال صاحب
شمس المعارف گوید که عدد جمله وی چهار است و عدد مفصل وی که دال و الف و لام است سی و پنج پس هر که حرف
دال را سی و پنج بار در دو مربع چهار در چهار بنویسد در قطعهٔ حریر سفید پاک نویسد وقتی که قمر در سرطان بود متصل بمشتری
وانرا در زیر نگین انگشترین وضع کند حق سبحانه و تعالی نعمت بوی از اینها داشته باشد ثابت و باقی دارد و مقبال الحال بود
و روزی بر وی گشاده شود و این عمل از آن عمل که در فصل سابق اتم و اکمل است و اگر این مربع را در روز شنبه که قمر در شرف
بود برسد و سابق از نحوس متصل بسعود در ساعت قمر بر ورق آهو بره نویسد و ارقام را بعد از آن بنهد
که دو رکعت نماز گذارده باشد در هر رکعتی بعد از فاتحه یکبار آیة الکرسی و صد بار قل هو الله خوانده باشد پس این نوشته را
با خود نگاه دارد حق سبحانه و تعالی حفظ و فهم و حکمت و دانش بر وی بیفزاید و قدر وی در عالم علوی و سفلی بزرگ
سازد و اگر محبوس این مربع را با خود ببندد زود از بند خلاص شود و اگر این مربع را بر علم بندند در هر لشکر که انرا
نصب کنند فتح و ظفر صاحب علم را باشد و سپاه دشمن فی الفور عدد شکند و اگر طالب العلم انرا با خود دارد و در حین
ساخته و مناظره بر امر آن فایق آید و اگر عامل این لوح با دشمن معارضه و مجادله کند یعنی رعایت مشتری و
قوت دادن وی بغایت مهمست چه این حرف نزد محققان علم حروف منسوب بدولت و این مربع بر دو صورت
مرقوم میشود حرفی و عددی برین وضع که مذکور است و فهم و عقل و حافظه وی بیفزاید و اگر این مربع را از پشمی

ا	يه	يد	د
يب	و	ز	ط
ح	ي	يا	ه
يج	ج	ب	يو

١	١٥	١٤	٤
١٢	٦	٧	٩
٨	١٠	١١	٥
١٣	٣	٢	١٦

سیاه بیاویزند و امراض ذات الصدر و ذات
الجنب و ذات الریه و سایر امراض که در سینه
عارض میشود ایمن گردد و این مربع را وقتی
که قمر در عقرب بود و ناظر مریخ مربع حرفی را
بر ظرف پاک نویسد و به آب باران و عسل
مصفا محو ساخته بیاشامد مرض نسیان از وی

زایل شود بر لوح نحاس نقش کنند چون کسی را چیزی بگزد لوح را در آب اندازند و بعد از آن لحظه بر من آرد و ملدوغ از آن آب
بیاشامد فی المفور درد ساکن شود هر که مربع عددی را بر ورق آهو نویسد روز پنجشنبه وقت طلوع آفتاب در خرقه
پاک دوخته با خود نگاه دارد از ضرر اعدای ظاهری و باطنی ایمن گردد و هر که این مربع را بر ظرف پاک نویسد و محموم
بیاشامد تبهای محرقه را زایل گرداند **فصل ۳** در خواص حروف ذال بعضی از این طایفه گفته اند که حرف ذال در اعمال
از برای مفارقت است و در تعریف اهل ظلمه فرموده تأثیری عظیم است پس چون این حرف را هفتصد بار مقرون باسم
الذال در ساعات منحوسه کتابت کنند انگاه این کتابت را در منزل ظالمی که از فسق و ظلم وی خلایق در محنت باشند
دفن کنند بزودی آن منزل ویران شود و آن ظالم فاسق سرگشته شود و اگر این حرف را با این اسم بزرگوار بر ظرف زجاجی
بهمان عدد بنویسد و از معصل یعنی یا برکه صاحب و مالک وی معلوم نشد برد آرند و بآب نوشته را محو سازند
و آن آب را در منزل آن فاسق بر دیوارها و زمینها که آن خانه باشند بزودی صاحب منزل آواره گردد و بیکی
در خواص خود آورده که اگر کسی این حرف را ورد سازد دولت او را زیان نرسد و روز بروز عزت و اقبال وی
بیفزاید و اگر این را هفتصد بار بعدد بر زبان راند و بخود بسکند هر آنکس محبوب القلوب گردد و جانب
خاطر وی مجذب شود **فصل ۴** در خواص حروف را صاحب در النظیم گوید این حرف اوّل حرف است
که قلم اعلی بآن جاری شده کما قال سبحانه فی الحدیث القدسی سبقت رحمتی غضبی و اوّل حرف است
از اسم بزرگوار الرحمن الرحیم و لایق است که این حرف را در ابتدای امور کار فرمایند و هر که این حرف را
دویست بار بعدد جملش بنویسد و در روز یکشنبه وقتی که قمر در برج ثابت باشد و متصل بسعود و منصرف از نحوس
و اگر بر خاک ناظر بود و منتظر مودت پس آن نوشته را در زیر اساس بنا نهند که عمارت میکنند و بر بالای آن
دیوار برآرند و آن بنا باتمام رسد و از کثرت زلزله محروس ماند و مدتهای مدید از انهدام ایمن باشد و این
خاصیت گفته اند این حرف در اعمال از برای لطف و مصلحت است و در جمیع اعمال خیر متناسب است بوی
عمل کردن و در کتب اعمال خاصیت نوشته اند که اگر جبهه درد سر و شقیقه در روز چهارشنبه آخر ماه پنج بار این حرف را
بر اطراف پیشانی نویسد نافع بود و بعضی در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را هفتصد بار بگوش خروس سفید
فرو خواند و وی را سر دهد برود تا سر دفینه که گمان داشته باشد ولیکن منقار و چنگال بر زمین زند و اگر بهمان عدد
بنویسد و در گوش خود نهند و بعد از ساعتی بر عرض آورد و در ظرف قلعی کچ نهند و انقدر نمک بر بالای آن ریزد
که در زیر نمک پوشیده شود و بعد آن ظرف را با نمک معمول در زیر سر نهند و بهمان عدد بر زبان رانند

پس بخواب رود و آنچه دفینه را در خواب ببیند که کجاست یا کسی او را نشان دهد و بهر حال برین اطلاع یابد والله اعلم
فصل ۵ در خواص حرف زا و این یکی از حروف سبعه است که در آیه اسم اعظم است و واقع است و صاحب در النظیم
آورده که روز سه‌شنبه از روزهای هفته تعلق باین حرف دارد و در کتاب ازین خاصیت مذکور است که این حرف
در اعمال از برای عنف و منازعت است و بعضی از کتاب ازین خاصیت گفته‌اند که اگر کسی هفتاد و پنج بار این
حرف را بر پوست آهو نویسد وقتی که قمر در جدی بود و مریخ در تحت الارض باشد و نوشته را با خود نگاه دارد
همه کس از آن بترسند و هیبت و مهابت وی در همه دلها سرایت کند فصل ۶ در صفات حرف
سین صاحب شمس المعارف گوید که سین مرکب است از حروف ظاهر اسم اعظم و اسم اعظم را ظاهر
و باطنی بظاهر وی سموات سبع والارض قائم است و باطن وی علویات از عرش و کرسی و ازین جهت
است که حرف سین در اول سموات این واقع شده و در مرتبه ثالث کرسی و آنچه هنگام که حق سبحانه و تعالی
این حرف را آفرید از عالم امر خود با وی هفتصد هزار و سیصد و هشتاد هزار از ملائکه مقربین خود فرستاد
از برای تعظیم و توقیر وی بجهت امداد و اعانت روحانیت وی و این حرف از میان حروف بهج
باین صفت مخصوص و ممتاز است که زبر او با بینات او مساوی است س از فعل بینابیت بعدد
شصت است ی و ن که زبر او است هم بعدد شصت است و این از نوادر غرایب و لهذا اسم شریف حضرت
رب لم ۲ بقول بعضی از علما که در تفسیر یس فرموده‌اند که یا حرف نداست و سین مخاطب عنایی از آنحضرت
فصل ۷ در خواص حرف سین بدانکه خواص این حرف بسیار است و فواید و منافع بیشمار است ولیکن
بذکر شمه اکتفا مینماید بعضی ازین خاصیت در کتب خود آورده‌اند که این حرف در اعمال از برای تصحیح
مرض و بینی قلوب و تالیف نفوس است و بجهت اجابت دعوات و انبعاث حرارت و حصول مهمات
دنیا بی ضرورت در کار و اعمال سر و اخفاء امور و قول در نفوس و قوت قلوب بغایت مناسب است
پس بجهت دفع مرض و رفع و قلب و احوال محبت بر جام زجاج یا چینی باید نوشت بمشک و زعفران
و گلاب در ساعت سعد و بعد جمع او که شصت است یا مفصلش که صد و بیست است مقرون با اسم السلام
بهمان عدد مقرون با آیات سلام قولا من رب الرحیم بهمان پس باید بآب زمزم یا با آب باران و اگر میسر نشود
بآب عذب صافی که از نهر بزرگ جاری گرفته باشند نوشته را محو باید کرد و بخورد معمول باید داد و بجهت

اجابت دعوات و حصول مرادات و فتوحات و نفاذ قول و قبول قلوب و غیر آن این حرف را با آن آیه هر صباح میان فرض و سنت
بامداد صد و بیست بار بخوانند و اگر این حرف را و آیه را سبحان عدد بمشک و گلاب و زعفران در ساعات لایقه بر کاغذ پاک
نویسد بر شرایط کتابت و با وجه قراءت هر روز بخود نگاه دارد و حصول مقاصد و وصول مطالب اتم و اکمل خواهد بود
و بعضی در خواص خود آورده که اگر کسی این حرف را و این آیه را هر روز وقت پیشین شصت بار بگوید صاحب کرامات
گردد و در عمل بعضی که پیش از این گذشت باید که کسی را بیا خطاب کند و یا سین گوید نتیجه آنکار بران مترتب شود و هم بعضی
گویند که اگر شصت بار بگوید و بر طفلی بندد زود بسخن در آید و لکنت از زبان وی برخیزد والله **فصل ۸** اعلم
در خواص حرف شین و آن یکی از حروف سبعه است که در آیه اسم اعظم واقع شده و صاحب در النظیم فرموده که
روز دو شنبه از ایام هفته تعلق بآن دارد و این خاصیت را گویند که این حرف در اعمال برای هلاک الاعداست
و در اعمال قهریه بغایت مؤثر است و در کتب این خواص مذکور است که اگر این حرف را چهل و نه بار بر پاره
قفلی نویسند و از اول چادر و دامن دختر بکری نهند بخت لئیم دختر گشاده گردد و شوهرش پیشه بر روی آید و توانگر
عظیم روی نماید و اگر بنام کسی بر چهل پاره کاغذ نویسند بجهت عقد اللسان و هر کاغذ را در میان یکته نان گذارند
و به برند و بر سگ دهند تا بخورد زبان آنکس بسته شود و بعضی در خواص خود آورده که اگر کسی خواهد که حامل و لد پسر باید یا دختر
باید که چون شب بفراش در آید سیصد بار این حروف را بعدد مجلتی بر زبان راند و خواب کند در واقعه باو نمایند
که پسر است یا دختر و اگر کسی بر طعام یا شراب بهمین عدد بخواند و بخورد حامل دهند وقتی که وضع حمل ظاهر شده باشد
بسرعت و سهولت بار نهند **فصل ۹** در خواص حرف ص از برای این خاصیت در کتب خود نوشته اند که
این حرف در اعمال از برای تحصیل خیر و برکت و شگفتگی است و این حرف بزرگوار است و خواص وی
بسیار است و بعضی در کتاب خواص الحروف آورده که هر که بر تکرار این حرف در وقت راه رفتن مداومت
نماید زمین در زیر قدم وی مطوی شود و بزودی قطع مسافت کند با آنکه دولتمند شود و گویند که هر که هر صباح بعد
از فریضه بامداد این حرف را نود و نه بار مقرون با اسم الصمد بخواند از وضع جوع خلاص شود و باطن وی لطیف
بماند **فصل ۱۰** در خواص حرف ض در رسایل خود نوشته اند که این حرف در اعمال از برای شدة و احداث
فتنه است و سوء حال اعدا و محاربه و مقاتله و بعضی در خواص خود آورده است که هر که این حرف را هشتصد بار بر خوردنی
خواند و بخورد مجنون دهد یا کسی که ضعف دل و خفقان داشته باشد جنون و خفقان از وی زایل شود و اعمال این حرف
در قهریات بغایت قویست خصوصا وقتی که از ابنام دشمنی هشتصد بار بخواند مقرون با اسم شریف الرضا یا بنام وی

بنویسد و در منزل وی بر جدار در زوایا رش کنند و اگر در حق دشمن بر وی مجموع کند اعمال کلام و کتابا واقع شود از غیظ بکند
و آن دشمن بر وی بنیت و نابود شود فصل ۱۱ در خواص طا بعض از علمای این فن گفته اند که این حرف در اعمال برکت
از برای اخذ ذخیره و منفعت و نیل برکت و جمعیت است بعض المتبعین و در بعض کتب معتبره این طایفه مذکور
که هر که خواهد که از میان جمع اعدا رود و بسلامت و عافیت بیرون آید چنانچه هیچ ضرر و آسیبی بوی نرسد باید
که بر هر ناخن خود یکبار این حرف را بنویسد و در کنج اشاره باز بعدد مفصلش بیک نفس بر زبان راند
پس قدم بیرون نهد بسلامت از میان ایشان بگذرد که هیچ کس وی را نبیند و اگر ببیند متعرض وی نشود
و از طرف ایشان مکروهی بوی نرسد فصل ۱۲ در خواص حرف ظا و این یکی از حروف سبعه است که در اسم
اسم اعظم واقع شده و صاحب در النظیم گوید که روز چهارشنبه از ایام هفته تعلق باین حرف دارد
و بعضی از این خاصیت گفته اند که این حرف در اعمال از برای ایجاد محنت و مشقت و عقوبت
و نکال است در خواص خود آورده که اگر کسی از ظالمی ترسد هر بامداد نهصد بار بعدد مجملش و هر شبی نهصد بار
بخواند و بجانب وی و منزل وی بدمد آن ظالم دفع شود و اگر بیمی عدد بنویسد و بر موضع ببندد شفا
یابد باب ۳ در صفات و خواص یازده حرف ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی مشتمل بر دوازده
فصل فصل ۱ در صفات حرف عین فصل ۲ در خواص حرف غین فصل ۳ در خواص حرف فا
فصل ۴ در خواص حرف ق فصل ۵ در خواص حرف کاف فصل ۶ در خواص حرف لام فصل ۷
در خواص صفات میم فصل ۸ در خواص حرف نون فصل ۹ در خواص حرف واو فصل ۱۰ در خواص
حرف ها فصل ۱۱ در خواص حرف یا فصل ۱۲ خاتمه فصل ۱ در خواص حرف عین این خاصیت
گفته اند که این حرف در اعمال از برای حصول دولت و حشمت است و در کتب این طایفه مذکور است
که اگر کسی ده یا سی عین را باین صورت بر برگ ترنج بنویسد ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع بخون کبوتر و با گلاب
محو سازد و صاحب قولنج از آن شربت بیاشامد شفا یابد و صاحب در النظیم گوید که هر که در وقت
تنگ نماز جمعه اعضا حرف عین را باین صورت بر حریر سفید نقش کند وقتی که مشتری و عطارد در خوبی حال
باشند این نوشته را در زیر نگین نهد و در انگشت کند حق سبحانه و تعالی زبان او را بحکمت جاری
گرداند و در دیده ها زیبا و بزرگ بفهم و عقل کامل مرزوق شود و هر که این انگاه دارد قدر وی بلند
شود و جاه وی بیفزاید و اگر در زیر جزء اسم شریف العزیز را بنویسد و در حصول نتیجه اقوا بود و نکایه

در کتاب خود آورده که اگر کسی را محبوبه سرکشی بود که سر بوی فرو نیارد و دایم بر وجفا کند باید که این حرف را
هفتصد بار بر مشک و زعفران و گلاب کتابت کند و با خود نگاه دارد آن محبوب مطیع و فرمان بردار وی گردد
و اگر بر مقدار حلوای بخواند و بخورد محبوب دهد بهمین عدد بغایت دوست گردد و در مقام اطاعت
شود بمرتبه که هرگز مخالفت نکند **فصل ۲** در خواص حرف غین این خاصیت نوشته اند که این
حرف در اعمال از برای احداث فتنه و فساد است و برای شقاوت و ضلالت اعدا مستعمل
است و بعضی آورده که اگر کسی هر روز هفتصد بار بگوید و بجانب دشمن دمد بر فور نیست و نابود
شود و اگر بر برگ حنظل نویسد بهمین عدد در خانه دشمن اندازد یا دفن کند از آن خانه آواره گردد
و در اعمال این حرف در خصومت بسیار است و بعض گویند که تکرار وی بنیت ثروة و حصول
توانگری مقرون باسم الشریف الغنی مثمر ثروة و حصول است **فصل ۳** در خواص حرف فا و این
از جمله حروف سبعه است که در آیه اسم اعظم گوید که در روز شنبه از ایام اسبوع تعلق باین حرف دارد
و بعض از برای این خاصیت گفته اند که این حرف را بعدد مفصلش بخوانند با آنکه اوکه در فصل
هفتم در باب پنج از مقاله اولی ایراد یافته بر هر مقصودی که دارد فایز گردد و هر که مداومت
کند برین حرف و اسماء وی خصوصا باسم الفتاح انواع معارف و حقایق و لطایف و دقایق از علوم خفیه
نقلیه بر دل او مکشوف و مفتوح شود و ابواب مرادات صوری و معنوی بروی گشاده گردد و هم در دشواریها
باب نه مبتدل گردد و اگر این حرف را هشتاد و یکبار بر جام زجاج یا قدح چینی نویسد و در زیر هر حرف اسم
شریف الفتاح رقم زند بالف لام یا بیای خطاب و او را در اعمال کتابه اسماء الهی بالف لام
نویسد و در اعمال کلام بنای خطاب گوید و در این عمل قمر از نحوسی پاک شود و آیه بعد ناظر نوشته را
باب طاهر محو کرده بزن حامله دهد وقتی که اثر زادن پیدا شود بسهولت و سرعت بار بنهد و اگر محبوسی
بتلاوت این اسم و اسماء وی به تخصیص اسم یا فتاح قیام بنماید بزودی خلاص شود و در جمیع کارهای فرو بسته
و اوضاع درهم شکسته بمواظبت نمودن برین حرف و اسماء وی علی الخصوص اسم الفتاح بغایت
نافع است و بعضی در کتاب خود آورده که اگر هشتاد روز هر روز هشتاد بار این حرف را بر زبان راند
و بجانب دشمن دمد نابود و ضایع شود و هم وی آورده که هر که بنام غایب هزار بار تا جر قطع کرباسی
نو پاک نویسد و در آتش اندازد اگر وی در مغرب بود عامل در مشرق که بزودی خود را بعامل رساند

فصل ۴ در خواص حرف قاف بعضی گفته اند که این حرف از برای تحصیل روح و سلامت است و بعضی دیگر از عاملان
در اعمال قهریه باین توسل جسته اند و در کتب ایشان مذکور است که هر که صد بار این حرف را بر برگ خرد بنویسد
و در منزل ظالمی یا فاسقی پنهان کند کار آن ظالم فرو بندد و سلسله آن فاسق منتظم گردد و در هم شکند و بعضی آورده که
اگر کسی این حرف را ۱۰ بیست بار بر کاغذ نویسد و در زیر سنگی گران نهد بنام هر که این عمل کند خواب وی بسته
گردد تا کاغذ را برون نیاورند و نوشته را محو سازند آنکس را آرام نگردد و خواب نیاید فصل ۵ در خواص کاف
بعضی از ارباب این فن گفته اند که این حرف را در اعمال از برای القای محبت است و قلوب بعضی در کتب خود
آورده که اگر کسی این حرف را دویست بار که حاصل الضرب آورت در نقش ... بیست در بیست بنویسد و با خود
نگاه دارد در چشم خلایق عزیز گردد و هم وی آورده که هر که هر روز این حرف ۱۰ بیست بار بر زبان راند اسرار
الهی برای وی منکشف گردد و از بعض رسایل این طایفه نوشته اند که هر که بیست حرف برین صورت وقتی
که قمر زاید النور باشد و قوت حال بر کفل خروس افرق ببندد و در موضعی که گمان دفینه دارد سر دهد خروس روی
زمین را بچنگال و منقار کاوش نماید فصل ۶ در خواص حرف لام بعضی ازین طایفه گفته اند که این حرف
در اعمال از برای اثبات و استقامت است و در امور دنیا و آخرت و در کتب خواص نوشته اند
که اگر کسی این حرف را هفتاد و یکبار بعدد مفصلش بر جامی بخواند بهمین عدد و بنوک قلم فولاد نقش کند
بر زبر پوست کند و بخورد زن و شوهر دهد که میان ایشان الفت و محبت بنا شد چنان بیکدیگر مستانس شوند
که اصلا و قطعا بی هم نتوانند بسر برد و اگر در عمل کلامی و کتابی این حرف نویسد با اسم بزرگوار اللطیف
جویند بحروف مجمل یا مفصل برای آن بخوانند یا نویسند نتیجه آن اکمل و اقوی و اجود و در کتاب بعضی مذکور است
که اگر کسی خواهد که از چشم دشمنان پنهان شود باید بوقت حاجت این حرف را دویست بار بر زبان
راند تا مقصود حاصل شود و هم وی گوید که اگر بر صفحه مس هفتاد و یکبار بقلم فولاد نقش کنند و با خود
نگاه دارند از چشم زخم حاسدان ایمن باشند فصل ۷ در صفات حرف میم صاحب شمس المعارف
آورده که میم از جمله اقطاب حروف است و این عبارت ایست از معرفت که اول آن مثل آخر بود و آن
سه حرف است متعاقب یکدیگر در یک فصل دیگر مذکور می شود و طبع میم حار است و در وی
رطوبتی هست و میان لین و حرارت و آن حرف یائیت میانه که میم و وی از حروف نفسی کل که عبارت
از لوح محفوظ است و چون خدای تعالی وی را بیافرید و برای نوری آفرید که منکوس بود بنور و بنور وی معرفت

از ملائکه لوح بود مفصلش موکل گردانید و ملک و ملکوت را بروی قایم ساخت و قلم را بر وی که در میم است
ظاهر گردانید و میم سر بزرگیست که حق سبحانه و تعالی در اسم شریف محمد علیه السلام بوده بعینها میم در اول و میم
در وسط پس در اول سر ملکوتست و در وسط او سر ملک و کشف عالم ملک و ملکوت بوده منوط و مربوط
است بر هر طالبی که اسرار میم و احاطه او ولیکن در عالم او منکشف گردد آن فتحی بود عظیم و از بعضی
اسماع افتاد که حضرت شیخ محی الدین قدس سره در فتوحات آورده که در اثنای مکاشفات مرا بر
عالم میم عبور افتاد چندگاه در مشاهده عجایب و غرایب آن عالم ماندم و در آن عالم انبیاء و اولیا
و علماء و ملوک و طبقات خلایق و اصناف موجودات دیدم میم از جنس انعام و تفصیل
آن در فتوحات مذکور است **فصل ۸** در خواص حرف میم بعضی از ارباب خاصیت گفته اند
که این حرف از برای وفا و موافقت متضمن است و در کتب خواص مذکور است که اگر کسی بنام
محبوب صد و پنجاه یک میم برین صورت بر شفتالو یا بر سیب نقش کند که چشمه میم مفتوح بوده مضمونش
و این بخورد وی دهد و اگر میسر نشود بار سیم باید که استشمام نماید اثر عظیم در محبت و مودت بر آن
مترتب شود و در شمس المعارف مذکور است که هر روز چهل بار در شکل میم نظر کند و در هر بار بخواند قل اللهم
مالک الملک تؤتی الملک من تشاء بغیر حساب حق تعالی اسباب دنیا و آخرت بروی آسان گرداند و
و این اعمال در فصل دهم از باب اول از مقاله اولی در ذکر الملک بر وجه اتم و اکمل ایراد خواهد یافت ام
صاحب شمس المعارف آورده که هر که خواهد که عاقبت امری بداند و خیر و شر بداند که صورت میم را که از ابتدا
ملکوتیست کتابت کند بر ورقی پاکیزه روز دوشنبه در ساعات قمر بخور کند و در آن روز که این عمل کند
روزه دارد و شب باید که خرمای رمانی افطار کند و بر طهارت کامل بر فراش رود و این نوشته در
زیر بالشت نهد پس بر دست راست بخسپد چنانچه آن نوشته محاذی رخساره راست وی بود آنگاه
سوره تبارک بخواند و خواب کند وی را در خواب از عاقبت آن کار اخبار کنند و خیر و شر آن را
بوی باز نمایند بر وجهی که خاطر وی اطمینان یابد و هر که حرف میم را چهل بار بر جایی نویسد و با مشک
پاک محو ساخته بیاشامد حق تعالی در علم و فهم وی افزاید و زبان وی را بحکمت ناطق گرداند و هر که حرف میم را
بنویسد و با وی هشتاد بار لا اله الا الله کتابت کند و آن را بر بازوی راست یا همچنانکه طاقیه و خرقه
بپوشد حق تعالی نهایت محبت وی در دلها افکند با آنکه نام و مجهول بود و اگر بشرط بنویسد با وضوء باشد

ولباس پاکیزه پوشیده باشد و دائم با خود نگاه دارد بر عالم مطیع شود و در شمس المعارف بر بینی حرف اعمال کلیه در
تسخیرات چون مذکور است و این نسخه محل تفصیل آن نیست فصل ۹ در خواص حرف نون بعضی از ارباب خاصیت
گفته‌اند که این حرف در اعمال از برای فرح و سرور مقرر است و در کتب خواص آورده که هر که این حرف را
بر نعل اسب که جدید باشد بیست و یکبار نویسد بنام کسی و در آتش تیز اندازد آنکس برای عامل بی طاقت
و بی آرام گردد و اگر صد و شصت بار حرف نون را بر این صورت بر تیغ کارد فولاد نویسد تا بدسته بنام کسی
آنگاه در دیوار کند که رو بقبله باشد و بر نیت مادام که آن کارد در آن دیوار بود خواب آنکس بسته شود و صاحب
شمس المعارف آورده که هر که این حرف دایم است از اقطار حروف و این حرف را سه اسم است النافع
النصیر النور مواظبت نماید مردم بوی اقبال کنند و هر کسی بقدر حال بوی فایده رساند و از وی فایده
و هر که بر تکرار وی مقرون باسم النصیر مداومت کند همه اعدا مقهور و مغلوب وی هم جا در اهم وقت
فتح و نصرت وی را بود و هر که این حرف را مقرون باسم النور باطن وی روشن شود و بر وی از اسرار و انوار معرفت
مملو گردد و اگر دایم بشرایط کاملی این حرف را بخواند چندانکه تواند که نور باطن وی غلبه کند که پرتو آن
بقوه باصره وی تافته بحس ظاهر بر و اشیاها از عالم غیب مشهود وی شود و در کتاب سکاکی آورده
که این حرف را پنجاه بار بنویسد و با خود نگاه دارد هر جا رود بری از موذیات که وی را بگزد درد نکند
فصل ۱۰ در خواص حرف واو بعضی از این طایفه گفته‌اند که این حرف در اعمال از برای اندوه
و مضرتست و در کتاب خواص نوشته‌اند که اگر این حرف را نود و نه بار بنام کسی بر ورق آهو
نویسد و از مهر در آویزد خواب آنکس بسته شود و اگر بنام دشمن دویست بار بر کاغذی نویسد
و از باد روی در آویزد آن دشمن سرگردان و پریشان شود و هیچ جا قرار و آرام نداشته باشد
و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف سیم است از اقطار حروف و این سه حرف را در میان
حروف و این سه حرف را در میان حروف بسبب آنکه جزو اول ایشان از جنس جزو آخر است اختصاص
و امتیاز واقع است و حرف واو که آن دو اسم است که ذکر آن در فصل هفتم از باب پنجم از مقاله
اولی انرا یافته و خواص بسیار بر اسماء این حرف مترتب است چنانچه تمه در فصل نهم از باب چهارم
از مقاله ثانی اسما مذکور خواهد شد و حرف واو را خاصیت نقش در نقش است چنانچه در کتاب شمس
المعارف ایراد نموده و صورتش این است و شیخ فرموده که هر طالب صادق که روز دوشنبه نزدیک

طلوع آفتاب این شکل را بر خاتم نقش کنند حامل او از جمیع بلیات محفوظ و محروس ماند و تا این لوح با وی
بود از همه اعراض و امراض در پناه باشد و یکی دیگر از کتب خود آورده که اگر کسی داعیه سفر داشته باشد و بتیه

له	ه	ا	ک	۱۱
۱۱	له	ه	ا	ک
ک	۱۱	له	ه	ا
ا	ک	۱۱	له	ه
ه	ا	ک	۱۱	له

ح	ا	و	ح	ه	د
ه	ح	ح	د	و	ا
و	د	ا	ه	ح	ح
د	ه	ح	و	ا	ح
ح	ه	ح	ا	د	و
ا	و	د	ح	ح	ه

شود هر صباح شصت بار این حرف را بخواند و بدان جانب
دمد که مقصود است برود بی موانع مرتفع شود و آن سفر دست دهد

مضر!!

در خواص حرف ها بعضی از علماء این فن گفته
اند که این حرف در اعمال از برای جلب منفعت است و در کتب
خواص نوشته اند که اگر فقر و فاقه بر کسی مستولی شود از زیر
ناودان چهل تو انگر چهل سنگ ریزه چیند وقتی که قمر زاید النور
بود و مسعود باشد چهل حرف ها را بران سنگ ریزها نویسد
و آنجا که خواب گاه او است دفن کنند بشرطی که در سفر و مقام
امری نامشروع از وی صادر نشود حق سبحانه و تعالی مال و نعمت و ثروت بسیار کرامت فرماید و جمعیت کلی

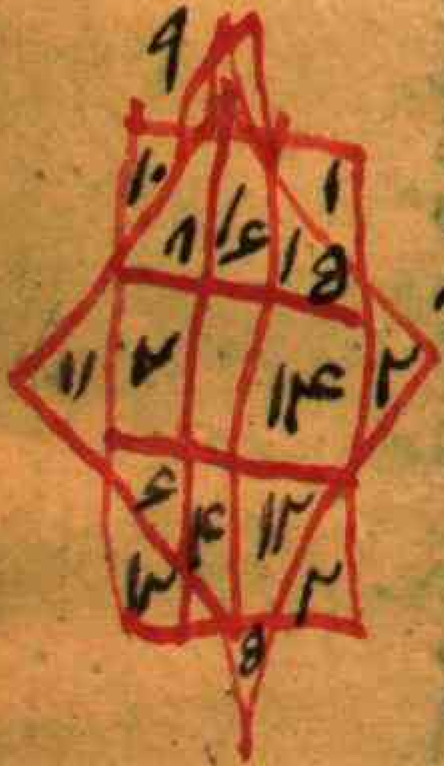

وی را روی نماید و پوشیده نماند که این حرف از جمله حروف نورانیست که دو جا در اوایل سوره قرآنیه واقع شده اول
کهیعص دویم طه و نیز جمیع از ارباب تعریف است و باصطلاح صوفیه حرف ها از برای مرتبه غیبت هویه
است یعنی مجرد از ملاحظه اسما و صفات و این مرتبه فوق مرتبه الوهیت است کما قال سبحانه و تعالی هو الله
لا اله الا الله هو و شیخ بزرگوار شیخ نجم الدین کبر در بعضی از رسایل خود آورده که ذکر جاریست بحسب دوام بر نفوس
حیوانات انفاس ضروریه این است که حرف ها از ایشان تولد میکند بواسطه آنکه از آلات مخارج حروف و این
حرفیست که اشارت بعیب هویه است چنانچه بعضی محققان گفته اند که این مضمون دلیلست
بر آنکه هو که اسم این حرفست اسم اعظم باشد چنانچه در فصل دویم از باب پنجم از مقاله اولی ان شاء الله تعالی بیاید
خواهد رفت و در فصل دویم از باب اول همان مقاله شمه از خواص وی ایراد خواهد یافت پس
اگر طالب حاذق بحسب انفاس بر سبیل دوام باین ذکر شریف قیام نماید و همگی همه خود متوجه غیب حضرت
حق سبحانه و تعالی شود و خود زبان دهد تا وقتی که مناسبت بعالم کیفیت و کم پیدا کند با نتیجه وی را بود از جهل
مناسب بآن عالم قوة تمام حاصل خواهد شد در عالم کیف و کم که از عالم حس و شهادة است تصرفات کلی تواند نمود و بر
هر چه خاطر گماره تواند از قوة بفعل آورد و اعظم اذکار انست والعاقل یکفیه و در بعضی از رسایل ارباب حروف

مذکور است که حرف ها از برای قهر اعدا و زجر ظلمه و فسقه اثر عظیم دارد آن چند حرف اعظم که عدد مجمل وی بهشت تعلق
بمریخ دارد و کسی هفتصد و هفده بار که عدد مبسوط اوست یعنی ۷۱۷ ف بر صحیفه سرب بمداد بازکی روقی که قمر منحوس بود
و اگر در آن ساعت نظرات نحس واقع شد بهتر بود و اگر تمام رقم در ساعت مریخ با زحل اتفاق افتد با وجود خوف تاثیر وی بغایت
قوی بود بعد از اتمام عمل آن صحیفه را در سرای فاسقی که خلق خدای تعالی از فسق و ظلم وی در تشویش باشند بیفکنند
بزودی آن ظالم فاسق از آن دیار آواره شود و منزل وی خراب گردد و در کتاب بکلکا مذکور است که اگر
به نیت هلاک دشمن هفتاد بار این حرف را بر خاک گورستان قدیم یا خاک وقف خوانده در خانه دشمن
ریزد هلاک شود و منزل وی ویران گردد **فصل ۱۲** در خواص حرف یا بعضی از ارباب خاصیت گفته اند
که این حرف را از برای فتح و نصرت مستعمل است و بعضی برین اند که در اعمال از برای شکیبایی و صبر
مقرر است و در کتب خواص مذکور است که اگر کسی ده بار حرف یا را بعدد مجلس بر کاردی نویسد بنام شخصی
و آن را در زیر وی دفن کند خواب انکس بسته شود و بکلکا در کتاب خود آورده که اگر کسی این حرف را بنام شخصی صد بار
بر زبان راند زبان وی از غیبت و بهتان و تهمت عامل بسته شود و اگر بهمین عدد بر حریر سفید نویسد و با خود
نگاه دارد زبان همه خلقان نسبت باو بسته گردد و صاحب در النظیم آورده که هر که بر ورق کاغذ پاک در
در صباح پنجشنبه بعد از طلوع افتاب حرف یا را مکرر کتابت کند بعد از آن که در وسط ایشان این حرف است
مثل علیم و حکیم و آنچه مثل وی است از اسما و جمع که در فصل نهم از باب سیم از مقاله اول ایراد
خواهد یافت و اگر در ظهر حروف الیم کتابت کند بعد اثر وی قوی تر بود و بعضی گویند باید که صد بار کتابت
کند بعدد حاصل الضرب وی در نفس وی آنگاه نوشته را با خود نگاه دارد جمیع محرمات مبغوض
و مکروه وی گردد و از جمله مهیات خاطر وی افسرده شود و فهم وی زیاده شود و حدة ذهن وی
بیفزاید و اگر این حرف را بعدد مذکور بر این ساعت نقش کند و بر کند بیاید در سفر و مزروعات
پیدا کند و از افات سماوی و ارضی ایمن ماند و اگر بر کلنگ آهنین نقش کند و بآن چاه و کاریز
حفر کند آب بسیار ظاهر شود **باب ۴** در خواص حروف مقطعه قرآنیا مشتمل بر دوازده فصل شش
فصل از آن در خواص فقرات مقطعات که بمعاونت یکدیگر افاضه آثار میکنند و شش فصل دیگر در خواص
مقطعات اوایل سورات که هر یک علیحده منافع مینمایند **فصل ۱** در ذکر حروف عدد مقطعا و خواص مجموع
آن بر سبیل اجمال **فصل ۲** در خواص دو فقره کهیعص و حمعسق با یکدیگر **فصل ۳** در خواص

فقرات اربعه وخمسه وستة از مقطعات فصل ٤ درخواص فقرات ثلثة عشر واربع عشر از مقطعات
فصل ٥ درخواص فقرات خمسة عشر از مقطعات مع ا از آیات فصل ٦ درخواص فقرات خمسة
عشر از مقدمات مع از آیات فصل ٧ درخواص حروف الم البقرة والم آل عمران فصل ٨ درخواص
حروف المص فصل ٩ درخواص الر والر والر والمر فصل ١٠ درخواص کهیعص وطسم ویس
فصل ١١ درخواص حروف طه فصل ١٢ درخواص حروف حمعسق وحم مؤمن وق فصل ١٣ در ذکر
حروف مقطعات برخواص آن جمله بر سبیل اجمال کتابا صاحب در النظیم آورده که بعض عارفان
گفته اند که حروف مقطعه قرانی سی کلمه و هفتاد و هشت حروف است و آن اینست الم الم المص
الر الر الر الر کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم یس ص حم حم حم حمعسق حم حم
ق ن و این عدد وقتی مسلم است که حمعسق را دو کلمه اعتبار کنند چنانچه بعض از علمای این فن کرده اند و اگر ان را مثل کهیعص از قبیل خماسیات گیرند چنانچه بعضی بر آن رفته اند پس عدد
کلمات بیست و نه باشد و چون کسی نظر کند ترتیب این حروف از حیثیت جمع و ترکیب بعض را احادی
باید مثل ق و ص و ن و بعض را ثنائی مثل طه و یس وطس و بعض را رباعی مثل المص والمر
و بعض ثلاثی مثل الم والر وطسم و بعض را خماسی مثل کهیعص و حمعسق و این بر اسلوب
قواعد اعراب نازل شده است چنانچه در کلمات و آیات این واقعیت و زبان بر بیان آن
شرح حقایق و اسرار و منافع و آثار حرف مقطعه قرانی عاجز و قاصر گشته بذکر شمه از آن اقتصار
میرود و صاحب در النظیم از ابو حامد محمد الغزالی نقل کرده که فرموده اند بعض علما زمان موصل یافتم
که با ایشان حرف مقطعه قرانی همراه است از ایشان سؤال کردم که این جمعیت گفت که برکات این
حروف بر من ظاهر است و از جمله آن که همیشه حق تعالی مرا از آفات و بلیات بواسطه حمل این
حرف و کلمات محفوظ میدارد و رزق مرا کشاده میدارد و اگر حاجتی میخواهم بی انتظار بعض حاجات
میرساند و مرا از ایشان محفوظ میدارد و از گزیدن مار و عقرب و سباع و حشرات نگاه میدارد
و چون بسفر میروم این کلمات را بوقت وداع از مال و اولاد میخوانم خدای تعالی مرا بصحت
زود بوطن میرساند پس ابو حامد گوید که مراد از این حرف علی فاضل شد که هیچ شک و ریبی
در اینجا نیست و در خواص آورده که هر که مجموع اوایل حروف قرانی را بر نگین نقره یا عقیق نقش کند

ب‌عات سعد مقبول و محبوب قلوب گردد و صاحب دور النظیم آورده که اگر نقاشی روز پنجشنبه و روز
جمعه در ساعات اول روز جمعه این حرف را نقش کند و در آن وقت غسل کرده باشد و جامه پاک
پوشیده باشد و بخورات لایقه سوخته بر هر آینه تاثیر و قوت وی از آنچه مذکور شد بیشتر خواهد بود و
فایده و نتیجه زیاده روی خواهد داد و بعض از اکابر چنین فرموده اند که اگر کسی حروف مقطعه
قرآن را بدین ترتیب گوید که اللهم بحق الم ذلک الکتاب و الم الله لا اله الا هو الحی القیوم حم عسق ن والقلم وما
یسطرون بعد از آن هر حاجتی که دارد از دینی و دنیوی بخواهد حق تعالی بر وی روا کند و اگر آن حروف را
بطریقی که نزد اعداد دانان مقرر است تکسیر کند و با خود دارد همین خاصیت دارد و این عمل در ساعت
اول روز یکشنبه یا چهارشنبه یا دوشنبه یا پنجم سه شنبه یا سیم چهارشنبه یا ششم پنجشنبه یا دوم جمعه
باید **فصل ۲** در دو فقره کهیعص و حمعسق با یکدیگر صاحب دور النظیم آورده که شیخ شرف
الدین فرموده است که هر که ترسان بود از غیری و در آن حال بگوید که کهیعص و حمعسق
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه می‌ترسد ایمن شود و این معنی بکرات مرات آزموده
شده و مجرب و صحیح است و صاحب دور النظیم آورده که پنج آیتست که منافع و فواید از حد و حصر متجاوز
است که هر که این را تلاوت کند در حالتی که در آید با جباری عنید و حاکمی از طریق صلاح بعید
از وی شر کفایت شود لیکن کیفیت قراءت آن آیات چنانست که عقد اصابع یمنی کند
در تلفظ بحروف کهیعص که در اوایل آیات این وارد است و عقد اصابع یسری کند و در تکلم
بحروف حمعسق که در اواخر آیات واقع است پس باید که اول عقد ابهام یمنی کند
و بگوید که کما انزلناه فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح ح بگوید و در گفتن
حا عقد ابهام یسری کند بعد از آن عقد سبابه یمنی کند و بگوید هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة هو الرحمن الرحیم و در گفتن حرف میم عقد سبابه یسری کند بعد از آن عقد وسطی یمنی کند
و بگوید یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع ع و در گفتن
حرف عین عقد وسطی یسری کند بعد از آن عقد بنصر یمنی کند و بگوید علمت نفس ما احضرت فلا اقسم
بالخنس الجوار الکنس و در گفتن عقد کند بنصر یسری و بعد از آن عقد کند خنصر یمنی را و بگوید
ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق و در گفتن حروف ق عقد کند خنصر یسری را

وبعد از اتمام این عمل با عقود بلدانی باشد ره عبور با ظالم یا جبّار در آید از آن جبار ظالم هیچ ضرری بوی نرسد
وبسلامت وکرامت بیرون آید فصل ۳ در فقرات اربعه خمسه وستّه مقطعات الا فقرات اربعه صاحب
دور النظیم آورده که در بصره مردی بود که دعایی وی را عوذه بود که از آن مردم را نفع میداد و بخلق علی
بود و در تعلیم آن بغایت بخیل بود و چون وفات وی نزدیک رسید کسی را که خاص بود بار و طلب کرد
و گفت که دوات و قلم بیار تا بنویسم از برای تو دعایی و عوذه را که در مدت با آن عمل میکردم و از آن
نفع میداشتم بآن زبان و چون دانستم که میروم روا نمیدانم که دعا پنهان بماند و مردم از آن منفعت نیابند
پس بنوشت که هر کسی را که در دین آن عارض شود باید که این حروف را بخواند المص طسم کهیعص حمعسق
الله لا اله الا هو رب العرش العظیم اسکن الریح دوا کد علی ظهره اسکن بالذی سکن بالذی له ما فی
السموات وما فی الارض وهو السمیع العلیم الی آخر ایه صاحب دور النظیم از ابو حامد غزالی نقل
کرده که وی فرمود که اغنیای صحابه سیّم علیهم چون بسفر تجارت به سفر میرفتند اگر در راه دشمنی یا قطع الطریق
که پیش می آمد میگفتند اللهم احفظ امّت محمد علیه السلام بالمص وکهیعص وحمعسق وق
والقرآن المجید ونون والقلم وما یسطرون ضرر آن دشمن بایشان نمیرسید هم از ابو حامد روایت کرده است
که بعضی از عارفان را کنیزکی بود علّه صرع داشت روزی عارف آمد بر نزد کنیزک و در گوش آن خواند
که بسم الله الرحمن الرحیم المص طسم کهیعص یس والقرآن الحکیم حمعسق نون والقلم وما یسطرون
دیگر از آن صرع اثری نیافت و آن کنیزک به تمامی از آن مرض خلاص شد فصل ۴ در خواص فقرات
ثلثه عشر واربع عشر از مقطعات در خواص ابن عباس آورده که هرکه الم والبقره تا هم المفلحون والم الله
لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص طه طسم یس حم عسق حم تنزیل الکتاب من الله العزیز
الحکیم و این مجموع را با سوره فاتحه بر ورق آهو بنویسد بمشک و زعفران وگلاب در شب جمعه چهاردهم یا پانزدهم
از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و آن نوشته را در غلافی نهد از نیفه فاریسه که یکسر بند داشته باشد وسر
دیگر را بموم کافوری بند کند پس هرگاه که آن نیفه را بر بازوی راست ببندد با طهارت کامل ولباس
لطیف عزت وهیبت وی در دل و قطرها بسیار شود و باطن وی دلیر شود وهیبت عظیم از وی در
دلها سرایت کند و اگر فقیر بود غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر این نیفه را بر طفل ببندد
که از چیزها در خواب و بیداری میترسیده باشد و گریه میکرده باشد آن ترس و گریه از وی زایل شود

باذن الله تعالی فقرات اربعة عشر صاحب دور النظیم از شیخ شرف الدین نقل کرده که هر که با مشک و زعفران و گلاب کتابت
کند این حروف مقطعه را در روزی که موصوف است به شب نورانیه و آن شبی بود که در یکی از ایام بیض که سیزدهم و چهاردهم و پانز
دهم ماهست بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسد و محو کند و بپاشد و قدری از آن در چشم کند در آن ساعت از رمد ایمن
بود به برکت نورانیت این حروف که مسمی است بحروف نورانیه و آن اینست الم المص المر کهیعص
طه طسم طس یس ص حم عسق ق ن **فصل ۵** در خواص فقرات خمسة عشر از مقطعات مع یرا از آیات
دور النظیم که هر که حروف الم المص المر کهیعص طه طسم طس طم یس ص حم حمعسق ق ن را بر خاتم نقش
کند در روز پنجشنبه اول ماه رجب و او را در انگشت کند اگر خائف بود از جباری یا ظالمی ایمن شود و حامل
این خاتم اگر بر سلطانی درآید بنظر وی بزرگ نماید و قهاریت وی در دل آن سلطان اثر کند و هر مرادی
که از وی خواهد بی توقف بوی دهد و اگر این خاتم را بر کسی فرود آرد که خشمناک بود آرام گیرد و خوشنود شود
و اگر تشنه این خاتم را در دهان گیرد و بمکد سیراب شود و عطش از وی زایل شود و اگر آن خاتم را یک شبانه
روز در آب باران نهد بعد از آن از آن آب بپاشد بر ناشتا قوت حافظه وی بیفزاید و اگر معزول
بر خشم آن مداومت نماید برای وی شغل و عمل پیدا شود و صاحب تصرف گردد و اگر زن بی شوهر حامل
شود آن دود بسوی شوهر رسد و اگر بر مصروع بندد شفا یابد **فصل ۶** در خواص فقرات خمسة عشر
از مقطعات محل بآیات صاحب دور النظیم از شیخ بونی نقل کرده است که هر که کتابت کند بر ورق آهو در
شب جمعه چهاردهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن بمشک و زعفران الم البقره را تا هم المفلحون و الم آل
عمران را تا الفرقان و المص را تا للمؤمنین و المر را تا لا یؤمنون و کهیعص را تا ذکریا و طه را و طسم را
تا بالمؤمنین و طس را تا المبین و یس را تا الحکیم و ص را تا شقاق و حم مؤمن را تا المصیر و حمعسق را تا
الحکیم و ق را تا المجید و ن را تا عظیم پس این نوشته را در میان انبانه نهد و آنرا در میان موم گیرد
که از شمع سرای عروسی فرا گرفته باشد و قطعه از دام برگرد وی پیچد و بر بازوی راست بندد باطن وی
قوی گردد و مهابت وی بیکرد و عظمت وی بر قلوب اعدا مستولی شود و قبول تمام وی را در قلب مرادات
پیدا شود و اگر فقر و فاقه وی را دریافته باشد غنی و توانگر گردد و اگر از جانبی ترسی و خوفی داشته باشد ایمن
و مطمئن گردد و اگر مسحور یا مجنون یا محبوس باشد آن سحر که در حق وی کرده باشند باطل شود و اگر در بند
و زندان بود بزودی رهائی یابد و ماده جنونیه بتمامی از دماغ وی زایل گردد و اگر وام دار بود حق تعالی قرض

وی ادا کند و اگر مهموم و مغموم بود خدای تعالی او را بفرح مبدل سازد و اگر مسافر بود زود بوطن رسد و اگر زن و شوهر
این را با خود دارند و دایم با طهارت باشند و بدن پاک و لباس لطیف حق تعالی شوهر شایسته کرامت فرماید پوشیده باشند
و آن شوهر را بوی راغب و مایل گرداند و اگر از اسباب خانه در آویزد و بر دانه در لنگر خوان ابلیس رنج شود و اگر
از دکان یا پاوینه خریدار متاع صاحب دکان بسیار شود و ازدحام کنند و اگر بر سر حمامی آویزند مردم بگی
رغبت بسیار نمایند و اگر بر طفلی بندند از جمیع آفات ایمن شود خصوصا از شر جن و انس و ام الصبیان
و علی الجمله حامل وی هر دعا که کند باجابت مقرون شود فصل ۷ در خواص الم البقره و الم آل عمران
و صاحب دررالنظیم آورده که حرف الم را تا هم المفلحون در روز پنجشنبه اول نهار بر کاسه چینی پاک یا ظرف زجاج
طاهر بمشک و زعفران و گلاب کتابت کنند پس نوشته را باب چاه شیرین محو سازند و بر نهار بیاشامد و آن روز
طعام نخورد باز در شب آن از آب شربتی بیاشامد و روز آدینه روزه دارد و هم چنین سه شبانه روز بشربتی
آن از آب اکتفا نماید و روزه دارد و اگر قوه فرح وفا نکند هر روز روزه دارد که جز باین شربت افطار نکند
و از طعام امساک نماید حق تعالی قوت حافظه وی را بیفزاید و نفس ناطقه وی را قوت دهد و علم را در باب وی ثابت
گرداند و نور معرفت را در باطن وی ظاهر گرداند الم آل عمران در خواص ابن تمیم و در نظم مذکور است که حروف
الم را تا الفرقان در ساعت دوم از روز پنجشنبه بقلم باریک بر ورق آهو نویسد و در زیر نگین انگشتری نهد
و بر طهارت کامل و لطافت لباس در انگشت کرده نزد پادشاه یا حاکم آن دیار رود قول او در دل
پادشاه اثر کند و هر چه گوید مقبول افتد و هر حکم که کند قبول افتد و چون بر حرم این مداومت نماید
جاه و حشمت وی بیفزاید و اعدا مغلوب و مقهور شوند و هم در خواص ابن تمیم آورده که اگر حروف را
تا فذکرون بر صفحه نقره نقش کند و کتابت در زیر نگین نهد مادام که در انگشت وی بود هر چه
بر دلت و زبان وی رود همه صدق و صواب و خیر و صلاح بود و دلها بوی اقبال کنند و مردم امر
و نهی ویرا قبول نمایند و صاحب دررالنظیم آورده که اگر این حرف را تا فرقان کتابت کنند
بر کاغذ سفید پاک بمشک و زعفران و گلاب و آن را در انبانه نهد از نی فارسی باشد یا هندی
که پیش از طلوع آفتاب قطع کرده باشند و سر آن را بموم محکم به بندند و در گردن طفل بیاویزند
آن طفل از شر شیطان و تصرف جنیان و مرض ام الصبیان محفوظ و ایمن بود و در خواب و بیداری
نترسد فصل ۸ در خواص المص که سوره اعراف است صاحب دررالنظیم آورده که هر کرا ادا علیه

منصبی بود مثل قضا وغیران وخواهد که اقوال وافعال وی مقرون بصدق وصواب شود وزبان وی بصدق
وصواب جاری گردد ومصالح امور بر دست وی باتمام رسد واخلاق وی مهذب شود باید که حرف المص را
تا بجاید کرون بر صفحه نقره خالص نقش کند وانرا در زیر نگین خاتم نهد وبر طهارت بدن ولطافت لباس
دائم باش ومواظبت کند تا مقصود حاصل شود وحکیم فاضل در کتاب هیاکل وتماثیل آورده که هر که حروف المص را وضع کند
بعلم طبیعی وقلم عربی ودر مربع چهار در چهار در صفحه ذهب که وزن آن چهار درهم باشد واگر ذهب نباشد
ومیسر نشود نحاس احمر اختیار کند واگر ذهب ونحاس بهم آمیخته بود اولی بود ودر وقت کتابت
باید که طالع برج حمل باشد وآفتاب در وی بر درجه شرف بود وناظر بمریخ بنظر تسدیس یا تثلیث و
سالم از نحوس وباید که در وقت عمل بخور زعفران وسندروس ومقل ازرق بخور کند پس منقوش را در خرقه
پاک که از حریر زیور باشد بپیچد وبا خود نگاه دارد عزت وشرف وجاه وولایت یابد وزیاده
از آنچه توقع دارد وجمیع اشراف واعیان وحکام وسلاطین مسخر وی شوند وهر کس که چشم
بروی افتد هیبت ومهابت وعظمت وی در باره آنکس اثر تمام کند بهر چه حکم فرماید بردارد و
منقلب باشد ودشوارها بروی آسان گردد بحول الله تعالی وصورت آن لوح بقلم طبیعی وعربی اینست
لوح طبیعی

ا	ل	م	ص
ع ل	ىث	سرص	ابد
سـ	ىصـ	اطـ	ول
كص	مله	ىك	دم

ا	ل	م	ص
م	ص	ا	ل
ص	م	ل	ا
ل	ا	ص	م

مقصد 4 در خواص الر که اول سوره یونس
است والر که اول سوره هود است
والر که اول سوره رعد است والر که
اول سوره یونس صاحب دور التنظیم
آورده که هر که خواهد که امیر وی بود واقوال وی نافذ وخلق مطیع ومنقاد وی شوند باید که ایام بیض
از ماه شعبان روزه دارد وبعد لفظ برکات باشد افطار کند وچون شام روز سیم روزه بگشاید
بعد از نماز شام متصل به نشیند وبذکر وحول آن بر سبیل دوام اشتغاد نماید با فرض وسنت نماز
خفتن بگذارد بعد از آن دو رکعت نماز تسبیح که مشهور است ادا کند وچون از نماز وتسبیح فارغ شود
این حروف را با سه آیه که بعد از آن است الا قوله افلا تذکرون بر کاغذ پاک نویسد با مشک
آس وزعفران ودر بعضی از نسخها بجای آب آس گلاب وچون بفراش رود در زیر بالین
نهد وخواب کند وچون صباح بیدار شود بعد از ادای فریضه بامداد آن مکتوب را بر بازو

بندد و بیرون آید قدر وی در میان خلق بیفزاید و جاه وی رفیع شود و زبان وی بر صدق و صواب لکنه صلاح
مسلمین در آن است جاری گردد و در نظر خلق مهیب نماید و مقبول و مطیع شود المرا از سوره هود
صاحب در النظیم آورده که هر که این حروف را با چهار آیه که بعد از این است اما قوله تعالی قدیر بر برگ
سیر نویسد وقت طلوع فجر بمشک و گلاب آنگاه باب چاه شیرین محو کرده بیاشامد چهار روز بیاپی هر روز
دو بار صبح و شام بعد از اتمام عمل دل وی قبول علوم الهی نمود کند و حافظه وی در فهم اشیا دقیقه بغایت
قوی گردد و حفظ قرآن و غیر آن بر وی آسان شود المرا از سوره رعد صاحب در النظیم آورده که
هر که این حروف را با سه آیه که بعد از این است اما قوله تعالی یتفکرون بر چهار برگ زیتون نویسد
و بر سر چهار راه دفن کند و اگر در آبادانی این منزل خواهد در چهار رکن باغ یا مزرعه یا دکان و غیر
آن دفن کند حق تعالی خیر و برکت و جمعیت در آن موضع بسیار گردد و میوه باغ و دانه مزرعه با فراط
رسد و از آفت سماوی و ارضی سالم ماند فصل ۱۰ در خواص حروف کهیعص و خاتم وی حکیم ابن وحشیه
در کتاب هیاکل و تماثیل چنین آورده که حکمای مصر هر آینه که چون حروف کهیعص را وضع کنند و در لوح
مخمس بقلم طلسم و عربی و هندی بر هیئاتی که در آخر این فصل مسطور خواهد شد و اگر کسی حامل آن
شود فواید و منافع بسیار دریابد که در وقت طالع برج ثور بنویسد و زهره در حوت بود در درجه
شرف که دائم طالع و سالم باشد از رجعت و احتراق و در آن وقت بخور کنند بعنبر بعد
از اتمام عمل آن لوح را در خرقه پاک سفید بپیچد و باید که این لوح را بر خاتم زر یا نقره
خالص یا مس زرد رقم زنند و هر که آن خاتم را نگاه دارد با خود عجایب و غرایب نماید که زبانها
از ادای آن عاجز و قاصر باشند و در الفت و محبت فعل و تاثیر وی بغایت قوی باشد و در
قضای حوایج و جلب رزق و قبول قلوب و دخول مسرات در دل عامل این خاتم رفیع
همیشه پاک و طیب و طاهر بود و دایم با وضو و لطافت لباس باشد و در حال جنابت
و عدم طهارت البته پیرامن این خاتم نگردد و با خود بجلا نبرد و این جمله اسم اعظم است
و از اسما مخزونه الهیست که از خلق مخفی داشته اند و از جمله خواص این خاتم مبارک
آنست که چون کسی او را بوقت خواب در زیر سر خود نهد در خواب کسی را بیند که هر چه
از وی سؤال کند از امور مخفیه عالم جواب شافی بشنود و اگر در زیر سینه یا بالین نهد

هرچه در بیداری کرده بش در خواب اظهار نمایند و اگر بر کسی حال غایبی مشکل بود و نه
داند که مرده است یا زنده چون این خاتم را در زیر سر نهد و بخوابد و در آن خبر بر
وضو و طهارت کامل بود در خواب کسی را بیند که از حال آن غایب خبر صحیح دهد و
هرچه غیر از آن پرسد بدو دی جواب گوید بوجهی که خاطر او قرار گیرد و اگر از عاقبت امری
پرسد یا نیکو واقع خواهد شد خبر درست دهد و اگر در خزینه و دفینه شک دارد هم
در خواب از حقیقت حال آنگاه گردد و برای هر مشکلی که پیش آید از امور دین و
دنیا چون این عمل بجای آورد خاتم در زیر سر نهاده بخواب بطهارت کامله بواسطه
تجربه غیبی آن مشکل مرتفع شود و این خاتم در استخراج کنوز و دفاین و خبایا اثر عظیم
وفعل قویست زیاده از آنکه در حین تقریر و تحریر در آید پس باید که عامل به
تجربه مشغول شود تا چون قول ما بروی مکشوف شود و اگر اثر متفرق شود تقصیر عامل
خواهد بود در رعایت شرایط و آداب و از جمله شرایط کتابت و رقم نقش از لوح
بزرگوار آنست که وقف حرف را بر ظاهر نویسد که فعل و اثر آن بخاصیت
است و کتابت آن موقوف نیست بر اختیار گفتن و اوقات و ساعات
و وقف عددی را بر باطن یعنی ظهور آن نویسد که فعل و اثر آن بطبیعت است
و کتابت آن متوسطست باختیار نظرات علویات و رعایت ساعات
وصورت الواح اینست

مکشوف

فق

ک	ه	ی	ع	ص	ع	ط	ه	ق	ط	۲۵	۵	۱۰	۷۵	۹۰
ع	ص	ک	ه	ی	ق	ط	ع	ح	ه	۷۵	۹۰	۲۰	۵	۸۵
ه	ی	ع	ص	ک	۸	ه	ق	ط	ع	ه	۱۰	۷۰	۹۰	۲۰
ص	ک	ه	ی	ع	ط	ع	۸	ه	ق	۹۰	۲۰	ط	۱۰	۷۰
ی	ع	ص	ک	ه	ه	ق	ط	ع	ه۸	۸۵	۷۰	۹۰	۲۰	ط

۱۰

۱	۲۵	۱۹	۱۳	۷
۱۸	۸	۲	۲۱	۲۰
۲۳	۱۶	۱۵	۹	۳
۱۰	۴	۲۳	۱۷	۱۱
۱۸	۱۲	۶		۲۴

در خواص حروف طه صاحب نور التنظیم آورده که هر که نقش کند
برلوح ذهب وقتی که آفتاب در شرف یا بیت خود یا مسعود بوجهی از وجوه

سمه ۲ ع
ه ح س د

ذو ف

نه حرف طا و هیچ حرف هـ بعد مجمل ایشان با این صورت ططططططهـ هـ
هـ هـ و این لوح را نگاه دارد و بر جبابره آن و قهار آن چون در آید مغلوب و مقهور شوند
و جن و انس مطیع و فرمان بردار گردند و جمله اعمال خیر محبوب حامل این لوح شود و همه
اعمال شر موجب نصرت وی گردد و اگر صاحب صداع این لوح بر خود بندد درد وی
شفا یابد و اگر این لوح را زمانی در میان آب شیرین نهد و کسی آن را بیاشامد
باطن وی منشرح گردد و از امراض باطن شود و در نفس و مال خود برکت و خیر و جمعیت
بسیار مشاهده نماید و لایق است که این کتابت را در روز نهم کنند با یجد هم با بیت و اهتمام در حامل وی
از مضرت هوام و نهش حیات و لدغ عقارب محفوظ و محروس باشد و هر که این لوح را حامل شود بی طهارت
بدن و لطافت لباس بمرض حمی و دق گرفتار گردد و هر که این حروف را بر ورق پاک نویسد در موضعی که نشست
میکنند جایی که پاکیزه باشد نهد حق تعالی اسباب معاش وی با سهل وجهی میسر گرداند و اگر بوقت خواب
در زیر سر گذارد از خوابهای پریشان و احلام رویه ایمن باشد و خوابهای نیکو بیند که موجب فرح
و سرور گردد و گاه باشد که حضرت رسالت پناه را صلعم در خواب ببیند و در کتاب دور النظیم آورده که
حروف طه را هر که با هفت آیه که بعد از این است الی قوله الحسنی بمشک و زعفران و کافور و گلاب
بر کاسه زجاجی یا چینی یا بلور بنویسد و نوشته را بدهن بان که روغن خوشبوست محو سازد و اگر آن
روغن میسر نشود روغن گل یا بنفشه و هر روغن خوشبو که باشد بکار برد پس از آن روغن معمول
غالیه و قدری عنبر اشهب و کافور اضافه آن کنند و در وقت احتیاج پیشانی و میان هر دو
ابرو بآن چرب کند و بیرون آید قبول قلوب و عزت و جاه و کرامت عظیم یابد و هر که را نظر
بر وی افتد وی را دوست گردد و مطیع و منقاد وی شود باذن الله تعالی **فصل**
در خواص کهیعص و حم مؤمن و ق و ن و آن از حم عسق و صاحب دور النظیم از ابو
حامد محمد غزالی نقل کرده که بعضی عارفان گفته اند که چون حق سبحانه و تعالی حضرت رسالت را
مبعوث گردانید حم عسق را بر وی فرستاد دانستیم که در ضمن وی سری عظیم از آنست از
اسرار مکنونه الهی مندرج است پس از او درس خواندیم که در هر شدتی و بلیتی او خود در غیبت
توسل بآن جستم و مهم من کفایت شد و از آنچه توهم داشتم مطمئن گشتم و ابواب رزق و برکت
بر من مفتوح شد اما حم مؤمن صاحب کتاب دور النظیم آورده که حروف حم را با دو

ایه کریمه از نیست الی قوله تعالی المصیر کتابت کند و با خود دارد هر جراحت و قرحه که بر بدن او باشد التیام یابد و تمام زایل شود و اما ثمره از خواص
وی در فصل چهارم از باب سیم از مقالات ایراد یافته صاحب دور النظیم آورده که هر که خواهد که اشجار و اثمار و مزارع
و باغات و معمور و سالم باشد و برکت و رفاه مرتب شود باید که بگیرد اهلیلج را آنکه در فصل ربیع پیدا شود و در ظرف نو روغنی و الحال یا زجاجی
یا چینی که هنوز مستعمل نشده باشد ضبط کنند و حروف ق را و یازده ایه که عقب و تسالی قوله تعالی النجوم ج بر هفت رقعه بر کاغذ و زعفران
و گلاب بنویسد باید که در رقعه مجموع ایات نوشته شود پس پای آب با زان همه رقعها را بشوید در وقت طلوع فجر و باید که در هنگام کتابت
هفت بار این ایه ها را تلاوت کرده کند پس آب مغسول را در دل شب در بیخ درختان بریزد یا در میان مزرعه بپاشد که ان کشتان درختان را
نشو و نما زیاده شود و اگر میوه دار نبود میوه بسیار بار آورد و از زلزله و غیره ایمن باشد و بدرجه کمال رسد و خیر و برکت در ان مزرعه بیفزاید
و از آفات ارضی و سماوی محفوظ باشد و انها ر بیرون بالیده آید و ایات در فصل نهم از باب سیم بعض خواص ایراد یافته بر همان
اقتصار رفته و بالله التوفیق **باب ۴** در خواص بعضی فقرات حروف که باسما و القاب موسوم اند و معروف و مشتمل بر دوازده فصل

فصل ۱ در صفات و خواص نورانی و ظلمانی **فصل ۲** در خواص حروف علیه و قدیه **فصل ۳** در خواص حروف نواطق و صوامتی
فصل ۴ در خواص حروف منفصلات و مواصلات **فصل ۵** در خواص حروف بوارکان **فصل ۶** حروف سبعه ممتزجه **فصل ۷**
در خواص حروف متواخیه **فصل ۸** در خواص حروف النیران **فصل ۹** در خواص حروف صوامت **فصل ۱۰** در خواص حروف اشکال
سبعه و اشکال سبعه اسم اعظم اللهم **فصل ۱۱** در خواص حروف عجمیه **فصل ۱۲** در خواص هندیه

فصل ۱ در صفات و خواص
حروف نورانی و ظلمانی بدانکه حروف باعتبار وقوع ایشان در اوایل سور قرانی و عدم وقوع منقسم بدو قسم اول نورانی دوم
ظلمانی اما حروف نورانی که انرا حروف عالیات نیز عبارت از حروف مقطعه قرانیست که در اوایل سور واقع شده و وجه تسمیه ایشان
بنورانیت انست که جمیع اسم از اسماء حسنی حق تعالی را با امتزاج ایشان نسبت هر یک اسم شهود الودود و حروف نورانی بعد از حروف
مکررات چهارده است ا ل م ص ر ک ه ی ع ص س ح ق ن و این ترکیب شهرت شامل این حروفست که علی صراط حق نمسکه صاحب
در النظیم آورده که هیچ یک از منازل بیت و هشتگانه قمر همیشه هر جا بر منزل ظاهر حرفی و جا بود باطن هم چنین از حروف ثمانیه
و عشرین بر جا بود و باطن که حروف مقطعه قرانی و جا بود ظاهر که عبارت از باقی حروف است و شیخ ابو العباس بونی در کتاب الواح
الذهب فی احقاق کنند نقل کرده که جماعتی از احبار یهود مثل حی بن اخطب و ابو یاسر و بوسوره و کعب بن اسید و غیر ایشان نزد
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند بار سیده است یا محمد که بر تو الم نازل شده و فرموده اند که بلی ایشان حساب الحروف کرده
گفتند که از عهد دانیم و خفیان معلوم میشود که مدت ملک تو هفتاد و یک سال خواهد بود انحضرت حساب ایشان ذود بکرد و انکار ننمود
بلکه گفت غیر انچه و حرف دیگر بر من فرود امده است گفتند که ان کدام است فرمود که المص و المر و کهیعص و بر ایشان شمرد و ان که از حروف مقطعه
نازل شده بود ایشان بر خواندند و گفتند مشکل شد بر ما امر تو ای محمد صلعم و علمای قران حروف دقایق و خواص بسیار در ان گفته اند و از

اسمائی که ترکیب این حروف و اعداد آن است فواید و منافع بیشمار معلوم کرد از آنجمله از این حروف مرکبست مثل اسم الله و الرحمن و الرحیم و الحی
و العلی و الکریم است و آنچه از اعداد ماخوذ است مثل اسم الصادق و الملک و المانع و الجواد و الوهاب است مثل کهیعص بحساب جمل صد و نود
و پنج است و از وی اسم الصادق حاصل میشود و از ص که نود است اسم الملک و از المص که صد و شصت و یکست اسم المانع و از طه که چهارده است
دو اسم الجواد و الوهاب و باقی بر این قیاس و ذکر اسما و خواص آن در مقاله آفرینش مذکور خواهد شد و تحقیق آنکه حروف نورانی را خواص
بسیار است که تفصیل آن در این نسخه نمیگنجد لاجرم مجمل بآن اقتصار رفت صاحب کتاب الملحم آورده که حروف حار و یابسه مقطعات فی اوائل
از برای دفع عقارب عظیم نافعست چون آنرا بر جام یا قدح چینی نقش کنند و آب بشویند یا کحل سازند و بسایر مدغم الحال در دو سالگی نفع
و پوشیده نماند که حروف حار مقطعات قرآنی باعتبار جمله جمل سارقه چهار است ا م ح ط باعتبار جمله مفارقه بحسب انتهای حروف
باو و سابع و حروف یابسه است باعتبار جمل سارقه هشت ک س ف و باعتبار جمله مفارقه هم شد ص ک ق و این حروف حاره یابسه
بعد از حذف مکررات هشت است ا م ح ط س ک ص ق و آنچه معلومست اینست و هم صاحب کتاب الملحم آورده که حروف بارده رطبه
مقطعات قرآنی از برای نقش حیات سعادت مفیدست چون لعاب و تیره عمل کنند فی الفور وجع بر طرف شود و حروف بارده مقطعه
قرآنی باعتبار جمل سارقه سه است ص ی ن و باعتبار جمل مفارقه دو ی ن و حروف رطبه باعتبار جمل سارقه چهار است ل ر ع ح
و باعتبار جمل مفارقه همان حروف چهارگونه است و این حروف بارده و رطبه بعد از اسقاط مکررات هفت است ص ی ن ل ر ع ح
معمولات اینست و صاحب در التنظیم از شیخ شرف الدین بونی نقل کرده که هرکه چهارده حرف نورانی را نقش کند بطالع نور
و قمر که قمر در روی بعد باشد ضم کند جمیع مرادات وی بخیر و خوبی ساخته و پرداخته گردد و هرگز از کیسه وی زر خالی نبود و هم
صاحب در التنظیم از ابو حامد غزالی نقل فرموده که بعضی از اهل معرفت از علما این چنین روایت کرده اند که جمعی از اعیان صحابه
حروف چهارده گانه نورانی را کتابت کرده و در میان رخت و بار خود نگاه داشتند جهة حفظ متاع خود و هم ابو حامد محمد غزالی
گوید که بعضی از عارفان که در رجال غیب نشسته حروف چهارده گانه اوایل سور را بر زبان میراندند ندا از آفاق پرسیدند که این چیست
گفتند که نابت میکنید این حروف را در موضع و تلاوه میکنند آنرا در بروج ملائکه بالای او و اینجهان که این کتابت در روی باشد در پناه او رود
و دور کنند هر بدی که متوجه نفس و مال وی گردد و ایمن بود از غرق و سرق و اما حروف نورانی و آنچهارده حروف است غیر حروف
مقطعه است بغیر ب ت ث ج خ د ذ ز ش ض ظ غ ف و این را حروف ظلمانی خوانند گویند که اصلا از این حروف اسمی از اسما حق تعالی
مرکب نشده امتزاج حروف نورانی بغیر یک اسم الودود چنانچه گذشت و خواص این حروف نیز بسیار است که بعضی از آن با بعضی از حروف نورانی
و خواص آن در ابواب دیگر از این مقاله ایراد یافته و بخط مبارک شیخ بزرگوار سعد الملة و الدین محمد المحمود قدس سره دو شنیده ام که
در خواص حروف نورانی و حروف ظلمانی این عبارت مسطور بود که اعلم ان الله سرکما به العزیز و بکفیت حروف ع س ش من کتب علی ظ

ابهامه اللامی و تقابل بر خصما ان شاء الله والسلام علی سید الابرار **فصل ۲** در بیان حروف علویه و دنیویه هر که حروف باعتبار اسماء حروف از ایشان
منقسم بدو قسم اند اول علوی و دوم سفلی و مراد از حروف که تمام ان الف است و منتهی الی یا همزه و این یازده حرفست با تا ثا حا خا دا طا
فا ها یا طا و مجموع این حروف در این الفاظ مندرجست که خط زینت حفظ و باقی حروف که نیز از ایشان غیر همزه هست الیا ذنی جها
الف جیم دال ذال رای سین شین صاد ضاد عین غین کاف لام میم نون واو و پوشیده نماند که حروف رای از رقم اینست نه از قسم علوی
زیرا که الف او حروف نیست نه همزه و آنکه جای حروف یا همزه نویسند جمله مغلطات عوام است و بعضی از علمای این فن حروف علویه و دنیویه را بوجه
دیگر قسمت کرده اند هر یکی از علوی و دنیوی ... وضعت ساختند اعلی و علوی و ادنی و دنیوی نزد ایشان حروف اعلی هفتست ا ص ع ک
ل ف ح که لفظ صانع لک له از و مرکبست و حروف علوی نیز هفتست ج د ص ط ق م ی که لفظ طریق بجم لدانی مرکبست و حروف جهارده
کانه الفاظ درص حکم له بر قاطع ترکیب جز باید و فایده این کتابت اینست که دو ترکیب حفظ در هر آید الا و حروف دنی و این نیز هفتست ب ت ح
د ذ ض و که لفظ ذو ضجت اذان ترکیب اللام و حروف دنیوی نیز هفتست ث خ ر ش ظ غ ف که لفظ نشط فخر از این ترکیب و اگر صاحب دولت
از بسیار معنی عادلیست اما بحث نهوات حفظ این ترکیب یافته پس هرگاه که عامل اراده اعمال محبت و الفت و رفعت و جاه و سعادت کند باید که توسل بحروف
اعلی و علوی کند و هرگاه داعیه اعمال بغض و عداوت و مذلت و شقاوت ... باید که متوسل بحروف ادنی و دنی شود و هرگاه که حروف اعلی را با حروف علوی
امتزاج دهد حصول ... اعمال نقطه اقوی و اکمل بود و هرگاه که حروف دنی را با حروف ادنی ... ارواح اعمال ... اسهل و اوضح باشد و هرگاه که
حروف اعلی را با ادنی و علوی با دنی مزج کنند ... اعتدال حاصل شود که در امور متوسط کار تواند فرمود پس عامل طریق کتابت دو کلامی
در هر عملی از اعمال متضاده باید اقسام اربعه را ملاحظه کرد و کتابت و قرائت اسماء حسنی و آیات کبرا را بر وجهی کنند که آن حروف در مطلوب غالب
گردد تا از عمل المحمود حظ وافر محظوظ گردد و بالله التوفیق **فصل ۳** در خواص حروف نواطق و صوامت هر که حروف باعتبار وجود
نقاط و عدم آن منقسم میشود بدو قسم اول نواطق یعنی حروف منقوطه که این را حروف معجمه گویند قسم دوم صوامت یعنی حروف غیر منقوط
که آنرا مهمله خوانند اما حروف نواطق و آن پانزده است ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی پوشیده نماند که حروف
که حجاب اند پانزده است پس حرفی که حجاب از حیثیت ظهور و عیانست مخصوص بفوقیه اعجام و هر حرفی که حجاب او از حیثیت ترک و خفاست
مخصوص بنقطه اعجامست و از جهت که در حروف علویه منقط میشود در حروف دنیویه مذهب ثانی و حروف مهمله بیشتر باشد الا دال و واو
از غایت علو شان این دو حرفست و انبیا را ... از اخوان خود که منقوط است اند و در سلک اسماء حسنی که مرکب است از این اسم بزرگوار
ودود و از حروف معجمه هیچ اسم از اسماء حق تعالی مرکب نشده است الا ... و صاحب در مکنون آورده که از این حروف یازده کانه نواطق هیچ اسم
مرکب نیست جز ... ظفر غنی و هر که این اسما را در روز یکشنبه وقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و در زیر سر نهد بامر الله
و آن کلمات را بالحاح بگوید یا حکیم یا متکلم یا معجل یا مجیب یا مسبح یا ... یا جاثیا ما بر کلم آن ... در خواب سخن گفتن آغاز کند

وما في الصدر حولا بالتمام اظهار نمایند و در اتصال متحیر بود که چه بگوید و اما حروف صوامت و آن سیزده است و اگر از هم الفاظ حروف علیحده یکی بند
چنانچه مذهب بعضی از علما این فن است چهارده بنا دارد ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه لا و صاحب در المکنون فرموده که این حروف چهارده گانه چهار
اسم ترکیب است احد رسالة سطع کلم موهلا و هر که این اسما را الکتابه کند بیست نهم ماه یا وقت خسوف یا کسوف بر صفحه سرب سیاه و آن را در
زیر نگین وضع کند و با خود دارد [illegible] عقد اللسانی که همه غمازان و بدگویان و غیبت و بهتان و تهمت نسبت بی‌محل از زبانش کوتاه گردد
و همچنین اقوه آن بود که در حضور غیبت کند و تهمت نماید یا آن را متر رساند و تا آن خاتم با وی بود حال بر این منوال بود **فصل عم** در خواص حروف
مفاصلات و مواصلات شیخ اعظم محیی الحق و الدین العربی در کتاب المدخل آورده که حروف باعتبار انفصال و اتصال آن بما قبل و ما بعد
منقسم میشوند بدو قسم قسم اول مفاصلات از آن که انرا حروف خواتیم نیز گویند و دوم مواصلات و اما حروف مواصلات و آن شش است ا
د ذ ر ز و و به نزد بعضی از علمای این فن که انرا علیحده حرف دانسته ازان نیز از قبیل مفاصلات آنست و بیست و دو حرف باقی از قسم مواصلات که متصف
ان بانفصال قبلی و بعدی که در اول کلمه افتد متصل میشوند بما بعد خود و اگر در آخر افتد متصل میشوند بما قبل این پس هر امری که انفصال در او مطلوبست
باید که عامل توسل بحروف مفاصلات اجتناب جوید و در اعمال [illegible] از حروف مواصلات احتراز کند تا در عمل قصور و خللی واقع نشود و صاحب در المکنون
آورده که هر که حروف خواتم را در چهار ربع ماه بر دیوار خانه رقم زند یا بر کاغذ نویسد و در خانه محفوظ کند آن خانه از سرقه و حرقه ایمن گردد
و اگر بر چوب کشتی نقش کند از بلای کشتی از غرق شدن سالم ماند و اگر این حروف را بر [illegible] کتابت کند و در میان رخت و بار تجار نهد از قطاع
الطریق سالم ماند و اگر بر صندوق [illegible] یا بر مدفونی رقم زند محفوظ و مضبوط ماند و اگر در میان [illegible] نهد از آسیب [illegible] ایمن ماند و اگر بر خاتم نقره
یا ذهب نقش کند صاحب خاتم از همه اعراض و امراض سلامت یابد باذن الله **فصل ۵** در خواص تجیم حروف الارکان صاحب در مکنون در کتاب خود
آورده و شکلی وضع کرده مشتمل الارکان و حروف [illegible] و بهشت کانه را بر منازل قسمت کرده و در هر رکن هشت منزل از هشت حروف اگر منسوب
و مخصوص است بان منزل رقم باید [illegible] دیگر از اسما حسنی را بنام [illegible] و برای حروف هر رکنی از ارکان اربعه خواص و فواید بیان کرده اند ربع
[illegible] از ذکر جناب ذوالاسماء ارقام اینست که با حروف مقصود مرقوم شده بر منصوبه [illegible] فرموده که هر که حروف رکن اول که ترکیبش اینست [illegible]
برچوبها بنویسد و بر آتش نهد بنام موضعی آتش در آن افتد
مطیع و فرمان بردار وی شود و هر که حروف رکن دویم را که
بنویسد یا بر کاغذ بنام غایب و در موضعی
در [illegible] بنام غایب و مادرش [illegible] بیرون آرند و اگر در
بنویسد [illegible] و در از غایب خبر صحیح یابد بر وجهی از وجوه
و هر که حروف رکن سیم را که ترکیبش اینست [illegible]

و اگر بنام یار [illegible] بنویسد
ترکیبش اینست خ ض ظ غ ک ص
تا ریک دفن کنند
از برای آن حروف نیز
بر احوال [illegible] مطلع شود
بنویسد [illegible] گویند

ودر هجوم کرفته بر دام نهند حیوانات بحری بسیار در آن دام در آیند واگر در میان بطانه سانند و اینحروف را در آن خانه بگذارد و بر چهار
دیوار خانه رقم زنند در وی و بیرون آن حیوانات بحری پیرامن آن خانه بسیار جمع شوند و ازدحام کنند واگر آن نیز برهانند و متفرق سازند
باز جمع شوند و ازدحام کنند و هیچ حال از گرد آن خانه دور نروند چنانچه با ساطان نیز اتوان کرفت و هر که حروف کوه چهارم را که ترکیبش
اینست جم نخل بسیار بخواند و بر زبان راند صحب رطوبات کنند کردد وقت خواب از دهان سیلاب میکند و بدن را قوت دهد و هم قوای
ظاهر و باطن را قوت دهد **فصل ع** در خواص حروف سبعه ممتزجه بدانکه شیخ شرف الدین ابو العباس بونی در کتاب تعلیقه کبرا از امتزاجات
طبیعت حروف که بعضی غیر حروف از آن بی مقدار نه تعیین کرد بهفت امتزاج باز نمود و بران تبعه ممتزجه خواص و منافع بسیار فرموده و
طبایع حروف غیر ممتزوجات اینست نار ا ہ ط م ف ش ذ حروف ہوایی ب و ی ن ص ت ض حروف مائی ج ز ک س ق ث ظ حروف
ترابی د ح ل ع ر خ غ و طریق امتزاجات اینست که حرف اول از حروف هر عنصر را اخذ کند و یکی رقم نماید و این امتزاج اول بود از حروف
دوم عنصر اخذ کند و بکیر و این امتزاج دوم بود و بهمین نا آخر و بر هر امتزاجی خاصیتی مرتب میشود و آن اینست که بر سبیل ایجاز و اختصار
ایراد میشود اما امتزاج اول د ل ف ا منفعت از دیاد حرارت غریزیه را بر آن وجه که این حروف را بر جام زجاجی یا قدح چینی بمشک و زعفران
و کلاب نقش کند و بماء العسل محلول ساخته بیاشامد اما امتزاج دوم ب م ق برای طرد هوام و حشرات و را بر آن وجه که این حروف را
بر لوحی نقش کند و از بیشه بیاویزد و چنانچه مجازی خم مورده بود عاجل النفع بود اما امتزاج سیم ت ر ن س برای طرد هوام و حشرات
بر آن وجه که این حروف را بر شاخ گوزن بنویسد و آخر آتش نهاده ببوزانند هر کجا که در آن حوالی و نواحی بخیزد فرار نماید اما امتزاج چهارم
ث ز ض ش برای محبت و الفت و قبول قلوبست بر آن وجه که اینحروف را که بر صفحه نقره نقش کند بطالع جوزا و قوت عطارد بشرطی که قمر در سنبله
و قمر عالی بود و نوشته را با خود نگاه دارد تا مقصود حاصل شود و امتزاج پنجم ج ط ک ه برای اوجاع و تسکین الام هست بر آن وجه که
انرا بر ظرف پاک نقش کند بقلم فولاد و دایم از آن ظرف آب و شربت آشامد و از آنجا طعام بخورد و اگر مریض بود صحت یابد و اگر صحیح بود
مریض نشود و هیچ درد و المی بوی نرسد اما امتزاج ششم ح ط ع و برای طلب ارزاق و نیل خیرات و برکت زراعات بر آن وجه که انرا بر
صفحه فضه یا ذهب بنویسد وقتیکه قمر در دلو بود و دلو طالع بشرط آنکه مذکور شد مرتب گردد اما امتزاج هفتم خ ک غ ی برای دفع خوف
و خشیت و اطفای غضب سلاطین و حکام ظالم بر آن وجه که انرا بر کف دست راست خود نویسد و اگر بر کف دست نویسد بهتر بود
و در ساعت مشتری باید نوشت پس نزد پادشاه جابر یا حاکم قهار یا دشمن قوی در آید و چون نظر آنها برو افتد از خشم و غضب تنزل نموده
ملاطفه و مرحمت برو تلطف نماید و صاحب وی بخیر و خوبی برارد و اکرام و انعام کند **فصل ن** در خواص حروف متواخیه بدانکه حروف متواخی
الشکل آنهاند که در صورت مشابه و مماثل یکدیگر کردند چون اخوان و از اینجهت آنها را متواخیه خوانند و جز بنقاط و اعراب نقطه از یکدیگر
ممتاز نشوند و آن چهارده حرفست ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ و صاحب مکنون اورده که هر که اینحروف را بمشک

و زعفران

و زعفران و شیر زنان بنویسد و زن هر جا که بندد و همیشه با خود نگاه دارد خاصه در وقت مباشرت شهوت البته بسیار زاید و این حروف را اعمال
برای محبت و الفت و اخوت بسیار نافع است چون شرایط و اداب عمل کما ینبغی قیام نماید **فصل ۸** در حروف الطبان صاحب در مکنونه آورده که
دو حرف است که اکثر حروف طبائع گویند بجهت آنکه چهار اسم از الحروف مرکب می باید که از اسما بر ناحیه بعضی از جنیان مکتوب است و آن حروف
بعد از اسقاط مکررات اینست د ذ ص ض ف ق ک ل م ه و و از این حروف عشره در اسماء اربعه سه حرف که دال و لام و واو است
مکرر میشود دال سه بار و لام سه بار و واو یکبار و آن اسما اینست اول الذل صرع دوم خرف و خوف و رغبت دویم صد صند سیم ضفک ملنولیس
هر که این حروف و اسما را با خود نگاه دارد از مضرت جن و قلت صرع و خرف و خوف و رغبت و امثال آن محفوظ گردد و اگر بر طفل بندند که در خواب
بیترسد و می هراسد آن ترس و هراس از وی زائل شود و اگر در دل کسی قلقی و اضطرابی بود و چون این حروف و اسما را با خود نگاه دارد آن دغدغه
و تنگی بر طرف شود و دل وی اطمینان تمام یابد **فصل ۹** در خواص حروف اصول خمسه صاحب در مکنون آورده که پنج حرف که اصول حروف
و البسائط ر م ن و باقی حروف است و بسیار از این صورت یافته و تحقیق و تفصیل آن هم در کتاب در مکنون ایراد یافته و شرح آن مناسب این مقام
نیست چه مقصود ما ذکر خواص حروف و اسما و آیات و سور قرآنی لاجرم طی آن بساط کرده و بر مجرد خواص الحروف اکتفا مینماید و در آن
کتاب صاحب در مکنون آورده که هر حرفی از این حروف خمسه را اسمی است از اسما حسنی الهی که چون عامل قصد عمل کند باید که آن اسما را با حروف
سابقه و فرموده که الحروف با اسمار خود در لوح محفوظ باین صورة مرقوم است لا غیر پس هر کس این صورت را

بر ورق آهو بمشک و زعفران بنویسد و با خود دارد از همه آفات و عاهات در امان بود و هر که این شکل را بر
خاتم عقیق نقش کند و دایم در انگشت خود میدارد مگر خلاصی برو کار نکند و اگر ویرا سحر کرده باشند
چون نظر بر آن خاتم کند سحر باطل شود و اگر کسی این شکل را بر نگین ذهب یا فضه نقش کند وقتی که آفتاب در شرف
بود صاحب این خاتم در نزد سلاطین و اشراف عزیز و مکرم باشد و خواص این شکل بسیار است و از خوف اطناب بر این قدر اقتصار افتاد
و هم صاحب در مکنونه شکلی آورده جامع این حروف خمسه و اسماء آن مشتمل بر چهار رده الف و هفت جیم و سه را و شش نون و دو میم
با اسماء ایشان به حسب اعداد ایراد نموده بر این صورت و فرموده که
هر که این صورت را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد بوقت طلوع آفتاب روز
یکشنبه و با خود نگاه دارد از اطفاء غضب مشغول کند و از جانبین صلاح و سداد
پیدا شود و کدورت و نفاق از میان برخیزد و هر که این شکل را با خود
نگاه دارد ابواب زر بر وی مفتوح گردد و اسباب وی بسیار
و حامل این شکل از آفات و مخافات و حوادث و نوازل تحفظ و تخصیص گردد

سالم وایمن بود واگر کسی این شکلها بر نگین ذهب نقش کند در وقتی که آفتاب در شرف بود اثر خاصیت وی در اعمالی که مذکور شد قوی تر کرده

فصل ۱۰ در خواص اشکال سبعه و صورت آن اینست مممم ااا اا اا ه و صاحب شمس المعارف آورده که حضرت مقدس امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در خواص و صفات این اشکال یازده بیت نظم فرموده و آن ابیات را تماما در شمس المعارف آورده و از آنجمله اینست پنج بیت که در صفت اشکال سبعه انشاء فرمود ثلث عصی صففت بعد خاتم علی راسها مثل السنان المقوم انه عصی صف که کشیده کنایه از سه الف است و آن شکل دویم است و خاتم که اینجا الف ها بعد از وست اشاره بآن دو مثلث متساوی الاضلاع است که در هم افکنده اند و آن شکل اولست و آن سنان مقوم عبارت از مدیست که بر بالای آن سه الف کشیده و میم طمیس ابتر وه ثم سلم الی کل مطلوب ولیس بسلم یعنی میم طمیس میم است که چشم وی پوشیده است و ابتر است دنباله ندارد و آن شکل سیم است و آن نردبان که سبب است در تحصیل مطالب و نه نردبان است کنایه از آن دو الف که نه جا از ابهم بیوند نه بالف و این شکل چهارم است واربعة مثل الانامل اصابیع صففت تشیر الی الخیرات من غیر معصم و الخیار که مثل انگشتان صف بر کشیده که اشاره میکنند بخیرات بی سر دست عبارت از آن چهار الف که بعد از میم مرقوم شد و آن شکل پنجم است وها شقیق ثم واو منکس کانبوب حجام ولیس بمحجم شقیق اشاره بهای فارسیست که هر دو چشم وی شکافته بود و نه پوشیده و آن شکل ششم است و واو منکس واویست که دنباله وی باز کردیده باشد و بر او دگر نشسته بیشتر همچو شیشه حجام و حال آنکه نه شیشه حجام است و آن شکل هفتم است فیا حامل الاسم الذی لیس مثله توقی به کل المکاره تسلم میفرماید که لیس ای دارنده اسمی که نیست مثل او یعنی اعظم اسماست حذر کن و بپرهیز بوی از همه مکروهات تا بسلامت باشی و در کتاب جفر جامعه که منسوبست بحضرت امام همام ابو عبد الله جعفر الصادق ع و الحضرت از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نقل کرده که آن حضرت فرموده که هر که این شکل سبعه را در سفر بر و بحر با خود دارد در میان امتعه و رخوت نهد از غرق و حرق و سرقه ایمن بود و در آن کتاب شریف حضرت امام همام علیه الصلوة و السلام ارقام هندسه در مثلثات و وسط خاتم که شکل اولست رقم کرده اند و او را در حصول نتیجه و ظهور اثر تمام و اکمل دانسته اند و صورتش اینست و از ذو النون مصری منقولست که فرموده که

این اشکال سبعه متضمن اسم اعظم الله تعالی است و بغایت سریع الاجابه است و از ابو درداء رویت که فرمود این اشکال سبعه را در سه چیز امتحان کردم از شمشیر تیز بران ترا یافتم اول آنکه در هیچ کشتی نباید که او به سلامت بکنار آید و از شکستن و غرق شدن ایمن ماند دویم آنکه در میان هیچ متاع از امتعه بسلامت و اگر این اشکال بر بضاعت بنویسد از راه زنان ایمن باشد و ابو وراق رحمه الله گفته که چون این اشکال سبعه را بر بضاعت و متاع تجارت نویسند باید که از عقب آن این دعا نیز کتابت کنند و خواهند تا ضرر و آسیبی نرسد بآن بضاعت دعا اینست یا حافظ احفظنی یا من له الاسماء الحسنی احفظ هذا الشیء من جمیع الآفات بما حفظت به الذکر فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون برحمتک یا ارحم الراحمین اما ارقام اسم اعظم صاحب جواهر التنظیم آورده که بخط مبارک شیخ عارف کامل محقق ابو الحسن شاذلی دیده ام نوشته که نزد بعضی عرفا شایع است بسم الله الاعظم و قسم بر ارقام اعظم المکرم

این اشکال

این اشکالست المع ||||| اصطا صاف لکا ۶ صاما و هم صاحب جواهر السطیم اورده که بعضی از محققان بر آنند که اسم اعظم الله تعالی عبارت ازین

اشکالست که مرقوم میشود هم صاحب جواهر السطیم اورده که بعضی از محققان و بزرگان گفته اند دوف ۲ ۱۱۱ح سم ۷ |||| ۶ |||| ۱۱۱۱

صطا صطا صطا ۵ لیصا لاتون بر آنند که اسم اعظم این اشکالست و ۶ ۳ ۳ ۳ پس هر که این اشکال مذکوره که الله الله وا داند که در باب چهارم

از مقاله اول که مشتمل بر آداب طریق کلامی است ایراد یافته کتابت کنند و همیشه با خود دارد و بجمیع مرادات فایز گردد فصل ۱۱ در خواص حروف

عجمیه چهار است که غیر حروف عربیه است و لغت عرب بآن حروف نیابند و صورت آن بخط جدید اهل عجم اینست پ چ ژ گ و صورت آن بخط

ایشان این است ... و مخفی نماند که خواص این حروف اربعه بخط قدیم اهل عجم متنوع است بعضی که این حروف را کتابت کند بر جبهه انسان با انگشت

مسبحه و قرائت کند بر آنها رنج از آن فرد را بزودی محفوظ ماند از ضرر جن و انس و هیچ سحر برو کار نکند و هیچ گزنده از مار و کژدم و سایر موذیات

بر امن او نکند و حامل این حروف میان خلایق وجیه و مطاع باشد و اگر این حروف را بر جبهه طفل نویسند در خواب بیدار نترسد و اگر بر حریر

سفید نازک پاک نویسند و در زیر نگین نقره نهند و کسی در انگشت نهد در میان مردم مهاب مطاع گردد و خلق از وی بترسند و گوهان بردار

ور شوند و ابواب رزق برو مفتوح شود و نزد سلاطین و حکام و اشراف اعتبار تمام پیدا کند و مقبول شود و اگر این حروف را بر ورق ترنج

نویسند و در روغن زیت صاف پاک اندازند هر که از آن روغن مقدار بر جبهه و جبین مالد هر که نظر بر وی افکند محب وی شود و از هر که حاجت

خواهد بتوقف قایل روا گردد و بر مهر قها رکت را باید لیس غضب و نویسند و در حمام غلغله و محبت شود باذن الله تعالی و خواص این حروف

بسیار است و اینجا باین قدر اختصار یافت والله اعلم فصل ۱۲ در خواص حروف هندیه و هم صاحب جواهر مکنونه در احرکتاب خود آورده که

اصول حروف هندیه ... موافق حروف هندیه و ان غیر حروف عربیه و عجمیه است و خطائی و صورت آن حروف اینست ... کا معرد

... مسهما ... که از آن صورت غریب و عجیب در هند و گویند چون آدم به سرانديب فرود آمد اول زبان هندی بخن گفت و این

حروف را وضع کرد پس چون بنویسند این حروف در طاس نو با قلمی تازه مشک و زعفران و گلاب با غنی بشوند ساخته صاحب باسور و نقرس و یرقان

و طحال و کبد و ذات الصدر و ذات الجنب و نان بدهان تا بدر شفا یابد و اگر کسی این حروف را بر لوح از نحاس یا نقره کتابت کند در اول حمل اسرطان کم قمر

از عقرب دو ربع و به سعود متصل و حامل این لوح را با خود دارد و جبین اسعود را در رشتم و ایمن برح و حامل در وقت وضع حمل بسهولت بار نهد و حامل

این لوح از ضرر جن و انس و سحر مصون و محفوظ باشد مقاله ۳ در خواص اسماء حسنی مشتمل بر پنج باب باب ۱ در خواص اسماء منفرده الله تعالی مشتمل

بر دوازده فصل و درین باب هر فصل مشتمل بر دو کلمه نیم اسم نبوکو از تسلیس چون عدد آن عبارا که پنج است در عدد اسم خصوصیتی که دوازده است

ضرب کند حاصل الضرب شصت عدد و اسمائیست که در این باب ایراد یافته و آن شصت اسم است و فهرست فصول اینست فصل ۱ در تحصیل غرض و جاه و عزت

فصل ۲ در تسخیر خلایق و تاثیر در دلها فصل ۳ در کفایت مهمات و حل مشکلات فصل ۴ در دفع اعدا و قلع خصمان فصل ۵

در دفع خوف و مرض و حصول حظ و برکت فصل ۶ در احیای محبت و مودت در قلوب النفوس فصل ۷ در توسیع رزق و استغنا از خلق فصل ۸ در دفع

امراض و دفع اعراض **فصل ۹** در تحصیل اخلاق سیئه و تبدیل اوصاف ذمیمه **فصل ۱۰** در تطهیر بواطن و تیسیر اسباب دنیا و آخرت **فصل ۱۱** در تحصیل علوم و تکمیل
فهوم **فصل ۱۲** در اطلاع خفیات علوم و اسرار و رسا بهره و انوار و نیل صواب و دفع وسوسه شیطانی و خواطر پریشان **فصل ۱** در تحصیل جاه
و عزت الجلیل در شرح اسماء الله قدوة المحققین مولانا یعقوب چرخی مذکور است که این اسم شریف را مبارک روز عرفات و کلاب در رباعات سعیده
بر قدح چینی نویسد و بشوید و بیاشامد در میان خلق عزیز و بزرگ شود و اگر این اسم شریف را بعدد جمل حروف که هشتاد و سه است بر قدح چینی نویسد
بر آن وجه که مذکور شد و با آب باران و اگر نباشد با آب عذب طاهر بشوید و بیاشامد همین خاصیت که گذشت اتم و اکمل خواهد بود الرافع هم در شرح
اسماء الله فرموده که هر که در نیم شب یا نیم روز و بعد از نماز عشا صد بار این اسم را بگوید در میان خلق بزرگ شود و جاه وی بیفزاید
و اگر بعدد حروف جمل وی سیصد و پنجاه یک بار بخواند نتیجه و منفعت وی زیاده از آنچه مذکور شد البلغ و ادخل خواهد بود و در رسالة الاسماء که خوانده است
رعایت اعداد حروف جمل الف با بلکه به تفصیل در حصول اثر و نتیجه دخل تام دارد المعز هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر چهل روز متصل هر روز
بعد از نماز بامداد چهل و یک بار این اسم را بگوید در دنیا و آخرت عزیز و مکرم شود و هرگز محتاج خلق نگردد المعز این اسم شریف نیز همین خاصیت
دارد چون بطریق مذکور بر تکرار وی مداومت نماید العلی هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر که هر روز صد و ده بار این اسم بزرگوار را بعدد
حروف مکتوبه وی بشرایط بخواند یا بنویسد یا با خود دارد یا علی بگوید و خواه تعلیق تعویذ کند العلی گوید درجه بلند یابد و اگر فقیر بود غنی گردد و اگر غریب افتد
ببرکت مداومت بر ذکر این اسم شریف بصحت و سلامت بوطن باز رسد **فصل ۲** در تسخیر خلایق و تاثیر در بواطن الشهید حضرت
مولانا قدس سره در شرح اسماء الله آورده که هر که در وقت صبح روی بآسمان کند و بیست و یک بار یا شهید بگوید هر جا نافرمانی بود فرمانبردار
وی شوند از اولاد و خدام و خواص و عوام و تکمیل اسعد آنست که بعدد مکتوبه وی که ش ه ی د وان سیصد و نوزده است مداومت نماید
در اول صبح هر فجر بخطاب تکرار کند بشرایطی که در طریق کلام مقرر شده و اگر با تعبیر قوی تر خواهد بعدد متوسطه وی که سیصد و کاها
و یا و دال و الف و این چهار صد و دوازده است بطریقی که مذکور شد مواظبت نماید تا مقصود دعا میسر گردد العدل هم در شرح اسماء الله آورده
که هر که بر این اسم شریف مداومت نماید شب جمعه بر بیست لقمه نان نویسد و بخورد و اکثر خلق صدا مسخر وی شوند المتعالی هر که بر این اسم شریف مداومت
کند بشرایط مذکوره خلق تابع و مطیع وی شوند الهادی صاحب کتاب مجمع المعارف آورده که هر کرا داعیه سلطنت باشد و شهری تسخیر برو باید که بر این
اسم شریف مداومت نماید در روز بعدد حروف مکتوبه وی که بیست هزار بعدد مبسوطه وی که سیصد و شصت و سه است و این اولیست جو الطبایع و هم وی فرموده
که این نوع را بعضی تصور نموده اند چون خواهد که کسی را مطیع و فرمان بردار خود کند باید که این اسم شریف را تکسیر کند بدین وجه ا ل ه ا د ی
پس مطلوب که سلطانیت است تملا للبیط و تکسیر کند بر وجه اس الطان است پس الهادی را بحکم امتزاج دهد بر وجه اس ا ل ه ا د ی پس ایرا
تکسیر کند تا وقتی که سطر اول باز رسد پس سطر مکرر را حذف کند و ماحصل باقی در مربع چهار در چهار وضع کند و آن مربع بر ورق آهو یا کاغذ پاک بنویسد
و در ساعت مشتری و آن ساعت هفتم است از روز یکشنبه چنانچه در فصل یازدهم از باب چهارم از مقاله اول بیان یافته و معمول او بر بخور طیب داشته در حریر

پاک گرداند و زده و با خود نگاه دارد و دایم بر زبان تکرار کند و در هر صد بار بگوید یا هادی من اهتدی ایه بی ان واجعلها طوعا وطوع یدی ومکنی ناصیته
وقلبه و بعد ازین عمل عجایب مشاهده کند در عطا و عنقریب تابعت معمول له واگر این عمل در ساعت اول یا هشتم در روز پنجشنبه کند که ساعت مشتری است
اثر وی قوی بود و درین عمل چون تکرار اسم اقدام نماید عدد وی اطلاقی بود نه حرفی بخلاف عمل سابق و هم شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات
که مشتملست بر شرح اسماء حسنی چنین آورده که بعضی از اهل التحقیق بر آنند که اسم اعظم الله تعالی اسم هو است چه وقتیکه خواهند در دعوت
مبالغه کنند گویند یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا من به هو له کل هو و این طایفه را برین عمل توجه بسیار است و شیخ در ان کتاب ایراد بعضی
از ان دلایل کرده پس طالب صادق اگر خواهد که بقوت باطن تاثیر کند در هشتاد بار باید که باین بزرگوار که اسم ذاتست مداومت بر وجهی کند
که در هیچ نفس از وی ذاهل و غافل نشود تا وقتیکه باطن وی از انوار هویت ذاتیه مطلقه روشن گردد و چون این اثر ظاهر شود و این صفت
راسخ شود و بقوت آن در همه اشیا تصرف عظیم تواند نمود و در ضمن این اسم بزرگوار سریست که اعظم همه اسرار غامضه است و از مداومت و ملازمت
این اسم شریف بدان اسم اعظم توان برد والله اعلم مقصد ۳ در کفایت مهمات و حل مشکلات الحسیب در شرح اسماء الله حضرت مولانا قدس سره
مذکور است که هر کس را خوفی یا مشکلی پیش آید و در تحیر ان بماند یک هفته متصل هر صبح و شام هفتاد بار بگوید حسبی الله الحسیب از خوف بر خیزد و آن
مشکل حل شود و باید که افتتاح عمل از روز پنجشنبه کند و اگر عمل قوی تر خواهد هر صبح و شام بعدد مکتوب این اسم که هشتاد هست مداومت نماید
اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که صد و چهل هفت و در بیست بیان طریقی که مولانا قدس سره فرموده از مداومت نماید الحکیم در شرح اسماء الله
مذکور است که هر کرا کاری مشکل پیش آید این اسم شریف بسیار بگوید ان کار کفایت شود و درین عمل القول حضرت مولانا عدد اطلاقی بود نه حرفی
و اگر خواهد که عمل بطریق حرفی کند هر روز بعدد حروف مکتوبه که هشتاد و هشت است بخواند و اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که دویست و
یازده است هر روز وزاویه سکند الکافی در کتاب شمس المعارف اورده که هر کرا این اسم را ورد سازد بر هر امری و مرادی که خواهد قادر شود بی
انکه انتظار بسیار برد و هر که برین اسم مداومت کند گر گرسنه وی ذوق در حاجت کند و درین عمل القول شیخ شرف الدین لوای عدد اطلاقی بود نه
حرفی و اگر خواهد که عمل بطریق حرفی هر روز بعدد حروف مکتوبه وی صد و یازده بار بخواند و اگر قوی تر خواهد بعدد مبسوط وی که یکصد و
چهار است قرائت کند الوکیل در تحصیل ارادات و کفایت مهمات اثر تام دارد و در شرح اسماء الله اورده که هر کرا این نام را ورد سازد از همه
افات و مخافات ایمن ماند و این عمل نیز بطریق اطلاقیست و اگر بر وجه حرفی عمل کند عدد مکتوبه او هفتاد و شش است مبسوط وی صد و
نود و شش است الوهاب و صاحب در النظیم اورده که بعض علما گفته اند که اسم اعظم الله تعالی الوهاب است چنانچه در دعای حضرت سلیمان ع
واقع شده حیث قال رب هب لی ملکا لا ینبغی الی قوله الوهاب و در شرح اسماء الله اورده که هر که در فضای وسیع که خالی بود دست برارد و
صد بار بخواند یا وهاب بگوید همه مهمات او کفایت شود و هر حاجت که خواهد روا شود و اگر صد و بیست و نه نوبت بعدد حروف مبسوط وی بگوید
اقوی و اولی بود مقصد ۴ در دفع اعدا و قلع خصما بگوید المهیمن در کتاب در النظیم اورده که هر کرا این اسم شریف با بزرگی بنجا و پنج

پاینج حرف که بر نقش صورت نقش کنند و بر انگشتری [illegible] در شرف بود هرگاه که خاتم را در انگشت کنند صد و هفتاد و یکبار این اسم شریف را بخواند و بر سلطان

جابر و حاکم ظالم در آید از شر وی و شر هر شیطانی از جن و انس در عصمت و پناه حضرت حق تعالی بود الحافظ در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم

بزرگوار را به نیت دفع ظالم که متعلق صد از تعلم او و تعدی باشد وی یکجا بنشیند هفتاد هزار بار در یک جلسه بخواند با شرایطی که در کتابت شده الیها و هر که

به نیت قلع و قمع اعدا و استیصال ایشان هر روز سیصد و شصت بار بخواند بعدد حروف مکتوبه بعد از ادای فرض یا بعد از هم کتابت شده و اگر بعدد

حروف مبسوطه وی که عبارت از چهار صد و نود و نه است قرائت کنند در ظهور اثر قوی تر گردد و دشمن عنقریب مقهور و مغلوب گردد در شرح

اسماء الله مذکور است که هر که این اسم را بسیار بگوید دوستی دنیا و اهل دنیا از وی زایل شود المنال در شرح آورده که هر که از ظالمی ترسد هفتاد

و پنج بار بگوید و سر بسجده نهد و نام الظالم برد و بگوید اللهم بحق من فلان بن فلان حسبی نه و تعالی شر آن ظالم را کفایت کنند و اگر عامل بنیت خواهد

که اثر وی قوی تر بود بعدد او را باید بعدد مکتوبه که آن هفصد و هفتاد است یا حروف مبسوط که هشتصد و نود و دو است المهلک به نیت هلاک

ظالمان و تخریب دیار ایشان بعد از هر فریضه دولست و شصت و هشت بار بخواند و بعد از آن سر بسجده نهد قلع و قمع دشمن را حق تعالی در خواهد

بزود شر او کفایت شود **فصل ۵** در دفع خوف و مرض و حصول حفظ و برکت الحفیظ در شرح اسماء الله آورده که هر کرا خوفی و ترسی بود این

نام را با شرایط کتابت کند و بر بازوی راست بندد دایمن و مطمئن شود و اگر بعدد مکتوبه و مبسوط کند اثر او قوی تر بود و در کتاب در التنظیم

آورده که بعضی عارفان چنین فرموده اند که این اسم بزرگوار سریع الاجابه است مترس کار را مراد در اسفار باید که مسافر همیشه ترک را مداومت

نماید تا از جمیع مخافات و آفات محفوظ ماند و هیچ مکروهی بوی نرسد و فرموده که پس در مواطن مخوفه برد که این اسم شریف اقبال کرده و

از عجایب صنع الهی در خواص وی بسی چیزها مشاهده نموده ام که عقل از دریافت آن عاجز بود و صاحب در التنظیم آورده که چهار حفیظ چهار حرف

و وفق وی چهار در چهار است و مکسر وی شانزده حرف است پس چون تکسیر کنند بحسب و در لوح وفقی وضع کنند برو زبانه ما نند که یا حفیظ احفظنی

ا	یه	ید	د
یب	ی	ز	ط
ح	ی	یا	ه
ع	ج	ب	یو

١	١٥	١٤	٤
١٢	٦	٧	٩
٨	١٠	١١	٥
١٣	٣	٢	١٦

فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صورت لوح و فوق و عدد این است

پس چون کتابت کنند این لوح را که آفتاب یا قمر در شرف باشد و عامل بر طهارت بود و این

کتابت بعد از آن کنند که دو رکعت نماز گذارد که در هر رکعت بعد از فاتحه صد بار آیة الکرسی

و سوره اخلاص بخواند و باید که این کتابت بر ورق آهو بره پاک شود پس چون این

کتابت با شرایطی که مذکور شد و بیان شرایط دیگر که در کتاب طریق کتابت مقرر است و در

معالات ابراد یافته وجود گیرد بر حامل او حق سبحانه و تعالی وهم و حفظ را آسان گرداند و قدر و عزت وی نزد خلق عظیم سازد و اگر محبوس با خود

نگاه دارد زود از بند و زندان خلاص شود و اگر مجاور بر حامل آن بعد صیام از وی عنایت کنند و اگر کسی هفته روزه دارد و دایم بر طهارت بود

این لوح نقش این وفق را رقم زند در اول ساعت از روز پنجشنبه در حالی که قمر با مشتری ناظر بود و ناظر مودت با آفتاب متصل بود محبت و یا خود نگاه دارد

طاعت

طاعت و عبادت و امور دینی مجرا شود و دست و مال او صدای برکت و اگر این لوح را در میان امتعه نهد از جمیع دزدان محفوظ باشد در سفر و حضر و اگر
این لوح را بر قدح چینی نقش کنند پس محو سازند با بت باران و بیماران مداومت بر سایر امراض که گزیده مار و عقرب ایمن شود و قوت حافظه وی زیاده
و علت نسیان زایل شود و هر که این لوح را با خود دارد از جمیع بلیات و فتن محفوظ ماند و در کتاب شمس المعارف آورده که هر که این اسم را تکسیر کند و
بر خاتم نقش کند و با خود نگاه دارد از هیچ چیز نترسد و اگر ناگاه مبتلای گرفتار شود از آن بلا مستخلص گردد و همیشه در حفظ حق تعالی باشد و دل او ثابت
و مطمئن شود و اگر حروف مکسره را با لوح وفق در ارد افضل و اولی باشد و تاثیر وی اکمل و اقوی الرقیب در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم
هفت بار بخواند و بر اهل و مال خود نفس کند و به سفر رود تا وقت آمدن وی اهل و مال و ضیاع و عقار وی محفوظ باشد و محروس ماند و اگر عمل اقوی خواهد
بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه وی قرائت کند الودود در کتاب شمس المعارف آورده که چون صاحب حروف و عجب این اسم شریف را بعدد حروف مکتوبه
یا مبسوطه ورد سازد آن شریف هر کس از وی ایمن شود و بر او طاعت حاصل شود الکریم برای تسکین خوف از دشمن و تحصیل مهمات و مهابت
و عظمت در دل وی بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه هر که بخواند و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که بر بستر خواب چندان این اسم را بخواند که بخواب
رود نزد ضایع خیر و ملازم شود الموانع که هر که بر این نام شرایط مقرره مکتوبه مبسوطه مداومت نماید از هر چه ترسد امان یابد اگر شرایط نگاه نکند
و با خود نگاه دارد و قوانت سیر کند از غارت و تاراج صوری و معنوی ایمن باشد و تسلط این جوانی خواند که بر وی مسلط شوند و صاحب
نور التنظیم آورده که با این اسم شریف خوف و شک مرتفع گردد پس هر که صد و شصت بار بخواند یا بهمین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد شک
و شبهه در امور مبهم از دل وی زایل شود و از هر چه ترسان و هراسان باشد ایمن و مطمئن شود و هر که در وقت دیدن آنچه موجب خوف
اوست چهار بار بگوید یا مومن شر آن چیز کفایت شود حضر ع در اثبات محبت و مودت در قلوب و نفوس البر صاحب شمس المعارف
آورده که این اسم شریف ممد و معاون است در اعمال محبت و مودت و الفت و باید که هر روز دویست و سی و سه بار بخواند و بعد از آن
اینچنین بگوید یا اسم مطلوب چنانکه در اسم الهادی در فصل دویم گذشت و چون اسما ممتزج را در الواح وفق درج کنند فعل و تاثیر آن قوی
شود پس حامل اللوح باید که بعد از خواندن هر بار بگوید یا رحیم یا جلیل بمن الحکیل بلطیف ربوبیته اسرع الی بسرایات الطف الخفی بلا
محنة تنفی اصبعیه بن اصابع لطفک حتی استهل لطیفا اللطیف من کل جهة انک لطیف حفیظ علیم رحیم در شرح اسماء الله آورده که هر
که هر روز صد بار بگوید در نفس خود مشفق و مهربان گردد و اگر هر روز بعدد از حروف مکتوبه و مبسوطه بخواند فعل و اثر وی قوی تر گردد
السلام از برای دوستی و سلامت و امانت از هر بلیتی چون بعدد حروف مکتوبه که صد و شصت و دو است یا مبسوطه که پانصد و هفتاد و چهار است
هر روز به نیت کسی بخواند اگر برای محبت و الفت بود اثر قوی کند و اگر به نیت سلامت از آفات و امراض خواند زود آثار عافیت و صحت پیدا شود
اللطیف صاحب جواهر التنظیم آورده که این اسم شریف از سایر اسماء بان ممتاز است که قرب السنیه و سریع الاجابت و در جمیع اوهام و آلام و اسقام
و نوایب و مصایب تاثیر عظیم دارد در اوقات مخصوصه شدائد نتایج و فواید عجیب و غریب از وی بظهور می آید و هر تعب و فزعی که عارض شود بوح

و سرور و امن و امان و اطمینان مبدل شود بشرط آنکه بعدد حروف مبسوطه وی که صد و هفتاد و سه است هر روز بخواند و در معالجه امراض باید که مشک
زعفران و گلاب بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسد و به آب باران محو سازد و اگر نیابد به آب عذب طاهر پس بیاشامد تا جمیع امراض و اوجاع مندفع شود
و اثر و رعایت خود در بیابان شود و اما در کتاب [illegible] این اسم شریف ورای آنچه در طریق کتابی که گذشته است آنست که اسم را صد و هفتاد و سه بار
بنویسد پس به آب باران بشوید و بیاشامد تا نتیجه کلی حاصل آید و عنقریب ظاهر شود و اگر اسماء حروف مبسوطه و بر اعلی جداگانه بالف و لام تعریف بعدد حروف
هر اسم کتابت کنند که الالف و آن صد و چهل و دو بار بنویسد اللام و آن صد و دو بار بنویسد الطا و آن چهل و یکبار بنویسد الیا و آن چهل
و یکبار بنویسد اللفا و آن صد و بیست و دو بار بنویسد پس یک جا را تقطیع کنند بعد از آن آب را بیاشامد از امراض بیرون و درون شفا یابد
و از درد و اهم خلاص شود [illegible] و در شرح اسماء الله آورده که هرکه از برای آرزوی زن و شوهر این اسم شریف را هزار بار بخواند و بر طعام دمد
و اگر صد بار نفث کند او را بدو لیس انرا بخورد هر دو و در میان ایشان محبت و الفت عظیم پیدا شود و اگر این زن عمل را کند و هم شوهر نتیجه و اثر
بیشتر بود و در کتاب شمس المعارف آورده که هرکه اسم طالب و مطلوب را تکسیر کند و با این اسم شریف امتزاج دهد چنانچه در فصل دوم گذشت بشرط
آنکه نگاه [illegible] و یکبار این اسماء را با اسم امتزاج دهد و بعد از آن رغبت و محبت ظاهر او کرده و اگر اسماء تکسیر در [illegible] و [illegible] کند در ساعت سعید
[illegible] و از [illegible] مطلوب مطیع و منقاد شود و چون این عمل بوقت متصل شود فعل او نهایت قوی گردد و اگر کسی اراده شروع
در عمل [illegible] بود در رکعت اول فاتحه با سوره البروج بخواند و در رکعت دوم فاتحه با سوره الضحی پس آغاز
[illegible] کند و بعد از اتمام [illegible] بر مطلوب [illegible] و الحمد لله و صاحب [illegible] النظیم آورده که هرکه این اسم شریف
را [illegible] کتابت کند [illegible] و [illegible] را با خود نگاه دارد و برای محبت عظیم در
قلوب [illegible] این اسم [illegible] حق تعالی [illegible] و عامل این اسم شریف [illegible] و اگر
ایام صیام [illegible] گفته اند هرکه این اسم را کتابت کند [illegible] محمد رسول الله [illegible] علی ولی الله [illegible] کند و این
کتابت بعد از نماز جمعه کند عامل [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] حضرت رسالت صلعم [illegible] کرده اند و از همه آن سلاطین امین و مسلم
دارد و اگر کسی هر روز وقت طلوع آفتاب این نوشته را ببیند و نظر بروی کند و بر حضرت رسالت چند بار صلوات فرستد ببرکت این عمل الحفوت
را [illegible] واقع ببیند جفر ۷ در توسیع رزق و رفع احتیاج لخلق الباسط در شرح اسماء الله آورده که هرکه این اسم شریف را در سحری
در [illegible] ده بار بگوید و بروی فرود آورد هرگز بذل سؤال محتاج نشود و اگر کسی در شماره آن بیفزاید که بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه
بخواند [illegible] تاثیر او قوی تر بود و در کتاب [illegible] النظیم آورده که هرکه این اسم را بخواند و با خود نگاه دارد در توسیع رزق و تفریج کرب
و تفریج نفس تاثیر عظیم کند پس باید که عامل چهار روز متصل هر روز چهار ساعت نجومی بلا انقطاع این اسم را بخواند تا بمقصود فایز گردد
و اگر هفتاد و دو روز پیوسته هر روز هفتاد و چهار بار بخواند حق سبحانه و تعالی دل او را بر طاعت و عبادت حق ثابت و راسخ دارد و خاطر او را

از همه اتفاق و احمال سبکبار رساند روز روز او را از جای رساند که کافی نه شنه برع الظرافی در شرح اسماء الله اورده که هرکه بامداد پیشین زمان
صبح در چهار زاویه خانه خود در هر زاویه ده بار یا رزاق گوید اغاز از دست راست کند و بجانب قبله رود از فقر و فاقه و بینوایی خلاص
شود الغنی در بعضی از رسایل قدوة المحققین خواجه صاین الدین مذکور است که یکی از ائمه حروف در رساله جفر آورده که درویشی در بلاد عرب
بگوشه مسجد رفت و روی همت بقبله توجه او رد و زبان بذکر یا غنی بگشود بهمین که نظم توجه و اخلاص او با الحرام مدخل خاطر او مشوش بعقد
یکهزار و هفتاد و یک رسید گوشه از سقف المسجد فرود امد و در روی او غایت وخت و دهشت بد الطرف دو بدره هزار مثقال زر خالص
در آنگوشه سقف مکنوز و محفوظ بود در میان خاک و خاشاک فرو ریخته بود بازیافت المغنی صاحب سر المطالب آورده که هر که بعدد حساب جملی
که عبارت از عدد حروف مکتوبه بهت این اسم را هزار و صد بار بخواند یا بحساب مفصل که کنایه از عدد حروف مکتوبه بهت این اسم را هزار و صد بار
بخواند یا بحساب مفصل مبسوط هست که هزار و دویست و شصت و هفت بار بگوید حقتعالی نه و نعم او را توانگر گرداند و هم صاحب سر المطالب
گوید که این اسم شریف را لوحی مربعست که هر که حامل آن شود و بر تکرار تلاوه این اسم ادمان نماید بعدد مفصل یا مجمل آثار توانگری و ثروت

	ی	ن	غ	م
بیاض عمل	٣٩	١٠٠١	٤٩	١١
	٤٣	١٣	٢٩	٩٩١
	٩٩٩	٣٧	١٣	٤١

بظهور اید و در حصول نتیجه اتم و اکمل بود و صورت مربع اینست که کشیده شده
الواسع در شرح اسماء الله آورده که هر که را با گنج محو سعی نمود و تعالی داده قناعت
نباشد این اسم شریف را بسیار بر زبان راند هم صفت قناعت حاصل شود هم
وجه کفاف بی مهمات و کفایت شود بطریق احسن واگر بعدد مجملی بلکه مفصل بر ذکر
ان مداومت کند اولی بود در دفع امراض و رفع اعراض فصل ٨
الثانی صاحب سر المطالب آورده که چون اسم را کسی در مربع چهار در چهار وضع کند در ساعت لایق با شرایط مقرره و انرا بر کاسه چینی یا جام
زجاجی نقش کند و بر دوران نویسد و شفا و رحمه للمؤمنین لیس ان نوشته را با باران و اگر میسر شود با آب عذب صاف
پاک بشوید و بیماران را بدهد بیاشامد هر مرض که داشته باشد زایل گردد اگر چه مرض مزمن الشکوه هر که جسم را ریکه کند متصل و یکبار این اسم
بر زبان راند و بر کف دست بدمد و دست خود را در آب بدهد و بر چشم مالد شفا یابد الصمد صاحب شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر
این ذکر آثار تجلی صمدی ظاهر شود و او را از مرض جوع خلاص کند و اگر بعدد مجمل یا مفصل ورد و تکرار کند اتم و اکمل بود و صاحب جواهر التنظیم
آورده که هر که مداومت کند بر تکرار این اسم بطریق اطلاقی یا جهر هرگز محبوس نشود یا از جوع القابض در شرح اسماء الله آورده که هر که این
اسم را با جهل لقمه نان نویسد در مدت چهل روز تناول نماید و در این مدت بجز این اسم مداوم بجز از مرض جوع شفا یابد المجید در شرح اسماء الله
آورده که هر که بمرض برص و جذام گرفتار شود در ایام بیض روزه دارد و بوقت افطار پنجاه و هفت بار که عدد مجمل اوست یا صد و هشتاد
و شش بار که عدد مفصل اوست بخواند حق تعالی و برا از آن مرض خلاص گرداند و اگر کسی بعد از نماز بامداد بخواند و شش بار و بر خود نفس کند

بصحت وعافیت ماند و در میان اقران و اشباه عزیز و مکرم شود **فصل ۹** در تحصیل اخلاق سنیه و تبدیل اوصاف ردیه الحلیم در شرح اسماء الله آورده
که هر که این اسم را بسیار گوید صفت حلم در وی حاصل شود و نیز صبر و سکون و ثبات وی را حاصل گردد و اگر هر روز بعدد مفصل وی که صد و شصت
و یکست بخواند اثر قوی کند و اگر کسی در وقت درخت نشاندن هشتاد و هشت بار بخواند که مجمل عدد او است بخواند درخت بیخ در زمین محکم کند
و نشو و نمای تمام یابد و صاحب درخت از وی برخوردار شود الرحمن در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم بزرگوار هر روز بعد از هر فریضه صد بار
بخواند غفلت و نسیان و قساوت قلب از وی زایل شود و اگر بعدد حروف مکتوبه که دویست و نود و هشت است اگر تکرار کند اولی بود الرشید هر که
با این اسم مداومت کند طریق سداد و ارشاد یابد و اگر وقت مباشرت بسیار و چون این اسم را بسیار گوید فرزندی که از آن وجه و آن نطفه حاصل شود صالح
و بهره مند گردد و اگر در تکرار این اسم شریف ملاحظه عدد مجمل یا مفصل کند عمل اقوی بود العفو در کتاب شمس المعارف آورده که هر که بر این اسم
مداومت کند اخلاق ردیه و امراض ردیه از باطن و ظاهر وی زایل گردد المغیث در شرح اسماء الله آورده که هر که بر مصایب صبر نماید و عجله که
حصه شیطانست بر وی غالب بود یا طفلی در شب گریه بسیار کند یا این نام را هفتاد بار بر کوزه آب تر سبز خواند لیس بلبان کودک بیاشامد
یا بجورد الطفل هر از گریه و بیک سر خلاص شود و فرزند خوش خوی شود و اگر مجمل که یا الف و پنجاه و هشت یا مفصل که هشتصد و هشتاد و
سه است عمل کند اولی و اقوی بود **فصل ۱۰** در تطهیر باطن و تیسیر اسباب دنیا و آخرت الباعث در شرح اسماء الله آورده که هر که بر فرق تشنه
دست بر سینه آن اسم را بگوید دل مرده او زنده شود و اگر بعدد مجمل گوید که یا الف و هشتاد و سه است یا بعدد مفصل که هفتصد و چهل و پنج است
اقوی و اولی بود العفو هر که هر روز هزار بار و دویست و هشتاد و شش بار بعدد مجمل یا هزار و سیصد و پنجاه و پنج بار بعدد مفصل این اسم شریف
را بگوید ظلمت و تاریکی از وی زایل شود و روشنی و صفا در باطن پیدا گردد الفتاح هر که بعد از ادای فرایض بامداد دست بر سینه نهد و هفتاد
بار بگوید یا فتاح ظلمت از دل وی زایل و دور گردد و باطن وی گشاده شود و اگر بر عدد مجمل وی مداومت کند که چهار صد و هشتاد و نه است
یا مفصل که شش صد و دو هست اقوی بود القدوس هر که بعد از زوال صد و هفتاد بار بعدد مجمل او یا سیصد و چهل و نه بار بعدد مفصل بخواند
دل وی پاک شود و اگر روز بر این ذکر مداومت کند صفای تمام حاصل شود الملک هر که این اسم را هر روز دویست و شصت و چهار بار بعدد مفصل
وی بخواند دل وی روشن گردد و ضمیر او صاف شود و اگر بعد از هر فریضه بر این ذکر مداومت نماید نور و صفا مضاعف شود و صاحب حل السطیم
آورده که هر که دایم نظر کند بر حروف این اسم شریف بعد از آنکه او را کتابت کرده باشد بر صورت الم الث و باید که از جمله حروف سطرا
که میم است سطور دارد و روز چهار شنبه نظر بر حرف میم کند و در آن حال آیه که بر ظهارت بعد و هر بار آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی
بغیر حساب قرار کند صبحانه و تعالی اسباب دنیا و آخرت را بر وی آسان گرداند بعز وجوده **فصل ۱۱** در تحصیل علوم و تکمیل فهوم الحق هر که
بعد از هر فریضه صد و هشت بار بعدد مجمل یا صد و نود بار بعدد مفصل وی بخواند حق سبحانه و تعالی علم و فرقان وی را روزی گرداند و در آن باب فهم
حاصل دهد که همیشه حق را از باطل جدا کند و در شرح اسماء الله که هر چیز که کم شود بر چهار گوشه کاغذی این اسم شریف را بنویسد و در نیم شب

کرفته روی باسمان کند و ساعتی نگاه دارد و در آن اثنا صد و نود بار بگوید آن کمشده بزودی دریافت شود الخالق صاحب تیسیر المطالب آورده که هر که این اسم
در مربع چهار در چهار بهیأت مثمن وضع کند بر ورق سفید و بر ظهر وی سماوی مربع را الصبور شریف بنویسد جهت اطلاع و ثبوت بر یکدیگر منطبق شوند
با نقاط و ارقام وفق و عددی را و تحت نهد که قمر در حال بعد و زاید النور و نازل شود ساقط از نحوس حق سبحانه و تعالی بزودی ویرا اطلاع دهد بر علم
تکسیر و اگر در وقت صاحب وقت فا بعد مدد عظیم یابد در اعمال اکسیر السریع صاحب جواهر السطیم آورده که ذو النون مصری فرموده که اسم اعظم الله تعالی این اسم
بزرگوار است هر دعا که کنند بعز اجابت مقرون شود و صاحب شمس المعارف آورده که این اسم را در سرعت اجابت دعوات مدخل تمام است و هر که این اسم را کردایم
گوید هر چه از امور خفیه و اسرار دقیقه خواهد حق سبحانه و تعالی بروی ظاهر گرداند و هر که خواهد که بر حال مشرف شود که غرضی او را در یافته باشند این اسم
شریف بر کف دست چپ خود بنویسد و یکهفته هر روز ششصد و چهل و چهار بار بگوید ذکر السریع بالفلام توقیف که عدد مفصل اوست یا پانصد و شصت و
و چهار بار بخواند اگر یا سریع گوید بیا حطاب که عدد مفصل اوست و هر روز بعد از تمام ذکر این دعا را بخواند که اللهم انی اسئلک یا سمیع القریب
المجیب الذی عرفته به فواتح رحمتک و خواتم ارواحک و سرعة اجابتک یا سریع لمن قصده یا قریبا لمن ساله یا مجیب لمن دعاه سریع لی انقضاء
حاجتی و بلوغ ارادتی یا سمیع یا مجیب یا سریع یا قریب آمین و چون این ورد را با شرایط و آداب بتقدیم رساند حق سبحانه و تعالی وی را بر ادراک و مشرف
سازد و هر که خواهد مشاهده ارواح کند و با ایشان سخن گوید و از ایشان شنود و بهیات عمل قیام نماید تا دیده تعلق وی روشن شود با آن دیده
روشن روحانیان را مشاهده کند و با ایشان مکالمه کند و هر سوالی که از ایشان کند بجواب صواب مقرون شود و هر عددی که از ایشان خواهد بخواه
بیابد القریب صاحب جواهر السطیم آورده که بعضی از اکابر دین قدس اسرارهم گفته اند که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است و خواص عظیمت
و صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر این اسم شریف بعدد جمل وی که یکصد و دوازده است و یا بعدد مفصل وی که سیصد و نود و شش است
موجب فتح مطالب مکاشفه و اسرار است بشرطی که نهایت آداب و شرایط کما ینبغی کرده باشند و اگر بعد از هر فریضه بعدد مفصل مواظبت نماید بر حصول
مقصود اتم بود المنیعه در شمس المعارف آورده که هر که هر روز این اسم را هزار بار در خلوت بر خلو معده بخواند و در حین ذکر تصورات
لایقه بکار برد و سایر شرایط را که در طریق کلام مقرر شده رعایت کند و ادراک فکر او زیاده شود و بوی متکلم شده **فصل ۱۲** در اطلاع بر مخفیات
علوم و اسرار و مشاهده انوار و یافتن طریق صواب و رفع خاطر پریشان العلیم در نزد بسیاری از محققین اکابر این اسم شریف امام ائمه
اسماء سبعه است صاحب شمس المعارف آورده که هر که مداومت کند بر ذکر امام ائمه اسماء سبعه یعنی اسم شریف العلیم ظاهر شود بر مخفیات علوم جفر علم
صناعت الکل که عبارت از علم اکسیر است و غیر آن از علوم غریبه و فنون عجیبه و هر چه از حق تعالی خواهد بسهولت میسر گردد و در شرح اسماء الله
مولانا العقوب بروجی مذکور است که هر که این اسم را در دل بسیار بگوید صاحب معرفت او شده گردد و اگر بعد از هر فریضه صد و پنجاه بار که عدد جمل اوست
یا سیصد و ده بار که عدد مفصل اوست تکرار نماید مقصود بر وجه اتم ظهور کند المجیب صاحب تیسیر المطالب آورده که این اسم از برای اطلاع
بر غیبات و اخراج کنوز و دفاین و کسی که بر ذکر وی مداومت کند اگر غایب در قید باشد در خواب یا بیداری از حال وی مطلع شود و خبر صحیح شنود و

و صاحب شمس المعارف آورده که هر که هفت روز این اسم را ورد سازد بعدد مفصل وی که هشتصد و شانزده است روحانیت این اسم اعظم
او را خبر دهد از اموری که در آن سال حادث خواهد شد از احوال ملوک و انقلابات زمان و امور کلیه علام الغیوب در کتاب شمس المعارف آورده
که هر که مداومت کند بر این اسم بحروف تهجی که یا علام الغیوب بگوید تا وقتی که تاثیر کند این اسم در روح وی در باطن استیلا یابد و در الحال امور غیبیه
بر زبان وی جاری شود و آنچه در ضمایر است بر وی منکشف گردد و روح وی ترقی کرده بر عالم دوران نماید النور صاحب تیسیر المطالب در فصل رابع
عشر از آن کتاب در میان نور و الغفار آورده هر که در مواضع مظلمه ورد کند که این اسم شریف هر بار بعدد مفصل وی که سیصد و بیست است بخواند مشاهده
انوار عظیم و بر [illegible] در عالم حس نماید بواسطه غلبه انوار بر باطن وی و صاحب حجر السطیم آورده که هر گاه بر کسی امری مبهم شود که خطا و صواب
در آن امر از هم جدا نتواند کرد یا در سفر راه گم کند باید که این اسم را دویست و پنجاه و شش بار بعدد مجمل وی و صحت عزم و تقاید تمام بخواند طریق
صواب و راه راست بر وی روشن شود و هم در کتاب حجر السطیم آورده که هر که حروف این اسم را با اشکال صورت آن و ربع با رکتابت کند و کسی حامل
آن شود که مبتلا بود به درد معده یا خفقان حیوانی [illegible] و تمام امراض را دفع کند و اگر این نوشته را بر عضوی از اعضا که درد ناک باشد آن درد فرو نشیند
والمذوی لشکین یا بر الغفار صاحب حجر السطیم آورده که مغلوب خواطر ردیه و وساوس ذمیمه باشد که مداومت کند بر انواع تکرار این اسم و هر بار
که عمل شغل کند در صدور اشرار و بکتوبات بعدد مجمل وی یا سیصد و نود و سه مرتبه بعدد مفصل وی بر طهارت کامل بخواند که در آن ضعیف و قوی
اجبار از وی صادر شود وی از وساوس خاطر و اندیشهای پریشان و حزن و اندوه خلاص یابد و جمعیت باطنی و فرح و سرور حاصل آید

باب ۲

در خواص اسماء ثنائیات که هر دو اسم از اسماء الهی مدد و معاونت یکدیگر اعطاء مواهب میکنند و این باب مشتمل است بر دوازده فصل
و هر فصلی محتوی است بر ذکر چهار اسم **فصل ۱** در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق صوری و معنوی **فصل ۲** در حصول حاجات و
اجابت دعوات **فصل ۳** در کفایت امور و مهمات و سرعت اجابت دعوات **فصل ۴** در امن از آفات و مخافات و ظهور طریق سداد
و رشاد **فصل ۵** در تقویت قوای مزاج و حفظ و صحت ابدان ایمنی در سفر و حضر **فصل ۶** در مشاهده عالم روحانی و دفع اعراض
جسمانی **فصل ۷** در تحصیل مرادات و دفع وساوس و شهوات و بقاء ملک و ثبات آن **فصل ۸** در حصول صفت تمکین و اطمینان
قلب و اصلاح ملوک و اثبات ملک **فصل ۹** در تحصیل علوم و حقایق و تسخیر نفوس خلایق **فصل ۱۰** در ظهور اسرار توحید ربانی و تجلی
صمدانی در عالم کون و فساد **فصل ۱۱** در احیاء قلوب میته و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر زبان و رفع هموم و غموم **فصل ۱۲**
در تحصیل علوم خفیه و اطلاع بر اسرار مکنونه و اجابت دعوات و حصول حاجات

فصل ۱ در تحصیل مقاصد دینی و دنیوی و توسیع ارزاق
صوری و معنوی ملاولی الاخ شیخ کامل ابوعبدالله المغربی در کتاب تیسیر المطالب آورده که هر که این دو اسم بزرگوار را در لوح مثلث وضع کند
وقتی که قمر در منزل اشرطین باشد و با خود نگاه دارد و مقاصد دنیا و آخرت بر وجه احسن میسر گردد و با وجود حمل آن دو لوح باید که بعدد مجمل
یا مفصل این دو اسم تکرار نماید و اصلا اخلاف نکنند تا وقتی که اثر آن در امور ظاهر پیدا شود و باید که ترک نکنند تا احوال باطن نیز بر وجه دلخواه شود

باذن

باذن الله تعالی والوهاب والرزاق مداومت بر این دو اسم شریف بعدد مجمل یا مفصل موجب مواهب معنوی و حصول ارزاق صوری است و اگر این اسما
با وجه تکرار هر روزه در لوحی از الواح نقش [illegible] کنند و بر طهارت کامل دایم با خود نگاه دارد در حصول نتیجه ابلغ و اتم باشد مقصد ۲
در حصول حاجات و اجابت دعوات القریب المجیب صاحب شمس المعارف آورده که هر که این دو اسم را تکسیر کند و بر نگین احمر نقش کرده و بر جوهر
نگین این آیه را بنویسد که بدیع السموات والارض الی قوله اللطیف الخبیر از سوره انعام با خود نگاه دارد و بطاعت و عبادت قیام نماید
و به وضو و طهارت علی الدوام این دو اسم را تکرار نماید و هر چه مراد و مقصود وی بود در دنیا و آخرت حق سبحانه و تعالی میسر گرداند و همه
حاجات دینی و دنیوی بر آورده شود و هر روز ملائکه رحمت [illegible] و بر ایمنی و بسیار که و ابواب رزق و برکت بر وی مفتوح شود و در چشم
خلایق عزیز و مکرم گردد و این خاتم اجابت کرامت و خواص وی بسیار است مقلب القلوب [illegible] در بعضی از کتب این طایفه معتبر مذکور است که هر که
از ساعت اول از روز جمعه این دو اسم شریف را کتابت کند بمشک و زعفران و گلاب و با خود دارد هر مراد و حاجت که داشته باشد حق سبحانه و تعالی بوجوب
انشاء الله اجابت رساند مقصد ۳ در کفایت مهمات و سرعت اجابت دعوات الکافی الکفیل صاحب تیسیر المطالب در فصل یازدهم از آن کتاب که
مشتمل بر ذکر وقوف کاف چنین آورده که هر که بر تکرار این دو اسم مداومت نماید حق سبحانه و تعالی کفایت کند کار او را و نگاه دارد و بر او از ظالمی
نرسد و متکفل مراد شود در آنجا امید [illegible] مداومت به تکرار این دو اسم بعدد مجمل یا مفصل نماید کرده و اگر هر دو این اسما را تکسیر کرده در مربع وضع
کند و با خود نگاه دارد در اثنای تکرار این اسما نتیجه قویتر مترتب شود و زودتر بمقصود رسد السمیع البصیر صاحب جواهر السطیم آورده که تنزیه
این دو اسم بزرگت و این ذکر [illegible] که صاحب همت جمیع [illegible] در دعا الحاح نماید زیرا که از خواص این دو اسم است که چون بآن توسل جویند و
دعا کنند بسرعت هر چه تمامتر اجابت شود مقصد ۴ المجیر از آفات و مخافات و ظهور طریق سداد و رشاد الرحمن الرحیم صاحب شمس المعارف
آورده که این دو اسم جلیل القدر عظیم الشأن است و هر که در امری از امور مضطر شود و توسل باین دو اسم شریف جوید بعدد مجمل یا مفصل در آن
مواظبت نماید از اضطرار بر خیزد و بمقصود بسهولت میسر شود و کسی که از جبار یا ظالمی ترسد بر تکرار این دو اسم مداومت نماید ایمن و مطمئن شود
صاحب جواهر السطیم آورده که این دو اسم بزرگوار پناه مضطرین و امان خایفین است و فرموده که هر که این دو اسم را بر نگین خضر در ساعت
اول روز جمعه نقش کرده [illegible] هیچ مکروهی بوی نرسد و تا آن خاتم در انگشت وی بود از همه آفات و بلیات ایمن بود و هر که این اسما را
ورد سازد و بر تکرار آن مواظبت نماید حق سبحانه و تعالی در جمیع امور لطف خفی شامل حال وی گرداند النور الهادی چون راه صواب
و طریق سداد و رشاد بر کسی پوشیده شود و نداند که آن امر صواب است یا خطا و پی نبرد که حق است یا باطل باید که بر تکرار این دو اسم بزرگوار
بعدد مجمل یا مفصل این دو اسم را بخواند و مواظبت نماید و مداومت کند تا بوجهی از وجوه طریق صواب از خطا ممتاز شود و حق از باطل جدا گردد و
اگر در بیابان راه گم کند بعدد مجمل یا مفصل این دو اسم را بخواند راه را بیند و از سرگردانی و پریشانی خلاص شود مقصد ۵
در تقویت قوای [illegible] و حفظ صحت [illegible] و ایمنی در سفر و حضر القائم القدوس صاحب کتاب شمس المعارف آورده که اگر این اسما را نقش

کرده با خود نگاه دارد و بزرگ را مداومت نماید قوت و شوکت وی بسیار بیشتر شد تا به که هر چند راه رود مانده نشود و بر همه اسب تفوق گیرد و حامل
این اسما هیبت تمام یابد و صحیح المزاج باشد و اگر این اسما را بر موم نقش کنند و بر سر مریضی نهد صداع و سایر امراض راس را نافع بود و شیخ
شرف الدین بونی فرموده که هرگاه فرزند شیرخوار را او اشخاص که صاحب صداع بود بسیار رنجه کرده و صحیح بود و فرموده که اگر کسی این اسما بر موم
کافور نقش کنند و آن موم را در آب حل کنند و صاحب قروح و دمامیل از آن آب شامد صحت تمام یابد و بدن وی از همه جراحتها و ریشها پاک شود
الحفیظ الرقیب هر که با این دو اسم شریف مداومت نماید بر وجهی که بعد از نماز بامداد ده کرت خواه در سفر و خواه در حضر بعدد مجمل یا مفصل آن
بخواند هر روز از لطف حق سبحانه و تعالی حافظ و نگهبان وی باشد از جمیع آفات و بلیات فصل ۶ در مشاهده عالم روحانی
و دفع اعراض جسمانی الغریب ذو الطول صاحب جوهر النظیم آورده که هر که هفت هفته متصل بلا اختلاط لقمه حلال کند و چون شب شود بر طهارت
کامل بر فرش رود و این دو اسم بعدد مجمل یا مفصل آن بخواند پس خواب کند بر دست راست روی بقبله عجایب عالم روحانی
بروی منکشف شود و اگر این اسما بر مربع و فتوح رج کنند بحروف یا بعدد آن جمع کنند میان حروف و اعداد آن بر الوجه که مربع
وضع را بنویسید و بر اطراف مربع عدد وی را رقم زنند و بر هر خانه از آن مربع اسمی از اسما بعینها کتابت کنند و آن مربع را روز جمعه
نگاه دارد و شب زیر بالین نهد در حصول مقصود ابلغ و ادخل بود و اگر آن مربع را بر ظرف چینی یا زجاجی بنویسید بمشک و زعفران
و گلاب و با باران بشوید و انواع و اصناف حیات را نافع بود النافع النور صاحب تیسیر المطالب آورده که این دو اسم مقابلتست از بهر دفع
خاصه امراض بارده و رفع سموم عقارب و سایر سموم بارده پس چون کسی این اسم در مربع پنج در پنج وضع کنند هرگاه که آن مربع را در آب
عکس کنند و آن آب را مریض بیاشامد نفع بیند و مشاهده و تکرار نموده کاتب این دو اسم بزرگوار بعدد مجمل یا مفصل همین خاصیت به
در تحصیل مرادات و رفع وساوس شهوات و تقاه و ثبات الکبیر المتعال صاحب کتاب شمس المعارف آورده که اگر دو اسم را بر ورق آهو
نقش کنند بمشک و زعفران و گلاب و با خود نگاه دارد جمیع مرادات واصل شود و اگر صاحب وسواس بر عمل آن مداومت نماید از آن مرض
خلاص شود و اگر شهوتی بر او غالب شود فرو نشیند و اگر از کسی ستانم و مجروح بعد از الم بدود در حین نفع شود و آغاز انفعال در وقت سحر
باید کرد و اگر این اسم بر سینه یا جمعه بشن او و انس بی الملک القدوس صاحب جوهر النظیم آورده که این دو اسم شریف از برای دوام مقررات
و هر ملکی که در ذکر این دو اسم بعدد مجمل یا مفصل آن مداومت کند ملک وی ثابت شود و قدرت وی بسط گردد باذن الله تعالی
فصل ۷ در حصول صفت تمکین و اطمینان قلب و اصلاح ملوک و ثبات مالک الملک صاحب تیسیر المطالب آورده که هر که
مداومت کند بتکرار این دو اسم بطریق توجه خطاب که یا مالک الملک گوید و هر بار سعید و بر کسی بخواند و در هر مقام که بیش از مقامات
سلوک صاحب تمکین شود و صفت برد التمکین او را حاصل شود و اگر حروف این اسما را تکسیر کنند و در مربعی درج کنند و با خود نگاه دارد
و مدد عظیم باشد در آنچه مطلوب و مقصود اوست الملک العزیز صاحب جوهر النظیم آورده که این دو اسم شریف نزد صاحب ملک بخواند بقدرت

حال او بصلاح آید و اگر ظالم و فاسق دارد بر طرف شود و این اسما مخصوص علو گشت هیچ ملکی بر این اسما مداومت نکند الا آنکه ملک وی باقی و ثابت
ماند و از خلل و فساد محفوظ ماند و قدرت و تصرف وی منبسط گردد و سالکان حق را که شهوت بر ایشان غالب شود تکرار این اسما لایق و مناسب
و از برکت این ذکر شهوات ایشان تسکین یابد و صفت ملکیه ایشان را حاصل شود و از ارواح علوی تایید و نورانیت یابند و بر مخالفان قدرت
حاصل کند و بر معاندان غالب آیند **مفخر ۸** در تحصیل علوم و حقایق و تسخیر نفوس خلایق المهیمن المغیث صاحب بحر السطیم آورده
که هر که مداومت کند بعدد مجمل یا مفصل وی بر این ذکر حاصل آید و بر اعلم البیان و صفت استیلا بر ابنا جنس و مراتب و احوال او را موجود
جزئیه و کلیه حاصل شود العلی العظیم صاحب شمس المعارف آورده که هر که این دو اسم الاکبر را به و بر نگینی دست نقش کند و بان ختم شود
هر کرا خشم برو رافتد متذلل شود و خاضع گردد و هم در ان کتاب آورده که بعضی از خلفای بنی عباس استعمال کرده اند بجای از خلیفه پرسیده که
به سبب چیست که شما بر سلاطین روی زمین غالب آمده اید وی خاتم از جیب خود بیرون آورد که بر آن این اسم تکسیر کرده بودند پس گفت مادام
که این خاتم در دست ما باشد هیچکس را بر ما قدرت و قوت و استیلا نبود **مفخر ۹** در ظهور سر توحید ربانی و تجلی صمدانی و تصرف در عالم
کون و فساد الواحد الصمد صاحب بحر السطیم آورده که بعضی از علما بر آنند که اسم اعظم الله تعالی این دو اسم بزرگوار است و مداومت بر
تکرار ان بعدد مجمل یا مفصل بعضی از فوایدش یکی وقت موجب سر توحید واثبات فتجلی صمدانیت که از جمله تجلیات کلیه است و بعضی از آثار
این تجلیه اصلا و قطعا در وی اثر جوع و عطش نماند بلکه اگر قصد میل خوردن و آشامیدن کند نتواند القادر المقتدر صاحب شمس المعارف
آورده که هر که این دو اسم را بر نگینی نقره نقش کند و بان ختم کند و اگر ذکر او و قات بر این ذکر مداومت کند بزودی غالب شود بر ابنای
جنس و اگر تکلم از این اسم عمل تمام تمام نماید همه خلق مسخر و مغلوب شوند و در حکم وی افراد انسان نافذ گردد و قدرت و تصرف وی
قوت گیرد و اگر کسی از ان خاتم مهری بر موم سیاه ود رموضعی که وی را غرض او مطلوب است از منازل فسقه و ظلمه بر آتش نهد انمنزل خراب
منهدم شود که مادام که فلک دوار بود ابادان نشود و عمارت نپذیرد و شیخ شرف الدین بونی فرموده که ما اثار این عمل را مشاهده کردیم در
غایت صحت یافتیم و هرگز تخلف ننموده **مفخر ۱۰** در احیای قلوب میته و دفع فقر و فاقه و جریان حکمت بر لسان و دفع غموم و هموم الحی
القیوم صاحب بحر السطیم آورده که نزد بسیاری از علما و عرفا که اسم اعظم الله تعالی این دو اسم بزرگوار است و حدیثی از حضرت رسول صلعم در ثبوت
که فرموده اند که الاسم اعظم فی ثلث آیات اللّه لا اله الا هو الحی القیوم و فی قوله تعالی الم اللّه لا اله الا هو الحی القیوم و شیخ علامه رازی
در لوامع البینات آورده که بعضی از اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم الحی القیوم است و دلیل ایشان آنکه از ابی بن کعب صحابی رسیده که حضرت پیغمبر صلعم
وی را اسم اعظم در آموخت و فرمود که آن در آیه اللّه لا اله الا هو الحی القیوم است و در آیه الم اللّه لا اله الا هو الحی القیوم و علما گفته اند که
اسم اعظم نه لا اله الا هو است زیرا که این اسما در آیات بسیار واقعست از تخصیص این آیه که آنحضرت فرموده که اسم اعظم آنجاست بنا بر حدیث

مذکور شد که متصل الحی القیوم است و در کتاب جواهر التنظیم از ابی امامه نقل کرده که وی روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرموده که اسم اعظم الله تعالی که
چون بوی سوال کنند عطا یابند و چون بوی دعا کنند مستجاب شود در سه سوره است البقره و آل عمران و طه ابو حفص دمشقی گوید که نظر کردم در این سوره
که در این که تمام قرآن مثل آن نبود و در البقره الله لا اله الا هو الحی القیوم و در آل عمران الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و در طه وعنت الوجوه للحی القیوم
پس بنا بر آنچه بیان کرده شد محقق شد که اسم اعظم الحی القیوم است و والد فقیر در جواهر التفسیر آورده که حدیث ابو امامه از احادیث مرفوعه است و حدیث
مرفوع آنکه مضاف بحضرت رسالت صلعم باشد و با آنحضرت منتهی شود بحسب قول او فعل خواه الحدیث متصل بود و خواه منقطع و در مستدرک حاکم و در سنن حدیث
صحیح الاسناد مرویست که چون امری عظیم حادث شدی و کربی بآنحضرت رسیدی دست مبارک بدعا بر داشتی و فرمودی که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و بصحت
رسیده که حضرت در دعا سعی بلیغ داشتی فرمودی یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و قاسم بن عبدالرحمن روایت کرده که چون نازل شدی بآنحضرت رسول صلعم همی و غمی فرمودی
یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و در جواهر التفسیر آورده که علامه رازی در تفسیر کبیر از حضرت مرتضی علی علیه السلام نقل میکند که او روز بدر بقتال اهل ضلال
مشغول بودم و حضرت رسول صلعم در عریش بود بعد از زمانی که مقاتله نمودم شوق دیدار آنحضرت بر من غالب شد بجوار عریش آمدم تا ببینم که آنحضرت
در چه کار است دیدم که بسجده افتاده و بر زبان مبارک میراند که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث باز گشتم و روی بحرب نهادم و دیگر باره نزد عریش آمدم
آنحضرت را بر همان حال دیدم که سر بسجده نهاده بود و زبان بذکر یا حی یا قیوم گشاده همچنین چند نوبت رفتم و دیدم و شنیدم که آنحضرت این اسما را میخواند کرات
تا وقتی که حق سبحانه و تعالی فتح بشارت داد و آن فتح قریب دست داد و بصحت رسیده که آنحضرت فرموده که اسم اعظم که آصف بن برخیا بآن دعا کرد و تخت
بلقیس را پیش از طرفة العین پیش حضرت سلیمان حاضر گردانید یا حی یا قیوم بود و در تفسیر کبیر از ثعلبی نقل میکند که دعای حضرت عیسی عم در احیای اموات
یا حی یا قیوم بود و از ابو حامد الغزالی منقولست که بتجربه اکابر تحقیق شده که مداومت باین دو اسم شریف موجب حیات و قوت عقلیه است و از شیخ
رکن الدین علاء الدوله منقولست که فرموده اند که از جمله دعواتی که بر زبان مبارک حضرت خضر عم بسیار جاری میشود یکی اینست که یا حی یا قیوم یا لا اله
الا انت اسئلک ان تحیی قلوبنا بنور معرفتک ابدا شیخ شمس الدین که از کبار تلامذه شیخ شمس الدین محمد بن ابراهیم الکرمانی حنفی فرموده که استاد و شیخ من ابن عمر
بسیار ترغیب و تحریص مینمود بمداومت و مواظبت این دو اسم بزرگوار روزی گفت برادران رفقا که این دو اسم شریف را در صفای قلب و صفای باطن
اثر عظیم است و اسم اعظم را که از وی پرسیدیم باین دو اسم اشارت فرمود و از وی شنیدیم که میگفت که چهل روز بر تکرار این دو اسم شریف مداومت کند
برآنوجه که هر صبح میان سنت و فریضه بامداد چهل بار بگوید یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک استغیث دل وی را احیا حاصل شود که هرگز نمیرد
و صاحب جواهر التنظیم از کتاب شمس المعارف نقل کرده که شیخ شرف الدین بونی فرموده که چون کسی روز سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد
و چون صبح جمعه شود نماز در اول وقت بگذارد و بعد از سلام پیش از آنکه بشغلی از اشغال پردازد بجانب قبله دو زانو نشیند بذکر یا حی یا قیوم قیام نماید و
متصل بگوید تا وقتی که آفتاب طلوع کند بآنکه در اثنای آن ساکت شود یا مکث کند پس دوات و قلم و کاغذ مهیا کرده در حال آفتاب طلوع کند بآنکه

کتابخانه ملی ایران
تاسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

درعقب آن ذکر در اول طلوع آفتاب بنویسد که یا حی یا قیوم و بر بخور لایق داشته و در بهم بچد و با خود نگاه دارد عجایب مشاهده کند از برکت جمعیت وسعت رزق و اقبال و خیرات چنانچه موجب تعجب و شگفت مردمان شود و باید که این عمل را معمول از سفها مکتوم نگه دارد و ابتذال و ابطال اخفا کند و صاحب کتاب شمس المعارف آورده که این دو اسم شریف را خاصیت تسخیر و زینتی که اگر کاتب و قاری این اسما حامل آن شود عمل اسم او کامل و نتیجه برقضا حسنه و الیسر میسر شود و در حمل لوح نیز خواص بسیار است چنانچه در تکرار و قید کار روی نماید استعمال قفل و قلب و دفع احتیاج بابیار حیثی خلاص از فقر و فاقه و لوح اینست الوب الودیم صاحب در النظیم آورده که در سوره یس اسما اعظم است که اگر حروف آن ذکر کنند و کلام را نگاه محو سازد و بیان تا مر و استعمال نشر و زنسل شماره و در روقت عمل بر طهارت کامله نشسته مستقبل قبله بس بر طرف خیر باز حاجی قم زند که ورعو این و اسرار مخفیه عالم بروی آشکار و منکشف گرداند و این اسما در وسط

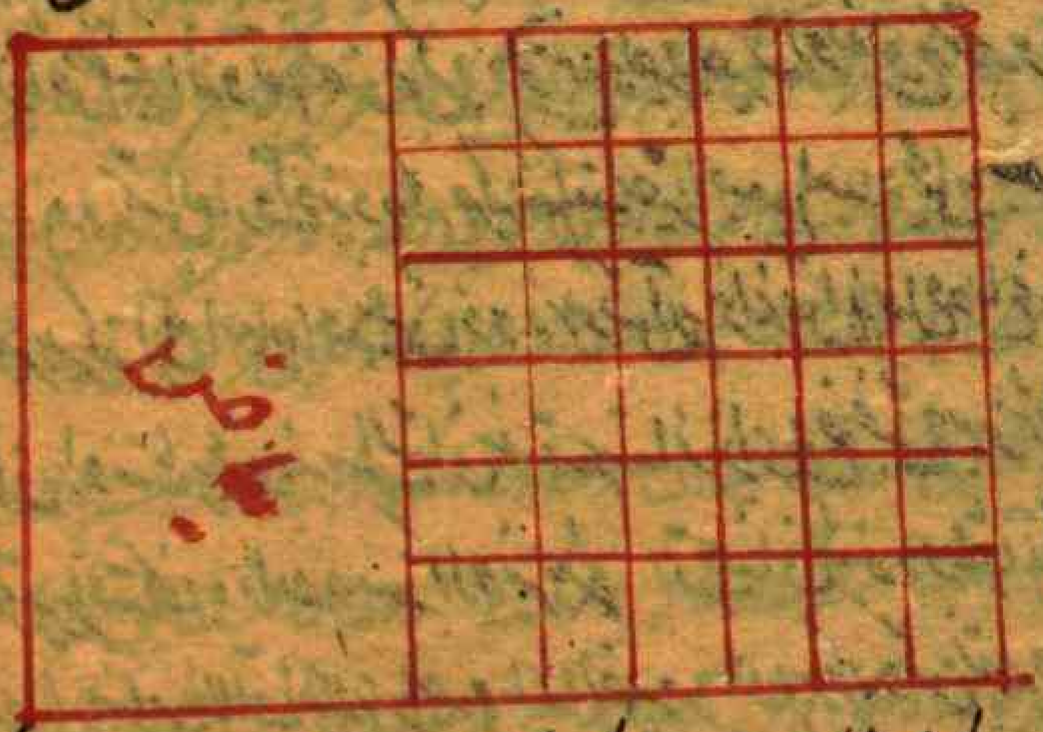

سوره است و آن پنج کلمه است و مجموع آن نوزده حرف است از الجمله چهار حرف منقوط است و حروف آن نقطها بر فوق دارد اشارت کلام بوشیده نماند که آن پنج کلمه که مشتمل بر اسماء اعظم سلام قولا من رب رحیم است بعضی از علما برآنند که اسم اعظم در سوره یس درین آیه است و آن رب رحیم است و اگرچه لفظ سلام از اسماء حسنی الهی است اما درین آیه نزد آن قبیله کلمه بعضی تحیت است و راقم این حروف از والد خود استماع دارد که فرموده که از بعضی اکابر بیاد دارم که هر کرا غمی و المی پیش آید که بان در مانده باید که سوره یس بخواند و چون باین آیه رسد هفتاد و دو بار این را تکرار کند بعد از آن سوره را تمام سازد حق سبحانه و تعالی به برکت این دو اسم بزرگوار آن غم و هم و الم را مرتفع گرداند و بفرح و سرور روزی او حاصل سازد و این عمل بکرات و مرات واقع شده و از جمله مجربات صحیحه است

فصل ۱۲

در تحصیل علوم خفیه و اطلاع بر اسرار مکنونه و اجابت دعوات و حصول حاجات الحکیم العلیم صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر این دو اسم شریف موجب فتح باب حکمت و منفعت الهی است و بر هر که امری از امور دنیوی و دینوی مبهم تیره بود که بقوت فکر به ادراک و کشف آن متعذر و متعسر باشد باید که بتکرار این دو اسم بزرگوار مداومت نماید تا حق سبحانه و تعالی آن مشکل را حل سازد و پرده از آن امر مبهم برافکند تا معلوم شود و مواظبت بر این دو اسم بعد از تحصیل آن نباید نمود و اگر عمل قوی تر خواهد باید که این دو اسم را تکسیر کند و در مربع و ضع وضع کند با وجود تکرار که هر روزه این لوح را نیز حامل شود بر سبیل دوام بر طهارت بدن و لطافت لباس تا زود تر مقصود حاصل شود السمیع العلیم صاحب در النظیم آورده که بعضی علما برآنند که اسم اعظم عبارت از این دو اسم است و مواظبت بر آن بعدد جمل یا مفصل موجب اسرار مکنونه و فتح ابواب خیر و نعمت است و بعضی از خواص اسم العلیم در فصل دوازدهم از باب اول گذشت و بعضی از اکابر با السمیع اسم السریع را جمع کرده اند و در خواص آن فرموده اند که این دو اسم شریف را در سرعت اجابت

دعوات قوت و تاثیر عظیم دارد چون کسی اراده طلب حاجتی کند باید که این چهار اسم عظیم را بر کف دست چپ خود بنویسد و دست بر دعا بر دارد و چهار هزار و هشتاد
و هشت بار این اسما را بخواند بعد از اتمام ذکر دعا الحاح اجابت شود بشرطی که رعایت شرایط کلام کرده باشد چنانچه مسطور کردید در مقاله اولی از ابواب دریافته و اگر کسی را
داعیه مشاهده ارواح علوی و سفلی باشد این اسما را بهمان عدد که مذکور شد با شرایط کلام بخواند مسوف مقصود حاصل شود با ارواح علوی و سفلی و مرا
مکالمه دست دهد و هر سوال که کند مطابق آن جواب شنود و خوابها از آب فراگیرد و بعضی از خواص اسم السریع در فصل یازدهم از باب اول مذکور کرده
و در شرح اسماء الله مولانا یعقوب چرخی ذکر کرده است که هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هشت رکعت نماز بگذارد و در هر چهار سلام بعد از آن الصمد بار بگوید
یا سمیع البصیر که در آن میانه سخنی نگوید بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود و اگر اسم السریع را با آن ضم کند عنقریب اجابت مترتب گردد و اگر بعد مجمل
این را بخواند و بعضی از اکابر با اسم السمیع البصیر جمع کرده اند و در خواص این فرموده اند که در میان فرض و سنت صبح صد بار السمیع البصیر بگوید
نظر خاص حق سبحانه و تعالی مخصوص گردد و سمع و بصر و بصیرت او مفتوح شود و صاحب اسرار گردد و اگر بعد مجمل این اسما تکرار کند اثر عظیم ظاهر
شود و در شمس المعارف آورده که هر که ضم کند بصیر را بسمیع بعد مجمل یا مفصل بر سر بالین صاحب غشی و بیهوشی بخواند بعنوان خطاب بگوید که یا سمیع یا
بصیر ببرکت این اسما صاحب غشی در هوش آید و امراض از دل و دماغ وی بالتمام زائل شود و این عمل عجائبی است نزد بعضی از اهل اسرار و عددی که
بر آن مداومت باید نمود بمقصد است زبرای دفع غشی و بیهوشی و اگر کسی این اسما را بر لوح ذهب نقش کند و شرایط کتابت که در مقاله اولی
تحریر یافته نگاه دارد و شد کراو و لغات حیوانات بشنود و مشاهده نماید و اگر کسی اکثر اوقات خود را مستغرق این ذکر سازد
بر اسرار ضمایر خلایق اطلاع یابد و ما فی الضمیر مردمان برو روشن شود و بسیاری از احوال مخفیه و امور غریبه و عجیبه بر وی ظاهر شود و اسرار محجبات
عالم غیب منکشف شود و شیخ شرف الدین بونی فرموده که اسرار این اسما خواص و آثار مذکوره بسیار مشاهده افتاد **باب ۳** در خواص اسماء
ثلاثیات که هر اسم از اسما حسنی بموافقت مظاهر بر کفایت مهمات کند و این باب مشتمل بر دوازده فصل و هر فصلی محتوی بر سه اسم از
اسماء حسنی الهی **فصل ۱** در تسخیر نفوس و نفوذ امور و تکریم **فصل ۲** در القای مهابت و محبت در قلوب و قضاء حوایج **فصل ۳**
در تیسیر امور و تحصیل مقاصد **فصل ۴** در توسیع رزق و تیسیر ارادات **فصل ۵** در دفع بلیات و دفع مکروهات **فصل ۶**
در امنیت و سلامت از آفات و عاهات **فصل ۷** در دفع خصمان و تحصیل طاعات **فصل ۸** در حصول عزت و عظمت و ظهور رفعت و قدرت
فصل ۹ در تسکین دادن شهوات جسمانی **فصل ۱۰** در ظهور اشخاص روحانی و حصول مقاصد از ایشان **فصل ۱۱**
در کشف عواقب امور **فصل ۱۲** در کشف امور مخفیه در منام **فصل ۱** در القای مهابت و مودت در قلوب و قضاء حوایج بسم الله الرحمن
الرحیم صاحب کتاب شمس المعارف آورده که هر که بداند آنچه خدای تعالی و تقدس از اسرار حقایق در این آیه و آن را کتابت کند سوخته نگردد و باش
و حرارت که چون این آیه نازل شد جبال بلرزید و ملائکه مقربین زبانیه دوزخ را گفتند که هر که این آیه را بخواند با آتش دوزخ در نیاید و آن نوشد
و وقت بعد در زبانیه دوزخ که موکلند بر آتش هر که این آیه که مشتمل بر اعظم اسماء الله بخواند و بر قرائت آن مواظبت نماید بهشتی گردد

اهل عالم علوی وسفلی بسیار شود و با این آیه حق سبحانه ملک سلیمان نبی را مسخر کرد و هر که این آیه را بسعید بار و بقول هشتصد بار کند بگیرد و آن
مکتوب را با خود نگاه دارد هیبت و مهابت وی بر دلها مستولی شود و یکی از کبار علمای صحابه رسول صلعم روایت کرده که هر که را حاجتی بود باید که روز
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و چون جمعه در آید غسل پاک کند و جامه پاکیزه بپوشد و بمسجد جامع رود و آنچه تواند صدقه دهد و چون
نماز جمعه بگزارد بنشیند و این دعا بخواند اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم و اسئلک
بسم الله الرحمن الرحیم الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم ملاءت عظمته السموات والارض و اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی عنت
الوجوه للحی القیوم وخشعت الاصوات له والابصار ووجلت القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی و چون از این دعا فارغ
شود عرض کند البته بزودی اجابت مقرون شود و آن بزرگ صحابه وصیت کرده که زنهار بسفها و قوم جهال این دعا میاموزید و بلکه بصالحان آن بیاموزند
و در کتاب حرز السیطیم آورده که بخط عارفی دیده ام که از حضرت امام محمد باقر و جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نقل کرده که برای هر مهم و حاجتی که بود باید که
بر رقعه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل الی الرب الجلیل انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین پس این رقعه را در جوف روان عظیم اندازد
و در آن محل بگوید اللهم صل علی محمد وآله الطاهرین الطیبین وصحبه المرضیین واقض حاجتی یا ارحم الراحمین پس حاجت خود را یاد کند محقق مراد او بر آید و حاجت
او روا شود باذن الله **فصل ۲** در تسخیر نفوس و تصرف در امور ضروری القایم الغوی المقتدر صاحب شمس المعارف آورده که هر که این اسمها را تکسیر کند و بر خاتم
نقره نقش کند و بر دور آن این بنویسد که ان البطش ربک لشدید در وقت عمل بخور کند با عطر که افریقه و اذخر که دود از وی معروف پس آن خاتم را در
انگشت کند اگر بر پادشاه در آید هیبت و مهابت در دل پادشاه سرایت کند و هر جبار و ظالم از وی بترسند و مطیع و منقاد وی شوند و اگر آن خاتم را در منزل
سلطان جابر و حاکم ظالم دفن کند الملک و بر شاه جور و ظالم دیگر حکومت از دست بیرون شود و رعایا دشمن وی شوند و سرکشی آغاز کنند و فتنه عظیم از برای آن
ظالم قایم شود و خواص انجام و تخریب دیار ظلمه را نفوذ فتیله بسیار روایت **فصل ۳** در تسخیر امور و تحصیل مقاصد الوهاب الرحمن الرحیم القیوم صاحب حرز السیطیم
آورده که بخط شیخ ابو الخیر دیده ام که نقل کرده از کتاب نور القلوب و اشارات اهل یقین که کسی که خواهد که حاجتی از حق تعالی طلب کند باید که شب
پنجشنبه غسل کند و بر جای نماز معتکف بنشیند تا نماز شام بگذارد و هم بر جای نماز مکث کند و ذکر گوید تا آن زمان که نماز خفتن بگذارد و بعد از آن
دو رکعت چندان ادا کند آنقدر که تواند پس چون نماز وتر بگذارد در سجده آخر وتر بگوید یا ودود یا رحمن یا قیوم بر حمتک استغیث آنگاه مراد خود را در
خاطر بگذراند بهمه حال حاجت او روا شود **فصل ۴** در توسیع ارزاق و تیسیر مرادات الکریم الوهاب فی الطول صاحب حرز السیطیم آورده که بعضی محققان گفته اند
که هر که مداومت کند بذکر این اسم بزرگوار رضیق معیشت وی بسعت رزق مبدل شود و روز از جای میسر شود که هرگز در کاف وی نبود و آن خلق فرموده
که بسیار مردم را امر کردم با این عمل و از برکات آن حضرت مشاهده کردم بغایت عجیب و غریب شده و هر که التماس کند این اسما را و با خود نگاه دارد دشوار بغایت
بر وی آسان شود چنانچه نداند که از کدام ممر این معنی میسر شد و هر که تکرار کند این اسما را بعدد جمل آن در موضع خالی بر طهارت کامله و حضور
تمام و نیت صحیح صادق و قلب حزین خاشع و بر آن عدد نه بیفزاید و از وی بکاهد بعد از اتمام عمل هر دعا که کند مستجاب شود فی الحال صاحب حرز السیطیم

آورده که هر که عامل این قاعده را بداند که زیاده کردن بر عددی که مقرر شده اسراف است و نقصان کردن زوال الظلال **فصل ۵** در دفع بلیات و رفع

مکروهات العلی العظیم الکبیر صاحب شمس المعارف آورده که هر که این اسما را تکسیر کند و بر خاتم ذهب نقش کند و بر روی آن خاتم بنویسد حافظه حفظهما

وهو العلی العظیم صاحب الخاتم از بلیات و مکروهات ایمن ماند و هر که را نظر بر وی افتد و بر او محبت داشته باشد بی اختیار طالب صحبت او شود و اگر کسی با وی در مقام

عناد و خصومت باشد مقلوب و مقهور گردد و اگر در مقام مکر و حیله باشد و بال و نکال بر هم او بر بار گردد و عامل این لوح محفوظ و من اخبره را در اوقات

بسیار نسبت باحاد و افراد ناس مشاهده کردم و در شغل آثار عجیب و غریب یافته ام **فصل ۶** در سلامتی و ایمنی از آفات و عاهات الروف الحنان الکریم

صاحب شمس المعارف گوید که هر که حروف این اسما را تکسیر کند در ساعت مشتری و قتی که آفتاب در قوس باشد و در مربعی درج کند و آن مربع را در صفحه ذهب

نقش کند روز جمعه و قتی که بیک ساعت از طلوع گذشته باشد پس بر روی آن لوح این آیه بنویسد وهو الذی خلق السموات والارض بالحق الی قوله وهو الحکیم الخبیر

از سوره انعام و آن لوح را با خود نگاه دارد بشرط دوام وضو و طهارت بدن و لطافت رایحه حق سبحانه و تعالی و برا از جمیع آفات و مخافات و بلیات و عاهات

نگاه دارد چنانچه اگر فضا تیری در روی انداز دندان از وی بگردد و بجای دیگر افتد و خواص این لوح بسیار است بیشمار است **فصل ۷** در دفع خشیت

و تحصیل طمانینت الحلیم الرؤف المنان صاحب شمس المعارف آورده که هر که از مردی ترسان و هراسان باشد این اسما را بصیغه اعظم را باسلوب خطاب کتابت

کند بر این وجه یا حلیم یا رؤف یا منان بنویسد در روز یکشنبه اول ماه در ساعت قمر و اسرار بر بازو ببندد و به پیش حاکم ظالم که از وی خایف بود

در آید حق سبحانه و تعالی و برا از شر ظالم نگاه دارد و خشم و رنگاه دارد و در شغل هر جبار و قهار در ایذار قهر و غضب و را ایمن باشد و هر که شهوت بر وی غلبه کند

چون بر این اسما مداومت کند صولت آن فرو نشیند و از وسوسه و دغدغه خلاص گردد **فصل ۸** در حصول عزت و عظمت و ظهور فتح و نصرت

العزیز الجبار المتکبر صاحب شمس المعارف گوید که این اسما بزرگوار را لایق حال ملوک است و مداومت بر آن عزت و عظمت افزاید و فتح و نصرت

عطا کند و اگر حروف این اسما را تکسیر کرده در مربع درج کند و بر صورت آن این آیه را فتحنا لک فتحا مبینا تا نصرا عزیزا بنویسد در روز یکشنبه ساعت شرف اگر طالع

وقت کمال نحس بود اولی بود و در حین عمل بخور کند به بخوری که دار و در وقت پس چون این لوح با شرایط تمام شود و پادشاه با خود نگاه دارد

و بجنگ دشمن رود البته فتح و ظفر در جانب وی بود و هر گاه از لشکر دشمن چشم بر وی افتد از وی بترسند و رعب و خوف در دلشان تمکن گردد که مجال

مقاومت بدو اینشان نماند و روی بهزیمت نهند و صاحب بحر السطیم آورده که این اسما الله از جمله اسما صفات ذات است و لازم

این اسما ست خوف و دهشت و عظمت و هیبت و ذلیل بر ذکر آن مداومت کند اللائکه عزیز و رفیع شود و نزد هیچ متکبر بخواند الا انکه خار و خاکسار

شود و هیچ پادشاه متکبر جبار بر آن مداومت ننماید الا انکه در نفس خود انکسار و شکستگی مشاهده نماید و هر بار که باین اسم و ذکر اقدام نماید

باید که زمانی مشغول که از کیاغت طبیعت منزه چند زیاد مشغول بدان بهتر بود تا اثر و خاصیت این اسما ظهور گردد و خواص اعمال خود الا کار فرماید و عامل

هر چند در حضور قلب و صفای نیت و تصحیح عزیمت اهتمام زیادت نماید فایده و منفعت از این بیشتر مشاهده نماید **فصل ۹** در تسکین داعیه

خاطر از شهوات حسبان العلیم الحکیم العظیم در کتاب بحر السطیم آورده که هر که این اسما بزرگوار را کتابت کند بر ظرف چینی یا زجاجی و با آب مذاب

محو کرده بناشتا بیاشامد حق تعالی خاطر او را ساکن کند از دغدغه شهوات جسمانی و هم صاحب بحر السطیم آورده که الربانی سه اسم شریف بعضی
دیگر اسماء الهی را که در وسط آن حروف باست ضم کند و همه را بر ظرف چینی کتابت کند و به آب پاک بشوید محو کرده و بر ناهار بیاشامد در آنچه مطلوب
اوست ابلغ و ادخل بود مجموع اسمایی که در وسط آن واقعست و در وسط الحرف باست سی و هشت است و آن اینست البدیع البصیر الجلیل الحفیظ
الحسیب الحکیم الحلیم العلیم الحمید الخبیر الرحیم الرشید الرقیب السریع السمیع الشدید الشهید العزیز العظیم القایم القدیر القریب
القیوم الکبیر الکریم اللطیف المبدی المتین المجیب المحیی المحیط المعید المقیت الممیت المهیمن النصیر الوکیل **فصل ۱۰** در ظهور اشخاص روحانی
و حصول مقاصد از این اسماء السریع الرقیب المعید راقم این حروف بخط حضرت والد علیه الرحمه دیده که از کتب معتبره نقل کرده که هر که این اسماء شریفه را
بکسر کند بر شوص [illegible] برابر صفحه زهره با قمر روز
یکشنبه رسم کند و بر حرز آن آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تم بغیر حساب نقش کند مشک و عود هندی بخور کند و در اثنای عمل بر زبان نیز بگذراند این اسماء
مداومت نیز متوجه بسم این اسماء بر صفو خاطر و [illegible] واز ابتدای عمل حیوانی روزه گیرد و اگر در این ایام از اکل حیوانات اجتناب کند
اولی ابلغ و چون عمل تمام رسد با رعایت شرایط کتابت و کلام قومی از روحانیان بر وی ظاهر شوند و با او مکالمه کنند و عامل را از صحبت ایشان
ترقی بسیار شود بمثابه که اگر خواهد با ایشان بر هوا رفتن تواند رفت و بمقاصد کلیه عظیمه فایز گردد و به برکت تاثیر این اسما والله الموفق
در کشف عواقب امور الهادی الخبیر المبین در کتاب بحر السطیم آورده که هر که خواهد که عاقبت بعضی امور مبهم را معلوم کند باید که هر بلا از این اسماء
مداومت کند و در اثنای این عمل به صفت جوع و سهر متصف بود و تقلیل طعام و منام و کلام و قیام نماید و بعد از هر چند بار که بخواند بگوید یا هادی یا هادی اخبرنی
بهدی یا مبین [illegible] او اوست تا عمل تمام بر دو استعمال کند که همه خلق آرام گرفته باشند و بخواب رفته چون عمل تمام کند در خواب بود و بر طهارت و رو بقبله
آنچه مقصود اوست در آن [illegible] یکی از ارواح بر وی متمثل شود بوجهی از وجوه بر نهایت آن امر مبهم و بر اطلاع دهد **فصل ۱۱** در کشف امور مخفیه در منام النعم
الباسط القاهر صاحب بحر السطیم آورده که هر که اراده کند چیزی را در خواب مشاهده کند و معلوم نماید از غایب یا حادثه از حوادث که هنوز اثر آن ظهور
نیامده باید که بر طهارت کامل باشد و بفرحت روی رایحه و با نیت خالص و عزم صحیح و توجه تام بامری که مطلوب اوست بذکر این اسماء مشغول گردد و آنقدر که تواند بخواند و اگر
بعدد جمل این اسماء را بخواند اتم و ابلغ بود و افضل روحانیست و چهار هست پس چون عمل تمام کرده بخواب رود و آنچه مطلوبست ظاهر شود و روح متمثل گشته
و برا از امر اخبار نماید و هم در کتاب بحر السطیم از حضرت مقدس مرتضی علی علیه السلام نقل کرده که فرموده اند که اسم اعظم الله تعالی اسم اعظم بزرگوار است
الظاهر است و بعضی از اکابر در خواص این اسم شریف گفته اند که اگر کسی حروف این را در مربعی درج کند در وقت بلا از روی بعدد جمل که هزار و صد و شصت است
و بعدد مفصل که هزار و دویست و نوزده هست در مربع بلا در حفظ نهند و دایم بران نظر کند و به یکی همت و صفای طویت متوجه بامر مخصوص شود
حق سبحانه و تعالی وبرا بر خفیات امور و مکونات علوم اطلاع دهد و عجایب ملک و ملکوت بر وی ظاهر گرداند و در بعض از کتب معتبره مذکورست که از برای
کشف خفیات و ظهور غیبیات بر سه اسم بزرگوار السمیع القریب المجیب مداومت اتم و اکمل است و بغایت ماثر است بشرطی که در وقت قرائت بیان خطاب

خواند باشد بشرایط کلام بعد دحروف مجمل آن واگر در صحبت خواندن کتابت کنند بشرایطی که باید بگریه وهو اللطیف الکافی من نفس واحد متصف و متنوع

الاله و بر بخور اللطیف داشته در هم بجد و باخود نگاه دارد البته بلیغ واد دخل تیز در حصول نتیجه وظهور اثر مقصود هست از مکونات و مخزونات **باب ۴**

در خواص اسماء رباعیات و ما فوق آن چهل اسم و زیاده نیز که هر فقره از آن اسما معاونت و موافقت یکدیگر بر عطا مواهب و انعام عطیات میکنند مشتمل

بر دوازده فصل **فصل ۱** در حفظ مال و جاه و دفع فقر و فاقه و ایمن در سفر دریا **فصل ۲** در دفع کربت الالام و خواطر و وساوس و رفع اثقال و تسهیل

امور صعبه **فصل ۳** در تسهیل امور و تحصیل علوم و تسخیر نفوس و تصرف در ملک و ملکوت **فصل ۴** در دفع وساوس و شهوات و کفایت امور

عظیم و امان خائفین و انس متوحشین و اطلاق مسجونین **فصل ۵** در طلب اسباب رزق و تمامت نعمت و حصول مطالب و مشاهده عجایب عالم

علوی و سفلی **فصل ۶** در حصول قوت تصرف در عالم و رفع امراض و خلاص از زندان و حبس **فصل ۷** در اطلاع بر اسباب غیبیه و حصول مرادات

کلیه **فصل ۸** در زجر اعدا و استیلا بر اهل خصومت و از دیاد شوکت **فصل ۹** در دفع ذلت و بر اعدا و تسخیر قلوب قاسیه و حفظ علوم

حاصله و کشف امور غیبیه **فصل ۱۰** در تحصیل علو همت و قوت باطن و تسخیر نفوس و ایمن از شر ظلمه **فصل ۱۱** در ظهور فرح و مخرج از ضیق و حصول

اسباب نعمت از دشوار و حفظ بلاد و قلاع و منازل **فصل ۱۲** در خلاص از علایق عالم و کثرت ظهور انوار عالم وحدت **فصل ۱**

در حفظ مال و جاه و دفع فقر و فاقه و ایمن در سفر دریا اللائح الامام الدلیل الدیان شیخ ابو عبدالله مغربی در کتاب تیسیر المطالب ربانی حروف دال آورده

که چون این چهار اسم را در مربع چهار در چهار وضع کنند برای بقای ملک و بنای سلطنت بسیار موثر هست و این مربع مناسب حال طایفه هست از ارباب

نعمت و اصحاب ثروت که مال و منال دارند و بر رفتار آن ترسان و هراسان می باشند پس چون این مربع را با خود نگاه دارند البته بر دوام و صفوت و تنظیف

لباس شند مال و متاع ایشان از حوادث و آفات مصون و محفوظ ماند الکافی الغنی الفتاح الرزاق صاحب سر السطیم آورده که بعضی از عارفان محقق

فرموده اند که چون این چهار اسم را بگوید و تنفق شوند تا در الواح و غیر آن تتبع کردند رفع فقر و فاقه و توسیع رزق و سر معیشت بغایت موثر بود و ذکر این اسما

ذود بمقصود واصل گرداند العلیم الحکیم العلی العظیم صاحب سر السطیم فرموده که چون کسی خواهد به دریا نشیند باید که توسل باین چهار اسم نماید و بر اسم

بعنوان خطاب بگوید یا علیم یا حکیم یا علی یا عظیم احفظنا واگر مجال نبود بعدد مجمل یا مفصل آن بگوید بغایت نافع بود البته بسلامت و عافیت بکنار آید

باذن الله تعالی منقولست که علاء الحضر چون خواست که به دریا نشیند اول دو رکعت نماز گذارد در پس این اسما را بطریق خطاب خواندی و بهیبه بسلامت

بیرون آمدی **فصل ۲** در دفع کربت الالام و خواطر و وساوس و دفع اثقال و تسهیل امور صعبه الودود اللطیف الواسع الشهید صاحب

سر السطیم آورده که این چهار اسم در تفریج کروب و ازاله الالام نافعند خصوصا اسم اللطیف که بغایت سریع الاجابه هست و اثر در ازاله کروب و هجوم

دارد و هر که بغایت دو نوایب هجوم کرده باشد و چون کسی بر این اسما مداومت نماید آثار رحمت از آن مشاهده نماید و بسبب ملال و تشاملی بود اگر این

اسما مداومت بکند الا آنکه حق سبحانه و تعالی ملال و الم را از وی زایل گرداند هم در اثنای ذکر و در این اسما اسرار بدیعه و انوار جلیله هست که بر

عامل صادق در اثنای ریاضت منکشف الملک القدوس الفعال الخلاق هم صاحب سر السطیم گوید که در بعضی از کلمات قدسیه شیخ عارف ابوالحسن شاذلی

دیده ام

دیده ام که هر که بوسواس و خواطر ردیه مبتلا شود و خواهد که از آن وسوسه خلاص یابد باید که دست بر دل خود نهد و هفتاد بار بگوید سبحان
الملک القدوس الخلاق الفعال و از عقب آن هر بار این آیه بخواند که ان یشأ یذهبکم و یأت بخلق جدید و ما ذلک علی الله بعزیز حق تعالی
دل وی را از هر وسوسه و خاطر بد که مزاحم وی بود پاک و صاف گرداند القادر المقتدر القوی القایم و هم صاحب جر السطیم آورده
که شیخ ابو الحسن شاذلی فرموده که این اسما مناسب حال اصحاب امراض و آفاتست چون هر آن اسما مداومت کنند هر نقطه و تعبی که در نفس ایشان بود مرتفع
شود و هر که این چهار اسما را بر خاتم نقش کند و بآن تختم نماید فی الحال از هر گرانی که در تنه وی بود سبک بار شود چنانکه در خود احساس هیچ ثقلی
نکند و هر که ضعیف بود چون این خاتم را از وی جدا نکند قوت گیرد و صاحب جر السطیم آورده که اگر کسی حروف اوایل این اسما را که ق م ق ق
صد بار کتابت کند روز یکشنبه اول ساعت آن نوشته را در زیر خاتم خود نهد و چون بر تختم آن مداومت کند از هر الم و خاطر بد که در تنه وی
خلاص یابد و اگر این خاتم را از زمانی در آب نهد و از آن آب بیاشامد تب مطبقه را زایل گرداند باذن الله تعالی و اگر کسی به نیت هلاک ظالم چهار
یا صد بار این حروف را کتابت کند حق سبحانه و تعالی او را هلاک سازد و شر وی را کفایت کند و هر که صد بار این حروف را بر ورق آهو بنویسد و آن را
در میان دو عضو بیت ببندد بعد از آن در مفلوج مالد نافع بود و اگر در سر و روی کسی مالد که تولات بیع الیه دارد مفید بود و هر که از فولاد لوحی
سازد و اول ساعت از روز پنجشنبه این حروف را بر وی نقش کند چهار بار و آن لوح را در میان عمامه خود بین العینین وضع کند حق سبحانه و تعالی
محبت و مهابت وی در دلها افکند و اگر از پیش سینه خود محاذی قلب صنوبری بیاویزد هر چه از وی بود حاصل شود و فکرهای موحش از وی
دور گرداند و اولی آنکه معموله را دایم با خود دارد بلکه چون نزد صاحب جابری و مهمی رود با خود دارد و هر که با خود دارد باید با وضو و طهارت
کامله بود و لباس لطیف طاهر پوشد تا فایده تمام یابد **فصل ۱۳** در تسهیل امور و تحصیل علوم و تسخیر نفوس و تصرف ملک و ملکوت القوی
العزیز العلیم القدیر السمیع العلیم البصیر صاحب جر السطیم از عارف محقق ابو الحسن شاذلی نقل کرده که او فرموده که چون متوجه شوی بامری
از امور دنیا و آخرت این شش اسم را بر وجه خطاب بگوید که یا قوی یا عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر بر تو آن امر هر چند مشکل بود
آسان گردد العظیم العلیم الخبیر المبین الهادی علام الغیوب هم صاحب جر السطیم در لطیفه ثانیه از لطایف این کتاب آورده که
هر که عمل کند باین شش اسم بزرگوار آثار او در خود سازد ظاهر شود بروی علوم حکمت و لطایف جلیله و حق سبحانه و تعالی بر وی مفتوح گرداند
ینابیع حکمت و روزی گرداند بروی مبارکی و یمنیت و سرخروی گرداند اهل علم و فضل را و لب مواظبت بر این اسما حاصل شود و بر الکشف تام
الجاعل الجواد الجمیل الجلیل الجابر الجبار الجامع عیسی را علیه السلام و فرمود که این هفت اسم از اسما که تعلق بجم دارد و علم آن در سموات سبع
جاریست پس هر طالبی که بر تکرار این اسم مداومت نماید چندانکه اثر روحانیت آن در ظهور آید رای دعوت و مدد ارواح آن و تصرف
کلی در ملک و ملکوت میسر گردد **فصل ۱۴** در دفع وسواس و شهوات و کفایت امور عظیمه و امان خائفین و انس مستوحشین و اطلاق
الملک العلی العظیم الغنی المتعالی ذو الجلال المهیمن الکبیر صاحب جر السطیم آورده که این اسما ثمانیه سلطان الاسم اعظم که مکنون و مخزون است

وکسی که بر ذکران مداومت نماید از وساوس و غلبه شهوات خلاصی یابد و اگر در روی وامی عظیم داشته باشد رفع شود و وقت این ذکر سحر است بهر روز که بعد

و این بغایت نافع است و اگر کسی این اسما بزرگوار را بر خاتم نقش کند و در حین ذکر بانی بخاتم کند در ساعت اجابت آید عظیم والله الرحمن الرحیم الرؤف

العفو المنان الکریم ذوالطول والجلال والاکرام صاحب جواهر النظیم در لطیفه اول از کتاب اول آورده که هر خائفی که بر این اسما مداومت کند ایمن شود

و هر موضعی که بر ذکران مواظبت نماید وحشت وی بانس مبدل شود و هر زندانی که بر کتابت آن دوام نماید بزودی از بند و زندان خلاصی یابد و اگر کسی این

اسمای شریفه را کتابت کند و بر خاتم فضه و وقت ذکر و تکرار بانی بختم نماید در ظهور نتایج و حصول فواید اتم و اکمل بود حصه ۵ در طلب اسباب رزق

و تیار نعمت و حصول مطالب و مشاهده عجایب علوی و سفلی التواب الغافر الحسیب الوکیل الکافی الرزاق السلام المومن الرفیع صاحب جواهر النظیم

در لطیفه ثانیه از کتاب اول آورده که این اسمای تسعه را تاثیر تمام است در تسبب مطالب اسباب و اتیان تسهیل نعم و تیسیر عسیر و توسیع ارزاق و اقبال وجوه

معاملات و تسخیر نفوس و برکت در کسب و مال و آثار آن قوی است و شیخ بر شرایط ذکر وا و ابن قیام نماید و فرموده که این اسما صالح است بغایت در اهل هوا یا هوا

و اگر عامل این اسما را بر خاتم فضه نقش کند و با خود نگاه دارد تاثیر و عمل آن قوی بود و اگر تکسیر کند در مربع وفقی درج کند هم بر قسم حرفی و هم بر قسم

عددی در ترتیب نتیجه ابلغ و افضل بود الحسیب العالم الرب الشهید الحسیب النعال الخلاق الباری المصور صاحب جواهر النظیم در لطیفه خامسه از آن

کتاب آورده که در این اسمای تسعه اسم اعظم الله تعالی است چون بوی دعا کنند بزودی اجابت مقرون شود و چون توسل جویند عطا مرتب شود و این اسما

از اعظم اذکار است و هیچکس بشرایط بدان مداومت نکند الا آنکه مقاصد کلیه بروی کشف شود و هر مطلبی که مرجو داشته باشد میسر گردد و هر کس

در دل شبها بذکر این اسما قیام نماید عجایب علویات و سفلیات مشاهده کند و مداومت بر این اذکار موجب فتح اسرار و مکنونات بود و در این

ذکر است حفظ نفس و جسم و دفع آلام و قهر اعدا و این از اجل اسما مکنونه است و هیچ احدی بر ذکر ان مداومت نکند الا آنکه به بیند خبرها از امور عالم

علوی و فهم کند از اسرار عالم کونی و اگر تسخیر ارواح آن کماینبغی بجا آورده باشد مسخر وی شود همه عالم باذن الله تعالی حصه ۶ در تحصیل التصرف در عالم

و رفع امراض و خلاص از حزن و حبس المبدع البصیر الهادی الباسط الباطن الباعث الباقی النافع امره صاحب شمس المعارف آورده که مداومت

بر ذکر این اسمای تسعه موجب حصول مقاصد و وصول به مطالب است و صاحب تیسیر المطالب در بیان حروف با آورده که این اسم اسمای این سماکه

تعلق بحرف با دارد و انرا در این عالم تصاریف جلیله است و در این اسما تصاریف و تصرفات عظیمه حاصلست پس باید که عامل این اسما را تکسیر کند

و بر مربع وفقی در آورد و با خود نگاه دارد پس تکرار و تذکار آن مشغول گردد بعد و محل اکثر اوقات و فاکند و متوجه روحانیت این اسما شود و

چندانکه تکرار کند که آثار آن ظاهر شود بعد از ظهور اثر عامل را قوی حاصل که هرچه از امور این عالم اراده کند بر وجه الیسر و اسهل کرد و الحسیب الحفیظ

الحق الحکیم الحلیم الحمید المنان الحی و صاحب تیسیر المطالب در بیان حرف حا آورده که این نه اسمست که تعلق بحرف حا دارد و اسامی این اسمای هفت اسم

شریف بهفت پیغمبر منسوبست المنان آدم الحلیم ابراهیم را الحفیظ هرون را الحکیم موسی را الحی الیاس را الحمید یوسف را الحکیم عیسی را

صلوات الله علیهم و اگر کسی خواهد که بر این اسما مداومت نماید از آن در مربع مثمن وضع نماید و حق را الحی حمای باید نهاد و چون این لوح را بر تسطیر الطلسم الایام

یا بر حامل آن از جمیع امراض محفوظ باشد و هر تب که او را باشد زایل شود هر مرضی که داشته باشد برود و از وی زایل شود خصوصا امراض حاره و حمیات محرقه و اگر با وجود
آن لوح شکر از این اسما دایم شغل کند خصوصا اسم بزرگوار الحی هرگز مرض عطش مبتلا نگردد و حرارت هوا در وی اثر نکند و سموم حاره فنا له
و نیش افاعی او را نافع نبود و بعضی از خواص این اسما به تقریب حروف صاد در فصل پنجم از باب اول از مقاله ثانیه ایراد یافته **فصل ۷** در اطلاع بر اسرار غیبیه
و حصول مرادات کلیه العلیم العلام علام الغیوب المتکلم الحکیم الخبیر الحافظ الرقیب السمیع الهادی پوشیده نماند که در کتب علما اهل خاصیت
این اسما عشره را مذکور است که جبرئیل گویند و خواص و آثار بسیار است صاحب شمس المعارف آورده که این ده اسم از جمله اسما ذات است و اذکار جبرئیل است
هر که خواهد که مطلع شود بر اسرار غیبیه و علوم دینیه باید که بر تلاوت و قرائت این اسما بزرگوار مداومت نماید و سعی در آن کند که متخلق و متصف بدین اسما
شود تا بواسطه تخلق و تعلق این اسما مناسبت تمام با ارواح ایشان پیدا کند تا از این مرفوعات و تجلیات بر دل وی لایح و ساطع شود و مقاصد کلیه در ضمن
آن حصول گیرد که هرگز در ضمیر وی گذشته باشد و بر خاطر او هیچ خطور نکرده باشد و اگر کسی این اسما را تکسیر کرده در مربعی از الواح وفقی برقوم حرفی یا عددی
یا هر دو رقم زند و با خود نگاه دارد و دایم بر زبان و دل هر ذکر آن قیام نماید بر مرادات جلیله و مدعیات عظیمه فایز گردد **فصل ۸** در دفع و قهر
بر اعدا و مسخر قلوب قاسیه و حفظ علوم جلیله و کشف امور غیبیه الغنی القادر القوی ذو القوة المتین المقتدر الجبار المتکبر الشدید القاهر
صاحب جواهر السطیم در لطیفه رابعه از کتاب جفر آورده که این اسما عشره از برای هیبت و محاربات عظیمه است و در میان این اسما سطری از اسم
مکنون باشد این اسما توفیق جمع و جمیع فقرات میسر است کسی را که بدین مداومت کند و هر مرضی که عارض شده حق تعالی به برکات این اسما دفع آن کند و بعده
این اسما بر کنار طاغیان قهر یابد و کسی که نزد جباری رود و مناسبت که این اسما را ورد سازد تا از شر او ایمن باشد و از قهر و غضب وی سالم ماند
بلکه با لطاف و انعام وی مخصوص شود و همه خیرات و حسنات را از و حاصل گردد و قلوب قاسیه وی را مسخر شوند و هم در آن کتاب آورده که چهار اسم از این
اسما عشره که الشدید و القوی القاهر المقتدر است اسما قهر و استیلا و غلبه است و هیچ ضعیف بر وی مداومت نکند الا آنکه قوی همت شود و اگر
برای استیصال ظالم در ساعت هفتم از شب اول از شب چهارشنبه باشد یا هر دو ساعت هشتم در خانه تاریک نشیند بر زمین که هیچ فرش نه انداخته باشد
و تعدد محل این اسما به تکرار مشغول شود و هر صد بار بگوید یا شدید خذ لی حقی من فلان و برای وی هیچ عقوبتی مقرر نکند حق تعالی و الکذار و
ما الحق شر او جوانی بیش تو رساند و هم صاحب جواهر السطیم که بزرگ اصحاب القول که مرا بر سخن وی اعتماد تمام بود گفت که هر مظلومی که از حق تعالی
حاجت خواهد و متوسل این اسما شود برای اجابت در اسرع اوقات بروی روشن گردد و این معنی بکرات و مرات مشاهده افتاد و به تجربه پیوسته
که هر که این اسما را بر خاتمی نقش کند و بان تختم شود مهابت از نقش حفظ در یابد و دیگران از وی شاکر او بر کتهای وی نهان اند و مادام که صاحب
خاتم در نظر آن جبار باشد حال آن این بود و هم در آن کتاب آورده که از شرایط این دعا آنست که بر آن ظالم زیاده از ظلم وی دعا نکند که بغایت سریع
الاجابت است و هم در آن کتاب فرموده که هر که حروف اسم ذو القوة را از میان اسما از دیگر نشسته کرده کتابت کند بر شعبه و رقت ذو الانف وت
و بار را از میان حروف ثالث و سادس را که حرف واو است شرط دکتابت کند در ساعت هفتم از روز جمعه و از خواطر بیاویزد که صاحب صداع یا لس بعد

شفا یابد و اگر بر نگین نقره در ساعت مذکور نقش کند و در دهان گیرد بلغم و رطوبت دور کم شود و هر صاحب نسیان که این نام را حامل شود الغفلت از وی زایل
شود البدیع الباطن الحفیظ الکامل المبدی المعید المغیث المجید الصادق الواسع و هم صاحب جور السطیم در لطیفه سادسه از ان کتاب آورده
که این ده اسم را خاصیت قویست در حفظ علوم جلیله و اصحاب تقوی و اهل معرفت را مدد و مناسبت و این اسما برای تطهیر قلب لایق است الوهاب
الباسط الحی القیوم الفتاح البصیر العزیز الودود السمیع و هم صاحب جور السطیم در لطیفه سابعه از ان کتاب آورده که ده اسم از اعظم اذکار است و مداومت
بر ذکر ان موجب کشف عظیم بود و اگر بشرایط قرائت کما ینبغی عمل کرده شود در این اذکار اسم اعظم الله تعالی است و از شرایط کلیه او یکی انست که در
نصف شبها ذکر وی قیام نماید تا فحاشان غیب الله در یابند و اگر بر کسی کیفیت اقسام این اسما ظاهر شود تعالی ابدی مستغرق گردد و وسیله قرب حق سبحانه
و تعالی شود و اگر این اسما بر لوح نقره نقش کند و در وقت ذکر از حامل این کرده خواص و آثار ان قوی ظاهر گردد و اگر تکسیر کند در مربع و مخمس بعد کنده و
با خود نگاهدارد و در صلیب(؟) تکرار ان اثر تام و اکمل و اقوی بود باذن الله تعالی **فصل ۹** در زجر اعدا و استیلا بر اهل خصومت و ازدیاد شوکت
و حشمت القابض قابل التوب القادر القاهر القابل القایم القدوس القدیر القریب القهار القوی القیوم صاحب تیسیر المطالب ذکر حرف قاف
آورده که هر که این دوازده اسم را که از اسمای حرف قاف بشرایط کتابت کند با چهار آیه که از آیات حرب جوانند و ذکر ان در فصل اول از باب
دویم از مقاله رابعه که در خواص آیات قرآنی است ایراد خواهد یافت پس ان مکتوب را با خود نگاهدارد و بر اقویا و قدرتی بر اعدا غالب شود که بهم غالب شد
مقهور گردد و شرایط کتابت شرط الواحد الاحد الوارث الواسع الوافی الوالی الوتر الودود الوفی الوکیل الولی الوهاب صاحب تیسیر
المطالب در بیان حرف فضل واو آورده که چون کسی از این دوازده اسم را که اسما حرف واو است [illegible] کرده در لوح در وافق در جوانب وضع کند اگر
سلاطین با خود دارد عظمت و شوکت و عزت ایشان زیاد گردد و مملکت بیفزاید و اگر امرا و حکام حامل این شوند قدر و منزلت ایشان نزد پادشاه
بسیار شود و هر حاجت که حامل این لوح از حق تعالی طلبه بنراجابت مقرون گردد و استعمال قمر باید که آفتاب در علیین شرف باشد والله الموفق **فصل ۱۰**
در تحصیل علو همت و تسخیر نفوس و [illegible] از [illegible] المجیب المحیط القابض الباعث الوارث الباقی البر الجامع الظاهر الباطن القدوس لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد صاحب جور السطیم در لطیفه سابعه از ان کتاب آورده که هر که بر سبیل ذکر این یازده اسم بزرگوار مداومت نماید و در حال خلوت
مقیده و سایر شرایط کلام را رعایت کند در نفس خود علو همت مشاهده نماید و رابطه حضور قدسی و فیض [illegible] باز یابد که هر که الحال در حفظ یافته بیش
و از جمله نفوس رابوی اقبال تمام پیدا شود و قلوب خلق از وی منفعل با انفعال لطیف شود و اگر حامل با طوف [illegible] بیشتر از جای امن [illegible] دل خود
مطمئن گردد و اگر کسی نسبت بوی ظلم و ستم کند یا مکر و حیله اندیشد اثر و بال و نکال ان تهم بوی باز گردد و عامل سلامت و عافیت باز ماند و اگر این اسما
بر خاتم نقره نقش کند یا تکسیر نموده در لوح چینی وضع کند و در صلیب ذکر باد نگهداشته کند یا با خود نگاهدارد از [illegible] شود و [illegible] **فصل ۱۱**
در ظهور فرح و مخرج از هر ضیق و حصول [illegible] بعد از دشواری و حفظ قلاع و سایر البلاد الباعث البدیع الجامع الرافع السمیع السریع العدل العزیز العلیم
العفو العلام العلی العظیم الفعال الواسع المانع المنان المعز المعطی الحمید الناصح المولی النعم النصیر [illegible] اسما از اسمای حسنی که در هر اسمی حرفیست از حروف

اسم

اسم اعظم بعضی کبعضی محقق و لعبد از این در فصل چهارم از باب پنجم اشاره بان جواهر رفت والحروف عین هست و صاحب جواهر السطیم آورده که هرکه بر
تکرار این اسما مداومت کند حصینانه و تعالی بهشت و برا ایه گرداند و ابواب رزق بروی گشاده سازد و هم غموم و هموم را از دل وی زایل
گرداند و هم دشوارهای وی برا آسانی برآرد و هرکه این اسما را نقش کند یا کتابت فرماید بر فصیل شهر یا باروی حصار یا دیوار باغی در نود و
چهار موضع از آن فصیل یا بارو یا دیوار و این کتابت در روز جمعه کنند و آنچه در وقت خطبه خواندن خطیب نوشته شود بعنایت عظیم التاثیر حق تعالی
ببرکت این اسما آن شهر و حصار و باغ را از همه آفات و عاهات و مخافات و بلیات در حفظ و صیانت و پناه و حمایت حق تعالی باشد مادام که
این اسما بموضع مکتوب و مرقوم باشد از جمیع حوادث و نوایب محروس و مصون ماند و هیچ دشمن و دزد را دست تصرف بدان نرسد بعنایت الله تعالی

فصل ۱۲ در خلاص از علایق عالم کثرت و ظهور انوار عالم وحدت پوشیده نماند که چهل و چهار اسم است که مرکب شده است از حروف
صوامت بغیر حروف که نقطه دارند والحروف از حیثیت مجرد از نقطه در غایت قدس و نهایت تنزه است اند و ذکر ایشان در فصل سیم از مقاله ثانیه
ایراد یافته صاحب شمس المعارف آورده که هرکه این اسما را در مربع چهل و چهار در چهل و چهار وضع کند و حامل و ذاکر آن شود و بر حمل و ذکر آن مداومت
و مواظبت نماید و خاطر و باطن وی از اسم خلایق و عوایق عالم کثرت و ترکیب خلاص شود و بعالم تجردات و بسایط متوجه گردد و بقدر مناسبت الفت
بانعام و انقطاع و تجرد از این عالم مستفیض و مستفید گردد و اسما اینست هو الله لا اله الا هو الاحد الاول الواحد الصمد المالک الملک السلام العامل
المکرم المکوم المطعم المطاع اللهم المعطی المسلم المصور الحکیم العالم العلام المعلم السامع السمیع الواسع الودود الراحم المرسل الامر الحاکم
العادل الحکم العدل المومن الطاهر المطهر الملک الحامل المسدد اللامح الاکرم المحمود

باب ۵ در بیان اسم اعظم و اختلافی که علما
در خصوصیات آن کرده اند و ایراد بعضی از خواص و آثار آن و ذکر دعوای که جامع اسم اعظم است بقول بعضی از اهل تحقیق مشتمل بر دوازده فصل

فصل ۱ در تحقیق تعیین و عدم تعیین آن **فصل ۲** در ذکر بعضی اسما و کلماتی که اکابر آن را اسم اعظم گفته اند و
بران دلایل اقامت کرده اند **فصل ۳** در اثبات آنکه اسم اعظم تحقیق لفظ مبارک الله است **فصل ۴** در کیفیت فواید بر این اسم
بزرگوار و طریق ذکر آن بدل و زبان و ذکر سائر که بر آن تکرار مرتب میشود **فصل ۵** در خواص اسم اعظم الله تعالی **فصل ۶**
در ذکر دعوات صحابه و تبرکه که متضمن اسم اعظم است یا بر قول بعضی اکابر و مرادات حاصل است **فصل ۷** در دعوات بزرگوار که جامع اسم اعظم است
بقول بعضی و منتج مرادات و حاجات و دافع غموم و هموم **فصل ۸** در ذکر دعایی که شامل اسما است و بقول بعضی اسم اعظم در آن میان است و بیان
خواص و آثار **فصل ۹** در دعای بزرگوار مشتمل بر اسما انبیا که نزد فرقه اکابر اسم اعظم در میان است **فصل ۱۰** در ذکر دعایی که موسوم است باسم مکرم
و پیش انبیا ... از اهل تحقیق اسم اعظم با آن ختم است **فصل ۱۱** در ذکر دعای شریف مشتمل بر اسما الله و نوع را که نزد جمعی کثیر از علما به هریک از آن اسما وقفیت
بر حروف اسم اعظم **فصل ۱۲** در ذکر دعای جامع که شامل جمیع اسما اعظم است که در خصوص این باب ایراد یافته بشروط و حروف مطهر رسالهای که ... ضرورت

فصل ۱ در تحقیق اسم اعظم و تعیین آن و بیان آنکه اسم اعظم نسبت بهر فردی علیحده است شیخ فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات آورده که در تعبیر اسم اعظم

حق تعالی علما را اختلاف است بعضی بر آنند که هر اسمی معین نیست بلکه هر اسمی که بنده حق سبحانه و تعالی را بآن یاد کند در وقتی که مستغرق صرف و یاد کرده وی باشد

و الجمله ما سوای حیثیت که و عقل و خیال منقطع کنند بغیر آن اسم نسبت بوی اسم اعظم است و برین قول دلایل بسیار اقامه آورده اند و بعضی از آن در

لوامع البینات مذکور است و طایفه دیگر گویند که آن اسمی معین است و معلوم است و این طایفه دو فرقه اند اول آنکه میگویند آن اسم متکلم معین و معلوم است

چنانکه در حصول آید و اشعار بآن خواهیم و فرقه دویم آنها اند که میگویند اگرچه آن اسم معین است اما هیچکس را بآن اعلام نیست و در میان

اسماء الهی پنهانست چون شب قدر و ساعت اجابت دعوات از روز جمعه که در میان لیالی و ساعات مخفی است مگر آنکه حق سبحانه و تعالی عنایت

کرده و یکی از بندگان خاص خود را به تعلیم آن مشرف کرداند و بر هر یک قول دلایل گفته اند و بعضی از آن در لوامع مذکور است و مرویست که جبرئیل ع

اسم اعظم را از برای حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرود آورد در میان دو رقعه از اوراق بهشت مجدد و مهر از مشک زده بر آن نهاده و بر آن

ورق نوشته که اللهم انی اسئلك باسمك المكنون الطاهر المطهر المقدس الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال والاكرام و مرویست که زنی پیش

حضرت پیغمبر صلعم آمد و گفت یا رسول الله بیاموز مرا اسم اعظم آنحضرت فرمود که مرا نهی کرده اند که تعلیم دهیم زنان و کودکان را و اکابر گفته اند که اسم اعظم

در میان اسماء الهی اسمیست که جمله یاد کنند بآن حق را سبحانه هر دعا که بآن گفته شود بغیر اجابت اقران نیابد چنانچه در بعضی دعوات مأثوره واقع شده که

بعضی بنده گان نبی فرموده اند اللهم انی اسئلك باسمك الاعظم الذی اذا دعیت به اجبت و نزد ارباب تحقیق از صوفیه اسم اعظم نسبت بهر وجودی

از افراد انسان آن اسمیست که در حضرت الهیت مربی اوست و واسطه مفاضه او از مبدا فیاض و مرجع اوست بعد از انقطاع روح از بدن تحقیق

این بحث مناسب این مقام نیست حضرت … علیه الرحمه در کتاب جواهر التفسیر آورده که محققان گویند که هذا اسم اعظم بر آن معنی که ثابت شده بغیر اعظم است

او بر دلالت بر حقیقت ذات که لا اکثر مطابق نیست بلکه باشد او را در مراتب اتصال و صفات و نسب و اضافات و احکام الوهیت که عبارت از اعتبارات

اسماء اعظام است و اعظم همه اسم الله است و شیخ صدر الحق والدین محمد قونوی در شرح احادیث آورده که اعظم است اسما تعریف و لایق تر به اسم را

از سمت … بعضی علامت … و هر بالقدیر هر اسمی موصوف است پس هر کدام از آن که متضمن تعریف بهر اسم تعریف اسمی دیگر و اعظم باشند به نسبت آن اسم

که تعریف او در تمامیت بدان درجه نیست و از این معلوم شد که اسماء حق سبحانه و تعالی همه اعظم اند با یکدیگر ابو یزید بسطامی را از اسم اعظم پرسیدند

فرمود که اسما اصغر معین نیست تا اعظم باشد نامی کدام نام است … حق تعالی در نظر … بزرگ است … در …

دریای بیکرانست … معاشر … صاحب … اعظم آورده که حکایت کرد یکی از اصحاب … از مشایخ … شیخ … الدین … فرموده

که هر که بگیرد عدد حروف اسم خود بحساب جمل و نظر کند در اسماء الهی که بآن عدد است یا نه اگر یابد بهر المراد و الا در دو اسم یا سه اسم یا چهار طلب کند که نسبت بوی

اسم اعظم آن است مثلا اسم محمد نود و دو است نظر کردم که موافق این اسم پنج اسم از اسماء الهی نیافتم اما در دو اسم یافتم … و در سه اسم

نیافتم اما در چهار اسم یافتم وانی حی ثابت و احد و الی الصمد پس فرمود که بعد از … فاتحه را … بار تلاوت کند بعدد اسم محمد و هم چنین سوره الم

نشرح … عدد … و … ذکر بگوید که یا حی … قلبی

والبا

واگر مراد او ابو تمام بر دل پس یکو به یا وهاب بسیط کند او کنا و مرچه مقصود او ابواز حق سبحانه و تعالی طلبد بزود در میسر شود و اما اینکه انرا در لوحی از الواح و نقش درج کنند چنانکه شیخ شرف الدین بونی در نوع بعلایی فرموده دو در یکی اسم جواد را درج نمود در یکی اسم واحد را و عامل را بر که در تلاوت تکرار اسما عامل این دو لوح باشد

لوح اول ۹۷			
حي	واحد	وهاب	ولي
ولي	وهاب	واحد	حي
واحد	حي	ولي	وهاب
وهاب	ولي	حي	واحد

لوح دوم ۹۴			
حي	وهاب	ولي	جواد
جواد	جواد	وهاب	حي
وهاب	حي	جواد	ولي
ولي	جواد	حي	وهاب

فصل ۳ در ذکر بعض اسما و کلمات

که اکابر انرا اسم اعظم گفته اند و دلایل بران اقامت کرده اند صاحب السطیم اورده که بعضی از اکابر گفته اند که اسم الرحمن است و این کلمات مرکب از حروف مقطعه قرانند کما قال سبحانه الرحمن و ذکر این اسم و خواص وی در فصل نهم از باب اول این مقاله ایراد یافته و بعض گفته اند که اسم الرب است و ذکر ان در فصل یازده هم از باب اول گذشته و بعض دیگر از حضرت مقدس مرتضی علی علیه السلام روایت کرده اند که اسم اعظم الطاهر است و ذکر ان در فصل ده و انوهم از باب سیم ایراد یافته و بعض گفته اند که اسم الغفار است و بعض بر انند که اسم القریب است و ذکر ان در فصل یازدهم از باب اول گذشته و از ابن عباس رض مرویست که فرموده که اسم اعظم یا قیوم است و بعض گفته اند الوهاب و ذکر ان در فصل سیم از باب اول گذشته و بعض دیگر از اهل التحقیق بر انند که لفظ اسم اعظم هو است و بر این دعوی دلایل و شواهد اقامت کرده اند و شمه از ان در فصل یازدهم از باب سیم این مقاله ایراد یافته و بعض از خواص وی در فصل سیم از باب اول این مقاله مذکور شده و بعض دیگر از اکابر بر انند که اسم اعظم لفظ مبارک اللهم است و لهذا عنوان اکثر دعوات ماثوره بعنوان این کلمه است و حضرت والد این ضعیف در کتاب جواهر التفسیر در ذکر ایه قل اللهم مالک الملک اورده که از ابن عباس نقل میکنند که فرمود که من از حضرت رسالت صلعم شنیدم که اسم اعظم در سوره ال عمرانست در ایه الملک و ابو رجاء عطارد فرموده که هشتاد نام از نامها حق سبحانه و تعالی در حرف میم اللهم تعبیه است و از نضر بن شمیل نقل کرده اند که هر که گوید اللهم چنان است که همه نامها خوانده باشد و چندان ثواب یابد که حصر نیابد و از کثرت فضلیت است که انرا اسم اشرف گفته اند و بعض بر انند که اسم اعظم لفظ رب است و هم در جواهر التفسیر اورده که در تیسیر از ابن عباس و ابو الدردا نقل میکنند که رب اسم اعظم است برای انکه این اسمی از اسماء الهی که مقلوب کرد الملائکه بر حروف او نباشد و اسم رب چون مقلوب سازند بر شود و ان نیز از اسماء حسنی است کما قال سبحانه انه هو البر الرحیم و هم در تیسیر اورده که جعفر ع در حرم محترم مسجد حرام در اثنای حکایتی اشاره فرموده که رب اسم اعظم است و در تفسیر قرطبی آمده که کثرت دعوات و اعیان بر این اسم دلیل اعظمیت وی است چه انبیا و اولیا و غیر ایشان در وقت دعا حق را بدین نام خوانده اند و در جواهر التفسیر تفصیل ان مذکور است و نکته دیگر در خصوصیت این اسم بدعا و اجابت آنست که در زمان امر بدعوت جمیع اسما بهمین اسم مذکور است شده کما قال سبحانه ادعونی استجب لکم

تضرعا وخفیة وقال ربکم ادعونی استجب لکم و در وقت شب رب استجابت بهمین نام وقوع یافته کقوله تعالی فاستجاب لهم ربهم و بعد از اسم الله در قرآن
هیچ نامی دیگر اینقدر مذکور نشده و در نود و چهار سوره از سور قرآن این اسم واقعست و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم حیی الوارثین است و
در دعای حضرت زکریا علیه السلام واقع شده بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم سمیع الدعاست و دلیل آن دعای حضرت زکریا علیه السلام است که قال
سبحانه هنالک دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء بر زبان راند و حق سبحانه و تعالی ویرا بوجود یحیی علیه السلام بشارت داد
حیث قال ان الله یبشرک بیحیی الایة و بسیاری از اکابر اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم الحی القیوم است و برای آن دلایل و براهین نقل بسیارست که تمهید آن
در فصل یازدهم از باب چهارم سمت ایراد یافته و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم سلام قولا من رب رحیم است یعنی سوره یس و آن رب رحیم است
که در فصل یازدهم از باب اول مذکور شده و بعضی از علما گفته اند که اسم اعظم الاحد الصمد است و ذکر آن در فصل یازدهم از باب دوم مذکور
شده و بعضی از علما گفته اند که اسم اعظم السمیع العلیم است و ذکر بعضی خواص او در فصل چهاردهم از باب سیوم سمت وقوع یافته و دلیل آنها که
بر عظمت این اسم شریف قایلند این آیه است که رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم و در تفاسیر مذکورست
که حنه مادر مریم چون بوی حامله شد گفت ای پروردگار من نذر کردم برای تو آنچه در شکم منست آزاد کردم یعنی از قید تعلقات دنیا تا خاص
ترا باشد و خدمت بیت المقدس کند و هم در آن زمان مردم فرزندان را نذر خانه خدا میکردند و بخدمت آن خانه بازمیداشتند حق سبحانه و تعالی
بدرویرا در دعا که توسل باین اسم بزرگوار جسته بود بقبول مقرون ساخت قال فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا و بعضی دیگر از اکابر گفته اند
که اسم اعظم حسبنا الله ونعم الوکیلست چه این کلمات مشتمل بر اعظم اسماست و اسم مبارک الله است و اثبات آن در فصل سیم خواهد آمد و بعضی گفته اند
اسم اعظم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین است و دلیل آن قول حضرت یونس ع است حیث قال تعالی فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و در کتاب بحر السطیم و لوامع البینات مذکور است که حضرت مرتضی علی علیه السلام فرموده است که اسم اعظم در حروف
مقطعه اول سورهاست مثل الم و کهیعص و حمعسق بخلاف منقولست که چون امر عظیم بحضرت امیر المومنین علیه السلام روی مینمود در دعوات خود فرمود
یا کهیعص یا حمعسق و از پی با خطاب متعلق میشد و این دو کلمه بزرگوار از جمله اسماء الکون است و بعضی گفته اند اسم اعظم در ضمن اشکال سبعه است
که در فصل دوازدهم از باب سیم از مقاله دوم یافته و در کتاب بحر السطیم بعضی حروف و اشکال آورده و شیخ بزرگوار ابو الحسن شاذلی نقل کرده که
الیاس فرموده اند که تا بعیت متهور نزد بعضی از این طایفه که این حروف و اشکال اسم اعظم است و ذکر آن در ذیل اشکال سبعه گذشته و بعضی گفته اند
که اسم اعظم لا اله الا هو است و در کتاب بحر السطیم آورده که یکی از صحابیان روایت کرده اند که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم که
فرمود اسم اعظم درین دو آیه است اول الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم و دوم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و درایه اول الحی القیوم
نیست و بنا برانچه نیست معلوم میشود که اسم اعظم لا اله الا هو باشد نه الحی القیوم چنانچه درین دو آیه مکرر شده لا اله الا هو است و صاحب بحر السطیم
آورده که موید این منقولست آنچه در موطا مالک رحمه الله از حضرت پیغمبر صلعم روایت کرده که آنحضرت فرموده فاضلترین کلمه که من گفتم و سایر انبیا پیش از من

گفته اند لا اله الا الله است و پوشیده نیست که انبعوث دلیل کسی است که الله را اسم اعظم گوید لیکن چون صاحب بحر السطیم اراده منع بذکر آن اقدام رفته است
و بعضی دیگر گفته اند که اسم اعظم ذو الجلال والاکرام است و در کتاب لوامع البینات آورده که دلیل اینطایفه حدیث الظوا بیا ذو الجلال والاکرام است
و در کتاب لوامع البینات و ینابیع العلوم آورده که الظوا الساکم بیا ذو الجلال والاکرام یعنی ملازم باشید بر گفتار اینکلمه در دعاها والظاد لغت
الحاح را گویند و دلیل ایشان آنست که دالست بر جمیع اسماء قهریه و لطیفه الجلال اشارت باسماء قهریه لفظ الجلالست والاکرام شامل اسماء لطیفه کلمه
کرامت او اجامع صفات سلبیه است و جمیع صفات ثبوتیه هم مقدس از غایات عقول و نهایات اوهام و او متوحد است بکمال تعدد هم متصف
به نعوت رحمت و احسان و این منزه است و ربنا یتقرب لیس این دو اسم اشارت بلی باآنکه هم قریب است و هم بعید و هم ظاهر است و هم باطن و صاحب
بحر السطیم از مجاهد نقل فرموده که اسم اعظم الله تعالی ذو الجلال والاکرام است چون بوی دعا کنند اجابت شود و چون بوی سوال کنند عطا فرماید و بعضی دیگر
از اکابر گفته اند که اسم اعظم ارحم الراحمین است و مستدل ایشان قول حضرت ایوب است که فرموده انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین قال الله تعالی
فاستجبنا له و در کتاب بحر السطیم از ایشان لیث بن هشام نقل کرده که وی گفته است که چنان بمن رسید که زید بن حارثه استری از کسی بکرایه
گرفت که بطایف رود و آن مکاری شرط کرد که هر جا که گویم فرود آی زید قبول کرد و روانه شد تا بخرابه رسید مکاری سبیل خرابه کرد زید را گفت
فرود آی زید فرود آمده سر در آن خرابه کرد کشته بسیار دید و مکاری تیغ کشیده قصد کشتن وی کرد زید گفت مرا چندان امان ده که دو رکعت نماز
گذارم گفت بگذار که پیش از تو این گروه گذاردند و نفعی نرسید زید گوید که دو رکعت نماز گذاردم و این آیه گفتم یا ارحم الراحمین ناگاه از بیرون
خرابه آواز شنیدم که شخص میگوید مرا مکش مکاری از خرابه بیرون دوید که تا ببیند چه کس است که این سخن گفت کسی را ندید باز بسر من آمد
و خواست که تیغ براند ناگاه سواری در آن خرابه دید حربه بدست و بر یک حربه کشت **فصل ۳** در اثبات اسم اعظم حق سبحانه و تعالی به تحقیق لفظ
مبارک الله است صاحب شمس المعارف آورده که اکثر علما و ارباب تحقیق اسم اعظم لفظ مبارک الله و نزدیک است که بر اینمعنی اجماع منعقد شود و در کتاب
لوامع البینات مذکور است که اکثر علما برآنند که اسم اعظم کلمه الله است و بر این معنی دلایل و براهین بسیار گفته اند اما اجمالا اینکه این اسم را خصوصیت است
که در هیچ اسم دیگر یافت نشود و آن آنست که هر حرفی را که از وی اسقاط کنند آنچه باقی ماند صفتی بود از صفات حق سبحانه و تعالی مثلا چون همزه را اسقاط
کنند باقی ماند و آن از جمله صفات الهی است که لله ملک السموات والارض و لله خزائن السموات والارض له الخلق والامر و اگر لام ثانی را حذف کنند هو
باقی ماند و آن نیز از صفات الهی است که قل هو الله احد هو الحی القیوم لا اله الا هو و قال تعالی هو یحیی و یمیت و مثل این بخا اشاره است لیکن باید که
بدین کلمه اشاره بمعبود حق کنند و جمله صفات نیز همین حکم دارد اما چون کلمه لا اله الا الله بگوید حکم باسلام وی کنیم و از اینجهت حضرت پیغمبر صلعم فرموده
که امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله الا الله فاذا قالوها عصموا منی دماءهم و اموالهم صاحب بحر السطیم آورده که اعاظم علما برآنند که اسم
اعظم کلمه الله است و نه در معنی که رحمن مشتق است از رحمت و رب مشتق از ربوبیت است و الله مشتق نیست از هیچ لفظ و بکر بن علا گوید که از سهل
بن عبدالله تستری سوال کردم که اسم اعظم کدام است گفت الله گفتم که علما گفته اند که چون باسم اعظم دعا کنند فی الحال مستجاب شود و من بسیار باین اسم

توسل جستیم و از حق تعالی سؤال کردیم و هیچ موهبت و عطیت نشد سهل گفت اگر سؤال از وی در حالتی کنی که دل تو فارغ باشد از همه چیز الا در مناجات
او و غیر اجابت مقرون شود و از عبدالله بن مبارک منقولست که گفت اسم اعظم کلمه الله هست زیرا که جمیع اسما اسماء الله اند بوی مضاف و وی بهیچ
اسم مضاف نیست و در جامع ابن وهب آورده که دلیل بر آنکه اسم اعظم الله هست آنست که جمیع اسما را بوی اضافه کنند مثلا گویند عزیز اسمی است از اسماء الله
و نگویند که الله اسمیست از اسماء عزیز و علما را دلیل بر آنکه الله اسم اعظم هست بیش از آنست که این نسخه گنجایش تفصیل آن داشته باشد و صاحب جوهر
النظیم گوید که ابن الطیب در کتاب مقنع آورده که بسیاری از اهل علم بر آنند که هاروت و ماروت بدان صعود میکردند و بر آسمان میرفتند و زهره
که از اجل نساء بنی اسرائیل بود بدان صعود کرد بر آسمان و حق سبحانه و تعالی وی را بصورت کوکبی مسخ گردانید و در تفسیر آیه و ما انزل علی الملکین ببابل
هاروت و ماروت مذکور است که حضرت مرتضی علی علیه السلام و از ابن عباس رضی الله عنه و سدی و کلبی مرویست گویند هاروت و ماروت دو فرشته اند
که در میان اهل بابل بامر قضا منصوب بوده اند و روز فصل خصومات میکردند و شب بآسمان میرفتند تا روزی زنی زهره نام که اجل نساء آن دیار بودی
نسب بملوک فارس داشت و ملکه آن دیار بود نزد ایشان بمحاکمه آمد و ایشان مفتون او شدند و او را بخود دعوت کردند وی زن قبول ایشان ننمود
گفت شما از من بهره نیابید مگر وقتی که در آموزید مرا آن اسم که بان صعود بر آسمان شما میسر است ایشان گفتند که آن اینست بسم الله الاکبر و زهره
بعد تعلم بدان تکلم کرد و بر آسمان بالا رفت حق سبحانه و تعالی وی را بصورت کوکبی مسخ گردانید و این زهره که مشهور است بر فلک اوست و حضرت والد علیه الرحمه
در جواهر التفسیر آورده که اگر محققان بر آنند که مسخ شدن انسان مستبعد نیست اما این منقول که او زهره شده باشد ضعیف هست و در تیسیر آورده
که حق سبحانه و تعالی وقتی که آسمانها را آفرید کوکبها را نیز در آن آفرید آورده و زهره یکی از سبعه سیاره هست و روشن کوکبی است گویی از غیر تحیر
که خدای تعالی بان سوگند یاد میکند حیث قال فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس بلکه خدای تعالی آن زن را مسخ گردانید بصورت شهاب و در آسمان معذب
با چون سایر مسوخات رجوع او با تش دوزخ شده و آنچه روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم هر گاه که زهره دیدی فرمودی لعن الله زهره فانها
فتنت ملکین جهت توافق اسمیت

مقصد ۴

در کیفیت اصل فواید ادای این اسم بزرگوار و طریق ملازمت آن بدل و زبان و ذکر شاغلی که بر آن
تکرار متفرع میشود صاحب کتاب جوهر النظیم آورده که بعض از علما در وقت دعا و قسم یا الله و بطریق اختیار کرده اند چون یا الله یا الله
میگویند بطریق ندا و بعد [illegible] بان شش [illegible] بحرف ندا [illegible] حروف مبسوطه در دویست و پنجاه و نه است
بحرف ندا و سیصد و هشتاد و یک با حرف یا و بعض الله الله میگویند و بعضی سه بار بعد حمل و هر این دو بار دیگر گفته اند آثار و خواص کلام سبب شود
و بعض ائمه گفته اند که هر که مرتکب شود ریاضات ملازمت و طلاقات باید از کشتن غضب و شهوت و سایر اخلاق ردیه و اوصاف ذمیمه دور [illegible]
ببینند و طریق خواص را از خود مسدود گردانند و سمع و بصر باطن را مفتوح سازند و بر سبیل دوام الله الله الله بگوید بدل نه بزبان تا وقتی که خیال شود
که تأثیر این اسم اعظم که تا از خود خبر داشته باشد و نه از غیر خود و خواندنش الله چیزی برد که بعد از حصول شرایط عمل چنانچه علماء قیام نماید نور
بینهایت بر دل وی تجلی کند و چنان مستولی شود که از دل وی بر تو بر روی زنها رحواس ظاهر وی تا بدو رسد و رحاسه قوتی دیگر پدید آید و نوری [illegible]

در حین بیداری نیز آید و اگر در خواب بیند از عجایب و غرایب عالم مثل آنچه در بیداری نیز مشاهده نماید و ارواح ملائکه و صور جمله لطیفه ظاهر شده گرد
و ملکوت آسمانها و زمینها بر وی آشکار شود و چیزی مشاهده کند که هیچ گوش نشنیده باشد و هیچ دیده ندیده باشد و بر دل هیچ بشر خطور نکرده و از
یکی از اکابر منقولست که یکی از عارفان صادق الاخلاص گفت میخواهم که بیاموزم ترا چیزی که عجایب مشاهده کرده‌اند که مداومت بر آن ترا بدرجه رساند
که فوق آن متصور نباشد الطالب بتواضع و نیازمندی تمام التماس نمود بزرگ فرمود که الله الله میگوید در یک نفس کمتر از سه کرت نگوید و هر چند زیاده گوید
بهتر بود باید که الله بشرط اظهار همزه گوید و سکون ها و غیر از این لفظ هیچ بر زبان نراند و چیزی دیگر بر دل نگذراند و با هیچ فردی سخن نگوید نه بضرورت
و نه بغیر ضرورت تا هفت روز نگذرد و در این ایام بروزه باشد و بطعام حلال افطار کند و در لیالی آن خواب نکند الا در حین غلبه که بی اختیار شود
و در آن بیداری بر تکرار اسم بازنماید و در شب کو بسیار گوید که تاثیر ذکر در شب خصوصا در نصف آخر شب تا طلوع آفتاب اتم و اکمل بود چون هفته
بر این منوال بگذرد ظاهر شود بر وی عجایب روی زمین پس هفت شبانه روز دیگر بر همین کیفیت بر این ذکر مداومت نماید باز بطریق مذکور ظاهر شود بر وی عجایب
آسمانها پس هفت روز دیگر هم بدین طریق مشغول باشد تا ظاهر شود بر وی عجایب ملکوت اعلی و چون از این عجایب بر وی وجه تمام شود ترا کرامات غریبه
و مقامات رفیعه موهبت فرماید و در مملکت وجود قوت تصرف و تاثیر کرامت نماید و بعض از اکابر در شرح اسم بزرگوار چنین فرموده‌اند که هر که هر
روز هزار بار این اسم را با حضور بر زبان راند بموافقت دل بر وی صاحب یقین شود و از ارباب تمکین گردد مضر ٥ در خواص حروف اسم اعظم
الله تعالی صاحب شمس المعارف آورده که حروف اسم اعظم چهار است ا ل ل ه و هم چنین طبایع چهار است حرارت و رطوبت و یبوست و برودت و
اقطار چهار است مشرق و مغرب و جنوب و شمال و ملائکه حل و عقد چهار از مقربان چهار است که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل اند و این چهار ملک
مقرب را چهار روز است که مخصوص ایشانست اما جبرئیل را روز دوشنبه است و او بارد و رطب است و اسرافیل را روز پنجشنبه است و او را حار و رطب است
و عزرائیل را روز سه شنبه است و او بارد و یابس است و میکائیل را روز چهارشنبه است و طبایع اربعه در وی مجتمع است و این چهار فرشته را چهار خاتم است
یکی مسبع یعنی لوح نه در نه و آن تعلق بجبرئیل دارد و دویم خاتم مربع یعنی لوح چهار در چهار و آن تعلق باسرافیل دارد سیم خاتم مثلث یعنی لوح سه در سه و آن
تعلق بعزرائیل دارد و چهارم خاتم مخمس یعنی لوح هشت در هشت و آن تعلق بمیکائیل دارد پس چون طالب داعیه کند بر حروف اسم اعظم باید که مناسب
العمل در خیر و شر و لطف و قهر ملاحظه طبایع و اقطار و ملائکه و خواتم ایشان کند چون عمل او در خیرات و لطیفات باشد این حروف چهارگانه
مذکوره را در خاتم مسبع یا مخمس رقم زند و قمر در آن حین زاید النور باشد و در شرف یا سعود و سعود و مناظره باید و از نحوس مصروف و اگر
عمل او در معصیت باشد نعوذ بالله مهاجر و مانع و حرمان و عدم اجابت منتج بود اما اگر از برای دفع شر ظالم و فاسق عمل کند و غرض وی خلاصی و
نجات مضطر باشد باید که این حروف اربعه را بنام آن ظالم بر خاتم مثلث یا مربع نقش کند و خاتم مثلث اولی بود و این رقم وقتی باید که قمر در محاق
متصل بزحل یا مریخ و باید که در اعمال خیر بخور ببوهای خوش کند مثل عود و عنبر و در اعمال شر بعکس آن مثل کندر و سندروس و اگر در
حین عمل قمر در برج ناری بود و معمول را از بالای آتشکده در آویزد و اگر در برج هوایی بود از شجری یا در آویزد و اگر در برج مائی باشد

نهر جاری یا حوض بزرگ که آب دراو بود واگر برج ترابی بود در زیر آستانه سرای خصم واگر در امور خیر است یا در منزل خصم یا کلبه یا هر جا که خواهد
بر طرف کند اثر آن باکی بود و در زیر آستانه خصم اگر در امور شر است دفن کنند تا مقاصد حاصل شود و لوح مسبع و مثمن و مربع و مثلث در کتب اعداد و فق
بسیار است هر کدام را افراکیرد و آنچه وفق چهار کانه را بطریق تکسیر بیان ارقام در ابجد برابر حاصل شود صاحب در مکنون بیان حروف آن و اوفق اسم اعظم
او هم است خواص و منافع بیان کرده و فرموده که اگر کسی را در عضوی از اعضا مرض پیش شود مثل مد یا صداع یا غیر آن باید که حروف اسم عربی آن عضو را
بگیرد و ما بین او هر رقم زند مثلا اگر برای وجع العین بگیرد حروف عین را در میان الف و ها بطریق اتصال و انفصال رقم زند اول بر نحو جه اعه
ایه انه جویم بر نحو جه اع هه ای جه اف جه پس نوشته را از خف باد و یزد خیاط نوشته بر آن عضو نزدیک ببندد مرض وی فی و د زایل شود و طریق
دیگر در امتزاج آن حروف آنست که هر حرفی را از حروف آن عضو بعد از الف و یا رقم زند بطریق اتصال یا انفصال اول بر نحو جه اهع احی اص احوم
بر نحو جه اع جه ای جه ان جه و هر دو امتزاج صحیح است و در ترتیب نتیجه اثر تمام دارد

مقصد ۶ در ذکر دعوات متبرکه مشتمل اسم
اعظم است بنا بر قول بعضی اکابر و مرادات بوی حاصل شود صاحب جواهر النظیم آورده که زهری رحمه الله فرموده که انه علیه که عنده ام الکتاب صفت او
است یا الهی و اله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت پس در هر مهمی و حاجتی که توسل جویند باید که عاجل حق سبحانه و تعالی اجابت مقرون گرداند و هم صاحب
جواهر النظیم گوید که بخط شیخ ابوالعباس بونی دیدم که به بعضی از مشایخ وقت نوشته بود کای خواننده برای تو اسم اعظم را فرستادم که بعد از هر نماز صبح
صد بار بخوانی تا حاجات تو همه و خواه تو بر آورده شود و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم یا صمد
یا ودود یا وتر یا ذا الجلال والاکرام و هم از شیخ ابوالعباس بونی نقل کرده که هر که بعد از نماز صبح هر روز سه نوبت باید عا بخواند بصدق و اخلاص
تمام هر حاجت که خواهد بر آورده شود و آن اللهم لا اله الا انت یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم صل و سلم علی
محمد و آله و افعل بی کذا و کذا و بعد از لفظ افعل بی هر حاجت که خواهد بطلبد تا اثر اجابت رسد در لوامع البینات رازی که شرح اسم اعظم کرده
آورده که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنین منقول است که فرموده اند که از حضرت حق سبحانه و تعالی درخواستم که تعلیم کند مرا آن اسم اعظم که چون
بوی دعا کنم مستجاب شود پس واقعه دیدم که کسی مرا گفت که بگوی اللهم انی اسئلک الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم حضرت امام علیه السلام
فرموده که هرگز دعا نکردم باین عبارت الا انکه اجابت یافتم صاحب جواهر النظیم آورده که ابو بریده رض روایت کرده که بریده گفت که حضرت پیغمبر صلعم
از مردی شنید که در دعا جانب حق میگفت اللهم انی اسئلک بانک انت الله الاحد الصمد لم یتخذ صاحبة ولا ولدا الحضرت او را گفت سوال کردی و از خدای تعالی باسمی که چون
بان اسم حاضر خواند مستجاب شود و اگر سوال کند عطا یابد و هم صاحب جواهر النظیم آورده که بصحت رسیده که حضرت پیغمبر صلعم بر مردی گذشت که نماز میکرد و
میگفت اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام پس آن حضرت صلعم با یاران خود که همراه بودند
گفت هیچ میدانید که بچه چیز دعا کرد این مرد گفتند الله و رسوله اعلم فرمود که بحق خدای که دعا کرد حق تعالی را بان اسم اعظم که هرگاه که چون دعا کنند
اجابت شود و چون سوال کنند عطا فرماید و هم صاحب جواهر النظیم گوید که سه بار بزرگوار یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام

از برای

الابرار اجابت دعوات مقرر است **فصل ۷** در دعوات بزرگوار که جامع اسم اعظم است بقبول اقرب و فتح مرادات و حاجات و دفع هموم
و غموم است و در مسند ابی داود مذکور است که حضرت پیغمبر صلعم شنید از مردی که میگوید اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام پس آنحضرت فرمود که این مرد خدا را باسم اعظم او یاد کرد و صاحب حصن الحصین در شرح این دعا گفته
که چون الحی القیوم صفت تابع نیست اسم اعظم را که متمم ذکر وی باشد اسم منان ذو الجلال والاکرام نیز که درین دعا واقع است این دعا واقع شده
از این قبیل است و هم در مسند ابی داود آورده که یحیی که از جمله ثقات رجال حدیث است روایت کرده از مالک و وی از عبدالله بریده
که حضرت پیغمبر صلعم از مردی شنید که میگفت اللهم انی اسئلک انی اشهد انک انت الله الذی لا اله الا انت الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
آنحضرت فرمود که سوال کرد از خدای تعالی که چون سوال کنند از وی آن عطا کند و چون دعا کنند اجابت فرماید و در حدیثی دیگر بروایتی دیگر ثابت
شده که آنحضرت دیگر فرمود که سوال کرد از خدای تعالی باسم اعظم و صاحب حصن الحصین گوید که درین دعا که الله الصمد لا اله الا هو دعا مستجاب شده و هم وی
گوید که سر از اولیاء الله است و از ذو اللثان که فرموده اند که هر کسی را که غمی و المی روی نماید و کربی و تعبی پیش آید در امر دین و دنیا باید که
در شب جمعه طهارت کامل ساخته بوده در خلوتی معتکف نشیند و با هیچکس سخن نگوید تا وقتی که نماز خفتن بگذارد و در سجده آخر از نماز وتر بگوید
یا الله یا رحمن یا حی یا قیوم بک استغیث یا الله پس از خدای تعالی حاجت خواهد و اجتناب کند از آنکه در هلاک مسلمانی و مضرت مومنی سعی نماید
که تاثیر این دعا از ضرر و نفع عظیم است **فصل ۸** در ذکر دعایی که شامل اسماء شریفه است و بقول بعضی اسم اعظم در آن میان است و خواص
و آثار آن مقاتل بن حیان صحیح کرده که هر که را حاجتی بود باید که بعد از فریضه بامداد پیش از آنکه از مصلای خود برخیزد و با کسی سخن گوید صد بار این دعا
بخواند البته مستجاب شود و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا دایم یا فرد یا وتر یا واحد
یا احد یا صمد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام مقاتل گفته است که اگر کسی این دعا را به نیت خالص و اخلاص تمام بخواند و اثر اجابت ظاهر نشود
گو بر مقاتل بن حیان لعنت کن اگر زنده باشد و اگر مرده و هم از وی منقول است که چهل سال این اسماء که حضرت عیسی ع بآن مرده زنده میکرد تا آنکه
یافتم اینها نزد بعضی از محققین علماء آن اسماء اینست یا قدیم یا دایم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد و در بعض دعا که این هفت اسم ذکر اجابت
نیز وارد و در تفسیر صاحب تیسیر واقع که حضرت عیسی ع احیاء موتی باین هفت اسم میکرد یا حی یا قایم یا دایم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد و صاحب
شمس المعارف آورده که این هفت اسم است از اسماء بزرگوار حق سبحانه و تعالی که حضرت عیسی بآن مرده زنده میکرد و شیخ ابن خارزمی که از علما
کبار این فن است فرموده که من هفتاد سال این اسم اعظم را طلب کردم نیافتم مگر در ولایت حبش نزدیک بزرگی که بقلم حمیری نوشته بود تا کسی نداند
و آن اسماء مذکوره است پس اگر طالب سه روز روزه دارد آنگاه این اسماء را بر ورق آهوی سفید بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و آنرا
در مریض بیاویزد فی الحال اثر صحت ظاهر شود و بزودی مرض وی زایل گردد و با هر که این نوشته همراه باشد چشم بد بر وی کار نکند و اگر خواهد که
برای انعقاد محبت در دل اثر کند باید که روز جمعه روزه دارد پس این اسماء را بر ورق آهو بره بنویسد وقتی که قمر در منزل سعد

یا در شرف یا خانه خود به سعود ناظر و از نحوس تمام ساقط و اگر خواهد که برای عداوت اثر کار سبب کنند باید که قمر در شرف الحسن بخیر یا وبال و هبوط

به نحوس ناظر و از سعود بالتمام ساقط تا مقصود به زودی حاصل شود **فصل ۹** در دعای بسیار که بزرگ فرقا از آن اکابر اسم اعظم در آن میانست صاحب شمس المعارف آورده که این اسم چندی هست که هر که حامل آن شود و بر قرائت آن مداومت نماید اخلاق وی ملایم شود و کرم وی بالیم شود و مهربانی وی بر خلق زیاده شود و خلق بر وی اقدام تمام نمایند و نسبت بوی در مقام لطف و احسان شوند و از وی صفات لطیفه عجیب سر زند که موجب توجه خلق و جذب قلوب گردد و وی را بحسب ظاهر و باطن قبول بسیار شود و در بیان این اسم است اسم اعظم که چون بوی توسل جویند دعا اجابت شود و چون سوال کنند عطا شفیع گردد و وی را عظم اذکار هست از روی شرف و عزت هیچکس بر این اذکار مداومت نکند مگر آنکه جمیع مکروهات و بلیات و هموم و غموم زایل گردد و از وی هر مطلوبی که داشته باشد بسهولت میسر گردد و در رزق مرغوب بر او روزی شود و هر که عادت کنند که در هر نصف شب این اسما را بخواند عجایب و غرایب عالم و بر او نور کشف بالا شود بهره کنند و مواظبت بر این ذکر موجب ظهور اذکار مکنونه و معانی مخزونه گردد و اعجوبها عالم علوی عیان گردد و اسامی اسرار غیب و زبدن اظهار کنند و به هر عالم علوی و سفلی از ملکه و جن و انس و وحوش و طیر مسخر او شوند و این اسما است کلمات که روایت بدایع اسرار و غرایب اطوار بسیار است این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک الحسنی کلها الحمیدة المجیبة التی اذا وقعت علی شیء ذللها و اذا طلبت بها الحسنات ادرکت و اذا ضربت بها السیئات طرفت و بکلماتک التامات التی لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا کافی یا ولی یا عفو یا غفور یا رؤف یا لطیف یا رزاق یا ودود یا فتاح یا واسع یا کریم یا وهاب یا باسط یا ذا الطول یا معطی یا مغنی یا رحمن یا رحیم یا مجیب یا مغیث اسئلک باسمک الله لا اله الا هو الجمیل الرحمن الرحیم اللطیف العلیم الرؤف العفو الغفور المؤمن البصیر المجیب القریب السریع الکریم ذو الجلال و الاکرام ذو الطول المنان یا ارحم الراحمین

فصل ۱۰ در دعای که موسوم است بخاتم مکرم و نزد بسیار از اهل تحقیق که اسم اعظم بان خاتم است صاحب شمس المعارف آورده که این خاتم مکرم دایره ایست مشتمل بر اسما بزرگوار محتوی بر فواید و خواص بسیار هم بحسب تلاوت و هم بحسب کتابت اما طریق تلاوت بدانکه جمیع امور را از امور دینی و دنیوی و صوری و معنوی نیست الا آنکه بواسطه خواندن این اسما ساخته و پرداخته شود پس چون خواهد که طلب حاجت کنند طهارت کامل ساخته روی بقبله آورد و دو رکعت نماز کنند و در جایی که از خلق دور باشد در نصف آخر شب از روی حضور باطن خواندن تمام این اسما را خواندن گیرد و باید که هیچ فکر در خواطر و خیال در این میان نرام و فتوری نشود تا هزار و ششصد و نود و سه بار بخواند و اگر وقت وفا نکند صد و هشتاد بار بخواند و بعد از آن حاجت بخواهد تا مقصود میسر گردد به روح اسهل خصوصا آن مقصود که در تحصیل علوم باشد پس حضرت حق سبحانه و تعالی از حرمت اسم اعظم که در ضمن اسما مندرج است طریقی بروی بگشاید که بسبب عجایب و غرایب صفات بهره کنند و امری چند ظاهر شود که زبان از ادای آن عاجز شود و هر که این اسما را هر روز بعد از فریضه بامداد هفتاد و هفت بار و بقولی هشتاد و نه بار بخواند خیر و برکت از او در دنیا و آخرت بار آید و در نفس خود اوصاف عجیبه و غریبه مشاهده کنند تا غایتی که همت خود را از خلق منقطع یابد بجمیع طرق

سحر و مانع حفظ بینند و اگر جبار بر روی سم کرده بشر این اسما لا بطریق خطاب یکلمه متصل بخوانند و از ابتداء قرائت از ساعت اول روز شنبه
کنند و هر روز همان عدد که اول گذشت بخوانند و بجانب ان ظالم نفث کنند پس از انقضای اسبوع ان ظالم ماخوذ و مقهور گردد اما طریق کتابت
بدانکه هرگاه این خاتم را بشرایطی کتابت کنند و مکتوب را در میان رخت و بار خود بندد خواه در سفر و خواه در حضر محروس و محفوظ بود و دست
قطاع الطریق و سایر دزدان از تصرف در ان منقطع بود و اگر بر بازوی راست بندد و میان اعداء در اید از ضرر ایشان ایمن شود و همه پیش وی
ذلیل و حقیر شوند و اگر بر بازو تا هر جابر و قهار یا حاکم ظالم خونخوار ره در اید از شر غضب و سیاست وی مصون و محفوظ ماند بلکه بروی
مشفوق و مهربان شود و بر سر لطف و احسان آید و کسی که بر سبیل دوام با طهارت کامله و لطافت لباس حامل این خاتم مکرم بود بروی امور عجیبه
و احوال غریبه منکشف شود و اگر این را بر ظرف چینی پاک بنویسد به مشک و زعفران و گلاب و کافور و باب طهور محو سازند و مریض ان آب را بیاشامد
خواه امراض باطنی بود و خواه ظاهر شفا یابد و اگر بدخوی بعد از صلاة وی بنگ شود هیبت و محبت و مهابت کسی که بر سار این اسما معمول بود دایم
دلها اسیر کنند و خواص این خاتم بسیار است و آثار ان بیشمار از خوف تطویل بر این قدر اقتصار نمود و صورت خاتم اینست

فصل ١١ در ذکر دعای شریف مشتمل بر اسمای نورانی که نزد جمع کثیر از علمای کامله
یکی از ان اسما حروف نورانی از اسم اعظم صاحب جوهر السطیم آورده در کتاب خود انجا
که بیان بعض اسماء الذکر کرده که تعلق بحروف نورانیه و غیره دارد و در اخر ان بیان فرموده
که مختار از این اسما دعا کرد نست بان اسم حسنی الذی که در اوایل آن حروف نورانی هست
و ان حروف عبارت از حروف مقطعات اوایل سور قرانیست که بعد از حذف مکررات چهارده
حرف میشود چنانچه در فصل اول از باب سیم از مقاله جوهر که مشتمل بر خواص حروف است ایراد یافته
و بر این معنی جمع کثیر از اکابر و سادات صحابه که از اهل بیت حضرت شاه ولایت مرتضوی و دستگاه جناب نبوت علی مرتضی علیه التحیة و الثنا
و دیگر عبدالله بن عباس و عبدالله بن سلام نیز فرموده اند و ان اسما بزرگوار که از قبیل اسم اعظم است اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا احد یا اول یا اخر یا لطیف یا مالک یوم الدین یا مالک الملک یا ملک یا محیی یا ممیت یا صمد یا رب یا رحمان یا رحمن
یا رحیم یا کریم یا هادی انت هو الله الذی انت کبواه اهیا شراهیا یا علی یا عظیم یا عزیز یا طالب یا طاهر یا سمیع
یا سبوح یا حی یا قیوم یا نور السموات والارض و نورها و نور کلها و سورها یا ناصر یا نصیر اسئلک الهدی و التقی و العفاف
و الغنی و اسئلک الیقین و العافیه و اسئلک رزقا دارا و عیشا قارا و عملا بارا و الحاقا بعبادک الصالحین و اسئلک ان تصلی علی
سیدنا محمد نبیک و رسولک و علی سیدنا ابرهیم خلیلک و ان تسلم علیهما و علی الهما و علی الانبیا و المرسلین و الشهدا و الصالحین و ان
تعطینی سؤلی من خیر الدنیا و الاخرة حتی الممات و انت علی کل شیء قدیر و جمیع المسلمین و المومنین و الحمد لله رب العالمین تقرا تکرار این اسما

جمیع مقاصد صوری و معنوی و مرادات دنیوی و اخروی میسر است و قدر که بشرایط کلام که باید عمل نماید والله الموفق **فصل ۱۲** در ذکر دعای
شامل جامع که حاوی جمیع اسماء اعظم است که در حصول این باب سمت اثر دیافته بشرط صدق و مکررات علماء که کرار آن ضروایش بوسیده نمانند
که این دعاییست متضمن جمیع اسمایی که علماء دین و کبار محققین علی اختلاف مذاهبهم ان را اسم اعظم گفته اند و هر یک بر قول خود دلایل و شواهد
اقامت کرده اند با بعض دیگر از اسماء و فقرات که در الجامع مرات و اجابت دعوات اندراج مدخل تمام است و بهر خاصیتی و منفعتی که در دعوات سابقه
مذکور شده امید عاید شریف که در رعایت عزت و نفاست است شامل و جامع انست بلکه از حیثیت جامعه و شمول اسماء عظام با ضعاف و مضاعفه
فواید و عواید این زیاده از مجموع ان دعوات است و به درستی از ضرر و شر و نفع و ضرر که این بشرط کلامی قرائت کند بعدد کلمات که صد و هشتاد است
مقصود بر وجه احسن میسر گردد و اگر امید عاری که اثر دعوات بشرایط که به رقم رسید با وجود قرائت بجمل ان اقدام نمایند با طهارت تمام و نظافت
لباس در حصول نتیجه ابلغ و ادخل است و آثار جلیله و خواص جمیله در اعلی اوقات و اسرع ساعات مترتب گردد چون فواید و منافع امید عای بزرگوار زیاده
از آنست که در حیز تحریر و حیطه تقریر گنجد لاجرم به تفصیل آن اقدام ننمود و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن
و هو بکل شیء علیم هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان
یا بدیع السموات و الارض یا ذا الطول یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اشهد انک الله الواحد الاحد الصمد الفرد الوتر الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
یا قدیم الاحسان یا دایم المعروف یا نور السموات و الارض و نور ما فیها و نور کلها یا دیان یا برهان یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین ربنا ربنا ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و اغفر لنا ... من عندک فارحمنا
انک انت الغفار و اعوناه برحمتک استغیث یا غیاث اغثنی بحق الم المص الر المر کهیعص حم عسق طه طسم طس یس ص حم عسق ق ن یا دافع البلیات یا قاضی الحاجات
یا مجیب الدعوات یا سمیع الدعاء یا سریع الحساب یا خیر الناصرین یا ارحم الراحمین یا قریب یا لطیف انت حسبی و نعم الوکیل **مقاله ۴** در خواص ایات
قرانی مشتمل بر پنج باب **باب ۱** در قبول نظر سلاطین و حکام و اصابت رای و اطفاء غضب ظالمان و ایمن از جمله آفات و حصول جاه و رفعت
و حشمت و قبول قلوب خاص و عام و تسخیر نفوس کافه انام مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۱** در قبول نظر سلاطین و حکام و نفاذ حکم نزد ایشان
فصل ۲ در اصابت رای نزد سلاطین و ملاقات ایشان **فصل ۳** در اطفاء غضب سلاطین و حکام ظالم و تسکین خشم خصم
فصل ۴ در دفع خوف از سلاطین و ظلمه **فصل ۵** در کفایت شر ظالمان و خلاص محبوسان و ایمن از زبان بدگویان
فصل ۶ در ایمنی و سلامتی از جمیع آفات و مخافات **فصل ۷** در رفعت شان و حصول جاه و حرمت و نصب منزلت
فصل ۸ در تحصیل هیبت و مهابت در نظر خلق و غلبه اعادی **فصل ۹** در قبول قلوب و اطاعت خاص و عوام **فصل ۱۰** در القاء محبت و مودت در قلوب خلق
فصل ۱۱ در تسخیر نفوس خلق و تالیف قلوب ایشان **فصل ۱۲** در تسخیر مرغ و ماهی و غیر آن و تسهیل صید ایشان **فصل ۱**
در قبول نظر سلاطین و حکام و نفاذ قبول نزد ایشان شیخ محمد بن ابراهیم تمیمی در کتاب خواص القرآن آورده که هر که با مسیری و حاجتی نزد پادشاهان

باید که طهارت کامل بجای آورد جامه پاک در پوشد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آنکه سلام داده آغاز تلاوت این آیه کند قل رب ادخلنی مدخل صدق
واخرجنی مخرج صدق الی قوله تعالی زهوقا در سوره اسری بخواند لاینقطع تا وقتی که نظر پادشاه در آید چون چشم پادشاه برو افتد و برا دوست گرد
و هر حاجت که داشته باشد برو جه احسن برآید و باکرام و انعام تمام و بر مخصوص کرداند و هم در خواص وی مذکور است که هر که آیه الذین قال لهم الناس
ان الناس الی قوله ذو الفضل العظیم از سوره آل عمران بر رقعه پاک نویسد و در زیر نگین انگشتری نهد و بر طهارت کامل به نظر پادشاه رود هر
حاجت که داشته باشد برو روا کند و هر سخنی که گوید قبول نماید و اگر برو خشمناک باشد مشفق و مهربان گردد باذن الله تعالی مقصد ۳
در اصابت رای نزد سلاطین و طلاقت لسان در خواص ابن تیمی آورده که هر که آیت و کذلک نری ابرهیم را الی قوله تعالی المشرکین از سوره انعام بکلاب
و زعفران و گلاب بر ظرف چینی نویسد و با آب صاف عذب که از نهر عظیم آورده باشد آن را محو ساخته بیاشامد رای و تدبیر وی در ملازمت سلاطین و ارباب
اقتدار بیفزاید و جمیع امرا از امور ملکی جدا نکنند و در ورطه غلط نیفتند و اگر همین آیه را بکلاب و زعفران بر اناء چینی نویسد و نوشته را بعسل صاف محو ساخته
و بقدری سرمه اصفهانی بان آمیخته صلایه کند هر گاه خواهد نزد پادشاه یا حاکم رود قدری از آن سرمه در چشم کشد محبوب قلوب پادشاه شود و بهجت و سرور
در دل وی بیفزاید همه را اعمال برو مایل شود و سخن وی نزد همه کس درجه قبول یابد و کسی را مجال مخالفت وی نباشد و اگر کسی خواهد که بر حجت و دلیل بر خصم غلبه کند
و نبوت فصاحت و طلاقت لسان و برا ملوب گرداند همین آیه را بزعفران بنویسد بر اناء پاک و بآب که از نیون در روی جو نیامده باشد و بر وی مطلوب
کرده اند همین آیه را بزعفران بنویسد بر اناء پاک آن را محو سازد در ساعت اول از روز چهارشنبه در سه هفته بیاشامد بجای آورده فصاحت و طلاقت
لسان وی نزد سلاطین و ارباب احتشام بیفزاید و کسی بر زبان آوری او غالب نیاید مقصد ۳ در اطفاء غضب سلاطین و حکام و تسکین
خشم حق و غیر حق در خواص ابن تیمی آورده که هر که آیت الذین ینفقون فی السراء والضراء الی قوله تعالی العاملین در سوره آل عمران در شب جمعه بعد از نماز
خفتن بر کاغذ پاک بنویسد و با خود نگاه دارد تا صبح شود بعد از آن بر پادشاه غضبان یا حاکم قاهر قهار در آید چون چشم ایشان برو افتد غضب
ایشان فرو نشیند و مشفق و مهربان گردد و آثار عنایت و محبت از وی ظهور آید و هم در خواص وی مذکور است که هر که آیه لا یحب الله الجهر بالسوء الی قوله تعالی
قدیرا از سوره نساء بر طهارت کامل کتابت کند و جامه پاک خوشبوی پوشیده آن مکتوب را با خود نگاه دارد بعد از آن بر پادشاه غضبان یا حاکم قهار
در آید چون چشم پادشاه و حاکم برو افتد آتش غضب ایشان فرو نشیند و مشفق و مهربان گردند یا قسیبار دعایا داعی ظلم و تعدی و قتل رسیده کند
باید که آیه ثم قست قلوبکم الی قوله تعالی تعملون در سوره البقره بر کاغذ پاک نویسد و نام پادشاه و مادرش را بر آن کاغذ رقم زند و بر قله کوهی
که در آن دیار از آن بلندتر کوهی نباشد دفن کند غضب پادشاه فرو نشیند و از آن تغیر طوع و تعدی بر خلق کرده و ترک ظلم و بیداد کند و حال
وی باصلاح آید و صاحب جواهر التسطیر آورده که هر که آیه سبحان الله و تعالی عما یشرکون الی قوله تعالی ترجعون از سوره قصص هفت بار در شب الطای وی تلاوت
کند و بر پادشاه و حاکم در آید در حالتی که از غضب و تیز زبان بر سه بار بگوید والله غالب علی امره صدق الله تعالی عامل الا از شرور ایشان بامان
و والد این فقیر و الد حقیر علیه الرحمه استماع داشته که از بعض اکابر نقل کرده که هر که بر پادشاه قهار و حاکم ظالم در آید و از قهر و غضب وی خایف باشد

یا از مردی دیگر خوف و رعبی داشته باشد بیش یازده بار بگوید یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین از زیان پادشاه ظالم و حاکم قهار ایمن و بی بیم
بود رسیده و از آن ترس و بیم ایمن که داشته باشد ایمن و مطمئن گردد و اگر در سفر قاطعی و سبعی بروی سر راه گیرد چون نعبد مذکور بخواند مانع
از سر راه برخیزد و بسلامت بگذارد و فرموده اند که این معنی بکرات و مرات به تجربه رسیده و بصحت پیوسته و در کتاب بحور العظیم آورده که هر که
خواهد خصم نفس خود یا غیر خود فروتن شود پس باید که از صفت ذلا خود احساس کند باید که اگر ایستاده باشد بنشیند و اگر نشسته باشد برخیزد و به
تلاوت این آیه وله ما سکن فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم از سوره انعام ادمان نماید آن صفت زایل گردد **فصل ۴**

در دفع خوف از سلاطین و ظلم صاحب بحر العظیم فرموده که چون کسی در نصف اخر شب جمعه بعد از نیمه شب پنجشنبه طهارت کامل کند و لباس لطیف
بپوشد و آیه از شهد الله الی قوله تعالی العزیز الحکیم از سوره آل عمران کتابت کند و آن نوشته را ... بعد از آن فریضه را ادا کند بر جای
نماز بنشیند و تا وقت اشراق به تسبیح و ذکر مشغول باشد و چون آفتاب بلند شود دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی بخواند
و در رکعت دوم بعد از فاتحه آیة الکرسی بخواند امن الرسول تا آخر سوره بخواند پس صد بار استغفار کند و بگوید حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو
رب العرش العظیم الکافی بتجدید وضو کند و آن نوشته را بر بازوی راست ببندد و پیش پادشاه جبار و حاکم قهار رود ایذا از قهر و سیاست وی در
امان باشد و خوف و رعب از دل وی زایل گردد و در کتاب سر الایات آورده که مردی نزد عبد الله بن عباس آمده گفت مرا از پادشاه زمان ترس
و هراسانم و از ملازمت وی چاره ندارم مرا چیزی در آموز که از غضب وی بسلامت باشم فرمود که بر این کلمات قرائت مداومت نمای به تخصیص وقتی که متوجه
ملازمت وی شوی و حضور وی یابی و الکلمات کرامت آیات اینست لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی واتونی مسلمین و در کتاب بحر العظیم آورده که چون کسی از جبار ظالم ترسان باشد بر تلاوت آیه و لما ورد ماء مدین الی قوله تعالی الظالمین
از سوره قصص مداومت نماید از غضب وی در پناه آید و از شر وی محفوظ ماند **فصل ۵** در کتابت شر ظالمان و خلاص محبوسان و امیر
از دست و زبان بدگویان صاحب بحر العظیم زیرا دفع شر ظالمان آیه سبحان الله و تعالی عما یشرکون را مقرر کرده چنانکه در فصل سیم گذشت و
محتاج به تکرار نیست و هم در کتاب بحر العظیم در خواص آن نعیم مذکور است که چون ملکی محبوس در زندان در رود از آن ... و وی در دفع مظلوم
بود باید که آیه فلما دخلوا علی یوسف الی قوله تعالی العلیم الحکیم از سوره یوسف کتابت کند بر ... مقرر و بر بازوی راست ببندد و در تلاوت این آیات
نیز مداومت کند به زودی از آن حبس و قید رهایی یابد و قدوة العلما میر حسین میبدی در شرح دیوان حضرت مقدس مرتضی علی علیه السلام الحاکه ترج
ابی میکند ابا لهب و تبت یدا ابی لهب و صخره بنت الحرب حمالة الحطب آورده که در تفسیر نظام الدین از اسماء بنت عمیس روایت کرده که چون
سوره تبت نازل شد صخره زوجه ابی لهب که او را ام جمیل میگفتند در قرآن بحمالة الحطب ملقب شده به مسجد الحرام آمد و سنگی در دست داشت و
حضرت پیغمبر صلعم با یکی از کبار صحابه در مسجد نشسته بود و میگفت مذمما قلینا و دینه ابینا و امره عصینا آن بزرگ صحابی بحضرت گفت قد اقبلت
الیک و الحضرت گفتند انها لن ترانی و آیه و اذا قرات القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا از سوره اسری بخواند

و از نظر اعدا جلیل پوشیده با همه مردم جلیل آید و به بزرگ صحابه گفت قد ذکر لی ان صاحب عجائب و وی گفت الاوسط الکعبه ما عجائب و بعضی گفته اند
صدا بجوا و کرده بحضرت پیغمبر صلعم و بعضی گویند اعتقاد نهست که قرآن را بجو خوانند و از این نقل معلوم شد که هر که بوقت حاجت برای این آیه
مداومت نماید از نظر دشمنان و بدگویان مستور ماند و از ستم و حیلت ایشان محفوظ ماند فصل ۶ در امن و سلامتی از جمیع آفات
و دفع آفات در کتاب جواهر التنظیم آورده که هر که مداومت کند بر آیه الله الذی خلق السموات والارض الی قوله تعالی لظلوم کفار از سوره ابراهیم
هر صباح و مسا و در وقت خواب و دخول بر اهل و عیال و جیران و اخوان از همه حوادث زمان در امان باشد و در سفر و حضر مال و منال و زرع و دواب
و بحر و بر محفوظ ماند از آنچه ترسان و هراسان باشد خدای تعالی شر او را کفایت کند و خیر و برکت و سعادت و دولت روزی گرداند و جمعیت تمام روی
نماید و هم در آن کتاب آورده که هر که ترسان باشد از چیزی که در آن نمی‌ترسد باید در صبح و شام در وقت خواب کردن و نیز در بیدار رسیدن مداومت کند
بر تلاوت این آیه که انی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابة الی قوله تعالی حفیظ از سوره هود حق سبحانه و تعالی از جمله بلیات و آفات وی را نگاه دارد
و هیچ مکروه از هیچ ممر بوی نرسد و هم در آن کتاب است که در صباح و مسا هفت بار آیه الحمد لله الذی خلق السموات والارض را از سوره انعام
قرائت کند و بر کف دست خود نفث کند بر همه اعضا مالد از جمیع بلیات و اوجاع مامون و محفوظ گردد فصل ۷ در رفعت شان و حصول
جاه و دولت و نصب معزولان در کتاب جواهر التنظیم آورده که هر که خواهد که شان وی رفیع شود و مکان وی عالی گردد و نزد سلاطین و حکام
و خواص و عوام قبول تمام پیدا کند باید که آیه و اذکر فی الکتاب ادریس الی قوله تعالی مکانا علیا از سوره مریم کتابت کند بر قطعه حریر زرد
بزعفران که آمیخته بعسل مصفی حل کرده باشند و بعد از اتمام کتابت موم خالص الحسن لیکن خمیر کرده باشد و بهاسانه بعد از تجفیف آن تبخیر کند
و بعد از آنکه مکتوب را بر بخور داشته باشد در بهم پیچد و با خود نگاه دارد مقصود حاصل شود و دولت باو روی نماید و هم صاحب جواهر التنظیم آورده که چون
کسی از منصب خود معزول شود خواهد که باز بعمل خود رود باید که روز پنجشنبه و جمعه از اول ماه روزه دارد و در شب جمعه سوره یوسف را وقت
که در فراش میرود بخواند و روز جمعه بین الصلوتین تلاوت کند این آیه و قال الملک ائتونی به را الی قوله تعالی المحسنین از آن سوره با شرایط
کتابت بنویسد و چون افطار کند دیگر باره سوره را قرائت کند و چون نماز شام ادا نماید بخواند صد بار لا اله الا الله و صد بار الله اکبر و صد بار
سبحان الله و صد بار استغفر الله و صد بار صلوات فرستد پس آن نوشته را در زیر بالین نهاده خواب کند چون صبح شود بنیت صادق و عزیمت
صحیح کند که هرگز بر کسی ظلم و تعدی روا ندارد و از حق تجاوز نکند و بساط ظلم درنیاورد و از اعانت ظالمان اجتناب کند و بر امداد مظلومان
اقدام نماید پس نماز صبح ادا کند و آن نوشته را ببرد در سرای خود جای بلند بیاویزد و بزودی بر سر عمل آید و صاحب تصرف شود فصل ۸
در تحصیل هیبت و مهابت در نظر اعدا صاحب جواهر النظم آورده که هر که آیه فالق الاصباح را الی قوله تعالی یعلمون از سوره انعام بر نگین خاتم
لاجورد نقش کند در ساعت سیم از روز چهارشنبه و آن خاتم را در انگشت کند هیبت و مهابت وی در دل خلایق بسیار شود و مقبول القلوب
گردد و در نظر خلق عزیز و مکرم شود و حاجات وی بزودی روا گردد و هم وی فرموده که هر که آیه یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم الی قوله تعالی

المؤمنین از سوره مؤمن کتابت کنند بر حریر سفید بمشک و زعفران و آب گل نسرین معطر کنند و آنرا در روغن چراغ بسوزند و دود بر هر که آن چراغ ببیند
لا یوشد مهابت وی در دلها پیدا شود و هیبت قبول و طاعت خلق و نصرت بر اعدا حاصل گردد و بر دشمنان غالب شود و هم وی فرموده که هر که جامه را که پوشد
گرد او آیه لا اقسم بهذا البلد الی قوله النجدین کتابت کرده بپوشد و تبرک بر خود ببندد و بر هیبت و قبول روز زیاده شود و بر هر که در آید از پادشاه و حاکم و
غیر ایشان معزز و مکرم گردد و حاجات او آسان بسهولت روا شود

فصل ۹ در قبول قلوب و اطاعت خاص و عام

صاحب التنظیم آورده که هر که خواهد که مقبول و مطاع بشر نزد اکابر و اصاغر باید که آیه ولقد جعلنا فی السماء بروجا و زیناها للناظرین و حفظناها من کل شیطان
رجیم را از سوره حجر بر نگین نقش کند یا بر ورق پاک نویسد و اگر ورق آهو بود بهتر و بر خود بر لایق دوشنبه بشرط ماه حفظ نگاه دارد همه دلها را بخود
مایل و متوجه یابد و سخن وی همه جا مقبول و مسموع بود و همه خلایق مطیع و فرمانبردار وی شوند و هم وی فرموده که هر که آیه یریدون ان یطفئوا
نور الله الی قوله تعالی مع المتقین از سوره توبه کتابت کند بر جام نو زجاجی با آب زعفران پس بعود و عنبر بخور کند پس آنرا با روغن زنبق خالص محو
سازد و در شیشه سبز نگاه دارد و چون نزدیک یکی از اکابر میرود از آن روغن مقدار درم سنگ بر محاسن مالد و بر او قبول تمام در نظرها بزرگ
و سایر مردمان پیدا شود و عزت و جاه وی در میان خلق زیاده گردد باذن الله تعالی

فصل ۱۰ در القای محبت و مودت و محبوب خلق

از خواص ابن عمر آورده که هر که آیه واعتصموا بحبل الله جمیعا الی قوله تم المفلحون از سوره آل عمران بر ورق آهو نویسد روز دوشنبه وقتی که قمر
در کمال نورانیت بود بمشک و گلاب و زعفران نام خود و مادر خود [?] را اول و آخر آن رقم زند و بر خود بر لایقه و بعد در هم بجدد و جای پاکیزه محفوظ
گرداند و اگر عامل آن خود بشرط طهارت بدن و نظافت لباس هم باشد همه دلها متوجه او گردد و بر او دوستگیر شوند و مشتاق شوند و در کتاب
سر الآیات مذکور است که مردی از ابن عباس دعای طلبید که مواظبت آن موجب جذب قلوب و توجه نفوس باشد فرموده که آیه والقیت علیک محبة
منی الی قوله تم ضویا از سوره طه مداومت کند و صاحب التنظیم آورده که هر که آیه واعتصموا بحبل الله که در اول فصل گذشت با مشک صاف نویسد
و در اطراف رقم زند که یا مقلب القلوب القلب [?] فلان و فلان اللهم یا ودود الف بین قلوبهما علی طاعتک پس آن نوشته را بر محمول بندد اگر دشمن
غضبان بود محب و مهربان گردد و اگر از جمله دوستان بود محبت زیاده گردد و چندان شود و اگر آن نوشته را واعظ یا فقیه یا شیخ در با حفظ نگاه دارد قبول
وی در دلها اثر کند و در بعض کتب خواص نوشته اند که اگر کسی آیه قال من یحیی العظام و هی رمیم تا یوقدون از سوره یس بر هفت قطعه نمک خواند
و بر هر قطعه یکبار نفث کند و هر بار بعد از قرائت آیه بگوید باسم فلان بن فلان پس یک یک را در آتش اندازد و محمول بر دو محبت عامل بیقرار
و آرام شود و در بعض از رسایل لطایف آورده اند که اگر کسی نام شخص و مادر شخص و آیه و لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم از سوره توبه بر بیضه دجاج که وی را نشکسته باشند بنویسد و در ظرف نهد در زیر آتش آن دفن کند چنانچه حرارت
آتش بوی رسد آن شخص در محبت عامل بی آرام و بیطاقت و بیقرار گردد که تا حضور [?] ملال رساند آرام نیابد و در بعض ملاحظه ساعات
و نظرات باید کرد و در رعایت شرایط کتابت بکار بستن نکاه باید او تا نتیجه آن بروجه اتم ظهور آید

فصل ۱۱ در تسخیر نفوس خلق و تالیف قلوب ایشان

صاحب مجد السلطیم او هم که هر که خاتم سازد از نقره و وقتی که آفتاب در برج اسد بنویسد آیه والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم از سوره بقره
بر آن نقش کند و بر ضمن آن مداومت نماید همه خلایق مطیع و مسخر و منقاد وی شوند و هیچ کس بر وی غالب نیاید و هم در فرمعه که هر که آیه
و ان یریدوا ان یخدعوک فحسبک الله الی قوله تعالی عزیز حکیم را بالتمام در روز جمعه اول ماه رمضان میان ظهر و عصر با طهارت کامل
کتابت کند و بر خرقه صوفی یا حریری که رنگ آن سفید یا زرد یا سرخ یا سبز و از آن خرقه طاقیه سازد و در همه روز در جای پاکیزه محافظت
نماید تا بوقت حاجت پس هرگاه که بخواهد که پیش یکی از اعاظم و اکابر رود باید آن طاقیه را بر سر نهد مسخر و منقاد وی شود و محب و تابع گردد
و هیبت و مهابت وی بر دلها غلبه کند و خاطر از جانب وی مجذوب گردد

فصل ۱۲ در تسخیر مرغ و ماهی و غیر آن و تسهیل صید ایشان

در خواص آن تمیم آورده که از چوب زیتون لوحی سازند و از نحاس احمر لوحی و از عظم کتف لوحی و نقول بعضی از عظم بعیر و آغاز در روز سه شنبه کند
و جامه پاک پوشد با طهارت کامل بنشیند و بر یک روی لوح زیتون آیه یا ایها الذین آمنوا لیبلونکم الله الی قوله تعالی علیکم از سوره مائده نقش کند
و بر روی دیگر آن لوح آیه والطیر محشورة کل له اواب از سوره ص و بر یک روی نحاس بنزاهات او لئن را نقش کند و بر یک روی دیگر آن لوح نقش کند
احل لکم صید البحر الی قوله تحشرون از سوره مائده که بر لوح عظم همان آیه اولین نقش کند و بر یک روی دیگر آن مع العسر یسرا از سوره الم نشرح
بهفت بار بنویسد پس لوح چوب زیتون از برای صید مرغان است چون صیاد خواهد که بصید بیرون رود آن لوح را از گردن خود بیاویزد و لوح
نحاس از برای صید ماهی است صیاد باید که بوقت شغل از آن بکند بشبکه بر چوب و لوح عظم از برای صید وحوش صحرایی است صیاد باید که بوقت صید
آن را از گردن خود بیاویزد و باید هر لوحی از آن الواح ثلثه در مدت یکماه ساخته و پرداخته کرده که مجموع در مدت سه ماه متوالی تمام شود زیرا که
اگر تاخیر و توقف شود در حصول نتیجه مدخل عظیم است و هم در خواص مذکور است که هر که قطعه از رصاص که در سفره دام صیادان مستعمل گردد و
از آن لوح مثلث سازد و وقتی که قمر در منزل حوت یعنی از منازل بیست و هشتگانه فلک البروج و آیه و سخر لکم الی قوله تعالی تشکرون از سوره النحل
بر آن نقش کند و در میان بر شبکه بندد و هرگاه که آن شبکه را بدریا فرو کند از ماهی و حیوانات دریایی فراوان بر آمدن آن شبکه در آید و ازدحام
کنند چنانکه جال آن را بالسهولت نتوان گرفت و اگر کسی این آیه بر چوب نقش کند و بر دام صیادی مرغان بندد مرغ بسیار در اختیار بدام آید باذن الله

باب ۳ در تحصیل فتح و نصرت و تسخیر معاندان و تدمیر ظالمان و تفریق فاسقان و تخریب بیوت ظالمان و دفع موذیات و ابطال سحر جادوان
و آن مشتمل است بر دوازده فصل

فصل ۱ در تحصیل فتح و ظفر بر لشکر
فصل ۲ در القای خوف و رعب در قلوب دشمنان و هزیمت ایشان
فصل ۳ در هلاک اعدا و تنکیس رایات ایشان
فصل ۴ در نکبت و خواری اعدا و فساد حال ایشان
فصل ۵ در تبلید ذهن عدو و تسویه بر وجه وی
فصل ۶ در تفریق اشرار و فساد امر ظلمه
فصل ۷ در فساد حال ظالمان و تفریق و تخریب ایشان
فصل ۸ در تخریب بیوت و منازل فسقه و فجره
فصل ۹ در هلاک دشمنان
فصل ۱۰ در بند و زندان
فصل ۱۱ در دفع و طرد موذیات از جن و انس و حیوانات السموم و غیر ایشان
در دفع سحرها و سحره

و چشم بد **مقصد ۱۲** در ابطال سحر ساحران و تضییع اعمال ایشان **فصل ۱** در تحصیل فتح و ظفر بر دشمن صاحب کتاب بحر التنظیم آورده
که ابو حامد محمد غزالی نقل کرده که در قرآن العظیم چهار آیتست در چهار سوره بزرگ که در هر آیتی ده قافست و اثر این آیات بسیار گویند و هیبت
ظفر و نصرتست بر اعدا و القاء رعب در قلوب ایشان چون این آیات بر علم لشکر نویسند در هر سپاه که آن علم را نصب کنند فتح و ظفر در آن جانب شود و اگر
کسی این آیات را بنویسد و در سر دستار نهد و هر پادشاه غیور و حاکم مغرور در آید با تحکم و تهور ملاقات کند مهیب و مهابت وی بر دل ایشان
استیلا یابد و دشمن زبون شود اول آیه از سوره البقره است قوله تعالی الم تر الی الملا من بنی اسرائیل و آیه دوم از سوره آل عمران قوله تعالی
لقد سمع الله قول الذین و آیه سوره نسا قوله تعالی الم تر الی الذین قیل لهم کفوا و آیه چهارم در سوره مایده قوله واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق
و بعضی از اکابر گفته اند که یک آیه دیگر بران باید افزود از سوره رعد قوله تعالی قل من رب السموات والارض الی قوله تعالی القهار و چون سپاه سالار
این آیات را بر شقه علم نویسد باید که لفظ هر قافی که در ضمن کلماتست علیحده بکاف بنویسد و در تحت الحرف برقم هندی عدد صد نیز رقم
زنند بر این صورت ق زیرا که حروف و ارقام در حصول مقصد و مرام دخل تمام دارد و در خواص ابن تیمی آورده که اگر کسی آیه ان ینصرکم الله الی قوله تعالی
بعده از سوره آل عمران بر قبضه شمشیر نقش کند یا بر سنان نیزه یا بر مغفری در روز دوشنبه و بعضی گویند در ساعت هفتم روز یکشنبه و نقاش در وقت
نقش کردن صایم و طاهر البدن و نظیف اللباس باشد هر که با ان آلت روی بحرب دشمن آورد غالب گردد و شکست در عسکر خصم افتد و هم ابن تیمی گفته
که هر که آیه اول انا فتحنا الی قوله تعالی حلیما در ساعت اول از روز پنجشنبه یا ساعت هشتم بر قطعه کاس اصفر مدور نقش کند و فرکه بحرابد النور بنی
و آن قطعه را در میان سپر تعبیه کند وقت محاربه آن سپر وقایه بشود از همه آفات و آصفه هیچ السلاح بدو نرسد و هم وی گوید که چون کسی آیه و ما جعله الله
الا بشری لکم الی قوله تعالی حکیم از سوره انفال در بیست و هفتم ماه رمضان المبارک بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و در زیر نگین خاتم نهد هر گاه آن
خاتم را در حین محاربه در انگشت کند از همه آفات حرب ایمن بود و بر اعدا ظفر و منصور شود و صاحب خاتم همیشه بتهیج و سرور بود **فصل ۲**
در القای خوف و رعب در قلوب دشمنان و ابن عباس رضی در کتاب شمس المعارف آورده که اگر خواهی که لشکر را بشکنی بگیر یک قبضه خاک از میان
میدان محاربه و این آیات بر وی بخوان که سیهزم الجمع و یولون الدبر الی قوله تعالی ادهی و امر از سوره قمر و آن مشت خاک را بطرف دشمنان
بریزد و اگر در آن محل باد بطرف دشمن رود بغایت مناسب است و در حین خاک پاشیدن بجانب دشمن بگوید شاهت الوجوه آن لشکر بفرمان خدای تعالی بشکند
و بعضی بر آنند که تا شود که یک یک بنالند و تمام فرار نمایند و در کتاب روضة الاحباب آورده که بروایت صحیح وارد شده که چون در غزوه
حنین اول شکست بر لشکر اسلام افتاد حضرت پیغمبر صلعم با معدودی چند بماندند و لشکر هوازن و ثقیف متوجه حرب آنحضرت شدند گویند آنحضرت
از اسپ فرود آمده و مشت خاکی برگرفت و بطرف دشمنان پاشید و گفت شاهت الوجوه و بعد از آن سوار شدند هیچ نماند از هوازن و ثقیف الا که
چشم و دهان ایشان پر شد از آن خاک و جملگی یکبار روی بفرار نهادند و روایتی دیگر آنکه سوار بودند مشتی خاک و سنگ ریزه از شاه ولایت
پناه حضرت مرتضی علی علیه السلام طلبید و بجانب دشمنان انداخت و خرمهره که ادموا قیه محمد و در بعضی روایات آمده که آن مشت سنگ ریزه از عباس طلبید

روایتی
و طلبید

و روایتی این را خوانند که اللهم لك الحمد والیك المشتکی وانت المستعان و جبرئیل علیه السلام بآنحضرت تلقین کرد و تدبیر الکلمات که یونس علیه السلام
تلقین کرده بود ندر روزی که دریای نیل برای بنی اسرائیل شکافته شد و در قرآن مجید بعبارات امر بسط بیان واقع شده که وما رمیت
اذ رمیت ولکن الله رمی الایه پس اگر صاحب دشمن برای دفع دشمن توسل جوید با فعال و اقوال حضرت پیغمبر صلعم و بسبب آنحضرت عمل کند هر آینه
فتح و نصرت بیابد ببرکت متابعت آنحضرت و در خواص ابن تیمیه مذکور است که چون کسی وقت مقاتله در مقابله دشمن ایستد و انتقالات کوید
الله الغالب الله القاهر الملك الجبار عزیز ناصر الحق حیث کان به الحول والقوه پس این آیه را خواند که ان کانت الا صیحه واحده فاذا هم خامدون
از سوره یس چنان رعب بر دشمن غلبه کند که بی اختیار فرار کرده روی بهزیمت نهند

فصل ٣ در هلاک عدو و نعکس امر ایشان

صاحب جواهر السطیم آورده که چون کسی خواهد که دشمن ظالم هلاک شوند و حواله بنکبت مبتلا کند باید که بیست و هشتم هر ماه روزه گیرد
و آن روز شنبه باشد اگر اتفاقا نرسد پس بنان جو حلال افطار کند و در نصف شب که در غایت ظلمت و تاریکی بود بیام سرای خود برآید تنها
پس بحضور لباس و سر برهنه کند و آیه الذین لم یستجیبوا الی قوله تعالی المهاد از سوره رعد و آیه والذین ینقضون عهد الله من بعد
میثاقه الی قوله تعالی سوء الدار از همین سوره هفتاد بار تلاوت کند بعد از آن پس بگوید که اللهم علیك بفلان بن فلان اللهم اعکس امره
واخذله بالطرح و انسب اقدامه و ذلله بما ذللت به کل جبار عنید حسبی الله و تعالی ان دشمن لا شك و مخذول و منکوب شود و به هلاک
مشرف گرداند و هم وی فرموده که چون کسی هلاک دشمن اراده کند و خواهد که امر وی منعکس گردد و حال وی بقبال الجامد باید که از درخت
عناب گیرد هفت برگ بر نوعی که هر روز پیش از طلوع آفتاب یکی برگ بکند و ابتدا روز شنبه کند و بر پشت و روی آن برگها پیش
از آنکه خشک شوند این آیه ثم اخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر الی قوله تعالی بذات الصدور از سوره فاطر بنویسد و برگها را در سایه خشک سازد
چنانچه اصلا شعاع آفتاب بر و نیفتد و بعد از خشک شدن مجموع را بکوبد و در وقت کوفتن بگوید باسم فلان بن فلان پس آن را در قوت
در منزل دشمن بپاشد مقصود بر فور حاصل شود و در خواص ابن تیمیه آورده که بگیرد از پیراهن درونی دشمن رقعه که عرق وی بآن رسیده
باشد و نام وی و نام مادرش بر آن بنویسد و بر گرد آن هفت دایره بنویسد و بالای دایره آخرین آیه اولئك الذین اشتروا الضلاله بالهدی
الی قوله تعالی بالکافرین از سوره بقره بنویسد و هفتاد بار بگوید ذلك لفلان بن فلان و برگرد آن آیه سه دایره بکشد و اسم و در روز شنبه
پس آن رقعه را در هم بپیچد و در کوزه نو غار (?) نهد و سر آن را محکم کرده در منزل دشمن هر جا میسر گردد دفن کند و هر چند عضو وی نزدیک
شود بعد بر فور آن دشمن خوار و نکونسار گردد و دمار از خان و مان او برآید و استعمال آیات خطیر است و اگر عامل مظلوم نباشد بیم است که
و نتیجه بعکس دهد

فصل ٤ در نکبت و خواری اعدا و قوای حال ایشان

صاحب جواهر السطیم آورده که هر که خواهد که دشمن وی خوار
و نکونسار گردد و عیش و روزگار بر او ناگوار شود باید که شنبه اول محرم پیش از طلوع آفتاب هفت قبضه خاک از هفت موضع فراگیرد
اول مسجد ویران دوم حریم ویرانه قدیم سیم سرای خالی شده و ویران گشته چهارم حمام ویران پنجم دباغخانه ویران ششم خانه که جنازه از آن برنهند

هفتم میان چهار راه بعد از آن بر کف خاک هفت بار این آیه را بخوانند که وینذر الذین اتخذ الله ولدا الی قوله تعالی جزرا از سوره کهف
ونفث کنند وبگوید بعلاق بن فلان وجمیع ما لدیه حرکته وسکونه وقوته وعمله وماله وزرعه وماشیته اللهم اجعل ذلک فی وبال فعله
وبکال جنایته وامره پس آن خاکها را تمام در هم آمیزد واز آنجمله هفت قبضه خاک در سر آن مزرعه وکاریز ومواضعی که تعلق با ظالم داشته
باشد تا عجایب بیند وهم وی فرموده که چون کسی خواهد که دشمن ظالم فاسق را مخذول گرداند وضیاع وعقار ومال ومنال وعیال واطفال
وی را ضایع گرداند بگیرد منقل خام آب نارسیده در روز شنبه وقدری خاک از گور مجهول بردارد وهم در آن روز قدری خاک از سرای آن
ویران یا از سرای خانه که صاحب آن غریب مرده باشد وآیه یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی را الی قوله تعالی الکافرین
از سوره البقره بدان سفال نویسد پس آن را نرم بکوبد وبا آن هفت قبضه خاک بیامیزد پس مجموع آن خاکها را در منزل ومواضع دشمن بپاشد
واین پاشیدن در روز شنبه باید در ساعت اول یا دوم وبعضی میگویند در ساعت هشتم از روز شنبه تا نکبت وخذلان از دشمن
مشاهده کند **فصل ۵** در تبلید ذهن عدو وتسوید وجه وی در کتاب جر السلطیم آورده که هر که خواهد که دشمن وی مبهوت و
منکوب ومخذول وسیاه روی شود باید که آن دشمن ظالم نفس الامر بود وبر عامل ظلم عظیم کرده باشد واز خدا ورسول نترسد وفعل وقول
وی موافق آید ووی موجب ایذای بندگان ومسلمین هر گاه عامل الانجیلین دشمن پیش آید در روز پنجشنبه روزه بگیرد وچون نماز شام وخفتن بگذارد
در خلوت خاص بنشیند واز روی عجز وزاری بگوید یا قدیم الاولیاء یا ذی لم یزل یا من لم یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور علیک بفلان
بن فلان خذه اخذ عزیز مقتدر وسه بار این دعا بخواند پس آیه قل یا اهل الکتاب هل تنقمون الی قوله تعالی سواء السبیل از سوره مایده بر سر بار ریم
کف خاکی که از سرای وقف قدیم ویران گرفته باشند بخواند ونفث کنند بعد از آن آن قبضه خاک را در سر آن ظالم بپاشد تا عجایب العجایب مشاهده
نماید **فصل ۶** در تفریق اسرار وافشاء حال اعیان در کتاب جر السلطیم آورده که هر که ستم ظالم نسبت با وی بسیار شود از جور وتعدی
باید با وی مصاحبه بگوید یا پیغام فرستد که از این جور وستم باز گردد واز این ایذا وآزار باز گردد والا بلای عظیم بر تو نازل خواهد
هم چنین سه بار این عبارت استماع وی کند اگر متنبه شود از آن طریق بگذرد فبها والا اگر از طور خود تجاوز نکنند وشر وفساد وی برقرار بود
ونقص وتعنت وی زیاده شود چاه کاریز معطل غیر بایر پیدا کنند که آب وی از جانب مشرق آید واین ماکیان که بلند ظاهر واز آن چاه قدری
آب بردارد وآیه لئن لم ینته المنافقون یا بر سول از سوره احزاب بر ورقها نویسد یا بر ورقهای هوا انداما با آب یا آن محو کنند وآن را
در منزل ظالم بپاشد بمراد رسد واگر عامل مظلوم ومستحق نباشد در عمل وسایر اعمال قهر وخوف عجب بود **فصل ۷** در فساد حالی
ظالم وفاسق وتخریب اثبات وبنیان در کتاب جر السلطیم آورده که چون کسی فساد حال ظالم وفاسقی اراده کند وخواهد که سلسله منتظم
وی از نظام افتد ودرهم رود وجمعیت وی بپریشانی آورد وکار به بیچارگی وآوارگی کشد باید که آیه یا ایها الناس ضرب
المثل الی قوله تعالی عزیز از سوره حج بر آن انای که از چوب بغز بوده تراشیده باشند واگر میسر نشود چوب کربالی که سبک مرد روی گداخته باشند

کناره

کتابت کنند روز شنبه پیش از طلوع آفتاب پس آن نوشته را با بجا بهر که معطل شده و مالکی بدر رفته شده باشد پس در موضعی که الظالم فاسق می باشد و
امر و نهی میکند بیاویزند مقصود حاصل شود و دشمن خوار و نگونسار شود و هم در کتاب جواهر السطیم آورده که چون کسی خواهد که دمار از ظالمی و ماندگان
ظالمی برآرد و وبال و نکال بروی کارد و دیار وی ویران کند باید که بگیرد سه برگ از درخت بید پیش از طلوع آفتاب روز یکشنبه چنانچه
هیچکس بران اطلاع نیابد و بر یک روی هر برگ این آیه ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت را الی قوله تعالی تستکبرون از سوره انعام بنویسد و بر
روی دیگر هر برگ اسم الظالم و مادرش رقم زند و اسمعیل هر وجهی باید کرد که هیچ فرد بران وقوف نیابد و بعد از اتمام عمل آن برگ را در آب اندازند
که الظالم از آن بیمار شود و بعضی گویند آن برگ را در منزل وی ریش کنند و اول ابلغ است و اگر مرجوم سبب شود زود دشمن حاصل شود هم در آن کتاب
آورده که چون کسی خواهد شمع و مال ظالم برباد کند انداز و نسل وی منقطع سازند باید که بگیرد پاره از استخوان مرده کهنه و فرسوده و سفیدشده
پس آنرا پاک بشوید و این آیه فلما نسوا ما ذکروا به الی قوله تعالی رب العالمین از سوره انعام بدان استخوان نویسد و در سر راه الظالم اندازد مراد حاصل شود
و الظالم آواره گردد و سلسله وی تمام نابود شود

فصل ۸

در تخریب منازل و بیوت فسقه و فجره در کتاب جواهر السطیم آورده که چون کسی خواهد
که سرای ظالمی فاسقی خراب شود و باغ و بستان و ضیاع و عقار روی بضایع گرد دو مستغلات وی از بها و حاصل و دکان الامثال آن روی بویرانی نهد
باید که روز پنجشنبه و جمعه روزه دارد و چون شب پنجشنبه به نیمه رسد این آیه قال له صاحبه را الی قوله تعالی احدا از سوره الکهف بر شانه سر زانی
که کهنه شده و در مزبله افتاده بود و دندانه شکسته بنویسد آنگاه آنرا بر سه شسته باشند و پاک ساخته آنرا در خرقه بجد که از جامه ترسایان یا جهودان
گرفته شده و در منزل الظالم دفن کنند تا عجایب مشاهده نماید

فصل ۹

در مکتب تسخیرات در بند و زندان در کتاب جواهر السطیم آورده
که چون در بند و زندان محبوس شده و خواهد که در آن حبس بسیار نماند باید که این آیه قالوا ادخلوا فی امم را الی قوله تعالی تعلمون از سوره اعراف
بر پوست بزغاله که سرخ دباغت یافته نویسد نام محبوس و مادرش را در ذیل این کتابت کنند بعد از آن بنویسد مکتبا مکتبا تبطا تبطا واقع
شده پس آن نوشته را در زیر آستانه خانه محبوس که آنجا می باشد مدفون سازد مادام که آن نوشته کمای حفظ بود آن محبوس در حبس مبتلا نبود

فصل ۱۰

در دفع و طرد موذیات از جن و ذوات السموم و غیر آن در خواص ابن تمیم آورده که مداومت بر تلاوت آیه الکرسی
الی قوله تعالی خالدون موجب دفع وساوس شیطان و حوادث دیوان بوده و مانع تعرض ایشان و الدابی فیفرد جواهر التفسیر آورده
که ابی بن کعب گوید که یکی از جنیان را دیدم گفتم چه چیز ما را از تعرض شما نگاه می دارد و از شر و ضرر شما محفوظ میسازد جواب داد که تلاوت
آیه الکرسی همین حکایت بعرض صدر مسند هدایت صلعم رسانید فرمود که راست گفته و هم در خواص ابن تمیم آورده و مذکور است که هر که آیه
یستحلون الخبیث را الی قوله تعالی اهلیا از سوره نسا بر طشتی که نو قلعی کرده باشند و پاک و پاکیزه باشد کتابت کنند بعصاره برگ زیتون
پس آن نوشته را با آب مطهر طاهر بشوید و بر دیوارهای سرای خویش رش کند هر موذی که در آن موضع بود از جنس جن و هوام جمله فرار نمایند و اثر
از ایشان در آن نواحی حوالی نماند و در کتاب جواهر السطیم آورده که هر که افامن اهل القری ان یاتیهم را الی قوله تعالی الخاسرون از سوره اعراف

و اول روز از ماه محرم بر کاغذ نویسد و اسم اباطاهر بنویسد و آن را در گوشه خانه و سرا و دیوارهای منزل هر که بباشد آن سرا و منزل از مار
و کژدم و سایر موذیات مثل کیک و پشه و مگس پاک شود و هرگز نبیند که آنجا باشند و دبیرد و هم در آن کتاب آورده که هر که آیه الم تر
الی الذین خرجوا من دیارهم الا آیه از سوره بقره بر طشتی پاک بمداد بنویسد پس بعصاره برگ محو کند و بعضی گویند بعصاره برگ زیتون
بنویسد و در خانه رش کند مار و کژدم و کیک و پشه از آن موضع کم شود بر وجهی که هیچ اثر از ایشان نماند و اگر بعضی از ایشان باشند دبیر شند
و سحر روز پنجشنبه همین آیه را بر چهار برگ زیتون نویسد و هر برگی را در رکنی خانه دفن کند هیچ کیک در آن خانه باقی نماند و صاحب … النظیم
آورده که چنین شنیده ام که برای کیک بر چهار برگ زیتون باید نوشت اول پنجشنبه از ماه رجب و در هر رکن خانه دفن کنند و این رکن را که
در آمدن از جانب مستطیل باید گذاشت برای دفع کیک بعد از کتابت اسان و بران هر برگ کلمات باید نوشت که عطش عطش حل البق عطش
خرج البق عطش … بالله لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **فصل ۱۱** در دفع سمها و سحرها و چشم بد در کتاب … النظیم آورده که هر که
آیت یا بنی آدم خذوا زینتکم را الی قوله تعالی یعقلون از سوره اعراف بر اماد سبز نو جاء الغیث … که تازه گرفته باشند و تغیر بر وی راه نیافته باشد
بزعفران بعض کتابت کنند و نوشته را بگلاب یا باب عذب که خشک و پاک بود محو سازند و بیاشامد یا در طعام کرده تناول نماید از ضررها ایمن باشد
فصل ۱۲ و چون در حمام بدین آب معمول بشوید و بآن غسل کند اگر نسبت بوی سحر کرده باشند باطل شود و اگر چشم بد باثر رسیده باشد زایل شود
در ابطال سحر ساحران و تضییع عمل ایشان صاحب … النظیم آورده که چون کسی را سحر کرده باشند و خواهد که آن را باطل کند بگیرد و مقدار آب باران
که در کوه سالها جمع شده باشد چنانچه هیچ احدی بران اطلاع نیافته باشد و مقداری از میاه معطل بیاورد و بر کهها را در او ریزد و بعد از آن این آیه
فلما جاء السحرة را الی قوله تعالی … از سوره یونس بر طاس نویسد و آن نوشته را بآن آب محو کند مسحور را بآن آب غسل کند و در دل شب
بر کنار دریا یا نهر بزرگ و باید که آب بر همه اعضاء وی برسد بلکه جریان کند تا سحر باطل شود باذن الله تعالی **باب ۳**
در توسیع رزق و روزی و نیل خیرات و برکات و ایمنی در سفر بر و بحر و رجوع آبق و سارق مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۱** در فتح ابواب
در رزق و تسهیل اسباب آن **فصل ۲** در توسیع رزق و ادای دین **فصل ۳** در نیل خیرات و برکات **فصل ۴**
در وقایه اشجار و اثمار و زروع **فصل ۵** در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظ آن از آفت **فصل ۶** در دفع آفات
سفر دریا و سلامتی کشتی از گرد و غرق باذن الله تعالی **فصل ۷** در سلامتی کشتی و ایمنی از غرق **فصل ۸** در دفع آفات و مخافات
سفر خشکی **فصل ۱۰** در قطع قطاع الطریق و ایمنی از آن بحر **فصل ۱۱** در دفع سباع و حیوانات ذوات السموم در سفر **فصل ۱۲**
در رجوع آبق و سارق و رجوع ایشان از اختیار **فصل ۱** مقدر را در فتح ابواب رزق و تسهیل اسباب آن صاحب … النظیم
که چون کسی را معیشت روزی تنگ و عسرت شد پس نخستین باید که اول توبه نصوح کند از جمیع منهیات و پیشمان خیرباد در دل حفظ دارد و صدقه
پنهانی را ولد و شب جمعه چون به نیمه رسد برخیزد و صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد پس این قدر علیه … فلینفق را الی قوله

یسیرا از سوره طلاق صد بار بگوید بعد از آن صد بار دیگر صلوات فرستد و چون خواب کند در خواب کیفیت خلاص از ضیق معیشت بر وی ظاهر
شود و ابواب ارزاق و روزی مفتوح گردد و اسباب آن بسهولت میسر گردد و هم وی فرموده که هر که آیه قل من یرزقکم من السماء والارض
الی قوله تعالی فسیقولون الله از سوره یونس بر ورق نویسد و آن را در خرقه کبود پیچد و بر بازوی راست بندد اسباب رزق بر وی آسان شود
و ابواب روزی گشاده شود و هم وی فرموده که هر که تلاوت آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب از سوره آل عمران مواظبت نماید
از عقب نماز از فرایض و سنن و نوافل و قبل خواب و غیر آن حق سبحانه و تعالی رزق بر وی گشاده شود و فقر و فاقه از وی زایل شود
و برکت بسیار در دوستی پیدا شود و به هیچ محتاج خلق نگردد و والد این فقیر در جواهر التفسیر آورده که خبر از ابن عباس که معاذ بن جبل
در ملازمت مجلس حضرت رسول باز ماند آن حضرت علیه السلام او را در راهی دید پرسید که یا معاذ چرا از مسجد باز مانده و صحبت ما [illegible] گفت یا رسول الله
یهودی را بر من دینی ثابت است و مرا با دادن آن عاجز و او بتقاضا آمده و بر سر راه مسجد مترصد من نشسته و میترسم که اگر ببیند خشونت کند
و ایذا رساند آن حضرت فرمود یا معاذ میخواهی که رب العالمین وام ترا بگذارد و کار فرو بسته ترا بگشاید قل اللهم مالک الملک را تا آخر آیه بخوان
معاذ گفت بر خواندن این آیه مواظبت نمودم باندک زمانی دین من ادا شد و کار من روی بجمعیت آورد و در روایتی آمده است که با آخر
آیتین هر بار که تلاوت کند بگوید که رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما تعطی منهما ما تشاء وتمنع منهما ما تشاء اقض عنی الدین واغننی عن التعلیم

فصل ۲ در توسیع رزق و ادای دین صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که خواهد که رزق بر وی فراخ گردد و خیر و برکت و جمعیت
زیاده شود باید که آیه اذ قال الحواریون یا عیسی بن مریم الی قوله تعالی خیر الرازقین از سوره مایده بر اوانی که از چوب تراشیده
باشند کتابت کند در اول نیسان ماه [illegible] که از نقره ساخته باشند و انطر [illegible] بآب باران کرده نوشته را با آب محو ساخته و آن آب را در
منازل و مواضع و مزارع خود رش کند و رش کردن آب در صباح روز جمعه باشد پیش از طلوع آفتاب اگر سوره [illegible] نان آب
قدری پیدا شد خیر و برکت و رفاهیت در خانه و مال و بستان وی پیدا شود و روزی بر وی گشاده شود و ابن تمیم آورده که هر که بر تلاوت
آیة الکرسی الی قوله هم فیها خالدون مداومت نماید از عقب هر نماز خواه فرض و خواه نفل و در غیر اوقات نماز نیز [illegible] دایم روزی بر وی
گشاده شود و رزق وی از جایی برسد که متوقع نبوده باشد و هم فرموده که هر که تلاوت آیه [illegible] از سوره [illegible] مواظبت نماید
قرض وی [illegible] ادا شود و فارغ البال گردد

فصل ۳ در نیل خیرات و برکات و بقاء عمارات ابن تمیم در خواص القرآن آورده
که هر که از اول سوره الکهف الی قوله تعالی ابدا هر سر ماه بر اناء پاکیزه بنویسد و نوشته را با آب باران محو سازد و آن آب را بر دیوار سرای
خود و بر زمین وی هر جا که میسر باشد پراکنده سازد خیر و برکت در منزل وی پیدا شود و هم وی فرموده که هر که آیت او کالذی مر علی
قریة الی قوله تعالی قدیر از سوره البقره بر ورق آهو نویسد به سیاهی از دوات [illegible] گرفته [illegible] در ساعت [illegible] از روز پنجشنبه
نوشته را با بخور دارد و بر هم پیچد و در خرقه پاکیزه دوزد و در کوزه نو [illegible] نهد و در زیر زمین دفن کند امور عجیبه مشاهده کند در معمورة

ان تقعه و در کتاب تیسیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و گفت من میترسم از آنکه سرای من خراب شود فرمود این آیه را از سوره فاطر بخوان
بسیار تلاوت کن که ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا الایه فصل ۴ در دفع آفات اشجار و اثمار و مزروع صاحب حجج التنظیم آورده که هر که
خواهد که مزارع و حدایق او از آفات ارضی و سماوی ایمن ماند و دانه و میوه وی بکمال برسد و حق سبحانه خیر و برکت برای او بیفزاید باید که طهارت
کامل کند در روز پنجشنبه روزه دارد و روز جمعه بیرون آید و در چهار رکن باغ و مزرعه در هر رکنی دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول بعد از فاتحه والتین بخواند و در ثانیه بعد از فاتحه الم تر کیف و لایلاف بخواند و در میان هر رکعت هشت آیه از قول حق بی فاصله
در میان و بعد از آن در وسط آن باغ و مزرعه چهار رکعت نماز دیگر بگذارد پس قلم از چوب زیتون بتراشد و آیه یا ایها الناس
اعبدوا ربکم الذی خلقکم الی قوله تعالی تعلمون از سوره بقره بزعفران و گلاب کتابت کند بر برگ سبز از درخت که در آن موضع بود و
خوشبوی بخور کند و در ممر آب که بباغ و مزرعه در آید دفن کند چنانچه آب از بالای آن بگذرد و بهمین دستور دیگر کتابت کند و در پایاب
آن موضع دفن کند و بهمین قاعده دیگر بنویسد و در او ام گرفته از بالای درختی که بلندتر باشد درختها بود بیاویزد و اگر در مزرعه درخت
نباشد چوب بلند نصب کند و از سر آن چوب بیاویزد جمیع بلیات و آفات سماوی و ارضی از آن باغات و مزارع دور شود و هیچ آسیب نرسد ۵

فصل ۵ در حصول برکت و ربح در مال تجارت و حفظ آن از آفات صاحب حجج التنظیم آورده که هر که آیه ذلک فضل الله یؤتیه
من یشاء والله ذو الفضل العظیم از سوره جمعه نقش کند بر قطعه صدف در روز جمعه پس آن را در میان مال و متاع حفظ نهد برکت در آن مال
و متاع پیدا شود و از همه آفات سفر و حضر محفوظ ماند و ابن تمیم در خواص خود آورده که سوره انعام تمام در صدف نقش کند اثر و خاصیت
وی نیز همین قوی بود و هم وی آورده که هر که آیه ان الذین یتلون کتاب الله را الی قوله تعالی شکور را از سوره فاطر بر چهار رقعه که از پنبه نو
ساخته باشند بنویسد و آن رقعها را متفرق در میان مال تجارت نهد در آن سفر از آن متاع سود بسیار ببیند و از نقصان و زیان ایمن و
محفوظ ماند

فصل ۶ در دفع آفات سفر دریا و سلامت از کشتی و غرق ابن تمیم در خواص خود آورده که هر که در روز جمعه بر لوح
چوب ساج یا نمره آیه فالق الاصباح را الی قوله تعالی یعلمون از سوره انعام نقش کند و بر مقدم کشتی نهد و اگر موج در کشتی نیز مثل آن لوح را بر کشتی تعبیه
کنند و آنچه بود و چون اسمعیل کاتب او بود آن کشتی از تزلزل و شکستن ایمن ماند و هم وی آورده که بسم الله مجریها و مرسیها الی قوله تعالی رحیم از سوره هود
نیز همین حاصل دارد و بهمین عمل نماید و در کتاب حجج التنظیم آورده که چون در دریا باد مخالف برخیزد و امواج متلاطم شود قل من ینجیکم الی قوله تعالی
تشرکون از سوره انعام بر کاغذی بنویسد و آن نوشته را در دریا افکند فی الحال طوفان فرو نشیند و کشتی بر طرف شود

فصل ۷ در سلامتی
کشتی و ایمنی از غرق صاحب حجج التنظیم آورده که هر که در سفر دریا اختیار کند و بر تلاوت آیه انی توکلت علی الله ربی و ربکم الی قوله تعالی
حفیظ از سوره هود مداومت نماید و دایم الاوقات بر قرائت آن مواظبت نماید از همه آفات دریا ایمن و مطمئن گردد و بسلامت و عافیت
و غنیمت بکنار آید و در کتاب انیس المسلمین که از جمله مخدومان بزرگست آورده که حضرت امام همام حسن بن علی علیه السلام روایت کرده است که حضرت

رسول

رسول صلعم فرمود که امان است امت مرا از غرق شدن چون بر کشتی سوار شوند اگر بگویند بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم وما قدروا الله حق
قدره الی قوله عما یشرکون از سوره زمر و هر که آیه الم تر ان الفلک المشحون را تا شکور را از سوره لقمان بر هفت ورق بنویسد و یکیک را از جانب
کشتی که جانب مشرق است اندازد دریا از طوفان و طغیان فرو نشیند و کشتی بسلامت بگذرد و مداومت بر تلاوت آیه لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار
وهو اللطیف الخبیر از سوره انعام تسکین بلاهای مخالف بهر جهه در بحر وجه در بر **فصل ۸** در دفع آفات و مخافات سفر خشکی ابن
عمر در خواص خود آورده که هر که بر تلاوت آیه ان الله الذی خلق السموات والارض الی قوله تعالی کفار از سوره ابراهیم مواظبت نماید صبح و شام
بر قرائت آن مداومت نماید و هر سفر که بر خواه خشکی و خواه تری از جمیع آفات و بلیات محروس باشد و همه متعلقان و متوسلان او ایمن و سالم ما
و مال و منال و از قطاع الطریق بسلامت مانند و هم و رآورده که هر که آیه ولئن سالتهم الی قوله تعالی منقلبون از سوره زخرف بر حریر سفید نویسد
و در طاقیه مضبوط کند و در هیچ سفری راه گم کند و اگر طاقیه نپوشد در راه گم نشود و چون طاقیه را بر سر نهد راه باز یابد و هیچ بلا و بعد
در آن سفر بوی نرسد **فصل ۹** در دفع قاطعان طریق و ایمن از دزدان صحرا در تیسیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمده حکایت
کرد از قطاع الطریق و گفت مرا خوف بهر سو بسیار است از این طایفه فرمود که بر تلاوت این پنج آیه از سوره اعراف مداومت نمای که ان ولی الله الذی نزل
الکتاب الی قوله تعالی سمیع العلیم در خواص ابن عمر آورده که چون کسی بارض مسبعه رسید یعنی زمینی که درنده بسیار باشند مثل شیر و پلنگ
و گرگان باید که آیه انی توکلت علی الله که در فصل هفتم گذشت بسیار بخواند تا بسلامت از آن زمین بگذرد تا جایکه امن بجای رسد
فصل ۱۰
در رجوع آبق و سارق بی اختیار مداومت کنند در کتاب تحفة التنظیم آورده که هر که آیه ولو ارادوا الخروج لاعدوا الی قوله تعالی مع القاعدین از سوره
توبه بر رقعه مدور و از کرباس جامه کتان کوتاه کتابت کند در اول ماه و در گرد آن آیه نویسد که باسم فلان بن فلان نوشته شد از خانه بیرون
آرند و در مکانی ظاهر که هیچ دیده بران نیفتد بر زمین نهند و میخی از حدید بر وسط آن رقعه مدور فرو کوبد و روی او را جانب پای ک بپوشند آن بنده
گریخته و دزد بی اختیار باز آید و در آن کتاب آورده که هر که آیه ولکل وجهة هو مولیها الی قوله تعالی قدیر از سوره البقره بر رقعه مدور که
از کرباس جامه نو گرفته باشند اسم گریخته یا دزد را بر آن رقم زنند و در آن موضع که دزد یا بنده از آنجا فرار نموده آن رقعه را میخ آهنی بر میخ زده
روی او را بپوشند عنقریب آن گریخته متحیر و سرگردان بی اختیار بر گردد و بزودی باز آید و در کتاب تیسیر الایات آورده که مردی نزد ابن
عباس آمد که غلام من گریخته چه چاره کنم فرمود که بر تلاوت این آیه او کظلمات فی بحر لجی را الی قوله تعالی من نور از سوره نور مواظبت نماید
و بعضی این رقعه را بر رقعه مدور بصورت دایره کتابت کنند و نام آبق و سارق را در وسط آن رقعه نویسند و بطریق عمل سابق مضبوط کنند
همین کار کند **فصل ۱۱** در حیرت و سرگشتگی آبق و سارق و رجوع او بی اختیار در کتاب تحفة التنظیم آورده که هر که آیه قل اندعوا
من دون الله را الی قوله تعالی العالمین از سوره انعام بر رقعه از پوست شکار آهو خورده بنویسد بعد از آنکه به پرگار دایره بر آن پوست
رسم کرده باشد و باید که آن آیه را در وسط دایره نوشته شود و در بعضی نسخها آورده که آیه مذکوره را بر پوست کدوی خشک نویسد پس از آن در

بیرون آید چنانکه هیچ آدمی از جسم بران نخیزد و بر خارج دایره نام کرکجینه و مادر زن را بنویسد و در موضعی که قدم مردم الجایز شده دفن کند
آن کرکجینه متحیر کردد و سرکردان شده بی اختیار و بیطاقت مراجعت نماید **باب چهارم** در دفع امراض دماغی و امراض بدنی و حفظ حوامل
و تسهیل ولادت و تعویذ اطفال مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۱** در تقویت حافظه و دفع نسیان و وسوسه **فصل ۲** در دفع صداع
و تسکین اوجاع **فصل ۳** در دفع امراض عینی و ازاله رمد و وجع آن **فصل ۴** در دفع امراض و اوجاع دست و پا و سایر اعضا
فصل ۵ در دفع وجع معده و جگر و دل و سپرز و خفقان و سایر امراض درونی **فصل ۶** در دفع حمیات و تخفیف اثقال
فصل ۷ در دفع قروح و دمامل و لقوه و قولنج و بواسیر و ترشح الدم **فصل ۸** در بار گرفتن زنان عقیم **فصل ۹**
در حمل نسوان و حفظ جنین در بطن ایشان **فصل ۱۰** در تسهیل ولادت و ازاله عسره **فصل ۱۱** در حفظ حامله و مولود و دفع
بکا و فزع وی و کثرت شیر مرضعه **فصل ۱۲** در تعویذ اطفال از مرض ام الصبیان و شیاطین و جن و انس **فصل ۱** در تقویت و دفع
نسیان و وسوسه صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که آیه هو الذی انزل علیک الکتاب الی قوله تعالی المیعاد از سوره آل عمران در ساعت ششم
از روز جمعه بر صحیفه کاشی نویسد بگلاب و زعفران و آب عذب که از نهر جاری گرفته باشند نوشته را بمحو سازند و بر ناشتا هنگام صباح جمعه بیاشامد پیش
از طلوع آفتاب بیاشامد مدت دراز هر روز چیزی نخورد و بیاشامد که در آن شبهه بود و از خوردن حیوانات اجتناب نماید [illegible] شرایط و اعمال سایر
آداب که در مقاله اولی گذشته بجای آورد [illegible] حسبنا الله تعالی قوه حافظه وی را بیفزاید و حدت فهم و جودت [illegible] هر روز زیاده کردد و از
سلمان فارسی رضی روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرمود که آیه الکرسی را هفتاد بار بزعفران بر کف دست چپ بنویسد و هر بار را بزبان بلیسد
هرگز هیچ چیز را فراموش نکند و ملائکه برای او استغفار کنند و هم در الکتاب آمده که هر که آیه و اما ینزغنک من الشیطان الی قوله تعالی مبصرون
از سوره اعراف روز جمعه وقت طلوع آفتاب بزعفران و گلاب کتابت کند بر هفت ورقه هر روز یک ورق بلع کند و دست فرو برد
و بر بالای هر ورقه که فرو می برد یک شربت آب [illegible] و بعد از اتمام ان شاء الله حسبنا الله تعالی وسوسه فزع و حدیث النفس و خیالات فاسده مداهنه
را از دماغ وی بیرون برد و هر چه عیبی که از مرد داشته باشد تمام از وی زایل کردد باذن الله تعالی **فصل ۲** در دفع تسکین اوجاع
صاحب جواهر التنظیم آورده که صاحب کتاب الشفاء الصدور و الابدان فی سر منافع القرآن در علاج صداع و تسکین اوجاع او چنین گفته است
که هر که آیه الم تر کیف مد الظل الی قوله ثم دلیلا از سوره فرقان و آیه و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم از سوره انعام بر رقعه
کتابت کند و در ذیل آن رقعه بنویسد که ایها الملک صایلیل و انت یا صرفیائیل عزیمة الله علی النصر و الشفقه و الحیره اج ح خ ط ل م ن ع
س ص و ی اسکنوا بهم من ذکرت علیه هذه الاسماء بحق هذه الاسماء الثلث فی الله المعافی الله الکافی فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس آن نوشته را بر پیشانی ببندد و هفت بار آیه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره حشر بر وی خواند درد سر
و تیر کردن تسکین گیرد و ان شاء الله بصحت رسیده و تجربه پیوسته و هم وی گوید که خاتمه حشر را از آیه لو انزلنا تا آخر مسلسل مسکی هم مرتب [illegible] اوجاع است

کند و اعضاها دفع شوند و چون این آیه بر وضو کامل و طهارت لباس بر عضو دردناک خواند شفا یابد **فصل ۳** در دفع امراض عین و ازاله
رمد و وجع آن صاحب جواهر العظیم آورده که بگیرد از سرمهٔ اصفهانی دو جزو و از صبر و مرجان و زعفران و مامیران و زبد البحر و سعد نیز نصف
اجزا بیاورند و آب باران اول خریف و اگر نباشد آب شیرین صاف از جوی بزرگ یا چشمه زلال شیرین روز پنجشنبه اول ماه کانون الاول پیش از طلوع
آفتاب و در بعضی نسخها آب کانون ثانی پس هر یک از ادویه مذکوره را علیحده صلایه کنند و در هم آمیزد و بار دیگر در صلایه کنند با آب باران
که سرد شده باشد و در بعضی نسخها با آب هر گونه درختی که همیشه سبز می باشند مثل لیمو و نارنج و این اولیست مگر آنکه تا خشک شود باز صلایه کنند با آب
باران کانون اول یا ثانی و باز خشک سازند پس این آیه قالوا ان الله تعالی نزل الله الی قوله تعالی اجمعین از سوره یوسف بر جام زجاج به زعفران
بنویسد و نوشته را با آب باران ثانی محو سازند و ان ادویه مسحوقه را بالتمام با این آب مذکوره صلایه کنند و خشک سازند و بعد از خشک شدن صلایه
کنند تا قابل اکتحال شود برای مد و سبل و دمعه و بیاض و جمیع امراض ~~محوقه را بالتمام با این آب مذکوره صلایه کنند و خشک سازند و بعد از~~
~~خشک شدن صلایه کنند تا قابل اکتحال شود~~ برای رمد و سبل عین موافق بود و اکتحال آن موجب شفا شدن از این امراض هم وی در خوبیع که هر که
این آیه قل من ینجیکم الی قوله تعالی تشرکون از سوره یونس با آب کند تا کتابت کند بر پیاله نقره و با آب عسل از موم جدا کرده محو سازند پس معلول را
برافشانند تا جوشش برآرد و بر سوراخ گوش قطور ریزند وجع او زایل شود باذن الله تعالی **فصل ۴** در دفع امراض و اوجاع دست و پا
و سایر اعضا صاحب جواهر العظیم آورده که هر که آیه و ما لنا الا نتوکل را الی قوله تعالی المتوکلون از سوره ابراهیم کتابت کند بر ابطیس و از بهر
دو بازو را ویرد حضرت سبحانه و تعالی درد دستها روی زایل کند و اگر آیه اذا مس الانسان الی قوله تعالی یعملون از سوره یونس بر ظرف پاک
سفالین نویسد پس بیا بر روانرا برابر از روغن زیت کند و اگر نیابد روغن کنجد با آن روغن آن نوشته را محو کند و بر آتش نرم جوشش دهند
پس آن روغن پاهای دردمند را چرب کنند شفا یابد و هر عضو دردمند که بمالند الم آن عضو زایل گردد و اگر درد پهلو عارض شود باید
بمالیدن این روغن فایده تمام دهد و اگر آیه و ان یمسسک الله بضر الی قوله تعالی الخبیر از سوره انعام بر کاغذ بنویسد وقت صبح و از مریض بیاویزد
که درد پهلو و درد دست او را نافع و نفع بلیغ دهد و اگر غم و هم داشته زایل گردد **فصل ۵** در دفع وجع معده و جگر و دل و سپرز و خفقان
و سایر امراض درونی و در کتاب تیسیر الایات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و از درد شکم بنالید و شکایت کرد فرمود که آیه الکرسی را بهلاب
و زعفران بنویس و نوشته را با آب شیرین محو کن و بخور او فرد عمل کرد و از درد شکم خلاص یافت و در کتاب جواهر العظیم آورده که هر که آیه قل انی هدانی
ربی تا آخر سوره انعام بر کاسه چینی بنویسد به قلم از چوب که نتراشیده باشد و نوشته را با آب شیرین محو سازند و بیاشامد از همه دردهای درونی مثل معده
جگر و غیره خلاص شود و هم در کتاب ابن عمر آورده که هر که آیه افغیر دین الله را تا آخر از سوره آل عمران بر سفال آب نارسیده نو بنویسد و آن را در
میان آب افکند تا از جای آب شیرین بر دارند و آفتاب بر او ننماید پس از آن آب معلول بیاشامد خفقان و ترس و فزع از وی زایل گردد
در حکایت تخفیف النعایح در کتاب جواهر العظیم آورده که ابو حاتم رازی گوید که عبدالله الیمانی حکیم بن نافع الصنعانی شیخ تجار ری را دیدم

مراتب کرفته در ان اثنا ابو الیمان بیرون آمد و مرا دید الحال بپرسید که این مرد چه کس است و چه حال دارد نام من برد نزد و گفتند تب کرده است بر سر بالین من آمد و گفت چه قصد دارد کنیم با ابا الیمان تب کرده ام گفت مکر خبر ندارد از طلسم تب گفتم نمیدانم پس بر ورقه نوشت این صورت را

در زیر سر من نهاد چون بوی بر خواستی برفت فی الحال تب از من زایل شد پس حرزی از نوشته را بر داشتم و این صورت را بر روی حرقوم دیدم بعد از ساعتی ابو الیمان نزد من آمد و گفت چه حال دارد کفتم در کمال عافیتم و صحت پس حرز گفتا این نوشته را نگاه دار و مردمان را بیاموز که نافع خواهد بود

و الصورة هذه و هم در ان کتاب آورده که هر که آیه الان خفف الله عنکم الی قوله تعالی مع الصابرین از سوره انفال در عقب هر نماز مدت هفت روز تلاوت کند و افتتاح از روز جمعه کند تا بوقت نماز جمعه دیگر در وقت فراغت از اشتغال نیز بر آن قرائت مداومت نماید حق سبحانه و تعالی

ازاله تب او کند و از هر چه کرانی است سبکبار کرداند از حجة الاسلام ابو حامد الغزالی نقل کرده که حسن بصری برای کسی تب تهار رقعه مینوشت و انواع محموم را بستند تب وی زایل بشد پس وی چون وفات یافت در ان رقعه نوشته دیدند که بسم الله الرحمن الرحیم یرید الله ان یخفف عنکم و یعلم

ان فیکم ضعفا ربنا اکشف عنا العذاب انا مومنون و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردک بخیر فلا راد لفضله مفتاح ۶

در دفع قروح و دمامیل و قوبا و قولنج و بواسیر و ترف الدم صاحب حرز السطیم آورده که هر که آیه و یسئلونک عن الجبال الی قوله تعالی امتا از سوره طه کتابت کند بر انای پاک بمداد فارسی و نوشته را بروغن بنفشه محو کند و بر عضوی مالد که دمل و جراحت داشته باشد زایل کردد و هر چه بر ظاهر بدن عارض شود از جراحات دبرات بالیدن این روغن موجب ازاله آن کردد و هم وی فرموده که هر که آیه فابها اعصار فیه نار فاحترقت را از سوره البقره بر ترنج یا که بتازی هرنون و کرنون کویند و کتابت کند دفع شود و هم وی فرموده که هر صاحب لقوه بقرایه قد نری تقلب وجهک فی السماء الی قوله تعالی یعملون از سوره البقره بر طشت سفید روی که اندرا بتازه که چون آینه جلا داده باشند کتابت کند بمشک و زعفران و گلاب و نوشته را با آب باک محو سازند و روی خود را بآن آب بشوید و بعد از سه ساعت در آن طشت جلا داده نظر کند بر وجهی که چشم بر روی عکس افتد و این عمل سه روز پیاپی بجا آورد از مرض بالتمام زایل شود و اگر از آن آب صاحب قولنج بیاشامد و بد نیز بآن بشوید شفا فرماید و هم وی فرموده که هر که آیه و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت الی العلیم از سوره البقره کتابت کند بر سنگ بلور بزعفران و گلاب و نوشته را با آب انگور سیاه که بتازه کرفته باشند و متغیر نشده باشد محو سازند و آنکه از ذکر باو کافور و شکر با آن آب آمیزد و بیاشامد بواسیر را بغایت نافع بود و دفع طرف الدم کند که از مرض بواسیر عارض شده باشد مفتاح ۷ در بار کرفتن زنان عقیم صاحب حرز السطیم آورده که هر که خواهد که زوجه وی فرزند آرد باید که زوج و زوجه هر دو روز جمعه روزه دارند و چون نماز شام بگذارند هر دو و شکر و بادام و نان افطار کنند و اصلا بیاشامند و آیه انی خفت الموالی الی قوله تعالی رضیا از سوره مریم بر جام زجاجی بعسل که صاف نموده و آتش ندیده باشد و نوشته را با آب شیرین محو سازند و بگیرند از نخود سفید بالیده و دویست و پنجاه و چهار عدد بر هر عدد از نخود یکبار این آیه را بخوانند و نفث کنند پس آب محول را در دیگ کرده نخودها را در آن آب اندازند و بیار بجوشانند پس هر دو بر حسیر ندو نماز خفتن بگذارند و بعد از آن سوره مریم را تا آخر بتمام تلاوت کنند پس آن نخود را صاف سازند و قدری آب انکور تازه

چون داده بان اضافه نمایند و نصفی از آن آب برد بیاشامد و نصفی زن و ساعتی خواب کنند و بعد از آن مباشرت کنند البته حامله شود و این عمل سه شب
بیاپی واقع شود انشاء الله بعد در حصول ولد

مفتح ٨ در حمل نسوان و حفظ جنین در بطن ایشان صاحب بحر السطیم آورده که هر که آیه
ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طین الی قوله تعالی احسن الخالقین از سوره المومنون بر هفت برگ ریحان زرد بنویسد پس بعد از حیض زوجه که
یک یک از آن برگها را ابتلاع نماید و در شب مجامعت بجا آورد بشرطی که کسی راه بآن نیابد و بر بالای هر برگ که فرو برد یکجرعه شیر گاو زرد بیاشامد و سه روز
این عمل کند بعد از مباشرت البته حامله شود و آن جنین در بطن او محفوظ ماند تا وقتیکه بسلامت بار نهد و هم وی فرموده که هر که خواهد که جنین در بطن
او محفوظ ماند تا زمان زادن باید که آیه والتی احصنت فرجها را الی قوله تعالی از سوره انبیا بنویسد بر بطن چون زن حامله شود بروی بندد
تا مدت چهل روز بعد از آن نوشته را از وی جدا کنند و چون یکماه از وقت حمل باقی ماند باز آن مکتوب بروی بندد تا وقتیکه فرزند متولد شود
بعد از آن نوشته را از گردن مولود بیاویزد تا محفوظ باشد

مفتح ٩ در تسهیل الولادت و ازاله عسرت زادن صاحب کتاب بحر السطیم آورده
که هر که آیه قل من یرزقکم من السماء والارض را الی قوله تعالی فانی تصرفون از سوره یونس کتابت کنند و بپوشند که وی تربت بسیار و برابر روی راست زن حامله
بندد وقتیکه آثار حمل ظاهر شود زود بار نهد و بسهولت خلاص گردد و هم صاحب وی فرموده که چون زن دشوار زاید باید که آیه اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض الی قوله تعالی افلا یومنون از سوره انبیا بنویسد و از عقب آن کتابت کنند که مریم ولدت عیسی سیجعل الله بعد عسر یسرا
اللهم سعت الارض بالنبات والسماء بالمطر فکذلک للتیسیر فلانه بنت فلانه الوضع فلینظر الانسان الی طعامه انا صببنا الماء صبا و شققنا الارض
شقا و آن نوشته بروی بندد بسهولت بسرعت بار نهد و هم وی فرموده که بعضی از فضلا امر کرده اند که آیه اولم یر الذین که پیش از این در محل وضع
حمل نسا مکرر باید خواند و بر شکم النسا هر بار نفث باید کرد یا بر زیر ناف یا بر ظهر النسا و این مجرب و بصحت رسیده

مفتح ١٠ در حفظ حامله و مولود و قلت بکا و صوت و فزع وی و کثرت شیر مرضعه در کتاب بحر السطیم آورده که هر که آیه اذ قالت امرأة عمران الی قوله تعالی بغیر حساب
از سوره آل عمران کتابت کنند بر ورق آهو بره بگلاب و زعفران و بر کمر زن حامله بندد تا زمان ولادت از جمیع آفات و امراض که حاملات را پیش
و از سقوط جنین ایمن باشد و اگر بمشک و زعفران کتابت کنند و در ماء سوره اینها کرده از گردن مولود بیاویزد حرز عظیم بود و برا از گریه کردن
و بیخوابی و ترسیدن در خواب و بیداری باز دارند که شیر بگلو رسیر شود و اگر شیر مرضعه اندک بود بسیار گردد و طفل از خوردن آن شیر نشو و نمای تمام یابد
و هم وی فرموده که آیه الذی احسن کل شیء خلقه را الی قوله تعالی تشکرون از سوره الم سجده بر جام زجاج بنویسد و با آب باران محو کند و آن آب را سه قسم
سازند و یک قسم طعام را بدان که بخورد و دو قسم دیگر هر وقت [illegible] بهر صباح و این عمل هفت روز متصل بجا آورد و بعد از آنکه مدت چهل
روز از ولادت گذشته باشد و چون این عمل بجا آورد هم در نطق و نطق وی نیکو و تمام باشد و زود نشو و نما کند

مفتح ١١ در تعویذ اطفال از مرض ام الصبیان و شیاطین جن و انس در کتاب بحر السطیم آورده که هر که آیه و اذا قرأت القرآن الی قوله تعالی یتوکلون از سوره
النحل و آیه و اذا قرأت القرآن را از سوره بنی اسرائیل بر خرقه صوف کبود بنویسد یا بر کاغذ که بدان رنگ باشد و بر بازوی راست طفل بندد یا بر عنق وی طفل

از مرض ام الصبیان و تردادن رمضان و امان هر روز همه آفت ‌ها بسیار کامل آن نرسد و نترسد **باب پنجاه** در نیل مکاشفات و علوم و اعمال غریبه

و امور عجیبه از اطلاع بر مخفیات و تسخیر جن مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۱** در مدد ارواح علویات **فصل ۲** در تحصیل امور

غریبه و حکم مجهوله **فصل سیم** در تحصیل علم اکسیر و سایر علوم عجیبه **فصل ۴** در اطلاع بر کنوز و خزاین و اخراج خبایا و دفاین

فصل پنجم در اخراج لآلی از دریا و صید در آب‌ها **فصل ۶** در اطلاع بر امور مخفیات و احوال خفیه **فصل ۷**

در وقوف یافتن بر مخفیات **فصل ۸** در احضار ارواح جن **فصل ۹** هم در تسخیر مرده جن و عصاة ایشان و بعضی حیوان

فصل ۱۰ در احضار اقربا و روسا ایشان **فصل ۱۱** در تسخیر ایشان **فصل ۱۲** در احضار ملوک جن و سلاطین

ایشان **فصل ۱** در نیل مکاشفات بمدد ارواح علویات صاحب جلی السطیم آورده که هر که خواهد که مکشوف شود بروی اکثر خلق

پوشیده است جن و انس فرمان بردار وی شوند باید که اول طهارت کامل بجای آورد و اول روز که ماه بر که غره روز پنجشنبه بود روزه گیرد و افطار بنان

و نمک روزی کند و شب بطهارت و ذکر بخواب رود بعد از نیم شب برخیزد و طهارت سازد بعد از نماز تهجد متوجه قبله بنشیند و آیه و اذ قال ربک للملائکه انی

جاعل را الی قوله انت الحکیم از سوره البقره تلاوت کند چند بار بعد از آن بگوید که ایها الارواح الطاهرة الواصلة المتقدس الموکلون بهذه الایات

المطیعون بسرها المودع فیها اجیبوا الدعوات و افیضوا انوار اعلی حتی انطق بما خفی و اخبر بالکاینات صادقا و املوا الی وجوه بنی آدم و بنات حوا

و اسیلوا هیبتی فی قلوبهم رعبا و رهبا بعد از آن آیات مذکوره را بر جام زجاجی بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و نوشته را با آب بکر محو کند و کلمات

دعوات را چهل بار و اسمعیل بر شربا ... بجای آورد و عبیر بخور کند بار عایت و شرایط کلام یا معقود و بروجه دلخواه میسر گردد **فصل ۲**

در تحصیل علوم غریبه و حکم مجهوله صاحب جلی السطیم آورده که هر که علوم غریبه و حکمهای مجهوله بروی ظاهر شود و دل بثبوت حق و تعیین فهم و معانی

خفیه متصف گردد باید که سه روز روزه دارد که آن پنجشنبه بود و غره ماه بود و لقد وصلنا لهم القول تا الجاهلین از سوره قصص بر جام زجاجی

نویسد و با آب باران که جاری محو کند و هر صباح پیش از طلوع آفتاب از آن بیاشامد تا بمراد خود فایز گردد **فصل سیم** در تحصیل علوم اکسیر و سایر علوم عجیبه صاحب

جلی السطیم آورده که هر که اراده کند که واصل شود بعلم کیمیا یا بعلومی که بر اکثر خلق پوشیده است باید که طهارت کامل سازد و لباس پاک در پوشد و چهل

روز پیوسته روزه گیرد و ابتدا از روز جمعه کند و هر شب حلقه از وجه حلال روزه گشاید و چون وقت خواب آید هفت بار سوره والشمس و هفت بار

والضحی و هفت بار الم نشرح و هفت بار قل اللهم مالک الملک را تا قوله بغیر حساب بخواند و در بعضی نسخها مذکور است که بعد از والشمس هفت بار سوره واللیل

بخواند و بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک بقدرتک علی کل شیء و تسخیرک لکل شیء یا احد یا صمد یا فرد یا وتر یا حی یا قیوم ان تصلی علی محمد و آل محمد

و ان تیسر لی العلم الذی سترته علی کثیر من خلقک ذکوا کثیرا من عبادک و یغنینی به عن سوال غیرک انک انت الملک بیدک مقالید السموات و الارض

و انت علی کل شیء قدیر چون اسمعیل بجای آورد حق سبحانه و تعالی شخص را مسخر وی گرداند در رسیدن در خواب الخ بنماید و مطلب وی بر آن راه نماید

فصل ۴ در اطلاع بر کنوز و خزاین و اخراج خبایا صاحب جلی السطیم آورده که هر که خواهد که بر خزینه و دفینه وقوف یابد باید که آیه قل اللهم

مالک الملک را بغیر حساب کتابت کند بر اناء پاکیزه که از زر خالص بود بمشک و گلاب پس انرا باب هلیله زرد و یاس و آب باران سبز تازه و آب عذب زلال
محو کنند و بعد از ان بگیرد زهره مرغ سیاه و زهره بط سیاه و پنج مثقال سرمه اصفهانی و سرمه را با آب محو بلیغ نماید تا وقتی که کحل شود بغایت نرم وان
وان محو و صلایه در شب کند تا افتاب اصلا برو نیفتد پس ان کحل چون مهیا شود در ابگینه سبز کنند و بعضی گویند در سرمه دان ابنوس کنند و
میل ان ابنوس نیز پس در روز پنجشنبه روزه دارد و چون شب جمعه به نیمه رسد بر خیزد و بعد از انکه نماز تهجد که گذارد هفتاد بار صلوات فرستند
و ایات مذکوره را هفتاد بار قرائت کند بعد از ان هفتاد بار استغفار کنند و هفتاد بار صلوات فرستند پس در هر چشم از ان سرمه معمول
میل بکشد و ابتدا از چشم راست کنند و در روز پنجشنبه عمل بجای آورد و روزه دارد و در شبهای جمعه انچه مذکور شد بتقدیم رساند بعد از اتمام
عمل بروی اشخاص روحانی ظاهر شوند و در شب بوی خطاب کنند و انچه مقصود اوست اعلام نمایند و هم وی فرموده که هر که خروس ابیض افرق یعنی
سفید خال دار و ایه تنزیل من رب العالمین را الی قوله تعالی مبین از سوره شعرا وقتی که قمر زاید النور باشد کتابت کند بسر الطشت و بر بخور لایق اشته
بر بجد بعده در میان خرقه پاک نهد که از جامه دختر نابالغ گرفته باشد پس ان طومار را ببوزند در ان خرقه دو نهد و بر بال ان خروس سفید ببندد
و در ان مکانی که گمان دفینه دارد سر دهد در وقت زوال روز یکشنبه ان خروس را موضعی که دفینه باشد رود و منقار و چنگال ان زمین را بکند و بگرد
و بسیار عطری اگر سحر کرده باشند و در زمین دفن کرده باشد اثرش ساخت و هم فرموده که از بعض فضلا شنیدم که از برای اخراج دفاین این آیه
را بنویسد که فاخرجناهم من جنات و عیون و کنوز و مقام کریم هم از سوره شعرا و هم وی فرموده که ایه و اذ قتلتم نفسا تا یعقلون از سوره البقره
کتابت کند بسر الطشت و در گردن خروس سفید ببندد و ببرد و انجا که گمان دفینه داشته سر دهد الخروس موضع دفینه را بجوید اگر باذن الله تعالی و علامت
صحت این عمل انست که در روز سیم خروس بمیرد و در خواص ابن غنیم آورده که هر کاین ایه ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها الی قوله نعم بصیرا از
سوره نساء در قدح زجاج بنویسد و باب باران بشوید و در ان موضع که گمان دفینه دارد رش کند حق سبحانه و تعالی بوجهی از وجوه وی را بران
دفینه اطلاع دهد و انرا ظاهر گرداند مطلب ۴ در اخراج لالی از دریا و صید دریا بحری صاحب جوهر النظیم اورده که هر که از صدف پاک
سفید روشن لوح سازد و بنشورد روی انرا جلاده و بر یک روی ان بقلم فولاد ایه و سخر لکم را الی قوله تعالی تشکرون از سوره نحل نقش کند و بر روی
دیگر صورت ماهی بکشد و بر اطراف و جوانب ان صورت پنج حیوان دریایی نقش کند و این عمل در دوازدهم تشرین ثانی بجای اورد و اگر در انوقت قمر
در سرطان یا حوت باشد بغایت مناسب است پس در شب ان لوح را بر بالای بلند برد و سر پایه از چوب انار زیر ان نصب کرده و ان لوح را در ان شب
متصل بکار آرد بعد از اتمام عمل ان لوح را در حقه محفوظ که از استخوان ماهی ساخته باشند مضبوط کند و چون خواهد که بعمل مشغول گردد
ان لوح را در شبکه ابریشم بسته یا شبکه صیادان بپوشد و انچه بخواهد که از دریا برارد از جنس در و مروارید و مرجان یا ماهی و سایر صیدهای
بحر وقتی که صیدهای بحر روز در گرفته شبکه بدریا فرو میکنند تا مالخیر ببرد بر جه مقصود و مطلوب وی بود بدان لوح چسپیده بیرون و با شبکه
از دریا برارد و اکثر غواصان این عمل میکنند که صدف مهیا شد احتیاج بغواص نخواهد بود بلکه صدفها را بگو هر بر ان لوح چسپیده بیرون

بیرون خواهد آمد باذن الله تعالی و این عمل از اعمال عجیبه و غریبه است و صاحب جوال السطیم فرموده که این اسرار عظیم است که اخفای آن از غیر اهل فی

آن بر جمال مذموم و از وصیت اکابر است که این عمل و سر مخفی را بلیغ نمایند و این راز بزرگ را بهیچ نا اهلی اظهار نفرمایند **مقصد ۵**

در اطلاع بر امور خفیه در خواص ابن تمیم آورده که چون کسی خواهد که مطلع شود بر مخفیات و احوال پوشیده خلق مثل خبر یافتن مقیم از حال مسافر

از غیاب و اطفال و دانستن حال مریض که عاقبت وی صحت است یا مرض الموت و وقوف یافتن آنکه در شکم حامله پسر است یا دختر و مطلع شدن بر دفینه

و آنچه بدین ماند باید که آیه یا بنی انها ان تک الی قوله تعالی خبیر از سوره لقمن بشرایطش در زیر سر بالین نهد اول شب جمعه ماه شعبان بعد از نماز خفتن و در حین

عمل و در وقت خواب کردن باید که متصل بگوید سبحان من لا یخفی علیه خافیه سبحان الذی ظهرت قدرته سبحان الذی بیده مقالید القلوب بیده والافواه بامره

چون بخواب رود کسی وی را در خواب از آنچه مقصود اوست اخبار کند **مقصد ۶** در وقوف یافتن بر مخفیات صاحب جوال السطیم آورده که هر که

خواهد اطلاع یابد بر آنچه در شکم حامله است از پسر و دختر و دفینه که در زمین پنهان است یا حال غایبی که بسفر رفته یا مریضی که بیماری وی صعبت و امثال اینها

باید که اظهار تکامل کند و جامه مطهر و معطر پوشیده روز دو شنبه روزه دارد و شب چون بفراش رود باید که با وضو خواب کند و چون صباح سه

شنبه شود پیش از طلوع آفتاب الله یعلم ما تحمل کل انثی را تا متعال از سوره رعد بر خرقه سبز بزعفران و گلاب کتابت کند پس الخرقه را بر بخور عود و عنبر

دارد پس در حقه نهد و سر آنرا بپوشد بوجهی که هیچکس را چشم بروی نیفتد و آفتاب و ماه بر وی نتابد و چون شب چهارشنبه شود بعد از ادای نماز خفتن بخواب

رود و آن حقه را در زیر بالین نهد و بگوید یا عالم الخفیات فی الامور یا من هو علی کل شیء قدیر اطلعنی علی کل ما ارید انک علی کل شیء قدیر پس

بذکر حسبی الله و نعم تعالی مشغول گردد تا وقتی که در اثنای ذکر بخواب رود و کسی را در خواب بیند که وی را اخبار کند از آنچه مقصود اوست پس اگر در شب

اول نه شود باید که روز پنجشنبه روزه بگیرد و شب جمعه این عمل را باز اورد لا الی له بخبر بیاید و وی را بر آنچه مراد اوست آگاه گرداند **مقصد ۷**

در احضار ارواح جن ابن تمیم در خواص آورده که هر که خواهد بعضی جنیان را بزور پیش خود حاضر گرداند و بر ایشان امر و نهی کند و ایشان مامور و

مطیع او شوند باید که آیه و اذ صرفنا الیک نفرا من الجن تا مبین از سوره احقاف چند بار تلاوت کند بشرایطی که معین کند و بخور اللاق بکار برد

و در اسرع اوقات بعضی از ارواح جن حاضر شوند و بهر چه امر نماید قیام نمایند و هم او گوید که آیه مذکوره را از برای سرعت اجابت جن و احضار ایشان

مقرر است و بعد از عزایم این سوره را بسیار خواندن مدد عظیم است در احضار جن **مقصد ۸** هم در تسخیر بعضی جنیان ابن تمیم در خواص

خود آورده که چون کسی خواهد حاضر گرداند بعضی از ایشان را بر قبایل جن باید که چند بار آیه و اذ صرفنا الیک را که در فصل سابق گذشت

با شرایطی که در تسخیر جن مقرر کرده بخواند آنگاه سوگند دهد بر آن دیو یا بجماعت که انت یا فلان بن فلان فلا اقسم علیک با قسام الخلق

ختم دهد والله اعظم منک و اکبر یا یا ته تذل حتی تهزاحضر و الا انت بما یلقاه الجرم و بعد از آن بگوید که فنفخ فی الصور تا محضرون از سوره یس

و چون این عمل بشرایط و جه گیرد در اسرع اوقات یکی از جنیان حاضر شود بطریق بیمار مستدرج پیش و با مر و نهی عامل قیام نماید **مقصد ۹**

در احضار اقویای جن و روسای ایشان صاحب جوال السطیم اورده که چون یکی از اعاظم جن تمرد نماید و سرکشی آغاز کند و خواهد که فرمان برد

و بخط السحر در آيه بايد که برو بر سوگند دهد بهمان عنوان که در فصل سابق گذشت و قال يا ايها الملؤا انى القى الى كتاب كريم انه من سليمان از سوره نمل
بسيار تلاوت کنند بشرايط و بخور لايق بسوزد تا از راه سرعت و تعجيل پيش تو حاضر شود و اطاعت کند باذنه **فصل ۱۰** در تسخير مرده جن و
عصاة ايشان ابن عمر آورده که چون کسی خواهد که يکی از متمردان و سرکشان طبقه جن را مقهور و مسخر خود گرداند تا و برا در امور شاقه ممد و معاون
بود بايد که از منزل خود بيرون آيد در دل شب جای خالی پيدا کند و آيه و بل لكل افاك اثيم را تا عظيم از هم جا يتيه چند بار تلاوت کند با شرايطی
و در اثنا بخور لايق بکار برد بعد از آن و برای ايشان ساخته سوگند دهد بهمان صفت که در فصل نهم گذشت بعد از اتمام عمل يکی از مرده شياطين
و عصاة ايشان ظاهر شود و تواضع بسيار کند و مطيع و منقاد شود امر و نهی را **فصل ۱۱** در احضار ملوک جن و سلاطين ايشان زم الكتاب جو
السطيم و خواص القرآن آورده که هر که خواهد که اعاظم و ملوک و سلاطين جن را حاضر گرداند بايد که اول بخور کند بجمع لبان و سندروس
و کندر و بعض ادويه ديگر که در تسخير جنيان مقرر است و آيه اول از سوره والصافات تا تهيا بتاقب چندين بار تلاوت کند بشرايط مذکوره
بعد از آن بگويد که احضرنا فلان و نام الملک ببرد و اسماء ملوک جن و رؤسای ايشان در کتب اهل تسخير مثل شامل سماکی و شامل طبسی و غزالی
مذکور است بعد از اتمام عمل يکی از ملوک جن حاضر شود و بمقام اطاعت در آيد **مقاله الخمس** در خواص سور قرآنی مشتمل بر پنج باب **باب ۱**
در تحصيل جاه و دولت و تيسير هر حاجت و قبول نزد سلاطين و خلاص از غضب و حبس حکام و سلامت از جميع آفات و تسخير نفوس جن و انس
و ساير حيوانات مشتمل بر دوازده فصل **فصل ۲** در حصول دولت و سعادت و عزت نزد خلايق **فصل ۳** در تيسير حاجات و دوام عزت
و اقبال **فصل ۴** در قبول و مهابت و قضاء حوائج نزد سلاطين **فصل ۵** در حصول هيبت و مهابت در نظر جميع خلايق
و ظهور مودت و محبت در قلوب ايشان **فصل ۶** در اطفاء نائره غضب سلاطين و حکام **فصل ۷** در امان از شر پادشاه جابر
و حاکم ظالم **فصل ۸** در خلاص محبوس و رهائی از قيد ظلمه **فصل ۹** در امان اوقات دين و دنيا و سلامت از حوادث ليل و نهار
فصل ۱۰ در دفع آفات از خانه و دکان و ابدان از تهمت و بهتان **فصل ۱۱** در القاء محبت و قبول قلوب و تسخير دام ميان صيد جرغان
و ماهيان **فصل ۱۲** در حصول دولت و سعادت و عزت نزد خلايق صاحب جواهر السطيم آورده که هر که وقت نماز جمعه سوره قدر را
کتابت کند و در زير عمامه بر طاقيه خود نهد نزد مردمان عزت و جاه و رتبه يابد و امور کليه برو آسان و دولت و سعادت روی بوی آورد و هم
در مجمع که هر که خواهد که در ميان قوم ترويج تمام حاصل کند بايد که سوره طه را کتابت کند و آنرا در حرز بقيه ببندد با خود نگاه دارد تا بمقصود فايز
گردد و در خواص ابن عمر آورده که هر که سوره والشمس را بر رقعه حرير پاک بنويسد بمشک و زعفران و گلاب در ساعت سعد ليس بخور کند بعود و عنبر و
نوشته را بر بخور داشته در هم پيچد و در زير نگين عقيق نهد و بانگشتر کند در نظر مردم عزيز گردد و جاه و حرمت بيفزايد و قبول تمام
در نظر خاص و عام پيدا کند و اگر اعمال ثلثه سه فصل جمع کند اثرش قوی بود و اگر با وجود عمل سوره ثلثه هر روز بعد از ادا فريضه بامداد بتلاوت شش
قيام نمايد فايده آن اتم و اکمل بود **فصل ۲** در تيسير حاجات و دوام عزت و اقبال صاحب جواهر السطيم آورده که هر که طهارت کامل سازد و چهار رکعت

نماز بگذارد به نیت حصول حاجات و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره حشر بخواند حق سبحانه و تعالی هر مراد و حاجت که دارد بسهولت میسر گرداند
وهم وی فرموده که هر که بر قرائت سوره نوح مداومت نماید به هر مقصودی که داشته باشد زود برسد و حاصل شود بدانکه اکثر علما بر آنند که اسم
اعظم در قرآن مجموع آن حروف اسم سوال است که در سوره انعام در آیه اذا جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم
حیث یجعل رسالته و بعضی از اکابر دین و ارباب کشف و تحقیق که هر که به نیت حصول حاجت و وصول بمقصد سوره انعام را تلاوت کند
تا بدین کلام وجه ... آیه شریف رسد و کلمه رسل الله را گوید پیش از آنکه الله اعلم در میان این دو اسم بزرگوار که اسم اعظم کنایه از آنست
ایستد دعا بخواند که اللهم من ذا الذی استعانک فلم تعنه و من ذا الذی استغاثک فلم تغثه و من ذا الذی دعاک فلم تجبه و من ذا الذی سألک
فلم تعطه و من ذا الذی استجارک فلم تجره و من ذا الذی توکل علیک فلم تکفه وا غوثاه بک بک بک استغثت فاغثنی یا مغیث و اشفنی شفاء عاجلا
و فرج عنی فرجا قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن صاحب خود عرض کند یعنی الله اعلم گفته قرائت سوره را با تمام رساند البته البته دعای
وی به اجابت مقرون شود و این از جمله مجربات صحیح است و اگر فرضا نتیجه ظاهر نشود تقصیر از عاملست در رعایت حضور و صاحب جواهر التنظیم
آورده که از بعضی مشایخ روایت شده که در هیچ بقعه و خانه نباشد که سوره ق را هر روز تلاوت کنند الا آنکه صاحب آن خانه و ساکن آن
بقعه دایم بدولت عزت و سعادت و کرامت بود و از نکبت فی ذلک محفوظ و محروس بود

فصل ۱۳ در قبول و مهابت و قضاء حوایج نزد
بعضی اهل سلطنت صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که وقت در آمدن بسلطان سوره و النازعات غرقا بخواند مراد وی بسهولت بر آید و
در نظر سلطان با هیبت و مهابت نماید و اگر کسی این سوره را در روی دشمن تلاوت کند از وی هیچ ضرر نیابد و مکر و خوف از وی جدا شود و در
خواص ... آورده که چون کسی در ساعات اول ... سوره فاتحه را با قلم زرین در قدح زرین نویسد به مشک و کافور و بعد از نوشتن بگلاب
محو کند و آن گلاب معمول را در شیشه نگاه دارد و هر گاه که نزد پادشاه جبار و ظالم قهار رود قدری از آن گلاب بر جبین مالد و بروی
در آید مقبول و مهاب گردد و محبت وی در دل آن جبار پیدا شود و از غضب وی ایمن گردد و شیخ شرف الدین بونی در کتاب ضمان القرآن آورده
که هر که سوره حم سجده را متصل صد بار تلاوت کند که در اثنا فاصله در میان نباشد از شر پادشاه جابر و حاکم ظالم ایمن و مطمئن گردد و
از هیچ دشمن به وی ضرر نرسد

فصل ۱۴ در حصول هیبت و مهابت در نظر جمیع خلایق و ظهور مودت و محبت در قلوب صاحب جواهر التنظیم
آورده که هر که حم دخان را کتابت کند و با خود نگاه دارد در نظر خلایق هیبت و مهابت نماید و محبت وی در دلها غلبه کند و هم وی فرموده
که هر که سوره یس را هفت روز بگلاب و زعفران هر روز هفت بار بنویسد و هر روز یکبار آن هفت بار یس را بگلاب خوشبوی تازه محو کرده آشامیده
بیاشامد در نظر خلایق بغایت عزیز و مکرم شود و در مناظره بر خصم غالب آید و هم وی فرموده که هر که سوره یوسف را با مشک و زعفران و گلاب
بر ظرف پاک بنویسد و با آب عذب شسته بیاشامد مقبول و محبوب قلوب گردد و آب روی در میان خلق بیفزاید و در بعضی از کتب خواص
قرآن مذکور است که اگر کسی بگیرد قدری موی سر مطلوب و سه بار قل یا ایها الکافرون و هفت بار آیة الکرسی بر آن خواند و نفث کند و چون شب

و را بدا عوبها را در زیر بالین نهد تا فعتـه وی در دل معمول تأثیر کند و اتمام این عمل آن بود که مقداری از موی ناصیه محبوب فرا گیرد و بشماره حروف
این سوره را بران موی خواند و هر بار نفث کند و بشماره حروف آیة الکرسی آنرا بخواند و هر بار بر آن موی نفث کند و بعد از آن این عمل بجا
آورد و هر شب آنرا در زیر بالین نهد و در شب هفتم بعد از اتمام این عمل آن موی را بر آتشی افروخته نهد در حالی که بعود و عنبر بخور کرده باشد
و نام مطلوب و مادرش ببرد محبت عظیم در دل وی نسبت بعامل پیدا شود و هم در بعضی کتب خواص مسطور است که هر که بگیرد چهل و یک دانه
فلفل و در هر یکی یکبار سوره فاتحه بخواند و آن فلفلها را در درون پیاز سفید نهد و سر آنرا هم بران پاره پیاز که برداشته محکم کند و سه
میخ از چوب انار بر سر آن زده در سر آن پیاز خلانیده بعده آن پیاز را در زیر آتش نهد چنانکه از حرارت آتش آن میخ سبعه بپزد اما باید که
نسوزد و انگشت نشود حرارت محبت در دل محبوب اثر عظیم کند مقصد ۵ در اطفاء نایره غضب سلاطین و حکام شیخ شرف الدین یونس در
کتاب ضمانات القران آورده که هفتاد بار سوره اقتربت الساعة را متصل تلاوت کند با شرایط کلام که در مقاله این کتاب سمت تحریر یافته
از قهر و غضب پادشاه ظالم و فتنه و شر حاکم در ضمان خدا ایمن شود و در کتاب جواهر السطیم آورده از شیخ ابو الحسن شاذلی نقل فرموده در خواص اسم
بسم الله که چون کسی بر جباری رود چهار قل با معوذتین بخواند از قهر و سیاست او ایمن و سالم ماند و در خواص ابن عمیر آورده که چون کسی بر
جباری و قهاری رود باید و سوره تبت بخواند از شر وی محفوظ و محروس ماند مقصد ۶ در ایمنی از شر پادشاه جابر و حاکم ظالم صاحب
جواهر السطیم آورده که چون وقت در آمدن بر پادشاه غیور و ظالم غضبان که از قهر او ترسان و هراسان بود سوره اذا زلزلت را هفت بار
بخواند از خوف و رعب زدن او بی‌نیاز کرد و هیچ آسیب و ضرر بوی لاحق نکرده و هم وی فرموده که شیخ ابوالحسن شاذلی چنین فرموده
که هر که از پادشاه جابر ترسان و خایف باشد یا طلبی بغیر حق میکنند باید که سوره یس بخواند با شرایطش پس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم بسم الله لا اله الا هو ذو الجلال والاکرام بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع
العلیم اللهم انی اعوذ بک من شر فلان بن فلانه مهم وی کفایت شود و صاحب جواهر السطیم آورده در فرموده که هر که سوره نوح را قرائت کند پس کتابت
کند و با خود نگاه داشته نزد پادشاه قهار یا حاکم ظالم رود از شر وی ایمن ماند و تلاوت سوره جن همین خاصیت دارد و هر که سوره نبا را
کتابت کند با شرایط و بر بازو ببندد و نزد پادشاه ظالم قهار از شر وی ایمن ماند مقصد ۷ در خلاص محبوس و اسیر و رهائی از قید ظلمه
در کتاب جواهر السطیم آورده که هر محبوس و اسیر که بر قرائت سوره انفطار مداومت نماید بزودی از قید حبس خلاص یابد و در حفظ و پناه
حضرت حق سبحانه و تعالی باشد و اگر زندانی بر قرائت سوره حج با شرایط مقرره مداومت نماید زود از بند و زندان رهائی یابد و اگر اسیر
بهمین عمل مداومت نماید زود بتعجیل خلاص گشته بوطن اصلی رسد و اگر کسی بر تلاوت سوره طور مداومت کند حق سبحانه و تعالی آسان کند
خروج وی را از زندان و عنقریب خلاصش گرداند و هم صاحب جواهر السطیم آورده در فضایل سوره یس اخبار و احادیث بسیار وارد است
و از الجمله آنست که هر محبوس که بر خواندن سوره یس مداومت نماید بزودی از بند و زندان خلاص شود
در نصب منجوق و مطلع ساختن

دشمنی و ابن مقیم آورده که معزول که بر تلاوت سوره یوسف مواظبت کند بر قوت بر سر عمل باز آید و بمنصب خود باز واصل شود و تفصیل اعمال بر وجه اتم در فصل هفتم از باب اول از مقاله رابعه گذشته و هم وی گوید که چون معزول شود و دست تصرف او کوتاه شود باید که بر تلاوت سوره الفاتحه مداومت کند تا زود بمقصود رسد و صاحب جواهر السطیم آورده که سوره کلک اصدر و اشنا بر خط تلاوت کند همه دشمنان بر کس حرمت و مطیع وی شوند و دولت و سعادت روز بروز در تزاید بود فصل ۸ در خلاص از مهالک و ایمنی از جمیع زحم و جمله مکروهات شیخ شرف الدین در کتاب خواص القرآن آورده که هر کرا امر عظیم و مهلکه خطر پیش آید باید که صد و چهل بار سوره مومنون بر سبیل اتصال تلاوت کند و در غیر ضرورت کلام و ترک طهارت بر حذر دارد و از آن مهلکه بسلامت بیرون آید و هیچ مکروهی بوی نرسد و هم وی فرموده که هر که هفتاد بار سوره حدید را بر سبیل دوام تلاوت کند از هر مهلکه که پیش آمده باشد بسلامت بگذرد و بعافیت خلاص یابد و هم وی گوید که هر که به نیت خلاص از مهالک سه بار سوره احقاف بخواند بسلامت و عافیت از آن ورطه بیرون آید و حضرت خلیل علیه ... باد در تفسیر سوره والعادیات آورده که حضرت امام همام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلعم فرموده که سوره والعادیات سپر از خشم زحم است با دیگر و صاحب جواهر السطیم فرموده که هر که سوره والعادیات را بنویسد و با خود نگاه دارد از جمیع آفات و مخافات ایمن ماند و هم وی فرموده که هر که بر قرائت سوره القارعه مداومت نماید همیشه در امان خدا باشد فصل ۹ در ایمنی از آفات دینی و دنیاوی و سلامتی از حوادث لیل و نهار صاحب جواهر السطیم آورده که هر که بر تلاوت سوره حشر مداومت کند در دین و دنیا ایمن بود و هر که شب جمعه آن را کتابت کند و نوشته را با خود نگاه دارد تا صباح از جمیع آفات و بلیات محفوظ باشد و هم وی فرموده که هر که به نیت صادق چهار رکعت نماز بگذارد که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره الانعام بخواند از مدار نعم سلامتی و عافیت خواهد در امان از هر خوف و مرض و الم و الحزن موجب کرامت بوده ایمن بود و هر که شبانگاه سوره الانعام تلاوت کند الی شب از جمیع طوارق و حوادث محفوظ باشد و هر که در روز جمعه بعد از نماز سوره اعلی را کتابت کند و با خود نگاه دارد از جمیع آفات در حفظ و پناه حق تعالی باشد و هم وی فرموده که هر که سوره نور را کتابت کند و از خود جدا نکند از شر مردمان ایمن باشد و هر که سوره البروج کتابت کند و تلاوت ... الی صباح در امان حق تعالی باشد و هر که در وقت طلوع فجر سوره فجر را یازده نوبت بخواند تا طلوع فجر ثانی از جمیع بلایا و فتنها ایمن باشد و هر که سوره ماعون را صد بار در پیش از نماز بامداد بخواند تا صبح دیگر در حفظ حق سبحانه و تعالی باشد و هم وی فرموده که هر که مداومت کند بر تلاوت سوره قیمة در شب محفوظ باشد از تعرض مرده شیاطین و هر که مواظبت نماید بر قرائت این سوره در روز محفوظ باشد از قهر و جور و ظلم ظلمه و سلاطین فصل ۱۰ در دفع آفات از خان و مان و مال و ایمنی از تهمت و بهتان صاحب جواهر السطیم آورده که سوره مریم را کتابت کند در ساعت سعد بر دیوار سرای خود آن سرا و منزل از جمیع حوادث و نوازل ایمن ماند و هر که با باد جیر یا جام زجاجی این سوره را کتابت کند و محو سازد و بیاشامد از بیم خوفها سالم و ایمن ماند و ابن مقیم آورده که هر که سوره بروج را خصوصا آیه والله من ورائهم محیط تا آخر هر روز سه نوبت تلاوت کند و هر شب بر دور اهل و عیال و خان و مان و مال و متاع و عقار و ضیاع بدمد اموال و امتعه و اولاد و ازواج وی همه از آفات ... و حادثات محفوظ و محروس ماند

٦٣

وهرکه هر روز چند بار سوره ماعون را بر متاع و خانه و جای خواند وقتی که مشغول فعلی بنیز از شکستن و تلف شدن و ضایع گشتن محفوظ گردد
و در ختمات نوعی آورده که هر که هشتاد و یکبار سوره منافقون را به نیت شر منافقان و بدگویان و عقد لسان ایشان بخواند زبان همه حاسدان
و بدگویان از اهل غیبت و بهتان فرو بسته شود و هم در ختمات آورده که هر که هفتاد بار سوره نور را با شرایطش تلاوت کند از تهمت و افترای حاسدان
غمازان و حاسدان محفوظ ماند و زبان دشمنان در باب وی بسته شود و هم بعضی گویند که از برای حصول این مقصد بر وجه کمال هفتاد و هفت بار بخوانند
و اگر کسی توفیق استعمال بر آن روز نیابد و ... عظیم برد باذن الله تعالی مقصد ١١ در ازدیاد محبت و قبول خلق و تسخیر آدمیان و صید مرغان و ماهیان
صاحب خواص العظیم آورده که هر که سوره زمر را کتابت کند با شرایط و بر بازوی خود بندد شکر بر روی نابها جاری گردد و مهر و محبت وی در دلها
ظاهر شود و همیشه خلق مطیع و منقاد وی باشند و هم وی فرموده که هر که سوره محمد صلعم را بر جام زجاجی با قلم چینی نویسد با بحرم و اگر
میسر نشود با برجاده تیز با آب محو ساخته بیاشامد نزد همه خلق محبوب و مقبول القول شود و مردمان اطاعت و فرمان برداری وی کنند و هر که بر
تلاوت سوره ماعون مداومت نماید مطاع و مجاب الدعوة شود و هر که سوره یوسف علیه السلام با شرایطش بر ظرف کاشی کتابت کند و با آب چاه یا باران و اگر نشد
با آب شیرین که از نهر برگرفته باشد محو ساخته بیاشامد و برا قدر عظیم نزد مردمان پیدا شود و هم صاحب خواص العظیم آورده که بخط بعض علما
دیدم که هر که سوره یوسف را کتابت کند بنام مردی و در وی بندد و زن خود لابد او را دوست گردد چنانچه زنان بر آن القصور نتوان کرد و هم وی
فرموده که هر که سوره اذا جاء نصر الله را بر لوح رصاص نقش کند با شرایطش که مقرر است و بر دام صیاد مرغان بندد مرغ بسیار بدام افتد و اگر بر شبکه
ماهی گیران بندد فوج ماهی بدام آید باذن الله تعالی مقصد ١ در تیسیر فتح و نصرت بر دشمنان و قلع و قمع ظالمان و تخریب منازل ایشان و ابطال
سحرها و دفع موذیات از جن و انس و هوام مشتمل بر دوازده فصل مقصد ٢ در تحصیل ظفر بر لشکر مقصد ٣ در حفظ
و حمایت از شر اعدا و نصرت بر ایشان مقصد ٤ در غلبه و استیلا بر لشکر اعدا مقصد ٥ در القای خوف و رعب در قلوب
دشمنان و شکستن ایشان مقصد ٦ در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و امیر از گروه ایشان مقصد ٧ در شکست و
عزل سلطان ظالم و سلطان جابر مقصد ٨ در تحصیل اعدا و رفع ملازمت ایشان با ایشان مقصد ٩ در قلع و قمع ظلمه و تخریب
منازل فسقه مقصد ١٠ در سلامتی از ضرر جن و انس مقصد ١١ در امان از وسواس جن و انس و ابطال سحرها و دفع چشم زخم
مقصد ١٢ در تسکین و دوران ریاح عاصفه و رفع موذیات و دفع هوام مقصد ١ در دفع موذیات از مار و حیات و عقارب
مقصد ٣ در تحصیل فتح و ظفر بر لشکر صاحب خواص العظیم آورده که هر که سوره انا فتحنا را کتابت کند با شرایطش و با خود نگاه دارد و شیخ
یونی مذکور است که هر که به نیت فتح و نصرت چهل و یکبار انا فتحنا بخواند مراد حاصل شود و اگر جمعی قرا اتفاق کرده به نیت ظفر یار تمام وقت چهل
و یکبار مسلسل بخوانند فتح و نصرت عظیم روی دهد و هم شیخ در ختمات آورده که هر که سوره طه را بیست و یکبار پیوسته بخواند بر همه اعدا مظفر
و منصور گردد و هم در ختمات مذکور است که هر کس به نیت فتح و ظفر یازده بار سوره یونس بخواند مراد حاصل شود ان شاء الله و خواص آیة

کسوره اذا جاء نصر الله بر شمشیر خود نقش کند نصرت الهی و بان با دشمن محاربه کند فتح و نصرت وی را بود و بر همه اعدا غالب آید

فصل ۳ در حفظ و صیانت از شر اعدا و نصرت یافتن صاحب جواهر التنظیم از ابن عباس روایت کرده که اسم اعظم حق تعالی در اول سوره حدید است در شش آیه از اول این هر که این سوره را لاکتابت کند نصرت الهی را خود با وی بود و در صف قتال رود همه جا رحمها از نیزه و شمشیر و تیر بوی نرسد و هیچ آهن بر وی کار نکند و هر که سوره کوثر را بر نصرت کتابت کند و با خود نگاه دارد از جمیع اعدا محفوظ باشد و بر ایشان مظفر و منصور شود ما دام که آن نوشته همراه خود داشته باشد هیچ مکروهی بوی نرسد و هر که در مقابله دشمن سوره والنازعات بخواند از وی هیچ ضرری نیاید

فصل ۴ در غلبه و استیلا بر لشکر اعدا صاحب جواهر التنظیم و ابن تیمیه در کتب خود آورده اند که هر که سوره هود را بر ورق نویسد و نزد صبح محاربه با خود نگاه دارد و بر همه اعدا غلبه کند که اگر صد کس یکبار بر وی حمله ور شده جمله را مغلوب کرده اند و هیچکس بجز وی دلیری نکند و صاحب جواهر التنظیم آورده که اگر کسی این سوره به زعفران و گلاب کتابت کند و با آب باران و اگر نباشد آب عذب که از نهر عظیم گرفته باشند محو سازد و سه روز متصل در صبح و شام بیاشامد دل وی نهایت قوی شود بمثابه که اگر جن و انس با وی مقاتله و محاربه برخیزند از همه فارغ البال باشد و هیچکس با وی تکلم نکند الا بموافقت و متابعت وی و هم فرموده که هر که سوره والنجم را بر ورق آهو بره پاک بنویسد و با خود نگاه دارد استیلای وی بر اعدا افزون شود و هیچ دشمن را بر وی فتح و صحت نماند و غلبه و نصرت در جانب وی بود باذن الله تعالی

فصل ۵ در القاء رعب در دل دشمنان و شکستن ایشان در کتب جواهر التنظیم و خواص ابن تیمیه آورده که چون کسی سوره الم تر کیف را در میان هر دو صف لشکر چند بار بخواند خوف و ترس بر لشکر مخالف غلبه کند چنانکه همه یکبار پشت دهند و روی بهزیمت آورند و اگر کسی در وقت تقابل و تعارض دو لشکر این سوره را بخواند دشمن مغلوب و مقهور شوند باذن الله تعالی

فصل ۶ در دفع ظالمان و منافقان و غمازان و ایمن از کید ایشان و صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که از ظالمی ترسد و سوره تغابن را تلاوت کند بسلامت بروی رایدا از شر او و شر هر شیطانی و ظالمی ایمن ماند و تلاوت سوره تبت در وقت دخول بر ظالم همین خاصیت دارد و هم وی گوید که هر که سوره عبس را بر رقعه از جامه پاک دختر بکر نویسد و با خود نگاه دارد هیچ مکاره بوی نرسد و از شر اهل بغی ایمن باشد و بر افعال خیر مطلع شود و کردارهای خوب وی برادست دهد

فصل ۷ در تسکین غضب ظالم و سلطان جابر در کتاب جواهر التنظیم آورده که هر که سوره رعد را بر ظرف بزرگ چینی یا زجاجی بنویسد در شبی که تاریک و مظلم باشد و رعد و برق و باران و طوفان عظیم باشد و نوشته را در آب باران که در آن شب گرفته باشد محو سازد و این معمول را هم در آن شب بر دیوار خانه آن حاکم و سلطان ظالم بپاشد و اگر میسر شود در درون منزل وی بپاشد کند اولی و بعد از این چون بر شود الصاحب منزل از سرای خود قدم بیرون نهد باز نگردد الا که معزول شود و شکوه بکرده و ابو حامد الغزالی قدس سره نقل کرده که هر که این سوره را در شب تاریک بعدد زیادات نماز خفتن در برق و آتش کتابت کند و هم در ساعت برد بر بارگاه پادشاه جابر اندازد و در دور آن چراغها چینی دفن کند و شاید پایهای وی را هم شکسته و متفرق شده هر کسی وی به پایان ظالم و دعاهای وی اعانت

فالند

محضر ٨

مخالف و نافرمان کنند و در وی عاصی شوند و سینه وی تنگ شود و غم و اندوه بر دل وی غلبه کند و سلسله سلطنت وی در هم شکند
در تفریق اعدا و ارجاع ملوک از ایشان هم باب است در کتاب جواهر النظیم آورده که هر که سوره روم را کتابت کند و از مداد رشته زجاجی نو در شیشه
سر تنگ نهد و سر شیشه را محکم ببندد و اگر در منزل دشمن دفن کنند هر که در آن منزل بود از دشمن و اولاد و ازواج و اتباع و عبید و دواب همه
بیمار شوند و اگر کسی از غیر اهل آن منزل قدم بدان منزل نهد وی نیز بیمار شود و اگر کسی این سوره را بنویسد و به آب باران بشوید و در اناء [illegible]
و آن آب را بر دشمن که بیمار باشد بیمار شود و اگر از آن آب در روی دشمن بشویند در چشم وی درد حادث شود و بیم آن بود که کور شود و هر که صبح و شام
سوره واقعه را تلاوت کند همیشه در حفظ خدای تعالی باشد و اگر معاندی نسبت بوی کید اندیشد ضرر و اثر وی بوی لاحق شود باذن الله تعالی

محضر ٩

در تفریق ظلمه و تخریب منازل فسقه صاحب جواهر النظیم آورده که سوره حجر را بر اناء حجر نو بنویسد و محو سازند و لب در منزل ظالم
جابر و حاکم ظالم رش کنند اسباب عیش و عشرت وی از دست رود و مضطرب و مضطرب گردد و رعب و خوف و الم و اندوه بر وی غالب شود و از ملک و دیار
خود پراکنده و سرگشته گردد و هم وی فرموده که چون کسی سوره طلاق را بر اناء حجر یا زجاجی کتابت کند و بآب شوید و از ملک و دیار خود پراکنده و سرگشته
گردد و هم وی فرموده که چون کسی سوره طلاق را بر اناء حجر یا زجاجی کتابت کند و بآب [illegible] یا تنور [illegible] محو ساخته آن آب را در موضعی بپاشد صاحب
آن آواره گردد و ابدا آنجا ساکن نشود و اگر آن آب را صاحب منزل آواره نشود آنجا قتلی و فتنه عظیم حادث شود و از کار رنج و تعب [illegible] آنجا [illegible] عامل
باید که در این امور حسبة لله تعالی بترسد نسبت بغیر مستحق استعمال آن [illegible] والا خوف حیف بود و هر که سوره نحل را بر الواح کتابت بنویسد
و در اناء نو نهاده سر آن را محکم سازد و در منزل اهل فجور دفن کند آن جماعت تمام مستاصل شوند و جمعیت ایشان بر هم زده و متبدل گردد و اگر در تحت
قدم دشمن دفن کند سلسله وی از هم فرو ریزد و منتشر نابود شود و اگر آن اناء [illegible] را در ریسمان [illegible] در زیر خاک دفن کند باز همه آنجا
وی فرو ریزد و عامل باید که در استعمال ملاحظه کند و جز در مواضع حق کار نبندد و الا خوف حیف بود و موجب وبال و نکال بود و در خواص
ابن عمر آورده که هر که کف خاکی از سرای قدیم شده بردارد و کفی دیگر از حمام کهنه ویران شده و کفی دیگر از مسجد قدیم ویران شده و بر هر کف
خاک [illegible] بخواند [illegible] الخاک را بهم آمیخته وقت سحر در منزل ظالم و فاسقی که قوم مردم از ظلم و فسق وی در تشویش باشند بریزد به زودی منزل
وی ویران شود و خود سرگردان و پریشان گردد و [illegible] که اثر از منزل وی نماند و عامل باید که در استعمال نیت صادق و غرض صحیح
مشروع شروع کند و از صفوت نفس بد و نیت بد پاک باشد

محضر ١٠

در سلامت از ضرر جن و انس صاحب کتاب جواهر النظیم آورده
که هر که سوره احقاف را کتابت کند بر رق ظبی و با خود نگاه دارد از شر دیوان ایمن شود و در بیداری و خواب هیچ مکروهی نبیند و اگر کتب
آن را نوشته در زیر بالین حفظ نهد از شر جن و انس و هر طارقی و حادثی محروس و محفوظ باشد و هر که سوره یونس را بگلاب و زعفران کتابت کند
و با خود نگاه دارد از چشم بد و جن و انس و هر مکاره و هوام و حمله و جاع و الام ایمن ماند و از ابو الحسن شاذلی نقل است که چون خواهی که
از همه آفات سالم مانی بر تلاوت قل اعوذ برب الناس مداومت نمای و در این سوره افسون همه دردهاست و هر مریض که بر تلاوت

معوذتین ادم ان نماید خود صحت یابد و هر که در وقت خواب معوذتین بخواند از جن و وسوسه ایشان ایمن ماند ابن تمیم آورده که هر که صباح معوذتین
بسیار بخواند از شر هر دیو شریر مندفع شود و هیچ گونه چشم زخم و سحر بروی کارگر نکند و همیشه محفوظ و مصون باشد فصل ۱۱ در وساوس
جن و ابطال سحر و دفع چشم زخم ابن تمیم آورده که هر که مداومت کند بر معوذتین دفع وسواس و مانع وسوسه شیاطین بود و در ختمات بوئی
مذکور است که هر که سوره یس را بمشک و زعفران بر ورق چینی بنویسد و با خود نگاه دارد از تعرض جن ایمن بود و صاحب جواهر التنظیم آورده که
چون کسی سوره حجرات را بر دیوار خانه خود کتابت کند هیچ شیطانی گرد آن خانه نگردد و هر که سوره همزه را بر کسی خواند که از چشم بد متاثر
شده باشد و مریض گشته حق سبحانه و تعالی و برا صحت کرامت فرماید و در ختمات بوئی آورده که هر که سوره طه به نیت دفع سحر بست و یکبار متصل
تلاوت کند السحر تمام باطل گردد فصل ۱۲ در تسکین دادن ریاح عاصفه و دفع موذیات و طرد هوام صاحب جواهر التنظیم آورده که در وقت
تصادم الریاح و وزیدن عاصفات سوره الم ترکیف را چند بار بخوانند باد های عنیف تسکین یابد و هوا آرام گیرد و هر مسافری
و مجاوری که بر خواندن سوره بامداد مداومت کند از طوارق و حوادث محفوظ باشد و هیچ موذی از هوام ضرری بوی نرساند و چون کسی سوره
انشقت را بر دیوار حایطی کتابت کند هیچ جانوری گزنده بر آن حایط نگردد و اگر در آنجا بود فی الحال فرار نماید و کتابت سوره الرحمن همین
خاصیت دارد و اگر کسی هر دو سوره را بنویسد نتیجه قوی دهد و خواندن سوره انشقت بر کسی که مار گزیده باشد و یا کژدم یا غیر آن موجب تسکین الم
درد است فصل ۱۳ در دفع ضرر حیات و عقارب و سایر موذیات صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که سوره سبا را بر کاغذی بنویسد و در خرقه
سفید پاک پیچد و با خود دارد از ضرر مار و کژدم و سایر گزندگان ایمن باشد مادام که آن نوشته با وی باشد هیچ آفتی لاحق آن نشود و اگر
سوره والطور را کتابت کنند بر ظرف چینی یا زجاجی و با آب پاک محو سازند و آب را بر موضعی رش کنند که راه گذر گزندگان باشد از آنجا فرار نمایند
و اگر از آن آب قطره بر گزیده کژدم برسد بمیرد و هم وی فرموده که سوره فرقان را کتابت کنند سه بار و آن را بر خود بسته به موضعی رود که ماران و دیگر
گزندگان موذی بسیار باشند از جنس هر که دملیک است و کژدم و غیر آن هیچ ضرر بوی نرساند و از وی فرار نمایند و در بعض کتب خواص
مذکور است که اگر کسی وقت خواب جامی پر آب کند و بر بالین نهد و سه بار سوره اذا زلزلت بخواند و هر بار بر آن آب دمد هر کیک و پشه که در آن
حوالی بود خود را در آن جام آب اندازند باب ۳ در تسهیل و توسیع رزق و دفع فقر و فاقه و اخراج دفاین و رجوع غایب و آبق و نیل مرادات باب سیم
و ضبط مخزونات و امن مسافر در بحر و بر و حفظ مال تجار از قطاع طریق و باز یافتن راه بعد از سرگشتگی مشتمل بر ده فصل

باب ۳ فصل ۱ در تیسیر و توسیع رزق فصل ۲ در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب فصل ۳ در حصول ثروت
و رفع فقر و فاقه فصل ۴ در اطلاع بر خزاین و دفاین و وقوف بر ما فی الضمیر نایم فصل ۵ در رجوع غایب و آبق و ظهور
سارق [illegible] فصل ۶ در نیل مرادات و ازدیاد برکات فصل ۷ در حفظ دفاین و مخزونات فصل ۸
در حفظ انبار حبوبات و حفظ آن از خوره و [illegible] فصل ۹ در سلامتی مسافران در بحر و بر و خلاص از آفات و رسیدن الی [illegible]

با وطان **فصل ۱۰** در ایمن شدن دریا از غرق شدن و کشتی شکستن **فصل ۱۱** در ایمن از سفر خشکی از حوادث و رنج سباع و موذیات

فصل ۱۲ در حفظ مال از چوار قطاع الطریق و بازیافتن راه بعد از سر گردانی **فصل ۱** در تیسیر و توسیع رزق صاحب جواهر السطیم آورده

که هر که سوره یوسف را بنویسد بر اناء چینی بشرایط کتابت و با آب عذب شسته بیاشامد وسعت رزق از حق سبحانه و تعالی دعای وی را اجابت کند

فرموده که از بعض عارفان شنیدم که هر که سوره انا فتحنا را در وقت رویت هلال رمضان در اول هر شب تو بیت تلاوت کند حق سبحانه و تعالی

در ان سال رزق و روزی را بروی گشاده گرداند و هر که سوره والعادیات را کتابت کند و با خود نگاه دارد در رزق و روزی بروی گشاده شود [illegible]

نیز همین خاصیت دارد و از شیخ ابوالحسن شاذلی نقل است که اصحاب گفته اند که اگر خواهی رزق تو با سانی و سهولت میسر گردد سوره العلق بر خود لازم

گردان که بسیار قرائت کن و صدیق والد ابن فقیر در جواهر التفسیر در او تفسیر فاتحه فصلی نوشته اند متضمن برخاصیات خواص این سوره بزرگوار و خاصیت

فراخ گشتن از [illegible] کرده **فصل ۲** در ادای دین و دفع تنگی معاش و رونق کسب در ضمانات القوائد شیخ شرف الدین [illegible] مذکور است که هر که سوره اذا وقعت

را جمیل و بسیار بخواند روزی کردن وی از ابار [illegible] سبک شود و در کتاب جواهر السطیم آورده که هر که سوره یوسف را بمشک و زعفران و گلاب کتابت کند و با آب پاک محو

ساخته بیاشامد قرض و [illegible] ادا شود که در کار وی خیانتی نکنند هر روز [illegible] کرده و از تنگی معاش خلاص شود و مداومت این

سوره همین خاصیت دارد [illegible] که بر تلاوت [illegible] عقوبت [illegible] و هر که سوره حجر را بزعفران و گلاب کتابت

کند و آن نوشته را در جیب خود نگاه دارد کسب و رواج تمام پیدا کند و بازار وی گرم شود و مردم کار وی را [illegible] سود اکنند

فصل ۳ در حصول ثروت و دفع فقر و فاقه ابن [illegible] آورده که هر که در نمازهای خمسه [illegible] بخواند بفقر مبتلا نشود و در کتاب ضمانات

آورده که هر که هفتاد و پنج بار سوره والذاریات متصل بخواند با شرایط تلاوت حق سبحانه و تعالی مال بسیار روزی گرداند و از فقر و فاقه برهاند

و در کتاب بشیر الآیات آورده که مردی نزد ابن عباس آمد و از تنگی معیشت شکایت نمود و طلب دعایی کرد که موجب ثروت و برکت باشد و سبب

خلاص فقر و فاقه شود ابن عباس فرمود که بر سوره طه مواظبت نمای آن مرد بانچه [illegible] عمل نمود و آن وظیفه را مرعی داشت زود بمقصد رسید و در کتاب جواهر

النظیم آورده از عبدالله مسعود روایت کرده که حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که هر که سوره الواقعه را هر شب بخواند فقر و فاقه وی را در نیابد و هر گاه آن

سوره را با مداومت بخواند هرگز از فقر نترسد و هم در کتاب جواهر السطیم آورده که هر که قرائت [illegible] و شامگاه و در نمازهای فریضه و نافله بسیار خواند هرگز

فقر و فاقه را در نیابد و هر که سوره الکهف را بنویسد بشرایط کتابت و در شیشه سر تنگ کند و سر آن [illegible] و در منزل خود پاک و پاکیزه نگاه دارد از فقر

و فاقه و ایذاء خلق خلاص شود و هرگز بهیچ کس از اهل دنیا محتاج نشود **فصل ۴** در اطلاع بر خزاین و دفاین و وقوف بر [illegible] در کتاب

جواهر النظیم آورده که هر که در نمازها سوره اذا زلزلت را بسیار خواند و در غیر نماز نیز بسیار تلاوت کند بشرایط کلام حق سبحانه و تعالی او را بر دفینهای

زمین و بر اطلاع بخشد بوجهی از وجوه در خواب پیدا [illegible] و هم در آن کتاب آورده که هر که دفینه نهاده باشد و فراموش کرده باشد که در کدام جا نهاده است

بدر [illegible] و غرائبات [illegible] که در چه موضع است بر قرائت سوره والضحی مواظبت نماید بنوعی از انواع او را باز نماید و هم در آن کتاب [illegible] که بعض

عارفان گفته اند که هر که سوره شعرا را با این آیه واذا قتلتم نفسا فادارأتم فیها ما تعقلون از سوره بقره کتابت کند و مکتوب را در گردن خروس ابیض
افرق بیاویزد و در آن موضع که گمانش دفینه است و بپراند هر جا خروس برود و بالای دفینه بایستد و منقار و چنگال زمین را بکاود و علامت صحت این عمل
آن است که خروس در روز چهارم بمیرد و این عمل در فصل چهارم از باب پنجم از مقاله رابعه گذشته و فرق میان هر دو عمل آنست که اینجا یک آیه الحاق
نموده و آنجا سوره شعرا را بآن ضم کرده و اما این عمل اتم و اکمل است و در خواص ابن نمیر آورده که چون کسی خواهد که از ضمیر با طمع خبر گیرد و بر مکنون
باطن وی مطلع شود باید که سوره اذا زلزلت بر پوست آهو از جانب ان نایم [illegible] با زعفران و گلاب بنویسد و در اطراف اسم وی و مادرش رقم زند و بر
بخور لایقه داشته در هم پیچد و در میان پوست به هدهد محکم سازد و بعد از آن بر سینه نایم نهد و وی در خواب سخن گوید و از ما فی الضمیر خود
خبر دهد باذن الله و بعضی گفته اند که [illegible] مشهور است **فصل ۵** در رجوع غایب و آبق و ظهور سارق و [illegible] صاحب بحر السطیم آورده
که هر کرا غایبی باشد و خواهد که زود مراجعت کند بسلامت و غنیمت یا خبری کرده باشد و خواهد که زود یابد باید که بر نام وی هفت بار سوره
والضحی و الم نشرح تلاوت کند و اگر هر شب هفتاد بار بخواند پس بگوید یا صانع العجایب یا رادّ کل غایب یا جامع الشتات یا مقالید الامور بیده
اجمع بینی و بین [illegible] انه لا جامع له الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین و در ضمانات [illegible] آورده که هر که هفت بار سوره شعرا الحواله بنام بنده گریخته
زود باز آید و والد بیان فقیر از بعض اکابر نقل کرده که هر که سوره والضحی بر کاغذ سفید بنویسد [illegible] بود در ذیل آن نام بنده گریخته و نام
مادرش رقم زند و بر گرد سوره هفت دایره در روی یکدیگر بکشد و هر دایره که بکشد یکبار والضحی را با الم نشرح تلاوت کند و بر کاغذ [illegible]
نوشته را بر بخور لایق داشته در خرقه پاک پیچد و در خانه تاریک در زیر سنگ گران نهد آن بنده گریخته سرگشته و حیران شده باختیار زود بجانه
مراجعت کند و اگر بنده گریخته بود و در حین عمل چنان اتفاق افتد که زحل راجع بود البته برگردد و اگر بنده [illegible] بود در وقت عمل مریخ
راجع بود بی شبهه بنده باز گردد و اگر هیچکدام اتفاق نیفتد باید که در حال عمل البته صاحب طالع راجع باشد و از رعایت این نکته چاره نباشد
تا در اسرع اوقات متفرع شود و در کتاب بحر السطیم آورده که هر که سوره یس را بر طشت مسی که نو قلعی کرده باشند کتابت نماید و بآب حوض
سر پوشیده محو نماید پس آن محو را در آن طشت بجوشاند و قدری آرد گندم با سیم جو که بوزن معلوم باشند با آب گرم خمیر کنند و بعد از آن فرد فرد
قدری از آن جدا کنند پس جماعت را بخوردن آن قطعهای خمیر امر کنند کسی که دزد باشد برخوردن آن خمیر قدرت نداشته باشد و در میان جمعی رسوا شود
فصل ۶ در نیل خیرات و ازدیاد و برکات صاحب بحر السطیم آورده که هر که سوره مریم را کتابت کند [illegible] و در منزل خود جای
پاکی نهد زمین و برکت و خیر و جمعیت بسیار شود و آن منزل بر ساکنانش مبارک میمون باشد و هر که سوره همزه را در نافله بسیار خواند مال وی
بسیار شود و رزق وی بسیار شود و هر که سوره تکاثر را در نماز نافله بسیار تلاوت کند در مال وی خیر و برکت بسیار پدید شود و روز بروز در کار
گردد و الله اعلم **فصل ۷** در حفظ دفاین و محروسات از آفات در کتاب بحر السطیم از خواص ابن نمیر آورده که هر که دفینه و ذخیره
نهد و خواهد که محفوظ و محروس باشد و آفت باو راه نیابد و دست تصرف باو نرسد باید که [illegible] تلاوت سوره والعصر شغل کرده و ما وقت

واگر لا ینقطع بخوانند آن ذخیره و دفینه در حفظ و امان حق سبحانه و تعالی باشد و هرکه صاحب الیه بر سر تپه و اگر این سوره را چهار بار بر چهار
رقعه نویسد و در چهار زاویه آن خزانه دفن کند ذخیره وی همیشه مصون و محفوظ باشد و اگر سوره جن را بر مخزون بخوانند از هر طارقه و حادثه
محفوظ ماند **فصل ۸** در حفظ انبار حبوبات و حفظ آن از خوره و شپشه و امثال آن صاحب درّ النظیم آورده که هرکه سوره الکهف را کتابت
کند و در شیشه سر تنگ مضبوط کرده در میان انبار خانه نهد از خوره و شپشه و امثال آن مصئون ماند و هم وی فرموده که هرکه سوره حج را
را بنویسد در میان حبوبات نهد از آنچه موجب فنا حبوبات است سالم ماند و هیچ دانه از آن انبار خانه ضایع نگردد و هم وی فرموده که هرکه سوره والتین
را بر مخزون مطعومات بخواند حق سبحانه و تعالی از آنچه سبب تباه شدنست نگاه دارد و در آن مخزن برکت افتد **فصل ۹** در سلامت مسافران بر و بحر از آفات
و رسیدن ایشان با وطان صاحب درّ النظیم آورده که هرکه متوجه سفر شود و سوره علق را با لطایف نوشته بر خود بندد آن مکتوب حرز او و وقایه باشد هم
در سفر بر و هم در سفر بحر تا وقتی که بفتح و غنیمت بوطن خود باز رسد و هم وی فرموده که هر مسافر که بر تلاوت سوره صف مداومت نماید از هر آفت و بلا که در سفر
آید ایمن و سالم باشد تا وقتی که بسلامت بوطن خود باز آید و هم وی فرموده که مواظبت بر سوره والطور همین خاصیت دارد و فرموده که هرکه سوره عبس را کتابت کند بر ورق
جلد آهو بره و با خود نگاه دارد و هیچ طریقی در آن سفر نماند بنماید الا که در آن خیر بیند و برکت یابد و عاقبت آن سفر نیکو بود و هیچ ملکی و هر جا مال آن مکتوب برسد
و قرائت سوره نسا همین خاصیت دارد و والد فقیر در جواهر التفسیر در آن فصل که در خاصیت اخلاص سوره فاتحه آورده اند چنین فرموده که خاصیتی این سوره
بزرگوار در حفظ و سلامت است در سفر چنانکه در کتاب ریاض الجنان از حضرت مرتضی علی علیه السلام نقل میکنند که چون سفر میکرد سه نوبت فاتحه را بخواند و بگوید
اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی تا در آن سفر محفوظ باشد و بسلامت بمقصد رسد و در بعضی روایات آیه الکرسی و سوره
اخلاص با فاتحه منضم کرده اند **فصل ۱۰** در ایمن شدن یا از غرق شدن و کشتی شکستن صاحب درّ النظیم آورده که هر مسافر که خواهد به کشتی نشیند
باید که اول سوره انا فتحنا را کتابت تلاوت کند که خواندن این سوره بزرگوار امانست از غرق شدن کشتی و خواندن سوره یس همین خاصیت دارد و در ضمانات
شیخ شرف الدین بونی آورده که هرکه هفت بار سوره حج بخواند پس هر بار بنشیند سالم بیرون آید و از عجایب دریا و شکستن کشتی ایمن باشد و هیچ ضرری
نیابد **فصل ۱۱** در ایمن شدن از حوادث و دفع سباع و موذیات در کتاب درّ النظیم آورده که هرکه بر قرائت سوره مجادله مداومت
نماید از همه طوارق و حوادث لیل و نهار در سفر محفوظ ماند و فرموده که چون کسی اراده سفر کند سوره والطور مداومت نماید در آن سفر محفوظ
و محروس بود و در راه ایمن و سالم بود از جمیع طوارق و حوادث که در سفر طاری شود و فرموده که هرکه سوره نمل را بر ورق آهو بره کتابت کند
و آنرا در میان پوستی بپیچد که دباغت یافته باشد و باید که آن پوست درست باشد که هیچ قطعه از وی جدا نکرده باشند پس آن مجموع ملفوف را
در صندوق نهد و در سفر و حضر همراه خود دارد از تعرض سباع و جمیع موذیات مثل مار و کژدم و غیر آن محفوظ و محروس باشد و همیشه در حفظ
حق سبحانه و تعالی باشد **فصل ۱۲** در حفظ مال و تجار از قطاع الطریق و باز یافتن راه بعد از سرگردانی در کتاب ضمانات شیخ بونی
مذکور است که هرکه در ابتدای سفر هفت نوبت سوره تغابن بخواند مال وی از تصرف دزدان و قاطعان طریق سالم و ایمن ماند و هیچ دزدی

بروی دشمن یابد و در خواص ابن عمر آورده که هر که سوره جمعه را تمام در روز جمعه بعد عصر نقش کند بشرایط کتابت و با خود در میان رخوت
وامتعه خود نهد از همه آفات زمانه ایمن باشد و در سفرها از قاطعان طریق ازان کوتاه باشد و حق سبحانه خیر و برکت پیدا کند در مال و متاع وی
دهد و در هر صبح و غنیمت بوطن و عیال و اطفال خود برساند و هر که در سفر راه گم کند وچند بار سوره والضحی با تلاوت کند البته راه باز یابد
و از سرکردانی خلاص شود باب ۶ در دفع امراض و اوجاع بدن و تسهیل ولادت حامل و تعویذ اطفال مشتمل بر دوازده فصل

فصل ۱ در دفع امراض و اوجاع فصل ۲ در دفع صداع شقیقه و صرع و غشی و لقوه فصل ۳ در دفع امراض علیه
و اذن فصل ۴ در دفع انواع حمیات فصل ۵ در دفع امراض عطش و جوع و ضرر ماکولات فصل ۶ در دفع امراض
درون و اوجاع بیرون فصل ۷ در دفع یرقان و جراحات و [illegible] و بواسیر و اورام و دفع امراض دواب فصل ۸
در دفع حامل و جنین و تسهیل ولادت و صیانت مولود فصل ۹ در حصول اولاد صالح و وقوع ولد نرینه فصل ۱۰
در ادرار لبن مرضعات فصل ۱۱ در دفع بکا و فزع اطفال و تسهیل فطام و رستن دندان و اطلاق لسان ایشان فصل ۱۲
در تعویذ اطفال از شیاطین و الجن و الانس و ایمن ایشان از چشم بد و نهش هوام فصل ۱ در دفع امراض و اوجاع [illegible] در جواهر التفسیر

الحکاکه اسامی سوره فاتحه را بیان کرده اند و بیست و شش [illegible] آمده که اسم چهاردهم وی سوره شفاست و شافیه نیز گویند که شفا دهنده
از امراض نفسانی و روحانی و دوای هر دردی از دردها [illegible] در تفسیر [illegible] بارسا مذکور است که السوره بزرگوار که بر سر
هر بیمار که باخلاص بخوانند و اگر [illegible] سعید شفا یابد و در شرح السنه حدیث مرسل آورده است از عبدالله بن عمر و مرسل آنرا گویند که یکی از
تابعین نقل کند از حضرت رسالت پناه صلعم بی واسطه یکی از صحابه چنانچه در تفسیر [illegible] ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود که فاتحة الکتاب شفاء من
کل داء و همین حدیث بروایت جابر بن عبدالله آمده و در [illegible] الا السام یعنی فاتحه شفای همه دردهاست غیر موت که اجل مسمی را چاره
نیست و صاحب جواهر التنظیم آورده که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر که بگیرد قدری آب باران و بر وی بخواند هفتاد بار فاتحة الکتاب و هفتاد بار آیة الکرسی
و هفتاد بار قل هو الله و هفتاد بار معوذتین سوگند بآن خدای که نفس من بید اوست که جبرئیل آمد بمن خبر داد که هر که ازین آب هفتاد بار نه روز
متصل هر روز سحر بیاشامد صبح [illegible] تعالی هر مرضی که در بدن وی بود دفع کند و صحت کامل حاصل شود و بیرون برد از عروق و اعصاب و گوشت
و پوست و جمیع اعضای وی مرض را و در خصائص القرآن آورده که هر که بنیت شفا سوره فاتحه را [illegible] هفتاد و چهار بار بخواند
مراد حاصل شود و اگر در صلاتی حاجت [illegible] هفتاد بار بخوانند [illegible] از اوجاع [illegible] و ابن عمر آورده که هر که سوره فاتحه را کتابت کند
بشرایط و نوشته را سه بار بر عضو دردمند مالد و هر بار بگوید اللهم اشفها بشفائک فانت الشافی اللهم [illegible] اللهم عافنی
فانت المعافی اندر دوالم بتمام زایل شود و صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که سوره محمد صلعم را کتابت کند و بآب عذب محو سازد آنگاه بآن آب غسل
کند جمیع امراض از بدن وی بیرون شود و فرمود که هر که سوره والذاریات نزدیک مریض تلاوت کند مرض وی تخفیف یابد و هر که سوره [illegible]

ایضاً

ومریض بخوانند که از غایت سستی مرض بخواب نرود و تنها به تسکین یابد که خواب مستولی گردد بده اسود شود و قرائت سوره تحریم نیز همین خاصیت دارد
وتلاوت سوره الواقعه نیز همین نتیجه بخشد و فرمود که هر که سوره تبت را بر عضو دردمند نویسد اندرد فرو نشیند والم تسکین یابد

فصل ۲ در دفع صداع و شقیقه و صرع و غشی

القوه صاحب جواهر السطیم آورده که هر که سوره سجده را کتابت کند و از صاحب صداع و شقیقه و صرع بیاویزد
حق سبحانه و تعالی وی را از این مرض خلاص دهد و فرموده که هر که بعد از نماز خفتن عم سوره تکاثر را بر بالین صاحب صداع و شقیقه خواند درد والم تسکین
یابد و فرمود که هر که سوره تحریم به نیت دفع صرع تلاوت کند شفا یابد و هر که سوره واللیل را در گوش مصروع و صاحب غشی فرو خواند از آن مرضها
خلاص شود و فرمود که چون صاحب لقوه بر تلاوت اذا زلزلة مداومت نماید از مرض شفا یابد

در دفع امراض عین و اذن صاحب جواهر
السطیم آورده که هر که سوره حم سجده را کتابت کند و از آب باران محو سازد و به سرمه اصفهانی آمیخته صلایه کند و بان سرمه اکتحال نماید رمد و بیاض
عین و ظفره و سایر امراض عین را نافع بود و اگر چشم را بان آب بشوید هم نافع بود و هر که سوره الرحمن را کتابت کند و با خود نگاه دارد دفع رمد و سبل
کند و هر که سوره منافقون را بر صاحب رمد خواند شفا یابد و هر که سوره کورت را بخواند و بر چشمی که ضعیف بود نفث کند قوت باصره وی بیفزاید
و علت رمد و غشاوه از وی زایل گردد و در حضرت سید الفقیر (?) در جواهر التفسیر و راوی تفسیر الفاتحه در خواص وی نوشته اند که سوره فاتحه را بر اناء چینی
یا زجاجی نویسد و آن را بروغن گل محو ساخته قدری از آن روغن در گوش دردمند قطور کنند نافع بود و صاحب جواهر السطیم آورده که هر که سوره اعلی
را در گوش خواند که طرش عارض شده بفضل الله تعالی تمام زایل شود باذن الله

فصل ۳ در دفع حمیات صاحب جواهر السطیم آورده که حضرت امام همام
امام جعفر صادق ع فرموده که هر که سوره فاتحه را چهل و یک بار بر قدح آب خواند و آب را بر روی محموم رش کند تبش زایل شود و هر که سوره والعصر را
چند بار بر صاحب تب خواند شفا یابد و هم وی فرموده که هر که سوره لقمن را کتابت کند و مکتوب را با آب عذب بشسته بخورد کسی
دهد (?) و عافیت یابد و از اکثر بیماریها مطبقه و غیران (?) و حمیات دق و غب و ربع و غیره آن خلاص شود و فرموده که هر که سوره عنکبوت را بنویسد
با آب عذب بشسته محو سازد و بیاشامد تب ربع را سود دارد و هر که بان روی خود بشوید مرض حمره را نافع بود و دفع وارث (?) کند و هر که سوره واللیل را
بنویسد و با آب سیرین (?) بشوید و بیاشامد تب لازم را زایل کند و هر که سوره الم تنزیل السجده را کتابت کند از صاحب تب دایم بیاویزد شفا یابد
و تلاوت و کتابت سوره الحدید نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره انفطار را کتابت کند و با آب عذب بشسته صاحب تب بان غسل کند صحت یابد و فرموده
که هر که سوره والشمس را کتابت کند و با آب عذب بشسته بیاشامد تب را زایل گرداند

فصل ۴ در دفع جوع و عطش و ضرر ماکولات ابن تمیم (?) آورده
که چون کسی سوره والعادیات را بر کوزه سفال نویسد و آن را با آب باران محو سازد و با شکر بیامیزد و بر ناشتا بیاشامد مدت سه روز از تعب (?) بفضل الله
از مرض جوع و عطش خلاص یابد و صاحب جواهر السطیم آورده که بعض علما فرموده اند که هر که طهارت کامل در صباح و مساء کرده واقعه را تلاوت کند گرسنه و تشنه نشود
[illegible] نه دراید و هیچ شدت و خوف و فقر لاحق وی نشود و حضرت پیغمبر صلعم فرموده که هر گرسنه که سوره یس بخواند سیر شود و هر تشنه که بخواند سیراب شود و صاحب
جواهر السطیم فرموده که سوره غاشیه را بر طعامی خواند و تناول کند از ضرر وی ایمن باشد و هر که سوره طارق را بر دارو ... زاد و به مریض خوانند شفا دهد (?) الله اعلم ... ایمن بود

و هرکه سوره قریش را بر طعامی خواند که از ضرر آن شوهم بترسد چون تناول کند همه از صحت آن وی بهره گیرند و از عارضه کلی و علتی کلی شفا یابد

فصل ۵

در دفع اوجاع بیرونی و امراض درونی اما اوجاع بیرونی مثل کلف و دمامیل و نقرس و فالج و عرق النسا و غیره در خدمت
والد فقیر در جواهر التفسیر الحاکه خواص فاتحة الکتاب که کرده فرموده اند که هرکه این سوره بزرگوار را جهت دفع کلف و دمامیل به نیت صادق و عزم صحیح
میان سنت و فرض نماز بامداد چهل نوبت بخواند صحت یابد و هرکه به نیت ازاله نقرس و فالج و عرق النسا و سایر امراض و اوجاع گوشت و پای این سوره را
بر اناء پاک بنویسد و به بهترین ملبان خالص بشوید هفتاد نوبت بآن دمد بخواند و بوقت صاحب قدر بر آن عضو در دمند اما امراض درونی مثل
درد شکم و جگر و سعال و طحال و زحیر و مثانه صاحب خواص القرآن آورده که هرکه را الم درونی عارض شود که منشا آن ندانند هفت بار سوره حجرات
قرائت کنند آن الم زایل شود و فرموده که سوره لقمان را یکبار بخوانند از درد شکم خلاص یابد و ابن عمیر آورده که هرکه سوره والعادیات را چنانچه
در فصل سابق گذشت بر کوزه سفالی بنویسد و نوشته را با آب باران محو سازند و آن آب را با مصطکی بیاشامد [illegible] و سه روز متصل استعمال نماید او را از
درد جگر خلاص کرده صاحب جواهر السطیم آورده که هرکه سوره الم نشرح را بر سینه خود خواند از مرض فؤاد که در دل است ایمن شود و سینه وی منشرح و فرموده
که هرکه سوره زخرف را کتابت کند و با آب باران محو کرده به صاحب سعال خوراند از آن مرض خلاص گردد و فرموده که هرکه سوره دخان را کتابت کند و بشوید
و آب آن را بیاشامد از علت زحیر خلاص شود و سوره والشمس همین خاصیت کند و اگر کسی سوره الم نشرح را بنویسد و بشوید و آب آن را بیاشامد سنگ گرده
و مثانه را بریزاند

فصل ۶

در دفع یرقان و جراحت و دمامیل و بواسیر و اورام و دفع امراض حار صاحب جواهر السطیم آورده که هرکه سوره سبا را
کتابت کند بر ظرف چینی یا زجاجی و با آب طاهر محو ساخته بیاشامد از مرض یرقان خلاص شود و رنگ روی وی بقرار اصلی باز گردد و هرکه سوره لم یکن را
کتابت کند و با خود نگاه دارد و بعد از آن که یکبار آن را بر ظرف چینی کتابت کنند و محو ساخته آب آن را بیاشامد حق تعالی علت یرقان را از وی
زایل کند و فرموده که هرکه سوره مومن را کتابت کند و با خود نگاه دارد همه قروح و جراحات که ببدن وی عارض شده بیشتر خلاص یابد و فرموده که هرکه
سوره منافقون را بر اوجاع و دمامیل خواند زایل شود و هرکه سوره والمرسلات را کتابت کند و از حفظ بیاویزد [illegible] دفع شود
و فرموده خواندن سوره غاشیه برای ورم و الام سبب تسکین و تخفیف آن بود و هرکه سوره حدید را بنویسد با شرایطی و با خود نگاه دارد هر ورمی که
در اعضای وی بود فرو نشیند و فرموده که هرکه سوره انعام را کتابت کند و از گردن [illegible] بر او بندد از جمیع امراض که بیمار را عارض میشود ایمن ماند
و اگر عارض شده بیشتر زایل شود و هرکه سوره التغابن را کتابت کند و از گردن بیمار بیاویزد از جمیع امراض که بیمار را عارض میشود مصون ماند و هرکه سوره
فاطر را کتابت کند و از گردن بیمار بیاویزد از هر طارقه و سارقه محفوظ باشد

فصل ۷

در حفظ حوامل و تسهیل ولادت و صیانت مولود
صاحب جواهر السطیم آورده که هرکه سوره لم یکن را بر ظرف چینی بنویسد و با آب طاهر محو سازد و حامله از آن آب بیاشامد و برای جنین و برای درد شکم نفع بلیغ رسد
و از جمیع آفات و اعراض محفوظ و مصون باشد و هرکه سوره الحاقه را کتابت کند و بر زن حامله بندد جنین در بطن وی از همه آفات و عاهات مصون
باشد و هرکه سوره المجادله [illegible] و اگر این سوره را بر جام زجاجی بنویسد و با آب طاهر محو سازد و در الساعه فرزند متولد شود و بر ارزانی [illegible] هر
ذهن و ذکاوت وی بیفزاید و از همه اسیب و مرض که اطفال را میرسد بسلامت ماند و اگر این سوره را بر روغن زیت خوانند و بر بدن مالند و بران [illegible] عظیم

رساند و از ضرر جمیع حشرات و طیور و سایر آفات محفوظ باشد و این روغن جمیع اوجاع بدن را نافع بود و فرموده که اگر کسی سوره الانشقاق را بنویسد و نزدیک وضع حمل
بر زن حامله بندد در ساعت بآسانی و سهولت بار بنهد و اگر کسی سوره والذاریات کتابت کند و بر زنی بندد که بعسرت میزاید فی الحال بآسانی بار نهد
در حصول اولاد صالح و وقوع ولد مذکر در کتاب بحر السطیم آورده که مردی که سوره والفجر را صد بار با زن الطبس بخواند پس بزوجه خود مباشرت کند حق سبحانه و تعالی
ایشانرا فرزند صالح کرامت کند و هم در آن کتاب آورده که از جمله مجربات است که در طلب فرزند مذکر اسمعیل که سوره اعلی را کتابت کند با آب الطبس و در
پهلوی راست زوجه بیاویزد در اول ماهی که آبستن شده باشد حق تعالی وی را فرزند نرینه کرامت فرماید مقصد ۸ در ادرار لبن مرضعه صاحب
بحر السطیم آورده که هر کس سوره یس را بگلاب و زعفران بنویسد در ظرف چینی یا زجاجی بنویسد و بشوید و از مستعمل بیرون با آب عذب شسته
بخورد زن مرضعه شیر در پستان وی بجوشد و بسیار شود و اگر مردی بیاشامد او را کامل کند و از همه امراض شفا بخشد و هر که سوره حجر را کتابت کند
بگلاب و زعفران محو سازد با آب طاهر و شیر دهنده از آن آب بیاشامد شیر در پستان وی بسیار شود و سوره حجرات نیز همین خاصیت دارد مقصد ۹
در دفع بکاء و فزع اطفال و تسهیل فطام و رستن دندان و انطلاق لسان ایشان صاحب بحر السطیم آورده که هر که سوره ابراهیم را کتابت کند
بر حریر سفید بعد از ظهار بتکلم و بر طفل بندد که بسیار گریه کند ترک گریه دهد و فزع و ترس وی در خواب و بیداری زایل شود و از چشم زخم حسود
ایمن ماند و برود و اسهال از وی باز شود و فرموده که هر که سوره ق بر ظرف چینی نویسد و با آب باران محو سازد و از آن شیر بطفل دهد که بدشواری
دندان بر آورد زود بر آرد بی آنکه محنتی بوی رسد و فرموده که هر که سوره بنی اسرائیل را بگلاب و زعفران کتابت کند و با آب عذب شسته شیر
از آن بطفل دهد که در سخن گفتن آید زبان وی بگفتار جاری گردد و اگر لکنتی بر زبان وی بود زایل شود و طلاقت لسان حاصل گردد باذن الله
مقصد ۱۰ در تعویذ اطفال از شیاطین جن و انس و امن ایشان از چشم بد و نهش هوام صاحب بحر السطیم آورده که هر که سوره جاثیه را
کتابت کند و از طفل بیاویزد در اول ولادت محفوظ و محروس باشد از ضرر جن و انس و هوام و هم وی آورده که شیخ ابوالحسن شاذلی فرموده
که هر که معوذتین را بنویسد و بر اطفال بندد از ضرر جن و انس و مرض ام الصبیان و نهش هوام در حفظ و پناه حق باشد و هم وی فرموده که
که سوره بلد بر طفل بندد در اول ولادت از جمیع ضرر جمیع موذیات سالم شود و الذخیرة در جواهر التفسیر آنکه ببیان اسماء فاتحه کرده آنکه اسم
پانزدهم وی الرقیه است و رقیه بمعنی افسون باشد و در شمس المعارف آورده و قول اول صحیح تر است بجهت آنکه در حدیث ابی سعید خدری که در صحیحین وارد است
بلفظ رقیه مذکور شده و اصل این روایت چنانست که حضرت رسالت پناه جمعی از اصحاب را بسفری فرستاده بود و ایشان در اثنای راه رسیدند بیکی از احیای
عرب رسیدند که مهتر ایشان را مار گزیده بود و مردم از معالجه او عاجز بوده و فرومانده با هم گفتند بیایید تا از این مسافران استعلام کنیم شاید ایشان
چیزی دانند که سبب شفای مهتر ما شود بنا بر آن جمعی از رؤسای ایشان نزد صحابه آمدند و التماس رقیه و تریاق نمودند یکی از صحابه گفت من افسون میدانم و ازاله
وجع و الم وی میکنم بشرطی که شما ضامن قبول کنید آنرا قطیعی از غنم که سی رأس گوسفند باشد قبول کردند و آن صحابی بر سر بالین بیمار آمده فاتحة الکتاب را بخواند و بروی دمید
فی الحال اثر شفا ظاهر شد و آن مار زده سلامت بر خاست و صحابه گوسفندان را گرفته بملازمت آنحضرت آمدند و صورت حال را بموقف عرض رسانیدند و آنحضرت

الحوزی کز بیره را گفت وما یدریك انها رقیة چه چیز دانا کردانید ترا بانکه فاتحه رقیه هست و بعد از حسین الخارزمی فرموده اند از آن کوسفندان طلب کرده سهم
ما خاصه فرمود باب ب در تحصیل اخلاق حسنه و صفات مرضیه مشتمل بر چهارده فصل فصل ۱ در توفیق خیرات و قبول و موفق شدن
لحفظ قرآن فصل ۲ در تحصیل اخلاص و یقین و ظهور حکمت در زبان فصل ۳ در دفع شرک و سوء اعتقاد فصل ۴
در اصلاح صفای دیه از علل حسد و کبر و دفع کذب و تحصیل صدق و خلاص از شرب خمر فصل ۵ در دفع ضیق صدر و حصول سرور و وسعت
قلب و دفع کسل فصل ۶ در دفع هموم و غموم فصل ۷ در تحصیل محبت باطن و اوصاف کمال و خشوع و خضوع و دفع اضطراب و خوف
فصل ۸ و در تقویت ذهن و ازدیاد قوت حافظه فصل ۹ در تحصیل ذکاوت و فطنت و دفع نسیان و تقویت ذهن و حفظ فصل ۱۰
در دفع وساوس دیوان و هواجس شیطان فصل ۱۱ در دفع شهوت جماع و احتلام و منع اضغاث احلام فصل ۱۲ در رؤیای صادقه
و صالحه و دیدن حضرت رسالت پناه صلعم در واقعه فصل ۱ در توفیق خیرات و قبول و موفق شدن لحفظ قرآن صاحب جواهر التنظیم آورده که
هر که مداومت نماید بر قرائت والشمس صاحب حظوه و توفیق و قبول گردد و از وی بسیار خیرات حاصل شود و هر که مواظبت نماید بر تلاوت سوره مدثر به نیت
حفظ قرآن که بازگشت فصر و شود نیز والاد رحالة که حافظ برد و والد فقیر از بعضی اکابر نقل کرده اند که هر که فرزند خود را به نیت حفظ کلام الله سوره
یوسف یاد دهد و وی روزی یکبار باین نیت بخواند موفق شود بحفظ کلام الله فصل ۲ در تحصیل اخلاص و یقین و ظهور حکمت بر زبان صاحب
جواهر التنظیم آورده که هر که سوره نساء بسیار خواند در دل وی صفت یقین ثابت شود و در زبان وی حکمت جاری گردد و هم وی فرموده که شیخ ابو الحسن شاذلی
گفته اگر خواهی ترا صفت اخلاص حاصل شود بر تو باد بمداومت قرائت قل هو الله احد و ابن قیم آورده که هر که در نمازهای نافله سوره اذا جاء نصر الله
خواند یقین وی بیفزاید و دعای وی مستجاب شود فصل ۳ در دفع شک و شرک و سوء اعتقاد صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که بر تلاوت
سوره والمرسلات مداومت کند از صفت شک و شبهه باطن وی صاف و پاک شود و در مباحثه با خصم خود حجت و برهان غالب آید و فرموده که هر که بر قرائت
قل یا ایها الکافرون در وقت طلوع و غروب آفتاب مواظبت نماید ایمن شود از شرک و شک و سوء اعتقاد فصل ۴ در اصلاح صفای دیه
از علل حسد و کبر و دفع کذب و تحصیل صدق و خلاص از شرب خمر صاحب جواهر التنظیم آورده که هر که سوره زخرف بنویسد با آب باران محو کرده بخورد زن
سلیطه و بد خوی او خوش خوی شود و از مخالفت شوهر بگذرد و والد فقیر در جواهر التفسیر آنجا که بیان خواص فاتحة الکتاب کرده اند
آورده که خاصیت ششم وی آنست که رفع علل حسد و کبر و جمیع آفات نفس کند بشرطی که در هر شبانه روزی دویست و چهل و هشت بار بخواند
و صاحب جواهر التنظیم از ابو الحسن شاذلی نقل فرموده که گفته اند که اگر خواهی که زبان تو بر صدق و صواب جاری شود کذب و خلاف ساکت گردد
بر تو باد که سوره قدر را بسیار تلاوت کنی و هم وی فرموده که هر که سوره مومن را بر خرقه سفید کتابت کند و در شهری از شهرهای متبرکه آن نوشته
را از شارب خمر بیاویزد از آن فعل متغیر شود و دیگر هیچگاه شارب خمر نشود فصل ۵ در ضیق صدر و حصول سرور و وسعت قلب و دفع
کسل صاحب جواهر التنظیم آورده که سوره الم نشرح صد بار بر سینه خود یا غیر خود خواند از تنگی سینه خلاص شود و باطن وی منشرح گردد و هر که

سوره عنکبوت والتین الا که بنکرده بشوید و آن آب را بیاشامد بهمان خاصیت و درد دل اسرور و بهجت پیدا شود و ضعف کسالت که باشد
از وی زایل گردد فصل ۶ در دفع غموم و هموم صاحب جواهر السطیم آورده که هر که سوره نوح بسیار خواند هر غم و هم که دارد تشویش زایل گردد
وهم دران کتاب حدیثی در فضایل و منافع سوره یس روایت شده از حضرت پیغمبر صلعم که هر که بعد از هر فریضه بامداد سوره یس بخواند در فرح
و سرور باشد و هر شام که بخواند در فرح و سرور باشد تا به صباح و فرموده که بعض عارفان چنین گفتند که چون کسی را غم و الم روی نماید و مهموم و مغموم
و محزون گردد باید که سوره یس را تلاوت کند و چون ختم کند این دعا بخواند که سبحان المفرج عن کل مغموم سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان من جعل
خزائن رحمته بین الکاف والنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون یا مفرج الهم
فرج عنی یا مفرج الغم فرج غمی هم و اندوه او زایل شود و راقم این حروف از بعض از علما استماع دارد که در وقت دعا گاهی لفظ هموم و محزون میخوانند
و بعد از لفظ انس با کلمه سبحان میگفتند و بعض عبارت برعبارت مذکور تمام میکردند فصل ۷ در تحصیل محبت باطنی و اوصاف کمال و خضوع و خشوع و دفع
اضطراب صاحب جواهر السطیم آورده از حضرت پیغمبر صلعم روایت شده که هر که سوره یس را بنویسد و بشوید و آب آن را بیاشامد در باطن وی هزار دوا و هزار
صفا و هزار القایه و هزار برکت و هزار حکمت و هزار رحمت در آید و مرض و ضعف و امراض که در درون وی باشد زایل شود و هم وی فرموده که هر که سوره قیمه را
بسیار خواند او را خشوع و خشیت حق تعالی در دل او مملو شود و اگر کسی چند بار این سوره را بر آب غسل طاهر خواند و بر ناهار بیاشامد و در وقت
سحر تلاوت کند صفت خوف و خشیت در او حاصل شود و هر که سوره ق را بنویسد و با آب باران شسته بیاشامد دل او از هر خوف و اضطراب خلاص شود
و اطمینان یابد فصل ۸ در تقویت فهم و ازدیاد قوت حافظه صاحب جواهر السطیم آورده که هشام بن الحارث از ابن عباس نقل کرده که گفت روزی
رسول صلعم فرمود که ای پسر عباس میخواهی که ترا هدیه دهم که جبرئیل مرا تعلیم کرده از برای حفظ گفتم بلی یا رسول الله فرمود که بنویس در طشتی پاک
بزعفران و گلاب سوره فاتحة الکتاب را و معوذتین را و قل هو الله را و یس را بتمام و سوره ملک و سوره حشر و سوره واقعه را بالتمام و در
روایتی بجای واقعه القارعه هست پس آن نوشته را با آب زمزم یا با آب باران بشوی و در وقت سحر بیاشام با سه مثقال لبان و ده مثقال شکر
پس دو رکعت نماز بگذار در هر رکعت پنجاه بار فاتحة الکتاب و پنجاه بار قل هو الله احد بخوان و از نو روزه دار ابن عباس گوید که اسمعیل کسی را نزد
که عمر او شصت سال کمتر بود و من یاد گرفتم از آن حضرت و بان عمل کردم هم چنانکه بود که آنحضرت فرموده بود هم صاحب جواهر السطیم گوید که زهری اسمعیل ابرای
اولاد خود بجای آورده گفته که ما تجربه کردیم و اثر آن دریافتیم نسب بکسی که عمر وی از شصت سال کم بوده بود از عاصم نقل کرده است که عمل فرموده
که بن اسمعیل کردم و در آن وقت پنجاه و پنج ساله بلکه بیشتر بودم نکند تا الا انکه در نفس خود مشاهده کردم زیادتی حفظ بمرتبه که صفتش نمیتوانم کرد
فصل ۹ در تحصیل ذکاوت و فطنت و دفع نسیان و تقویت حفظ صاحب جواهر السطیم آورده که هر که سوره حشر را بنویسد بر زجاجی ابیض یا حریر سفید
و اثر آن با بلی راق محو کند و بیاشامد حق تعالی او را ذکاوت و فطنت روزی گرداند و نسیان وی زایل شود و هر که سوره اعلی را بنویسد و
با خود نگاه دارد ذهن وی صاف شود و قوة حافظه وی بیفزاید و نسیان و نقصان ببرد و ابن تمیم آورده که هر که بنویسد بمشک و زعفران با مشک خالص

برجام زجاجی سوره فاتحه را بگلاب خوشبو محو کنند و بنوشد و هر روز متصل با مداد و ناشتا بیاشامد بهره ذکاوه حافظه وی بیفزاید و نسیان
وی ضعیف گردد و هرچه بشنود بر ذکر وی ماند و هرگز فراموش نشود **فصل ۱۰** در دفع وساوس دیوان و هواجس جنیان صاحب حجج العظیم
آورده که هرکه سوره جمعه بسیار خواند از وسوسه دیوان و مزاحمت ایشان ایمن گردد و هرکه سوره دخان بنویسد بشرایط و با خود دارد از شر شیاطین
محفوظ ماند **فصل ۱۱** در دفع شهوت جماع و احتلام و دفع اضغاث احلام صاحب حجج العظیم آورده که هرکه سوره نور را بنویسد و با خود گاه
خواب برد تا آن بعضه تا وی محتلم نشود و اگر آن سوره را بر اناء چینی یا زجاجی کتابت کند با آب زمزم یا آب غیر طاهر بشوید و بیاشامد شهوت
جماع از وی منقطع شود والله اعلم لعابت ضعیف بود و اگر احیانا مباشرت کند ازان حظ نیابد و هرکه شب پانزده بار سوره واللیل در وقت خفتن
تلاوت کند ان شاء الله خوابهای پریشان دیدن ایمن بود و تا صباح خواب ایمن کند و هرکه بوقت خواب کردن سوره معارج را خواند ان شاء الله احتلام
و خواب پریشان دیدن تا روز فارغ بود **فصل ۱۲** در رؤیای صالحه و حضرت رسالت صلعم در واقعه دیدن صاحب حجج العظیم آورده که هرکه
سوره مریم را کتابت کند و آنرا در شیشه نهد و در منزل خود نگاه دارد خیر بسیار بیند و همیشه در خواب چیزهای خوب بیند بهره کند که موجب سرور
و فرح وی باشد و هرکه سوره کوثر را در شب جمعه هزار بار تلاوت کند بآنکه در میان فعل با قوت اجنبی دراید بعد از آن هزار بار بر حضرت صلعم
صلوات بفرستد و بر اکل حلال با طهارت کامل و نظافت لباس و پاک فرش خواب کند ان شاء الله حضرت رسالت صلعم در واقعه بیند و بمشاهده جمال الحضرت
مشرف شود و دیدار مبارکش را معاینه ببیند والله اعلم تمت الکتاب و ربنا المحمود وله الکارم والعلی والجود و صلی
الله علی محمد المحمود و اهل بیته المسعود

تبارک یحیی اضعی النسا

سنه ۱۱۰۷ — شهر صفر المظفر

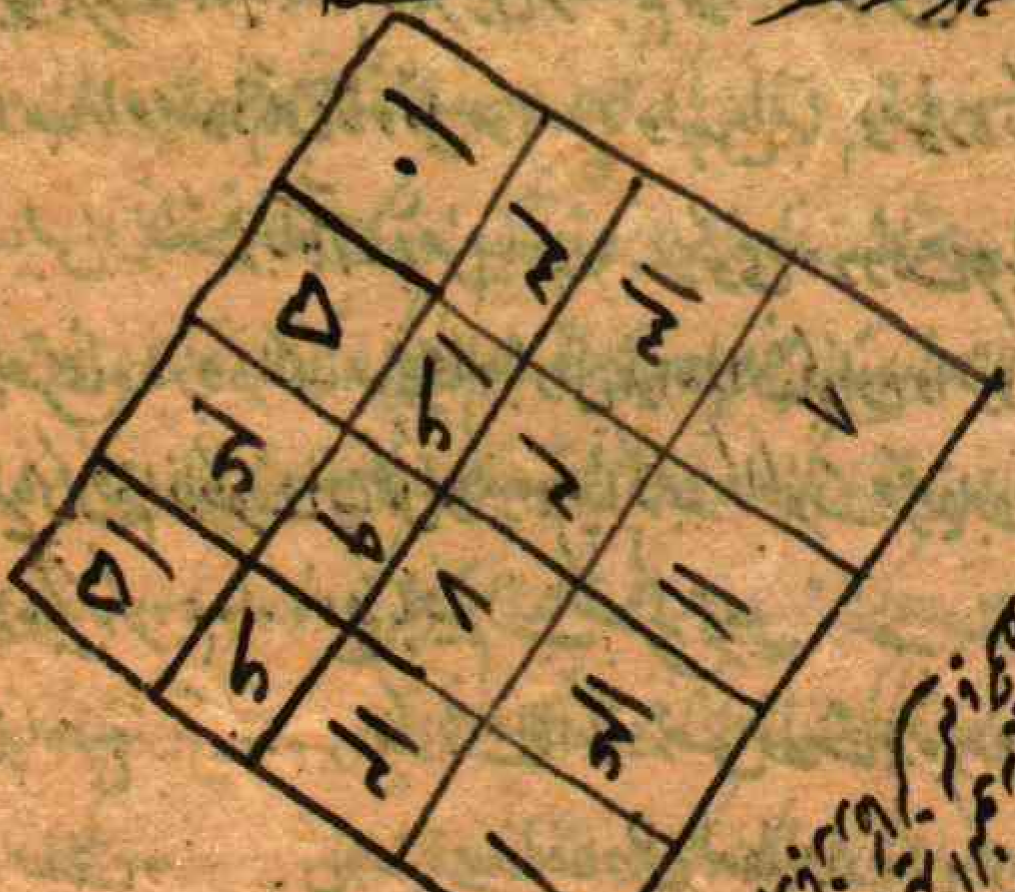

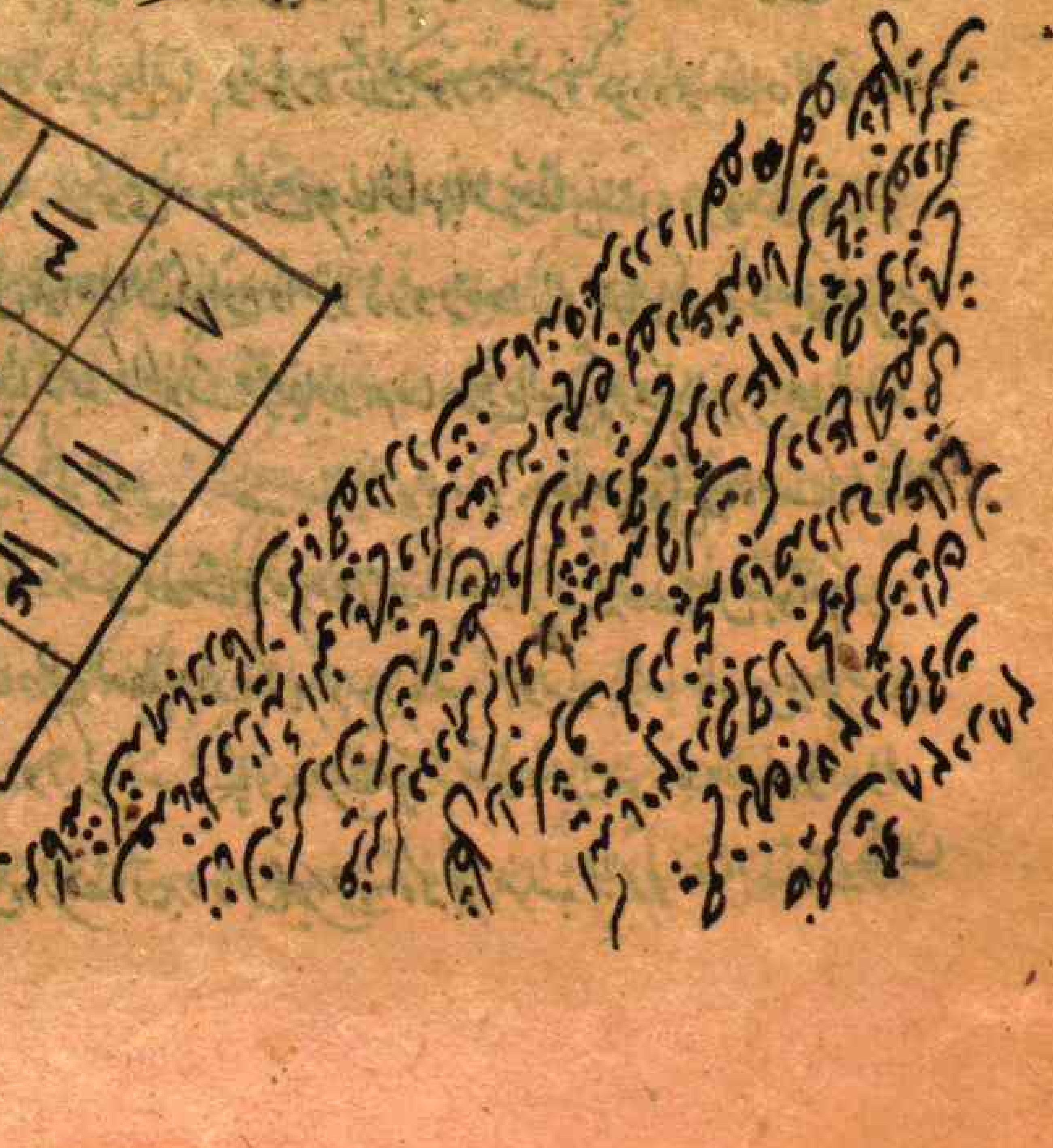

[illegible]

هذه اللوح من اعمال خواجه نصير الدين طوسی رحمه الله تعالى تمام من كتب هذه المثمن فرزعت
سعه بنية تحول والاقبال وكثرة الاموال وحصول المقاصد والحفظ من الاعداء وغيرها
حصل له جميع المذكورات بعون الله تعالى ولا شك فيه لانه اسماء اعظم تم

أهيج	مكهيج	شمكهيج	عهكهيج	بجي اهيا	شراهيا	اذوني	اصباوث
اذوني	اصاوث	كهيج	عهيج	سمكهيج	كهكهيج	بجي اهيا	شراهيا
اهيا	شراهيا	اذوني	اصاوث	كهيج	مكهيج	شمكهيج	كهكهيج
شمكهيج	كهكهيج	اهيا	شراهيا	اذوني	اصباوث	كهيج	عهيج
شراهيا	اهيا	كهكهيج	شمكهيج	مكهيج	كهيج	اصباوث	اذوني
اصباوث	اذوني	شراهيا	اهيا	كهكهيج	شمكهيج	مكهيج	عهيج
مكهيج	كهيج	اصباوث	اذوني	شراهيا	اهيا	كهكهيج	شمكهيج
كهكهيج	شمكهيج	مكهيج	كهيج	اصباوث	اذوني	شراهيا	اهيا

هو العلي
دعاء حرز دائم جهة حفظ
بسم الله الرحمن الرحيم توجه نفق مدين
قل عسى ربي ان يهديني سواء السبيل الم الم الم المص
الر الر الر المر الر كهيعص طه طسم طس طسم الم الم
الم الم يس ص حم حم حمعسق حم حم حم ق ن برحمتك
يا ارحم الراحمين سلطس ٩ ع هو ن ره انبه ٥ باوبه ف
نصسا ٩ سلطس و ٥ به هو ع ما راينه ٥ ما وبه ق
ع نصا ع تمت الحمد لله الصمد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد واله اجمعین چنین گوید مولف این کتاب رئیس الحکما وافضل القدما ابو علی سینا که جماعتی از دوستان ویاران عزیز که در علم نیرنجات وطلسمات وافسونات داعیه تمام داشتند وروزگار خود را بران صرف نموده وهیچ فایده نیافته بکرات ومرات ازاین فقیر درخواست کردند بر مقتضای التماس ایشان این کتاب را تالیف کردیم ونام کنوز العزیز نهادیم ودروی سبع فصول الفصل الاول در عمل انچه تعلق باوراد دارد که عمل صداقت کنند باید که در روزهایی که تعلق ابزهره ومشتری دارد وشبهایی که تعلق این کواکب سعد دارد وحروفات کوکب سعد داند وحروف ان کوکب وخطاب ان کوکب وبخوران کوکب بکار برد تا مراد باحسن وجه براید واین حروفات کوکب را بچهار قسمت کردیم یکقسم را حار ویکی یابس ویکی بارد ویکی رطب وحروف کواکب سبع اینست زحل اجهب مشتری ورده مریخ حطی کشح افتاب لس ث ظ زهره م ف ذ غ عطارد ن ش ص ض قمر ع ح طاق مخصص دخواص حروف وتاثیرات ایشان در اجسام ونفوس مرکو یم که هرچه عنصریت از اجسام پیدا شود چنانکه او را طبیعت واجب است هنگام تکون اما بزاو واجب است وان اسم از طبایع اربعه خالی نیست ونیز میگوییم که از طبایع دو فاعل و دو مفعول در هر جسم که در و حرارت بود پیوسته لازم آید پس حرارت با یبوست مشارکند در فعل و در جسم که در و برودت باشد رطوبت لازم اید پس حرارت با یبوست وبرودت ورطوبت مشارکند در فعل و در جسم مخصص جسم در ترکیب حروف واسما چون خواهیم که عمل ... کنیم عغغ اول حروف نام طالب ونام مطلوب وازو حروف کوکب منسوب بستانیم و مرکب سازیم واو را بچهار قسم کنیم که در هست می نشیند که نام کوکب ونام طالب ونام مطلوب حاصل شود پس چون ترکیب کنیم صحیح معرب ومعجم کنیم واین چنان باشد که هر حرف که حار است فتحه وهر چه یابس ضمه وهر چه بارد کسره وهر چه رطب وقف کنیم پس انگاه که معرب ومعجم کرده باشیم ابتدا باین بخور کوکب بسوزانیم وخطاب باو کوکب کنیم

تا مطلوب حاصل شود وحروفات حاره	اَ	هَ	يَ	كَ	مَ	نَ	عَ
حروفات یابسه	جُ	زُ	كُ	سُ	فُ	تُ	حُ
حروفات بارده	حِ	رِ	شِ	ثِ	نِ	صِ	طِ
حروفات رطبه	بْ	دْ	خْ	ظْ	غْ	طْ	قْ

مثلا خواهیم محل حبیب کنیم و با محمود و فاطمه حروف زهره که منسوب مزاج وهم که معرب و معجم کنیم اول اسم طالب م ح م د بعد اسم مطلوب ف ا

ط م ه ح ح م ح د بعده حروف کوکب م ف ن غ یس یکحرف از اسم طالب و یکی از اسم مطلوب و یکی از کوکب تا مثال تمام شود م ف

ص م ح ا ف م ط ذ ی ه ا غ دا بو ایهای که زیادتر از چهار حرف باشد تقسیم غیر متعدد بنویسد مثلا اگر اسم هشت حرف برسه قسمت کنند اول از

چهار حروف اول بنویسد و حروم از دویم از چهار حرف ثانی و هم چنین تا اخر بنویسد و ترکیب کنند و معرب و معجم کنند و بران کوکب که منسوبست

بسیار ابوی خوش بسوزانند مثلا م ف م ح ا ف م ط ی م غ د ح ح غ م و ذ ط م ا ح ف م مقدم حافظان و مغ ده موخر هد

مفتاح دطوعم **خطاب زحل** اقدس بتعظیم الله النور القاهر الشدید النبی صاحب العزة والقاهر بطلنم کیوان و اقدس عبد

الله کیوان طالب الرفیع السید المنیر علی المسکن کبیر الشان عظیم الامر غایر الفکر بعید المنطق فیاض البرودة الیبس صاحب الشیخ و النوح

والنقص والنجار دبة اللحم والوقار والملایل والقهر والثبات و اتنی علی شخصه النیر ونفسه الشریفه و اقدس مسکنه العالی المقدس الکریم

ایها السید العظیم اسمک الکبیر شانک الرفیع قدرک العالیه د رجتک انت الرجل الیابس البارد المظلم الحل الصا دق الهول الصعب

النعت المعوق بالغم والحزن المتجلی من الفرح المختار المها والعالم الشیخ المجرب النبی من الحسنة والتعبیر من السعیدیا اسئلک ایها الاب

الملائک العظام و اخلاقک الکرام ان تفعل مرادی و مقصودی **خطاب مشتری** اقدس بتعظیم الله النور القاهر الشدید ذو الوبا البهی

المشرق نام الغسق العلی البهی کات مبنع الخیر و العدل و المحبة و الایتلاف رب المشتری الذی هو طلم و اقدس عبد الله التابع لاب

الفاضل الغالب الزهیر المنیر السعید الکبیر الحکیم صاحب العلم والعدل والصدق والحیاة والکمال والظفر والکادم والزهد والوفا عظیم

الهمة والعیافت واثنی علی شخصه النیر ونفسه الشریفه و اقدس مسکنه العالی المقدس الکریم ایها السید المبارک الحکیم صاحب الدین

الزاهد البارع عظیم الهیبة الصالح الکریم الشیخ المعیه الوفی بالعهد اسئلک ایها الاب بحق اخلاقک الجمیلة و افعالک المنفیة ان تفعل

بی مرادی و مقصودی **خطاب مریخ** اقدس بتعظیم الله النور القاهر الشدید ذی العز القوی و الغلبة العظیم والبصر الماملة رب المریخ

الذی هو طلم اقدس عبد الله التابع المریخ الفاضل الشجاع القاهر صاحب القهر والطیرة والباس الشدید والنار الموقدة والصوء

المعیب الحر النفس والقوة والسلطنة واثنی علی شخصه النیر و نفسه الشریفه و اقدس مسکنه العالی المقدس الکریم ایها السید الفاضل

الحاد الیابس الشجاع القلب المرخ الدم القاهر الغالب البطاش بالحدید صاحب الحرو المعاتب والضرب والسجن والکذب والنمیمة

القلیل المیلان یا الفتال الوحید الوثیب حامل السلاح کثیر النکاح اسئلک ان تفعل بی مرادی و مقصودی **خطاب شمس**

اقدس بتعظیم الله النور القاهر الشدید الفاضل القوی صاحب الهیبة العظمی والعزة الکبری المشرق المنیر شب الملوک زینة العالم العاقل

رب طلسم هو رخش و اقدس هورخش الحکیم الفاضل سراج العالم ملک الکواکب واسطة النظام رئیس السما الشخص النورانی و الکوکب

الازهر قاهر الضوء فاعل الهنا دکامل القری خازن العجایب شدید الهیبة المستغنی بنوره عن جمیع الکواکب یعطیها ولا یوخذ منها و یکسوها

النيرة والبهاء والضياء والاشراف وانني على شخصه المنير ونفسه الشريفة واقدس سكنة العالي المقدس الكريم ايها السيد الحاد البائس

الكريم الحكيم ملك الكواكب ولك الفضل عليها وهم والمودة والخلق الحسن والغناء والطرب والبهجة فانني على شخصها النيرة

ونفسها الشريفة واقدس مسكنها المقدس الكريم ايها السيد المبارك الرطبة المعتدلة اللطيف العطرة حسنة الخلق تسعد وان اذا

نظرت وتنحس اذا خالفت فانها لا تعرف فضلك وان بك رات عند التلك يا احياء السما يا محوطا قويا يا شديد البطش اسئلك

ان تفعل مرادي ومقصودي **خطاب زحل** اقدس لتعظيم الله النور القاهر السيد البهي الجميل الفسيح صاحب الحسن واله البهجة كامل

العقل المقدس المشرق المضيء بالزهرة التي البهية ذات الملاحة واللطف والنظافة والحيا والجمال والفطن والاعمال الصالحة صاحب

الحلي والزينة واللهو والطرب والفطنة صاحب اللعب والمزاح القاهرة الطالبة المتوجة العادلة المحبة خير النكاح صاحب السرور

اسئلك ان تفعل مرادي ومقصودي **خطاب عطارد** اقدس لتعظيم الله النور السيد الفاضل المشرق مفيض الحقايق الغوامض ب

العطارد النير العالم الفاضل الناطق الصادق صاحب الحجة والنطق والفطنة والحيل والكلام والكتاب واسرار العلوم والحساب رئيس

المتكلمين والفاضلين سلطان الوزراء في العالمين جو السماء المساعد الكواكب السعود وانني على شخصه النير الكامل الواحد المقدس

نفسه الشريفة العالية اقدس مسكنه العالي والمقدس الكريم ايها السيد الفاضل الصادق العاقل الناطق الفهيم الناطق العالم الكاتب

الحاسب القايل المفرج المفيد للمالك في التجارة صاحب الحث والمكر الصادق اللطيف الكيس الخفيف فلا يعرف لك طبع ولطف فلم يوجد

بوفيك كنت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذكور مذكر ومع الاناث مونث ومع النهار نهاري ومع الليل ليلي يا ذهبهم في

طبايعهم ويا كلهم في ما كلهم كلك انت اسئلك ان تفعل في مرادي ومقصودي **خطاب قمر** اقدس لتعظيم الله النور القاهر

السيد النير السائر اللامع البهي ذي الجمال والفضايل رب الفم الذي هو ظلمة واقدس عبد الله الطالع القمر السيد الفاضل الحجاج

مفتاح النجوم فارس الفلك وزير هو حسن وخليفة صاحب الرطوبات ممد المياه واهب الملح مصباح حاجب السموات سريع المسير وانني على

شخصه النير ونفسه الشريفة واقدس المسكنة العالي المقدس العالي الكريم ايها السيد السعيد البارد الرطب الجميل الفرح الماضي في الذي

محب اللهو والغزل والمهب صاحب الرمل وملاحيا وقلة الكفاف البلد والبحر الحكيم انت اقربهم واليا فلكا واعظمهم نفعا وانت المولف

بين الكواكب الناقل لانوارها والمصلح بين بعضها وبعض بصلاحك يصلح كل شيء وبفساد ذلك كل شيء واسئلك ان تفعل في مرادي

ومقصودي بخور كواكب سبعه كه بر كاه الخطاب بخوانند در آن دود كنند بسوي بان كوكب بخور آن بخور است **بخور زحل**

زعفران وحرمل كندر وميعه **بخور مشتري** مصطكي ميعه سندروس عود صمغ عودو سم الفار كافور صنوبر **بخور مريخ** كندر وصبر زرد و

افيون ودار فلفل وسندروس **بخور شمس** عود و زعفران ميعه وحب لبان وحب الغار **بخور زهره** عود زعفران مشك قسط شكر لادن قشر خشخاش

بخور عطارد اشنه زيره كرمانی مصطكي قسط **بخور قمر** كندر وحب لبان مازو قلق خرنوب **مقر** جمله اجزا را سا و ركينه و را نود زدر

ساعت اول هشتم بخور کنند صبر تا مهلت طالب و مطلوب و مادر وی حساب کنند و ابجد ۱۵ از ابراء اضافه کنند در ساعت نیک بنویسد و بر

بازو بندد و باید رفتار [illegible]

١	١٥	١٤	٤
١٢	٦	٧	٩
٨	١٠	١١	٥
١٣	٣	٢	١٦

مربع مخمس مشتمل بر ده باب باب در عمل کردن که مرتب افتد هر باب در بیان مطلوبات که بعمل تمام نماید باید که

عمل در باب آنکه هر روز دو موکل دارد یکی علوی و دیگری سفلی هر دو

دو اسم موکلات بر سر عمل بنویسد تا موثر و مجرب افتد روز یکشنبه ملک علوی روبائیل

سفلی مذهب روز دوشنبه ملک علوی طیائیل سفلی ابیض روز سه‌شنبه ملک علوی سراطیل

سفلی احمر روز چهارشنبه ملک علوی میکائیل سفلی برقان روز

پنجشنبه ملک علوی روماتیل سفلی شمهورش روز جمعه ملک علوی هواکل سفلی زوبعه روز شنبه ملک علوی اسرافیل سفلی میمون باب در

خاتم کواکب باید که هر خاتم را بر ظهر عمل بنویسد تا موثر و مجرب افتد خاتم زحل مرن خاتم مشتری ضحک خاتم مریخ سغلصع خاتم شمس

ماصاهه خاتم زهره ... خاتم عطارد هملکا خاتم قمر ده و ه ه باب چون عمل دوستی نویسند در اول عمل

این عزیمت بنویسند تا موثر و مجرب افتد عزمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس اجمعین بفلان بن فلان حالیه و قلبه و سایر من عشق فلان بن فلان اسرع

من طرفة العین الوحا الوحا الساعه و در آخر عمل این عزیمت بنویسد تا موثر و مجرب افتد لبیب بهذا التعویذ بحب فلان بن فلان حبا شدید الحب لا انقضاها ابدا

باب در تعویذ و تمیز این عزیمت نویسد ابنکیش یا اصحاب العداوة و البغضا والحق والباطل الوحا الوحا باسم فلان بن فلان الشدید

بلا بجبا ابدا باب در اول عمل زبان بند و خواب بند و عقد الرجل این را بنویسد تا موثر و مجرب افتد عقدت الالسنة و عقدت اللهم

فلان بنت فلان علی نفس فلان بن فلان [illegible] لا ینفع ابدا در بیان تعویذ بنویسد لبیب هذا التعویذ عقد النوم باللسان بارجل فلان علی

حب فلان بعقد العین با دید کت لا النوم و لا سنة بنت فلان باب در شکل کواکب طلسم اعداد مفتح باید نوشت

باب در طلسم کواکب که در زحل عمل کردن باید نوشت بر نعل که منسوب باشد بکوکب شروع و ...

با بدانداخت خاتم طلسم زحل ۱۱ ۱۱۱ و د و د و

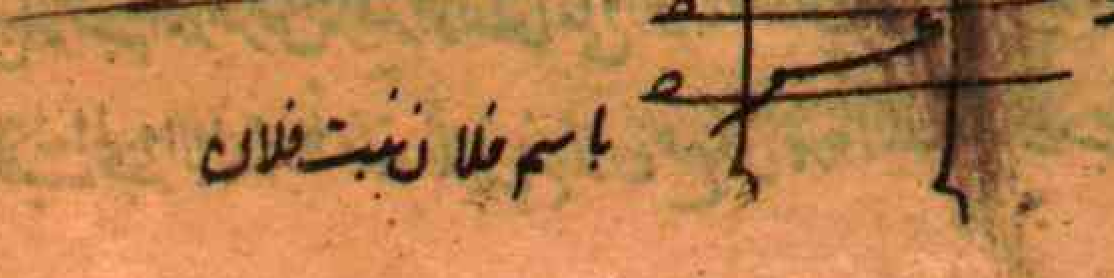

باسم فلان بنت فلان

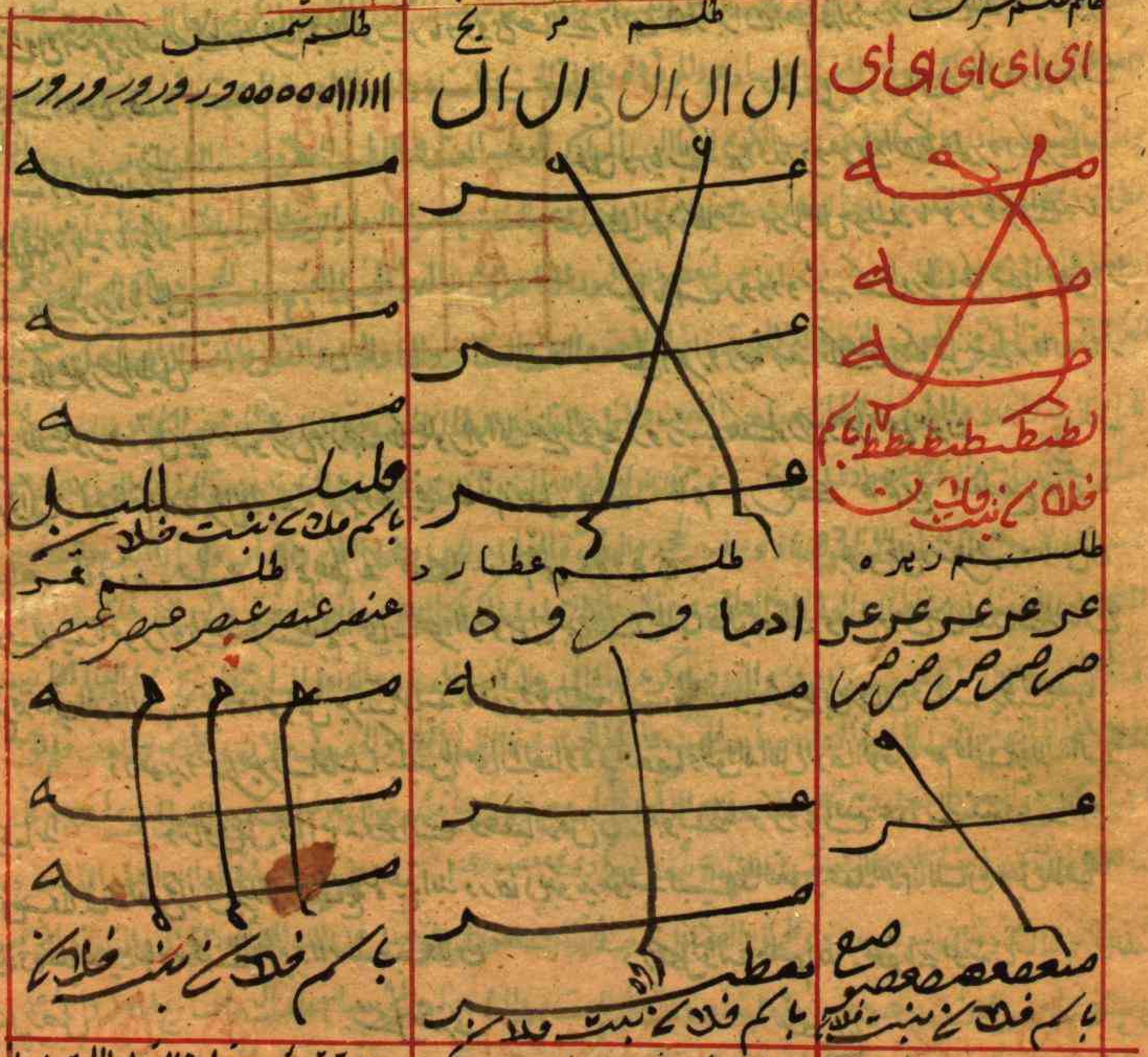

باب ـــــــــ در ترشید قلم حب و بغض باید که قلم در رجب روی کار دلبوی جمع کند در حالت ترشیدن قطعت القلم لاجل المحبة فلان بن فلان

علی محبة فلان بن فلان در وقت شق زدن قلم بگوید شققت القلم لاجل المحبة و الالفة فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان در وقت قطع زدن

بگوید الی بحالح لحلوخم امل موبی بالاجابه در قلم عداوت راد رلیت سرخولی تبر شد وابه ابه راد روقت شق زدن بخواند شققت القلم

وفی عت بین فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان و بین محبیهما و بین اخیهما الی الفراق العجل العجل الساعه و القینا العداوة و البغضا

و فرقت بین فلان بن فلان الی یوم القیمه باب جون رسغیل شروع کند باید که اول عهد نام حضرت سلیمان علیه السلام بخواند و این اند

ن سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین لیرانکم بگوید یا نور البشیر یا طهوس طلاح وعکتاین بلبلیس لمبلیح عکده

فلاصلح القیت المحبة و الالفة و الشفقه فلان بن فلان هیچ کی بزه الکتاب علی حب فلان بن فلان باب . در نوشتن عمل نشستن و طعام

خانه و خلوت و سر برهنه و تن دیلش آهنی و دستار زرکی بنهند و دست‌ها اتی ایستیده برابر دو دست حبیب بصفه سلوا زیبر و آن آید و ده بار استغفر الله
بگوید و سه بار الله اکبر و اخ تف نکنند و زبان در دهن حرکت نه یه و عطسه نکنند و روی بجانب خانه مطلوب نشیند در جای و حسن و
عمل محبت در جای تاریک و کیفا از عمل عداوت است و در عمل محبت شیرینی در دهن گیرد و در هم عمل عداوت تلخی گیرد باب
باید که پیش از نوشتن اینعزیمت حب بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا خالق السموات والارض یا ذا السموات والارض یا رؤف یا رحیم
یا جود یا کریم یا منعم کل شیء یا واهب کل شیء بعزتک و کرمک وجودک ان تفعل بفضلک کذا او کذا و حاجت محبت در دل بگذراند و در
عمل بغض این خطاب سه نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا جبار السماء یا قوی الاقویا یا شدید البطش یا عظیم الشان یا قهار یا فرد یا قدیر
یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بعزتک و جلالک و سلطانک ان تفعل کذا او کذا بقهرک و حاجت بغض در دل گذراند
و خطا نکواک سیم که پیش نوشته شده است بخواند جهت عقد النوم بنویسد و در آتش اندازد

<table>
<tr><td>ونک لیکها بنویسد بمشک و زعفران و گلاب و به آب بشویند
| ١١١ | ٣ | ٦ | ٩ | ١١١ | ٩ | ٧ | ١ | ٨ | ٩ | ط | ٩ | ٧ |
| ط | ١١١ | ١١١١ | ١١١ | ٢ | ١ | ح | ط | ٨ |
و زعفران و گلاب و به آب بشارت به مشغول بیند
اسطاوث اسطاوث خلواث ضیاد و شلله احلطن و باهباد و ربند
او منز سس و عطشفع سلوم کلک ک اب ب ل طس علس و کحموسا
ض هبا طبا بهبا صب هی هی هی
النعب ٩ ع ١١١١ ١١ ع بیه ٩ ٩ ٤ ١١١ ٢ ١ ٩ ١ ٩ ٦ ١١١١</td>
<td>جهت فتح الرجال
و بخور دو تقرح فذرت حق تعالی ساده کنند
عقد الفرج الحاکه زاپول کنند بر دارد و از خاک را قرص بابد
و چون خشک شود اینطلسم را بران نقش کنند و در جای که گوسفندان
بول کنند در زیر او دفن کنند مطلب برآید باب الحب بنویسد بر</td></tr>
</table>

کاغذ و بر در خانه مطلوب دفن کنند در جای خالی نشود بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احرق قلب فلان بن فلان علی محبت و عشق
و محبت فلان بن فلان العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعه الساعه الساعه الکور هیحت قلب فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان این اسم اعظم بنویسد
بر کاغذ و در کل گیرد و در آتش اندازد در حال اثر کنند ١١ ٩ د ١١١ ل م م ی ا ٧ ٦ ١ ٢ ١ ٨ ٩ ١ ١

ا ٥ | ا ٥ | ا ٥ | ا ٥ | ا ٥ | ا ٥ | ا ع
با سم فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان عقد الرجل بنویسد در شب چهارشنبه در موم گیرد و در
١١ ع ٢ ع ٩ م اهه ٩٩٩٦ ع ٩ م ٩ ع ١١ ٩ ٢ ٩ ٢ ٩ ع ٩
جای عمیق دفن کنند محبت العجل العجل الوحا الوحا الساعه الساعه
٧ ١ ٣ ٩ ٤ ط ٤ ١ ٢ ١ ٢ ١ ٢ ١ ٩ ٤ ١ ٢ ٣ ١ ٢ ٣ م ١١١ م ٢٢ ٣ ٣ ط ٥ ٢ ٥ ها ٨ صح ٤ ١١ ١١ ١ ٢ ١ ٢ ١١١١١ ٢٢ صح ١١ المجل ١ ٢ ٤ ١ ع ١١١١١ ٢٢ ل ٢ ١ ٢ ١ ع سرد یگر

باب در تسخیر جن باید که چهار روز ترک حیوانی کنند و چون شب جمعه آید چهار نوبت در چهار برج خانه چهار چراغ روشن کرده و هفت خط کشیده و در میان
خط بنشیند و چند انخواند که ایشان و پادشاهان حاضر شوند و سر بر خط نهند و سکه باد و هند و خط بر و نوشته نجوید از آن که خواهان خطرا
کاموخته اند بخواند همه شان حاضر شوند جهت هلاک اعدا صورت آن خصم باز زند و اسید عبارا هزار و یکبار بخواند و در میان قبر کنند دفع کنند
آن خصم هلاک شود جهت حب بر نعل اسب بنویسد و در آتش اندازد و جهت بال بند بنویسد بازرگان و باخود دارد بهره بسم الله الرحمن الرحیم

ونیز اگر خواهی که عقد کنی [illegible] ا ع ا ع ا ع ١٣ ١٣ ١٣

اللهم بحق جوهر وبحق وجهر وبحق محمد رسول الله حبيب الله وبحق طيهث تبا نا الظره بنا يا هون سنواهوان بحق ده اصوده

ارغد نهبا بوطانثوا رابنش طشوب قبتوب فلما حظانا دزنب اشراعا نلانا اطي يوطي طابا طابط والعلم طبوماك

والبرح شميا معقول وما انزل على الملكين ببابل هاروت وماروت وبحق سليمان بن داود عليهم وبحق خاتم وبحق هرهيو واهيا

اوونى اصباوت السيداى انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين اجيبوني واطيعوني هذه الساعة

فيمم النمر وحيث كنتم باذن الله عليكم برحمتك يا ارحم الراحمين رب اغفر وارحم وانت خير الناصرين هاروت ماروت هامان شيطان به

اين قل اوحي سه مرتبه بخوانند تا تمام عمل بهر مرتبه مطلوب حاضر گردد و نصف روز بر کرسی چوبی کنند وعلى الدوام بخوانند تا اجنه مسخر شوند بعده

والسابع شليع بهويم بهوا قواهو هو يا هو يا هواج الشا لعر قال دنقا ليه شقبا ال العا الى بلي فوفرح يا فرح فردال

فدعى نقال الشلع هذي بويه بر تبكه تبكفا الصفي كفى تمهيا مطيفيلك يا الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة المتعال درتب بر

خزه وحو ركعت نماز بگذارد وابن عزيمت را سصيد نوبت بخواند هفت نفر از جن حاضر شوند وبا آن اقرار کنند که هرگاه طلب کنی بیایند بسم الله

الرحمن الرحيم عزمت عليكم واقسمت عليكم بجبرائيل شائيل اسمعيل مكان سلطانه على سلاطين الجن وملوك الشياطين احضروا يا

اصحاب الجن والانس والشياطين من جانب المشارق والمغارب من جانب الجنوب والشمال بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله

وبحق سليمان بن داود عليهم برحمتك يا ارحم الراحمين عزمت عليه اولايت اقسمت عليكم يا معشر الارواح الروحانيه بعزة الله وسود

وجه الله وبحق اسماء الله وبحق بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي يا قيوم يا شافي يا كافي يا ملكا هادي يا لطيف يا باقي اجب يا

دوقائيل انت وخدامك من الروحانيه والعرضيه وانت يا مذهب سميعا مطيعا بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الحي القيوم وبحق الملك الغالب

امن اجيل وهطهطيل وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا سحر في قلوب جميع بني ادم وبنات حوا وبحرمة سيدك كجيج جليل

طيخيوش درميش دوم ابيدعا کو انه الرحمن الرحيم يا روف يا عطوف يا الوفي يا جبار يا جاعل يا جواد اجب يا جيبائيل انت وخدامك

من الروحانيه والعرضيه وانت يا ذوبعة سميعا مطيعا بحق الرحمن الرحيم وبحق الروف العطوف الوفي وبحق الملك الغالب عليكم امن هوزخ

وبحق مهطهطيل وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا واقسمت عليكم يا نهفنها ئيل سحر في قلوب جميع بني ادم وبنات حوا

وبحرمة سيدك بدع ان تجيبا بالسمع والطاعة وتحضروني ودرميش سوم مالك يوم الدين يا مقلب القلوب اجب يا شمائيل انت وخدامك

من الروحانيه والعرضيه انت يا احمر سميعا مطيعا بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب وبحق الملك الغالب عليكم من طليكا وبحق قهطهطيل

فاذا جاء وعد ربي حقا واقسمت عليكم يا كيع قفكائيل سحر في قلوب جميع بني ادم وبنات حوا بحق سيدك كاغ طيخيوش ودرميش چهارم

ابيدعا کو انه اياك نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا مجيب اجب يا ميكائيل انت وخدامك من الروحانيه والعرضيه انت يا برقان

سميعا مطيعا بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق السريع القريب المعبود المستعان وبحق الملك الغالب عليكم امن شنع وبحق قهطهطيل

قال

قال یا موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین واقسمت علیکم یا سدعبوائیل سخر لی قلوب جمیع بنی ادم و بنات حوا بحرمة سیلت
سیجع ذججوئش و در رمبین پنجم ابتدا خواند اهدنا الصراط المستقیم یا قادر یا مقتدر یا عفو یا غفور اجب یا مرقیابیل انت وخدامک
من الروحانیه والعرضیه وانت یا سمهورش سمیعا مطیعا بحق اهدنا الصراط المستقیم وبحق الملک الغالب علیکم امن فصفر وبحق طهطهطیل
والله یعدکم مغفرة منه وفضلا والله واسع علیم واقسمت علیکم یا کیع سخر لی قلوب جمیع بنی ادم و بنات حوا و بحرمة سیلت کقسطططوش
در رمبین ششم ابتدا خواند صراط الذین انعمت علیهم یا الله یا حکیم یا علیم یا علام الغیوب یا نور یا علی یا لطیف اجب یا عنیائیل
انت و خدامک من الروحانیه والعرضیه وانت یا ابیض سمیعا مطیعا بحق صراط الذین انعمت علیهم وبحق العلیم الحکیم وبحق الملک الغالب
علیکم امن شیخ الموکل بالمقامات الرشیه وبحق جهطهطیل الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه الله رجه واقسمت بجمع
بصطائیل سخر لی قلوب بنی ادم و بنات حوا و بحرمة سیلت هیل هلیوش در رمبین هفتم ابتدا خواند غیر المغضوب علیهم ولا
الضالین یا قاهر یا عزیز یا متعالی یا ظاهر یا باطن یا کبیر اجب یا کسفیائیل انت و خدامک من الروحانیه والعرضیه وانت یا میمون
سمیعا مطیعا بحق غیر المغضوب علیهم ولا الضالین وبحق القاهر العزیز الکبیر المتعالی وبحق الملک الغالب علیکم امن ذ مظع
وبحق طهطهطیل المقیل طهلیات فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون واقسمت علیکم یا بریع حکمائیل سخر لی قلوب جمیع بنی ادم
و بنات حوا و بحرمة سیلت بزع شنلیوش نوع دیگر دعوت سوره مبارکه یس در رمبین اول ابتدا دعا را هفت نوبت بخواند که اللهم
سخر لی قلوب عبادک اجمعین من الجن والانس واجلب خواطرهم بالمحبة الدائمة بلیل و نهار بحق عزیز وهاب و دود وهو علی
جمعهم اذا یشاء قدیر و بعد از دعای مبین او که مولف قصد نموده هفت مرتبه این اسما خواند یا فایض یا جو یا فتاح یا فاتح یا فیاض
یا الله یا اول یا آخر یا نور یا آمر یا امین یا مومن یا مهیمن یا منیر یا مسلم یا مرتاح یا بادی یا بر یا باد یا رؤف یا یس
یا نادم یا نون یا نادر یا ناصر بعده این عزیمت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم الف محبة فلان سخر لی قلب فلان فی محبة فلان
کما سخرت البحر لموسی و سخرت النار لابراهیم ع و سخرت الریح والجن والانس والشیاطین لسلیمان ع و سخرت الشمس والقمر والنجوم
وکل الاشیاء لمحمد صلی الله علیه و آله سخر لی قلب فلان لمحبة فلان حتی یاتی الی خاضعا و مطیعا لا ینام ولا یرقد ولا یاکل ولا یشرب الا
عندی بحق اسمک العظیم یا سمیع یا قریب یا باسط یا ودود یا ذو العرش المجید فعال لما یرید کماء انزلناه من السماء فاختلط
به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین یا حی یا قیوم یا شافی یا کافی یا لطیف یا
هادی یا باقی اقسمت بحول الله و قوته وعزته عزمت علیکم معاشر الارواح الروحانیه بعزة الله و بنور وجه الله
وبحق اسماء الله اجب یا دوقیائیل وانت مذهب سمیعا مطیعا بحق الحمد لله رب العالمین وبحق الحی القیوم مالک یوم
الدین وبحق ملک الغالب علیکم امره المجد وبحق طهطهطیل وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا و اقسمت

کلطهیا ئیل وسخر لی قلوب جمیع بنی ادم و بنات حوا بحق هذه الاسما و بحق مدبر سیل الجن طمعیونش در مبین چهارم این نیز بخواند هو
الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم یا رؤف یا الوف یا عطوف یا جلیل یا جباد یا جواد
یا جامع الحجب یا جبرائیل لواقف یا مره و حذا من سا سماطیما بحق الرحمن الرحیم و بحق الرؤف العطوف الالوف و بحق الملک
الغالب علیکم امره هودخ و بحق مهطهطیل و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا و اقسمت علیکم یا بهمفحمائیل
و سخر قلوب جمیع بنی ادم و بنات حوا بحق [illegible] بحر مدبر سیل الاتوع بحق جنصنطیوش ان تجیبوا و سخر لی قلوب جمیع الخلایق
اجمعین در مبین سیم این دعا بخواند [illegible] القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع یا مالک یوم
الدین یا مقلب القلوب اجب یا شمائیل [illegible] سماطیما بحق مالک یوم الدین و بحق مقلب القلوب و الابصار و بحق ملک الغالب
علیکم ملک قهطهطیل یا رحطائیل و ان تجیبوا و عد الی جعله دکا دکا و کان وعد ربی حقا و اقسمت علیکم کبغ تمیائیل سخر لی قلوب جمیع
بنی ادم و بنات حوا بحق هذه الاسما بحر مدبر سیل کاغ فیجیوش ذو فی المملک یا فتاح یا فاتح یا فیاض یا فایض یا لیس یا لطیف یا لا اله الا هو
یا کفیل یا کریم یا کافی یا کبیر یا کهیع یا کبیبج یا کاشف المقسم در مبین چهارم این دعا بخواند علم بعض ما اهریت الا اکتم بالحسنی
الجوار الکنس و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس ایاک نعبد و ایاک نستعین یا سریع یا قریب یا مجیب اجب یا سکائیل و انت یا
برقان سا سماطیما بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین و بحق السریع القریب المعبود المستعان و بحق الملک الغالب علیک امره و بحق
قهطهطیل شتشان یا موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین و اقسمت علیکم یا سوع بوائیل سخر لی قلوب جمیع
بنی ادم و بنات حوا بحق هذه الاسما و بحر مدبر سیل سبع تجیبوش در سلام قولا من رب رحیم اسما بخواند یا سبحان یا سید یا سریع یا سلام یا سالم
یا سلیم یا ساتر یا ستار یا سامع یا سمیع یا سامی یا سراج یا سبوح یا سماح یا لطیف لا اله الا انت یا لا اله الا الله یا الله لا اله الا هو یا الله
یا امیر یا اول یا اخر یا الملصی یا اذن یا اخی یا احد یا ابد یا ملک یا مالک یا مقیم یا مومن یا مهیمن یا متکبر یا متجلی یا مجیر یا معین یا مقصود
یا مقتدر یا معید یا مجید یا مقیل یا منیر یا ماجد یا معبود یا موجود یا مذکور یا منیل یا مشکور یا مونس یا مغنی یا مقدم یا مهون یا موخر
یا مولی یا معز یا ملقن یا مذل یا مبین یا مجیب یا مکون یا معطی یا مانع یا ملکوت یا منتقم یا موسع یا مقیت یا محیط یا مسود یا مبدی یا منجی
یا مرشد یا منشی یا محصی یا محیی یا قادر یا قدیر یا قریب یا قهار یا قدیم یا قاضی یا قاهر یا قایم یا قاسم یا قوی یا قدوس یا قیوم یا ولی یا
وفی یا وهاب یا وارث یا والی یا ودود یا واحد یا واسع یا وتر یا واقی یا رحمن یا رحیم یا رب یا رؤف یا رقیب یا رازق یا راضی یا
رفیع یا دافع یا مهیمن یا بادی یا بدوح یا بر یا بادی یا باقی یا باعث یا باطن یا باسط یا بصیر یا بدیع یا ناظر یا نور یا ناصر یا نصیر
یا نادر یا نعیم یا ناطق یا نافع یا حافظ یا حفیظ یا حمید یا حکیم یا حاکم یا حلیم یا حاضر یا حی یا حاجی یا حامد یا حبیب یا حسیب
یا حنان یا حی یا حق یا موفق یا یس در مبین پنجم این دعا بخواند ص و القرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و شقاق اهدنا

الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا لطيف يا خبير يا خالق يا هادي احب يا صفايل وانت يا حمو نشي وبحق الملك الغالب عليكم امره فصص

وبحق هطيطيل والله لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد واقسمت عليكم بل عشها بيل سخر لي

قلوب جميع بني ادم وبنات حواء بحق هذه الاسماء بحرمة سيد الملائكة غزقا يوشوح رمبيس شثم اشيد عالموا انه علمه نفس ما احضرت فلا اقسم

بالخنس الجوار الكنس والليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس صراط الذين انعمت عليهم وبحق الكريم الحكيم وبحق الملك الغالب عليكم امره

شنشخ وبحق هطيطيل اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه واقسمت [redacted] الكوخ فصطا ميل سخر لي قلوب الخلايق سخر لي

قلوب الخلايق اجمعين سبيل الحجنك هوش انه على رجعه لقادر لجهطي [redacted] يا اعنا ميل سميعا مطيعا بحق غير

المغضوب عليهم ولا الضالين سبا زاعام سوره اشيد عالموا انه وبحق القايم القريب [redacted] بالقايمات العرش اللهم ان ليس

في السموات ولا في الارض عزات ولا في البحار قطرات ودقات ولا في الاجسام حركات ولا في العيون لحظات ولا في القلوب خطرات

الا هي بك عارفات ولك شاهدات وعليكم ملهاث ونحن ملك سخرة بالقدرة التي سخرت بها الماء اهل الارض ومن اهل السماوات

سخر لي قلوب المخلوقات امين يا رب العالمين يا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد وجميع الانبياء والمرسلين

والحمد لله رب العالمين اللهم سخر لي حامل هذه الاسماء كما سخرت البحر لموسى والحديد والجبال لداود والنار لابرهيم والجن والطير والشياطين

والحوت والريح لسليمان عليه السلام والشمس والقمر للنبي عليه السلام ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم امين بحق محمد سيد المرسلين لهيج بحرب

صورت لبازدوموس مطلوب شان ودر صورت حيان وانصورت ازيخ جو سكر شرهتو بيا ويزو ابغو مهشوليس وازكوي

صورت بيا ويزو وغيبا انيست انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين اجيبوا داعي الله فاسئلوا

بدنا مبين ولقد علمت الجن انهم لمحضرون اقسمت عليكم يا ابا عبيدة وجنوده يا ابا زبير وجنوده يا سمهورش وجنوده الا ما قبلتم وسخرتم وهيجتم ٤٢ م الى ٤٢٣ ٤ شكلنج شملثا سموخ فالبطيل برقش مرقش كلكشو يا مكشوا يا مرياه شمدواه شميلاه موداه هوتك

مطلوب حيل ع ٢ الوحا العجل الساعة

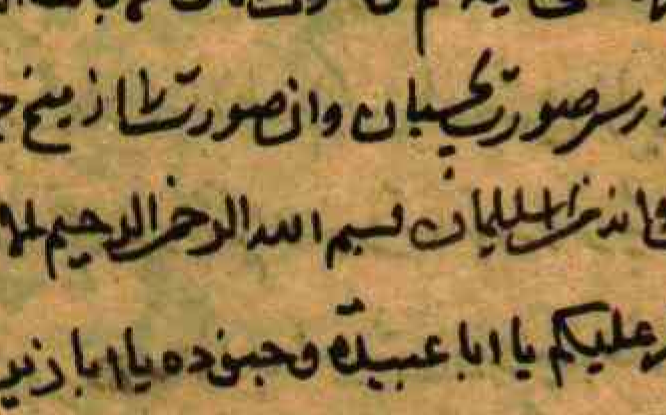

١١١٠ م ... ١١١ ... ١١١ ...

ا م ق ل ... ١١١ ... ط ...

كه ١١١ ... ١١١ ... ١١١ ...

ل ... ١١١ ... ط ...

دجو اللبان بسوند وابن نفقه نوليد و ابراتش نهد نطلبها ما نشلهوا مطيعا طلطفا طه نطاه طاه طه والله لتذكرة لمن يخشى

خذ وانا صيته م ٢ واجلبوا الى ٢٣ م بعزة هذا الاسماء الساعة العجل ٢ ابيغ عيسا الجوان ١٢ نوبتا شما شا وزبشما سبا ودب

هيجا ومصلح لبوعا بلوعا بتمراس ارق مرق علينا وعليكم انت يا عاهل وانت يا ذاهل وانت يا طروش الكافر بطلطلطط الله وفق

عزيمة الرحمن الرحيم جلب مجرب صورت ببايد در كاغذ بنام مط و اين اسما را كرد بر گرد الصورت بنويسد و بيا و بنهد در بالا از ريسمان خانه مط يا موی

آن بعد از آن ۱۵ ۱۲ اين اسما را خوانده بنج وبخور عود و لبان و مصطكی و الخ بايد خواند و بايد نوشت اينست ابن السماسون والمرمابوت

وبنی شماخ والهاخ و ركاب الرياح وحمال السلاح وذ و بعة و صندنش و يكل و محمد القوا اسوا ناحمكم الی م ۲ ۲ م محبوبها و اقلقوها و

ازعجوها و اجلبوها الی م ۲ م و لوا لكو ما تت و عرفنا حر وابها الوحا [illegible] العجل من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها

ونلعنهم كما لعنا اصحاب السبت وكان امر الله مفعولا [illegible] عجائب يلتقيان بها القيم لمحبة م ۲ ۲ م بحق هذه

الاسما كه تكه طلطها دوش [illegible] ذلولوا دهيجوا م ۲ ۲ الی م ۲ ۲ بحق هذه الاسماء عجيج

هيوول الهاء ايزل يزيل والزوول [illegible] ۲ ۲ ومن ايات خلق السموات والارض وما بث فيهما من دابة

وهو علی جمعهم اذا يشاء قدير عطف [illegible] اسم لبان كاغذ سفيد و [illegible] صورت ببايد با سم مط وكار در لبان كه دست

از صفه دست بنج و بر سران صورت بنويسد قل اعوذ برب الناس و در كتف راست صورت ملك الناس و بر كتف چپ اله الناس و بر سينه من الوسواس الخناس

و بر شكم بنويسد بر بالای توكلوا يا وسواس الخناس بجلب م ۲ ۲ حتی يتهناها هذا و الحاد والنوم و لا رقاد والاكل ولا شرب الا الی ادها

العجل الساعة والوحا و اين نوشته را ببندد و پس الصورت را بر ديوار شرقی نصب نمايد بانه و كارد اندك مقدار بر سينه الصورت فرو برد ببايد الخ

بر سران نوشته هستجوان و فرو برد الخ بر سينه هش نوشته هستجوان و بگوی توكلوا يا وسواس الخناس م ۲ ۲ م وان كار د تا بدست فرو كوب

جنبانيده لبان بنام كوه دعو بسوخته بنج از الصورت مجوف لب زبانه ما الكی و مادرش و بنويسد بر جام مط اين اسما را ديعوج فيعوج

طيجيع يهی وح بلخ نبی خزد له وحب قلقل بجلب بنهد در ان جام بجد و در شكم الصورت نهد و بر پيشانی صورت اين اسما بنويسد طلا طلس طاطيسی

السقلاه و بر دوش راست صورت بنويسد طعاودش و بر دوش چپ بنويسد لبوش و بر سينه صورت بنويسد هيجوا م ۲ ۲ م و اقلقوه وازعجوه

و توكلوا باحلام هذه الاسما م ۲ ۲ واجلبوه الی م ۲ ۲ وانتيا اوزه الشريفة الطاهرة العفيفة المرتفعة المنيعة مالذی خلقنا لعلاقته

و دبرته بحكمته و سخرت فيما شاء من مشيته ان تكون عونی علی م ۲ ۲ ۵ و بايد كه مجره آتش خود نهاده بنج و مجره بايد كه تو بنج و بايد كه دست اش

جو د ازلوف يا انا ربنج كه بر سران سه برگ سبز و اشارت با الصورت ميكنند از ان چوب بجانب يمين و شمال و قدام و خلف و ميگويد توكلوا الصاح

هذه الاقدر و بخور فلفل و خردل و زيره سفيد جاوشير حسن لبان و مقل ازرق و سندروس ميسوزند و بايد كه بالای بخور نه بر كالا كاغذ آنجه

بنج بر يكی نوشته بنج اسما بو شاشالبس در دوبم كهفياش بلاغ و بر سيم علعلاج و بنويسند بر ابو صورت اين عزيمت خوانند عزمت عليكم

ايها الموكلون بالذكر الذی هو عنت الوجوه للحی القيوم و خشعت له القلوب و خشعت له الاصوات و ذلت له الرقاب و خضعت له رقاب الخلايق

واهتز له العرش قام بامره الروح وانقادت له الانس و الجن والشياطين و الارواح و اذعنت له المودة و تضعضعت له العفاريت

وخلت له المحتدمون و تقبله المتعبدون كلهم لما اجيبی و اطيعی فيما امرتكم بعزيمتی وكتابی هذا و انه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل

من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد عزمت عليك وعلى اعوانك فلا ارض تقلكم ولا سماء تظلكم ولا ليل تسكنكم ولا نهار يستركم
ولا قرار يؤويكم ولا شي يحويكم حتى تبالغوا في قضاء حاجتي بالله الذي اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون الله له الملك والملكوت وبيده
القدرة والجبروت وعزمت عليكم بعزيمة سليمان بن داود الذي عزم بها على الرياح فانت مستقيمة مطيعة وعلى السحاب فاتى مضلا وكاما
وعلى الطير فانت ما فات وعلى الجن والشياطين فاتوا واطاعوا وخدموا وبالذي خلق البحر لموسى ويحي شمعون وشرون اهيا شراهيا
اوحيا عطظليا ييل كهلون مصواب دحاليخ شماخ اشمخ شماخ فقد اكوهون لبايشا طهوشا هوشا موشا ايها ابو الليث وايها ابو
المعصم وايها ابو مرة وايها ابو نوش وايها ابو مالك واجيبوا وتوكلوا وساعدوا الملائكة وارواح الرفيعة المرتفعة المنيفة عليهم السلام حتى يتوكل بها
الى يوم العجل الوحا الساعة اذ يلبس خفف نقف عفف هنهواياه خطف القلوب ولمع البرق وتوالس اجب يا ابا الوليد وانت
ابا محرز وانت يا ابا نوح وتوكلوا في عمل كذا وكذا والجن راد نوتيخ بكو بيد لحي لمك منكلوخ ادلوخ قرهشطيطها دشيهرم ان تكون في عون هذه
الاوزة على ما تريد به من خل منها في عمل هذه الساعة العجل وبابه كل عمل وساعة الكندجوف رمضل بن البعود وخاله ركوس وابيغل
نقوف لبيا رد الله بذرجه عمل كنند

رساله محمد غزالی در سنیکات

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

شروع در اوراد و کیفیت و کمیت آن ابتدا از یوم الاحد بدان ارشدک الله که یوم الاحد متعلق به شمس است و چون جمله حروف یوم الاحد و شمس جمع نمودیم ۵۰۰ است در مقابل آن اسم یا فتاح که عدد آن نیز ۵۰۰ است اراده نمودیم و چون عدد بینات یا سبوح الاول والف الالف نی می کنا و عدد حروف بینات این عدد در مقابل آن یا دیان یا رب العالمین که عدد آن نیز ۵ است اراده نمودیم و چون جمله عدد حروف زبر و بینات جمع نمودیم ۱۶۲ است در مقابل آن یا هو یا ابد یا خیر الحاکمین که عدد آن موافق است اراده نمودیم پس قاعده اینست که اول ساعات روز یکشنبه با عدد مرتبه اسم یا فتاح بگوید و در آخر مذکور یا هو یا ابد یا خیر الحاکمین ۱۶۲ نوبت بگوید و اکر اوقات کسی مضیق باشد و نتواند که عدد اسماء را بعدد کبیر بخواند و بر روز تعداد دعوت وسط بخواند و اکر آنهم میسر نشود بعدد صغیر بخواند که البته مراد حاصل شود دعوت یوم الاثنین در ساعت اول یا غافر یا رحیم کل شی و راحمه ۱۳۰ مرتبه بگوید و در چاشتگاه یا واحد یا مدبر الامور ۵۰۰ بار بگوید و در ساعت هشتم یا قادر اللهم یا احکم الحاکمین یا هادی المضلین ۱۰۶۳ بار بگوید دعوت یوم الثلثا در ساعت اول اللهم یا حافظ یا ارفع کل رفیع ۱۹۶۸ بار بگوید و در چاشتگاه یا رب یا الله یا احد یا ملک ۳۸۳ بار بگوید دعوت یوم الاربعا در ساعت اول یا صمد یا فتاح ۵۰۰ بار بگوید و در چاشتگاه یا جلیل یا ارحم الراحمین ۹۹ بار بگوید و در ساعت هشتم یا غنی یا نعم الوکیل ۳۳ بگوید دعوت کبیر یوم الخمیس و در ساعت اول یا لطیف الصنع یا قاضی الحاجات ۱۷۴ بار بگوید یا جلیل یا من له العزة والجلال ۳۳۴ بار و در ساعت هشتم یا جمیل الفعال یا من هو فی عظمته رحیم ۱۸۱ بار بگوید دعوت یوم الجمعه در ساعت اول یا هو ما فی الامور ۲۲۴ بار بگوید و در ساعت پنجم یا دایم البقا یا مجیب الدعا ۷۴۵ بار بگوید و در ساعت هشتم یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین ۶۹۷ بار بگوید و دعوت یوم السبت در ساعت اول یا راحم المساکین یا کافی ۵۹ بار بگوید و در چاشتگاه یا من هو لم یزل ولا یزال ۳۱۴ بار بگوید که البته مراد حب مدعا حاصل گردد و چون آنکه خواهد که این اوراد مداومت نماید اول آنست که بگفته دعوت کبیر کند و اگر میسر نشود بگفته دیگر وسط را مداومت

تا بدانکه البته مراد بحصول جه میسر شود باذن الله از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر کس هر روز هفتاد روز بعد از نماز صبح این
اسما را بخواند سه چیز ویرا حاصل شود اول اجابت دعوات دویم دشمنان دوست شوند سیم بشفاعت حضرت رسول صلعم مشرف شود هر چند عاصی باشد
دعا اینست یا کریم یا رحیم یا حلیم یا علیم یا عظیم یا قدیم یا حکیم یا رحمن یا حنان یا منان یا دیان یا غفران یا سلطان یا سبحان
یا غفار الذنوب یا علام الغیوب یا ستار العیوب اغفر ذنوبی بحق هذه الاسماء العظام برحمتک یا ارحم الراحمین جهة مطالب
مشروعه اسم بزرگوار دعا را باین ترتیب بخواند اولا ۱۰ مرتبه دیگر ۷۷ مرتبه دیگر ۱۰۰ ۱۲ که بلا شبهه مقصود برسد نوع دیگر هفت یوم
هر یوم ۱۴۸ مرتبه بگوید مقصود فایض شود مجربست قاعده عظیمه لحل المربوط فهی تشتمل عدد سورة القران فی وفق المثلث فتکر
حوله من قوله عز و جل محمد رسول الله الی آخره فاقطعها فی اناء صلیب فتمحی بعسل وتحل بماء الورد وتشرب کذلک والعدد ۱۱۴ فسقط من
ذلک طرح المثلث وهو ۱۲ الباقی ۱۰۲ فقسمناه علی ثلثه ودخلناه بالقسم الاولی هکذا واستنطقناه حروفا لفظ المحلول فی الضلع

الاوسط الکل هکذا
اذا اردت شیئا من الحاجات
فاضمم اسماء مرادک
من الاسماء الحسنی
الی کلمة التوحید و
دوام علیه مع التوجه
القوی الی المقصود

ز ل	ب م	ه
و ل	ح ل	م
[illegible]	د ل	ط ل

حصول القلب فان حاجتک تقضی بها باذن الله تعالی
مثلا ان تقول لا اله الا الله الرازق فی طلب الرزق و
لا اله الا الله الغنی فی طلب الغنی وقس علی هذا غیرها
منقول من الشیخ زین الدین رحمه الله یا بنی انها
ان تک مثقال حبة من خردل فی صخرة او فی السموات
او فی الارض این آیات را جهت دفع ۱۹ اسم عدد در
درج کنند و در ۵۱۲ ۱۷ ۳ الکذا رد مجرب فقطع

دابر القوم الذین ظلموا وارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا وقذف فی قلوبهم الرعب
یخربون بیوتهم بایدیهم وایدی المومنین سیهزم الجمع ویولون الدبر فارسلنا علیهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع و
الدم ان عذاب ربک لواقع ما له من دافع تعلیهم غضب الله ولهم عذاب عظیم فاخذهم اخذ عزیز مقتدر فاخذهم اخذة رابیة
فاخذتهم الصیحة فادبروا مثل المبهوت دمر الله علیهم ولهم عذاب عظیم وضربت علیهم الذلة والمسکنة حمکا شطط سیحا حب احمعه
اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیدة جهة بخت و سعت رزق دو رکعت نماز کنند و در هر رکعت بعد از رکوع
و سجد بین اسید علیکوا نه یا ماجد یا واحد یا کریم اتوجه الیک بمحمد نبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله صلی الله علیک وآلک
انی اتوجه بک الی الله ربک وربی ورب کل شیء ان تصلی علی محمد واهل بیته واسئلک نفحة ورحمة کریمة من نفحاتک وفتحا
یسیرا ورزقا واسعا الم تبه شعثی واقضی به دینی واستعین به علی عیالی نماز سیف قال ابن عازب که بسیار از اکابر
بر وی قیام نموده اند و کیفیتش آنست که هر که بعد از نماز عشاء و ظهر رفته دو رکعت نماز بگذارد و بقصد حاضر کرده اند در
رکعت اول بعد از حمد سوره انعام بخواند تا آخر و باز سر کرده تا کنیم عن ابائهم شکر کرده بخواند و در رکوع و سجود جای او بود در رکعت

دویم بعد از فاتحه و لقد جئتمونا فرادی تا آخر سوره بخواند و رکوع و سجود کما اوله و بعد از فراغ هزار نوبت صلوات فرستد و صاحب طلب کند

که البته روا شود و مجربست بی شک و الریب و بعد از آن سجده بخواند و سجده کند

١	الله	هو	ح
١٢	ز	ب	دیان
و	٤	محی	ج
محیط	د	ع	١

عزمت علیکم یا ارواح الطاهرات المتجیبات المطیعات بحق اللوح الشریف

یا خمشلائیل و یا خمعضمیائیل و یا خمعنزائیل و یا خمعنخیائیل

و یا خمطصیائیل و یا نطهتکوائیل عن اسکم و الحاکم علیک سرفیائیل

ان اجیبوا دعوتی وامروا اهولاء الاعوان خعقیلیوش خعمیوش

عجزایوش خعسلویوش عجنابوش نطعقبایوش نطغطعایوش

تقضا حاجتی بحق الاسم الاعظم الباسط الجواد و بحق خالقکم و موجدکم و هادیکم بارک الله فیکم و علیکم العجل العجل الوحا الوحا

الساعة الساعة مراتبه ٤٩ قال تعالی من قرأ هذه الاسما فیما بین طلوع الفجر و طلوع الشمس تلثمائة و اربعة ایام ستصلح عیرانی

لنبی من امر الدنیا کفاه مهم کفاه الله و انه لکم خلیلین مقابل و هی هذه ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم

یا حی یا حق یا قایم یا دایم یا فرد یا احد یا صمد یا هو یا من یا حی یا قیوم برحمتک استغیث حمه و من بسم الله الرحمن الرحیم هو

الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم هو الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی

اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان یا بدیع السموات و الارض یا ذا الطول یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اسئلک انی

اشهد انک انت الله الواحد الاحد الصمد الفرد الوتر الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا قدیم الاحسان یا دایم المعروف

یا نور السموات و الارض و نور انوار کلها یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ربنا ربنا

ربنا ربنا ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و اعطنا مغفرة من عندک

و رحمنا انک لا تخلف المیعاد و اعوذ بک برحمتک استغیث یا نعم الممجد الم المص الر الم کهیعص طه طسم طس یس ص حم عسق

ق ن یا رفیع الدرجات یا مجیب الدعوات یا معطی العطایا یا خیر الوارثین یا ارحم الراحمین یا قریب یا لطیف یا عزیز

یا معز و انت حسبی و نعم الوکیل دریک مجلس صد و بیست و شش بار بخوند بر ایدانک الا الله یکشف العلوم هو الله الذی

لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة العلیم العلام الغیوب المتعال الحکیم الخبیر الحافظ الرقیب المجیب الهادی بحسب عدد آیه بخوانم با اسم

که و مکتوم مادر به دو ۹ در ۹ درج کند و رافرو ۲ تره و حاصل شد عدد سوره ناس مع بسمله و عدد سوره فلق مع بسمله و عدد

سوره توحید مع بسمله جمع کل آیه و اذین فع ما علیه هشتصد هشت مرتب ۸۰۸ مرتبه بخواند و عدد آیه در مربع درج کند و با

عدد الله تعالی گردد و عدد آیه مذکور ۷۸۶ اگر صد بخوانند این اسم را در برابر خوانند یا منتجه بالغ عدد سوره الحج ١٨٧٥٥٨

عدد اسم جعفر نوراء تا خانه ۶ الله که عدد صفیح تا خانه عدد اکبر اسم بزرگوار باسط عدد کبیر عدد کبیر اسم رزاق عدد

اکبر لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین یعنی احد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یوم لا ینفع واقوض

امری الحاللّه اللّه بحرالمبلر لیوم الثلث رب لی سی لمرواساحم الرحیم یوم ملا دبعا لا الی للّه لقیر لاهو دی ۱۱۱ یعم الحیی لا اله الا اللّه الملک

الحق المبین ۲۰۰ عدد و مادمت اذ دمانی عدد خاتم اسم بزرگوار باسط ۲۹۶ اچون عدد در مربع درج کند و حامل شعد کوامد مراد برآید

ان لل ۶ اللّه قسم حضرت سلیمان ع المشهور بالبریانی ذ ا ب ج د هو و ز

ب	ی	ن	ق
٩٧	٢٠٣	٩	٣
١١	١	٩٩	٢٠١
	٩٦	٤	٨
٢٠٢			

ما بهو هموع ۹ ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت
بلعات بحر بحر صحر بحر سلک بحر بحر
ر ح ر ض ظ غ بجهت حصول جاه و به هیبت بودن در چشم خلایق و در

الدنیا بزرگ طلب بر شاه بنویسد در مربع و حامل کند کرد الم اللّه لا اله الا هو

الحی القیوم بجهت جمیع مرادات ده یوم هر یوم چهار رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از

فاتحه بیست و پنج نوبت بگوید ام اللهم ملک السموات والارض وما بینهما تلیه بعوا

فی الاسباب و چون از نماز فارغ شود صد مرتبه بگوید بسجاده فی اسئله بالغیب

ولا دراقلماهو و هزار مرتبه بگوید وفقرو الی اللّه از رجال اللّه شخص دولا می بوم هند واکه حفظو دا و سی هزار د حبت دفع احتلام مربع ۹ د ۱ ۶

بکند و در خانه او اسم مبارک باسط را بنویسد و عدد نظم طبیعی خودش علیحده در همان لوح بگذارد چنانکه عدد تکسیر هر دو در یک لوح باشد به مرکب

که مشک و زعفران و گلاب باشند بنویسد در ساعت نهم از روز نهم ماه باشد هم بایست هشتم ماه برطاکه قمر قوس عالی باشد در زیر سر گذارد

احتلام نشود و خواب بد نبیند شرح ایه ومن یتق اللّه عدد کبیر ۸ ۳ ۳ عدد وسیط ۸ ۳ ۳ صغیر ۷۱ عدد حروف ۳ ۲ ۹ عدد نقطه

۸ مجموع ۳ ۲ ۷ دلیل هر که ایه مذکور را در سه شبانه روز در خلوت بخواند و ترک حیوان نماید البته مقصود برسد عدد تکسیر ایه که حروف مکرر

دو شده حذف شده و ۳ ۲ حروف غیر مکرر و در بسته بسیم تمام داده ۰۰۰۸۵۴۰ ۸ اسماء اللّه المستخرجه من التکسیر حی دبحق هو تستقی ذخمیل

و اسماء ملک سفیائیل رد حائیل لعسائیل معقیائیل ه هکیلائیل هسل راسیائیل اسماء اعوان جلیل اقنیوس عقنقیوش

احسیوش وقعنیوش سربوش ده بخیبوش سللسیوش احبوش تنو و نوش باسط و این وفق لوح هست اسماء الملک من

المستخرجه الوح حبیخطا یل خیغذ ها یل حجفخا یل طیغقا یل طیغیا یل کغقفا یل اسماء الاعوان حفتیحیوش حیغتطیوش

حیغتکهیوش طیغضبهیوش طبد زق ۳۶ عدد تکسیر ایه ملک تا بغیر حساب که حروف مکرر را انداخته و حذف شده عدد ۱۸۵۵۰۸

اسماء اللّه المستخرجه من التکسیر حی رد هو حی علی المجد و زحو فتح غنی بخیخ سما

ملکه جمکائیل عزبحائیل النوائیل مراسلائیل اسما اعوان تمابوش و ذفیحیوش

عسدیوش عزقدیوش رحبیوش ذدقیوش لکمذیوش عالم الغیب من قرا بعد

الصلوة مائة مرة حصل له الکشف عن الغیبات خواص مثلث ۹ ایه هفت شب این مثلث

١٧	٢١	٢٤	١٠
٢٣	١١	١٨	٢٢
١٢	١٦	١٩	١٥
	١٤	١٣	٢٥

٢٠

عدد جمل اسم بجهت دفع جن و تفرقت الحیات را در زیر سر خود گذارد و بعد وفق این مثلث

این اسما را هر شب بخواند حضرت رسالت پناه را صلی اللّه علیه و سلم در خواب ببیند معینیست ۹ ۶ ۶ ۹ هم که در شرف قمر و بلیط باید که بعد از نماز عشا

٦٣٨٠
عدد اللّه و ی
بنو اللّه

بکند و باکسی سخن بگوید بهذه الاسما المحصی المکمل الکامل این نقش اکر نوشته با خود دارد بر ملوک و سلاطین العلیم الکافی الباسط الباسط السالم الجمیل

الاحمل که البته در شب هشتم حضرت پیغمبر را صلعم بخواب ببیند

عدد جمل اسم مکسبه صحیح جنو و عدد آن مفیده ۴۹

۹۶۴ هر که در شرف قمر این نقش را نوشته با خود دارد بر ملوک و غیره هر کس مطیع شود و در شرف شمس نویسد بر نکین زر

م	ص	ک	الملک	علیم ۱۵۰	کامل ۱۴۱	مجید ۴۲
ل	ن	ع		احمل ۸۹	کافی ۱۱۱	محسن ۱۰۹
ف	ی	س		مکمل ۱۲۰	سالم ۱۳۱	باسط ۷۲

و با خود دارد دشمن بر وی ظفر نیابد بطریق تکسیر نقش کند اینست فاید نا الذین اسوا فاصبحوا ظاهرین اگر در شرف شمس نویسد بر نکین

زرد با خود دارد بر فتوحات و فتوحات عالم غیب برسد و بر اعدا ظفر و منصور شود باید که به تکسیر بنویسد نصر من الله و فتح قریب اگر بر

نکین نقش کند و در انگشت کند اما اهل طرب منفع ببیند و با هر کس که جدل کند ظفر یابد و در رزق وسیع شود بطریق تکسیر الله لطیف بعباده و در مخمس

ان ولی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین اگر در شرف این آیه را تکسیر کند و در مخمس مفتاح طبعی و در میان مربع این چهار اسم

را کافی غنی فتاح رزاق و با خود دارد از دشمن و حرث در دیوار موزه کافر نعمت شواتر برسد آیه اینست ربنا انزل علینا مائدة من

السما تکون لنا عیدا الیه اگر در شرف این آیه حسبی الله نعم الوکیل نا عظیم در مخمس طولی بنویسد مفتاح طبعی و در مربع این آیه وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

و با خود دارد بر دشمنان ظفر یابد و از آفات و بلیات محفوظ ماند و بر اعدا ظفر و با دولت و سعادت گردد این آیه در شرف زهره یا در وقت خوش نویسد

و طالع زحل و نوس آیه یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله و یحبونهم در مخمس مفتاح طبعی گذارد و در میان آیه والقیت علیک محبة منی

ولتصنع علی عینی بنویسد و با خود دارد محبوب القلوب شود و کسی او را نه بیند که او را دوست نداشته شود و تمام انس و حیوان دوستدار او شوند در شرف

عطارد سوره کوثر را در مربع مفتاح طبعی گذارد و بطریق تکسیر مسدس میانش اسم را منعیت معطی منعم وهاب رزاق فتاح نگارد نعمت بسیار

یابد و سعادت کامل روی با او آورد و اگر این اسماء در مربع مفتاح طبعی گذارد و در میان اسم مفتاح بحرف تکسیر کند و با خود دارد تمام

مهمات او کفایت شود الیه کهیعص یا کافی کامل کفیل کافی در شرف قمر این خاتم را با خود دارد و بنویسد در ۱۲ ماه نشود این خاتم را در محلی

که قمر در ثور نبود و نایب النور رنج نویسد و با خود دارد نقش او در دیگران اثر کند و در تقرف نیابد و هر که این خاتم را با خود دارد

القوی	دایم	مطع		الا بالله	لا قوة	لا حول	س ص	بارئ	محیط	فعال		محصی	خبیر	سریع
الذین	القوم	دایم	س ص	العلی	الا بالله	ولا قوة		فعال	بدیع	محیط	س ص	خبیر	سریع	محصی
الذین ظلموا	القوم			العظیم	العلی	الا بالله		محیط	فعال	بارئ		سریع	محصی	خبیر

بهیبت با سرور و حضور رنج و از وسوسه شیطان ایمن باشد و هر امر که شروع کند از پیش برد و هر کس این نقش را در وبال قمر با خوف و خسوف

نویسد و در جایی کند الغالب و بران شود دیگر چون زهره در هبوط و بال یا حضیض احتراق باشد این آیه را در مخمس تکسیر کند و در خانه اعدا

دفن کند همه طلق قصد او برخیزند و الی نه و یران شود و از آن موضع بموضعی دیگر نقل کنند هذه وقد قذف فی قلوبهم الرعب یخربون بیوتهم

بایدیهم والدین المومنین و اگر این آیه را بر مخمس مفتاح طبعی گذارد و در میانش این آیه را فارسلنا علیهم الریح صرصرا در خانه ظالم نهد

یا در قریه و موضعی یا دار الموضع را خراب کند که مریخ و شمس و زحل و عطارد و قمر در برج اسد باشند یا بعضی از این کواکب با مقابله یا تربیع باشند

واگر این آیه را در مخمس مقناطیس نویسد و در مربعی این آیه سیهزم الجمع ویولون الدبر از جهت رجاع اعادی و حصول مقصد مجرب هذه

انا ارسلنا علیهم ریحا صرصرا فی یوم نحس مستمر بطریق تکسیر چون شمس در هبوط باشد یا حضیض این آیه را در مربع نویسد بطریق تکسیر و در خانه

دشمن بیندازد فتنه و آشوب پیدا شود و اگر بنویسد و حل کند بر سر [illegible] ظالم [illegible] کند هذه فارسلنا علیهم الطوفان والجراد

والقمل والضفادع والدم واگر این آیه را در مربع نویسد و [illegible] ظالم [illegible] در خانه [illegible] دفن کند به بلیه گرفتار شود هذه ان عذاب ربک

لواقع ما له من دافع و اگر این آیه را فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم در مربع مقناطیسی نویسد و در میان اسم [illegible] نویسد و در خانه

[illegible] دفن کند [illegible] عقوبت [illegible] و اگر این مثلث را نویسد در ساعت موافق [illegible]

مذکور شد در خانه [illegible] دفن کند هلاک شود فما [illegible] چون مریخ در وبال یا هبوط باشد این آیه را نویسد به تکسیر و در مربع مقناطیسی

[illegible] در میان آن اسم [illegible] مهلک قهار در خانه دشمن نهد [illegible] فاخذهم اخذة رابیة

فاخذتهم [illegible] سخط الله علیهم ولهم عذاب عظیم و چون مریخ راجع باشد یا هبوط این آیه را در مربع [illegible] تکسیر کند و در

آهن کند یا در [illegible] هذه اللعین [illegible] و یا سماء

اقلعی وغیض الماء وقضی الامر وعدد ٥٩١٠ [illegible] لوح ٢٤ [illegible] واگر [illegible] در میان

ظالمان [illegible] پراکنده شوند هذه [illegible] یا هبوط این را در مربع تکسیر در خانه ظالمان [illegible]

دفن کند فتنه و آشوب پیدا شود و متفرق شوند [illegible] وضربت علیهم الذلة والمسکنة اخذناهم بغتة

فاذا هم مبلسون فاخذهم اخذة واگر این اسم را دشمن مقناطیس مهلک قهار در میان مربع [illegible] اسم را نویسد و عدد این اسماء اسم

[illegible] جمع کرده در ظهر مربع نویسد [illegible] ٥٠٠٠٠٠٠ [illegible] در روی مثلث اول اسم الشخص [illegible]

[illegible] اسم کوکب [illegible] موافق [illegible] در مثلث

در [illegible] اسم خود و اسم ملک [illegible] و اسم ملک یوم نویسد [illegible] نویسد

[illegible] یکتب علی [illegible]

[illegible] دفعها [illegible]

[illegible] الطعام [illegible] الطعام

اطلبوا [illegible] واطلبوها [illegible]

عدد سوره [illegible] الذین [illegible] علیهم الجلا

وسم ١٣ ١٢ ٢٤ ٩ ٦ ٧

لیعذبهم فی الدنیا ولعذاب الآخرة لهم عذاب الیما ۲ ۳ ۴ ۲ حسب دفع آبله نویسد و ماجود دانه و این اسمارا هزار مرتبه

بخوانند وجوب کز ریوست گیرد مالک سیم و زر شود یا بدوح یا قدوس یا وهاب یا شادن یا سکیخونا

مب	بح	ج	یو
نز	یب	و	ط
ید	ا	یه	د
ما	ح	ی	ه

جهت فایده در احصار اسم ۸ است ۱۲۱ ۳ ۸ بردارد و بر هر یک اعداد مرتبه بخوانند والوی الفاد

ای فلفلان بحق ادم بیجل حیی الحکیم سلحی کمرکس سواها محلوا النا دهیجوا حرفه ۱

قلب ۲ ۲ ۲ علاحب حیاطا نعیه در مربع درج کند اسم مط مداوت کند مطیع شود

الواسع الکثیر ذکره وسع الله علیه البدیع ذکره الفجرة ففیه حاجته ما لک الملک من

اکثر ذکره اغناه الله عاجلا واجلا وان قرا مع ذلک الفاتحه کذلک رزق الغنی بغناه

المعطی من اکثر من قول یا معطی السایلین اغناه الله عن السوال المغنی من ذکرها عشر کل جمعة عشر الاف مرة ۵ یا کل جوابنا اغناه الله

شال السحر حکمت شال حروف مرکب م ت بیات ۱۱ ف ی م ال ف ال ف ا ای م ل غ ع ر ف بیا ت بلا نکار رفعم و وفظ املاسم و بیات

ح ال ف ک م ی ستجوع هشت حرف است روز دعوت باید کرد و عدد بش ۴۸ ۹ بهر روز باسعید و باید خواند و جهار اسم از حروفات

مرکبست حکیم کافی ملک تام جون جهارست در مربع درع باید نهاد و طریق دعوت انست یا حکیم یا کافی یا ملک یا تام سخر لی الحکمة بحق حا

و کاف و میم و تا و حروفات را بر جهار ضلع مربع نویسد م ن ص ب وی ت ص ق ص ص ح ل ب ن ه ا ن ا م داول سواع شرف

وال م ح ب ه جهت عزة و جاه المصح رشرف شمس نویسد کم در خاتم که حلقه هشت جار ددم زر بیاسی بجو بر پیچیده بزعفران و حلال زرق

بخور کند جهت نفع کیسه ۹ در ۹ را در روز یکشنبه که قمر در سرطان باشد و افتاب بسیر بنویسد منفیه هشا ما در وقت طلوع شمس بنویسد حروف

ورود حاره او بلیغ حروف حفره بارده حروف عرضه رطبه حروف عفره یابسه اسید عارا هر روز بعدد ام

یدخصفطو هرهشد صط جزکسفنغ

سوره حشر د ربا بده مرتبه باید خواند سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر اضعاف ما سبحه وحمده وکبره وهلله جمیع خلقه

کما یحب و یرضی وکما ینبغی هشت خواص عدد تمام اسما مثلا اسم باسط که در عدد ۲ ۱۲ است یا ۱۲ که کفوا و ستجمع موذیم ۳ ۴ ۳ ۲ شد یه راس ۷

ضرب نمودیم حاصل ۹ ۳ ۵ ۱۰۵ شد پس بعدد تمام اسم مذکور بخواند دعا قرنیا مترجم بعربی اسما را ساخته بهذه بسم الله الرحمن الرحیم

بشیم ایل راحوم وحوت قرنیا وجلا وملا دیونا دنولیا شهولیا شهویا تلیبا شمهوشیا

بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله هو الله وهو الله یا علیم یا قدیم یا عفکیم یا مقیم یا حکیم یا غافر الخطایا

اذرطیا اذرطیا غنطیا طوطیا اهیا شراهیا قدمهیا

یا کاشف البلایا یا واسع العطایا یا واهب یا وهاب یا رزاق یا حنان یا منان یا منتهی الرجایا

حادهیا هلاهیا هیک هرجائیل خطرائیل مکوائیل یا سلطان منطائیل محبطائیل

یا باعث یا مطلق الاساری یا باعث البرایا یا دیان یا برهان سل یا سبحان یا غفران

خروایل

خروائیل دوسنائیل اسرقیا انسرونلا ذوسنائیل سنجبائیل هرجوا اهربائیل اعلائیل اکوائیل

یا منفات یا امان یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا دافع الدرجات یا ولی الحسنات یا عظیم البرکات یا سامع الاصوات یا قابل التوبات

الکائیل طهوسماملیل طرطوسائیل درحوشائیل ذوقائیل حموذرهائیل قدفائیل شعنائیل

یا منصور یا دافع البلیات یا منور النور یا مدبر الامور یا میسر یا معسر یا خیر الغافرین یا خیر الناصرین

مهوائیل سرکتائیل طوطائیل ترنائیل نودائیل سفرسرهائیل سفرسرهائیل اه اوه

یا خیر الحاکمین یا احکم الحاکمین یا خیر الذاکرین یا خیر الفاتحین یا خیر الماکرین یا سیداه الله الله

ایدمنشو اسلومد کاقائیل مجروائیل مجروائیل سطائیل سطوطائیل سطوطلا سعوده محزوده

الله یا سامع یا واسع یا قدیر یا مجیب یا جلیل یا طالب یا طاهر یا مطهر یا شافی یا جمیل

برعا تعوعا مایس ابوبیس اردانیس اروه اوده دایر طهطائیل هرطائیل

یا بر یا تواب یا مالک یا رب الارباب یا مجیب التوابین یا غافر یا غفور یا عفاد یا ذوالحمد یا ذوالفخر

کورنائیل لکهنائیل صود زوائیل سمخائیل دردائیل حمهائیل جمائیل جهائیل

یا ذوالعهد یا ذوالعفو یا ذوالفضل یا ذالعز یا ذالجود یا ذالطول یا ذوالانعام یا ذوالاحسان

لطهطائیل سمطائیل دوهائیل ازوما بروما برومنا مطوی معطوی ازرمائیل

یا ذالمن یا ذوالفضل والاحسان یا ذوالقدس یا شافی یا کافی یا وافی الکبیر المتکبر العظیم الاعظم

انکدی انکدی کطرهائیل بهرنائیل دمائیل الهاهی تکیا سمینا بشیا یا باسط

العلی الاعلم یا ذوالرحمة والغفران والله المستعان علی ما تصفون یا لطیف مایشاء یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین

مکوبیة دکوبیة سهطرحیا سهطرباینه سهطوینا تمت هرکه صد مرتبه در یک مجلس بخواند بر پادشاه

یا وکیل یا جلیل یا عماد من لا عماد له یا غیاث من لا غیاث له یا حرز من لا حرز له

شوند شرط طلوه صوم وترک حیوانی شرط است هر روز که ده هزار و یکبار بخواند الله اعلم بجهت طالب شروع عمل هزار مرتبه در یک جلوه بخواند تعلقها

وهو العلی الکبیر ایضا روز صایم بود و ترک حیوانی هر روز دوازده هزار مرتبه بخواند یا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم فاید سوره مبارکه

اذا زلزلة الارض در شب چهارشنبه بنویسد بر کاغذ کبود مقطعه و با نقطه در دکان یا خانه بگذارد اهلش متفرق شوند بجهت وسعت رزق بعد

از نماز عصر هفتاد مرتبه متصل استغفار نماید و بعده این اسما را صد مرتبه بخواند رزقش وسیع شود یا الله یا فتاح یا وهاب یا قادر یا رزاق

یا غنی یا عزیز یا الله الکریم هم دعوای رسانیده یا بعرکرفتار نخود چهار مرتبه نادعلی را با شش بخواند از مهمکات نجات شود بجهت عزت و دولت

هر بامداد بیست و نه سخن یکبار بخواند بجهت عقد الطریق هفت دانه که شخص مرد هر سطوری بر دارد و این آیه را بر آن بنویسد و در چاه اندازد

لسفر شوند رفت این آیه بهست یا موسی انا ان نخلها تا قاعدون تمام رحمت کسی معاش لب عبدالله علیهم فرموده که هر چون شوارش بر تو معیشت

بلکه ازین دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد و توحید انا فتحنا را تا تمام بخواند و در رکعت دویم بعد از حمد و توحید الم نشرح باید که نزدیک زوال

کرده شود این نماز که مانند و رفع مرشد نماز حاجت در محل جوابعه را براز بکند و در شمال پاکی وی او را بپوشد و در بالای سر خود بگذارد

و چون نصف اثر شب بگذرد برخیزد و سه جرعه از آن آب بخورد و باقی وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و بخواند الحمد شریف از قرآن و

در رکعت ۵ به نوبت یا غیاث المستغیثین بگوید و در قیام بگوید همان عدد و در سجده تین و سر برداشتن نیز بگوید و در هر کدام همان و در رکعت دویم

همان دستور چنانکه مجموع سه صد مرتبه شود و چون سلام باز دهد دستها را بردارد و سه بار بگوید من العبد الذلیل الی المولی الجلیل و حاجت خود را بخواهد

که البته بزودی اجابت رسد فایده افتح یا کاب ابواب فتحک لی یا مفتح الابواب عدد حروف ۲۸ عدد جمل اذا جاء نصر الله تا آخر حرف ۸ عدد ۲۴۴۲ جمع

العددین ۵۷۷۵ و فتح لا ۱۱ طالب ۲ ۱۶۰ اسم طالب دو مرتبه تضعیف نمودیم ۲۴۰ از عدد مجموع من یا نمودیم باقی ماند ۳۴۲۵ این عدد را

در ۲۸ نهاده و عدد اسم طالب با عدد خانه اول ربع جویم بار نهادی و عدد اسم را با عدد خانه جویم در بسیم علی هذا القیاس طریق استخراج حروف

از هر خانه اینست که عددی که در آن خانه ۲۸ طرح کنند آنچه باقی ماند مفتاح اسم سازند و استخراج عظیمت که عدد هر خانه الا کلمه ایل اسقاط نموده باقی را

حروف ساخته اسم ملک دانند و حروف طالب که مذکور شد در نقش خود حتی ضرب اسقاط نموده اسم اعظم عزیمت اند و از اسماء ملائکه فرد افرد اعوان طرح نموده

ما بقی را حروف ساخته عون دانند و حروف طالب ۱۰۸ شد در نقش خود دست نمودیم این شد ۱۸۱۶ و حروف ی عی ض ی و اسم اعظم عصیوا ئیل اسماء الملائکه

هعرصیائیل هعصصیمیائیل وعائیل زعقیائیل زغدیائیل خفتوائیل خفطیائیل طغیائیل یعقبیائیل الاسم الاعوان

هعلایوش هغلیوش وغرهیوش وعصلیوش زغتلطیوش حفلیوش خحمطبوش طغرهیوش طغطوزیوش

در طریق عزیمت این عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا ملائکه رب العزة فلائیل و بحق الاعظم و بحق اسم امرالله یا ان تسلطوا و اسرعوا

اهوالی هوالعوال ققیوش ان تامروا مع خیلکم و اتباعکم بفتوحات الصودی المعنوی فلان بحق الملائکه المقربین و ارواح المقدسین

اجیبونی و توکلوا ما امرتکم به اسرع من طرفة بالعینه بامر الملک العزیز الجبار العجل الساعة الوحا دعای کبیسه که در هفتم ماه نویسند

در رجب کنار شکمه برکت در حیب و کیسه بهم رسد عن کلام شیخ بهاء الدین محمد عاملی هو الغنی یا واسع ارزاق العباد بسم الله الرحمن الرحیم

لللللللل یا غنی یا وفی یا ولی یا علی یا ملی ککککککک لللل

ذوالطول ذوالطول

یا مستطیع یا منتفع یا سعید یاح و ل د و م اللهم افتح ابواب الفتح و انزل علی فلان بحق النبی و آله الکرام ۹۹۹۹۹۹۹۹۹

ذوالطول ککللللللل ذوالطول

اللهم کفلنا عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین ب د ح ه

قلم اسرار دایره اینست ...

قلم سریانی اینست ۹۱۰۱۱۱۰۱۵ ...

قلم زبور اینست ... صورتها هر برانی قلم ...

قلم لفظ قبطو دایره ابجد مالی

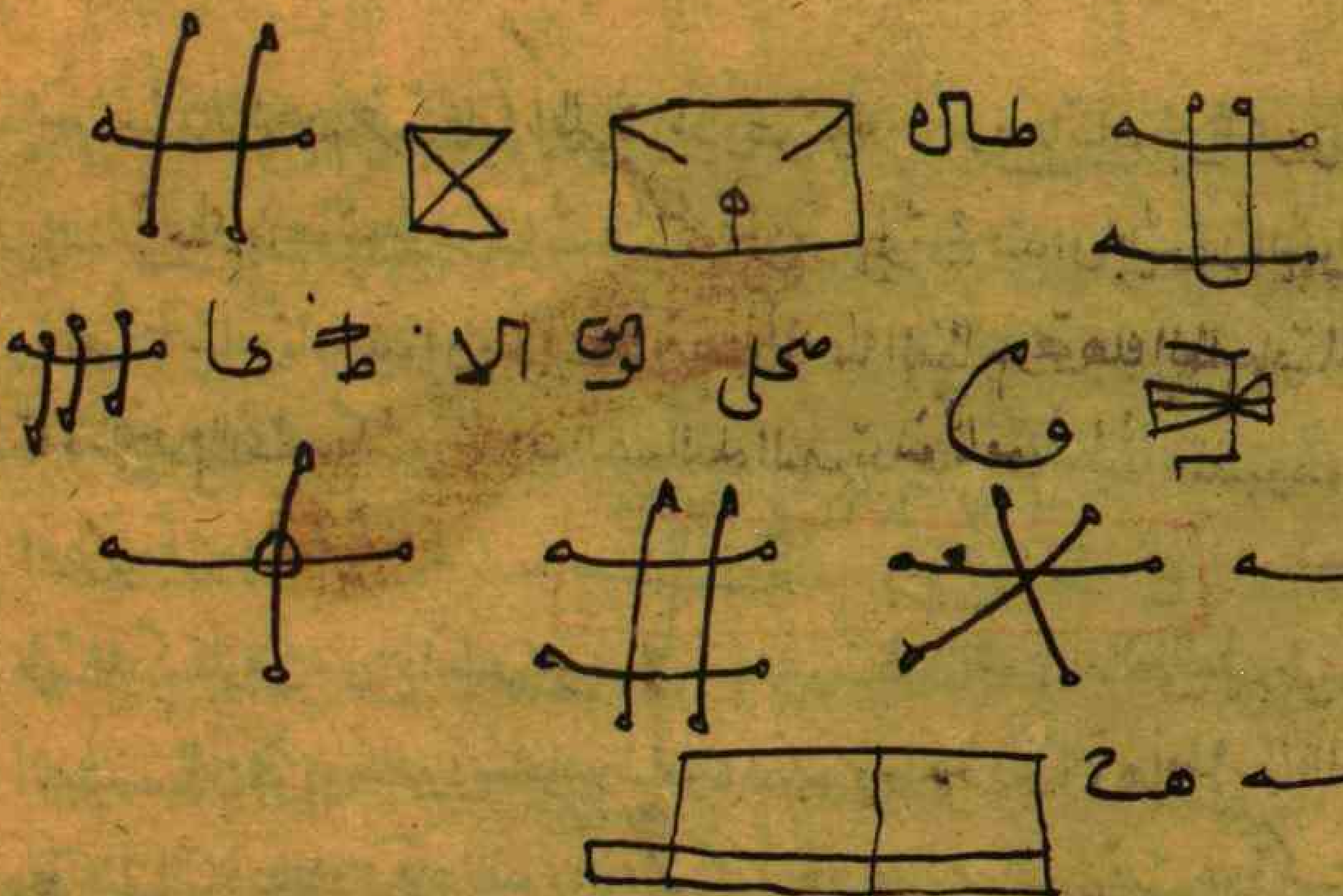

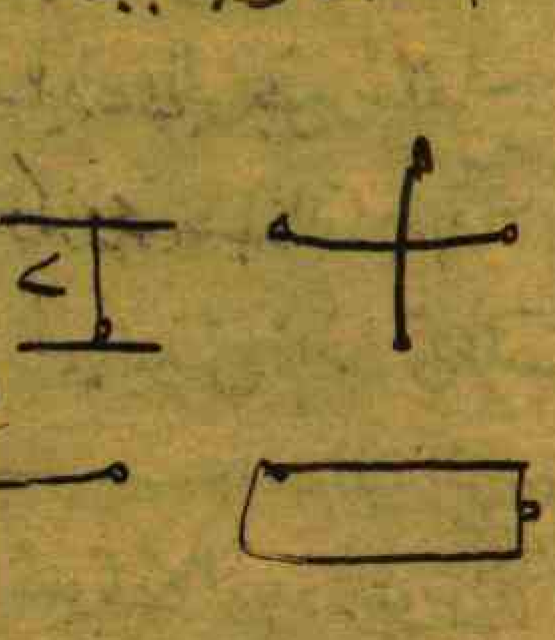

۲

فایده جون طلسم بجهت دحت ... بنویسد اسم ابق را در پشت خانه پنجم بحروف مقطعه بنویسد و پنج بر دارد بر دایره پنج زند و در پنج که زده میشود بنویسد که فلان آید و بر جهار طرف طرح مربع بنویسد که والله علی رجعه لقادر و بر زیر هر سطری که این نوشته شده یا شمعلون بنویسد که چشم بیم و عیبی با زبنج و بر چشمهای مذکور سوزن بزند و بر روی نوشته بر طرف اینمصرع را بنویسد فریادکه از شش جهتم راه به بستند برا بهار جنوب و شمال و شرق و مغرب بنویسد که گرگخته ملک شود باز اید و این طلسم مجرب شده حتی در حیوانات

و این لوح فتحی که بیش از این عزیب و قاعده اش گفته شده هر دم به بیند که براه گذر را ز برای ... میکند و هر که بیش تو اید و برای نام هستی تا چند روز زنده هست و چه علم پیدا اند باید که سوره مبارک ۱۲۷۳ هفتاد روز هر روز سیصد و کل یار و مقل ازرق و کندر سیاه و زعفران بکن و بعد از آن

٨ ٨ ٣٩٧	١ ٩٣٤٧	٤ ٩٤٦١
٩ ٨٩٤٩	٥ ٣٤٩	٣ ١٧٤٠
٢ ٤٩٤٩	٧ ١٠٤٣	

اگر خواهی که جلاد بیماری عالم را چه حاجت ... از برای چه در آید و د ... هست و جمیع مرادها مرتبه بخواند و بخوریدن خشخاش سوره ۳۹۷ مرتبه اسمار بخواند

تم ۷۱۲

طلبنوثا موشطیثا هلفنیوت جون روز هفتم شود بر لب اب رفته بنشیند و طلسم را به نوک کارد بر زمین بکشد و خاتم را بانده و در انگشت کند چون در انگشت کرد را نعرتست دانوان هفت کس حاضر شوند خوش قد و خوش روی و جامهای سفید پوشیده باشند بر تو سلام کنند تو بر خیز و عزت کنی ایشان را ایشان گویند تو را چه می باید بگو میخواستم شما و خاتم شما هر هفت تن خاتم خود شود بدهند و نام هر یک ایشان طلوخوش و بر دایر طلو بوش ملکست هر جله بر پای هر چه خواهی از علم بتو اموزند و جله خشم او چهل هزار بدر پنج زنهار که خاتم ایشان بکس ننمایی و نقش خاتم اینست

۱۹۱۱ سا ۱۱۹۱۱ ط ۱۱۹   ۱۱ ۹ ۱۱ لسلا ح ۱۱ ط ۱۹۱ ۱۱

و عزیمت اینست   ۹۹ طه ۸ مه   مه ۱۷ ط ۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا طلیوش یا طلوهوش طلوخوش مع اتباعه بحق کا عوطوت عرطوت عونوت عرمق قطوطناش
بالله العلی العظیم طوهوش طوهوش ساف هوماش ظلموع دریطوش ح ت ارمابیش ل زمایش اجیبا ذهد الجن بحق موسلعوفی
شلعوب فی سلعونا اجلبوا واحضروا فی بحرمة هذه الاسماء العظام وبحق هذه الطلسمات المبارکه وبحق جبل القادر قاهر
قادر القیوم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم البصیر بدبوتا موسطیا هلفیوت ود رنسخه دیگر نقش خاتم اینطو توع غیب
۱۱ ۷ ط ۱۶ ع ۱۷۸ ۱۱۴
اینطو بسطر رسیده هذه خاتم

بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم طلوهویش مع اتباعه بحق عنطوف عرشوف طوطناش بالله العلی العظیم طوهو یا سهونا ظلموع دریطوش اماتش
اجیبا ذهد الجن بحق موسلعوفی شلعوب سلعونا اجلبونی واحضروا فی بحق هذه الاسماء العظام وبحق هذه الطلسمات المبارکه
وبحق جبل القادر و بحق قاهر القیوم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر تمت عدد تکسیر عالم الغیب والشهاده که در دوازده سطر
زمام سید هند ۲۳۲ ع ۱۸ میشود وعدد جمل ابجد ۳ ۶ ۵ واسماء الله المستخرج التکسیر هو الله اسماء الملکه ۴ عا ایل هلبدا ایل شعا لا ایل
همعیا ایل بیغلا ایل اسماء الاعوان ادغیوش عود غیوش الا ایوش ببعلیوش هم بهوش دلیوش علا ایوش و شمایوش غدمیوش
لبلیوش یا اعیوش و هبیوش الا ایموش و بلهیوش یا یغبوش عدد تکسیر لا اله الا الله الملک الحق المبین ۱۱۱۶ اسماء الله قدوس ملک حی الله
لحمامت لیلاهیم حالا ایل قملاب بطلنا ایا حلقا الیا الیم للملا اهلا لله اسماء ملکه لها لا ایل قلی اسیل لا ما ایل البا ایل الما ایل
هکیلا ایل هکلا ایل کها ایل قهما ایل لا لا ایل فلا لا ایل بلانا ایل کحلا ایل نوها ایل الا لا ایل قلنا ایل لا افقا ایل کفیبا ایل لهلا لا ایل اسماء الاعوان
لمکحیوش قلحیوش لیلایوش یا مایوش اللبیوش ههملیوش مبلا بوش کلبحوش للکیوش بلاالوش لمایوش ملیوش لاحیوش الحیوش هیلیوش
احمایوش قا بلیوش حلا یایوش لحیوش حلیوش کعبوش لا حابوش لا ابیوش اعداد ذنا دعلی عدد روف ۷۲ عدد نقطه ۴۳ کبیر ۳ ع ۳ ع ۳ و بسیط ۳۲۷
صغیر ۵ عدد تکسیر که لحا رده منف سطر زمام داد ۱۲۰ ۸ ۶ و اسماء الله المستخرج التکسیر عالم نام جاعل هو بیبیا ایل وعلونا ه سنطلیها جعجیفلل
نطیمتشل لها لیم عجیونلیس و الجیبا عالبیو ما لی اسماء ملکه یا کها ایل بعفما ایل علونا ایل عللغا ایل کدحیا ایل و عملا ایل امواایل لغود ایل
یا بلا ایل ماعیا ایل اجلیلی کا علطا ایل دلما عیوش طامعیوش علوحیوش یا دبوش تدبعیوش نیرنیوش یحدکیوش الجیوش هلیوش مطعبیوش
للانیوش اللبیوش ها و سیوش کما عیوش بعبیوش لکوحیوش بوکوبوش عا کیوش کیلیوش بجیبوش مونطیا یا سلعونا یا سارت لجبت رونیت حرت
خرع هفت جمعه هر جمعه هفت نوبت بخواند و اینده عارا جمعه همه ملاقات واقع شود اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا الله البر یا سریع اللطف و یا عظیم
الخطر و یا معروف بلا انتهاء یا واسع المنن یا مالک یوم الدین و این از جوابست اجاعل الجواد الجمیل الجلیل الجابر الجامع و این اسما را در رتب سه
بخواند صفات با طن و جمع یطا هر و باطن حاصل شود و حاصیت هر آینه ایا او سوره فتح که مشتمل بر جمیع حروف هجا و خواص لیبار دارد و عدد کلمات
او بعدد کلمات سوره الشمس موافق هست و در مربع ۲۷ در ۱۲ باید کذشت عدد سوره نوح ۹۳ ۳ ۳ ع عدد سوره والعصر با بسمله ۴۲ ۱۲ ع و بیع غیبت
معارکه

مبارکه تقمع الاعدا ما فقوم من مجلسک الا وقد قضیت لک حاجة ومن هذا یا مهلینوح یا قها ریا مجیب افعل بی کذا وکذا انقد انک علی کل شئ قدیر
واذا اردت العمل بها فصل رکعتین وکس ما ١٥ مرة ویکون تشیر باصبعک الی من ترید اذا اردت ترمی من عاینته وتستخدم منهم خادم بالمالیه
فیسطح والبس ثوبا جدیدا وارقد فی موضع النقی واقرا عند النوم سورة والشمس سبع مرات واللیل سبع مرات والضحی سبع مرات والتین سبع مرات
واجعل هذه الاسماء فی عضدک الایمن علی طهارة فانه یاتیک خادم ویحدثک بما ترید انشاء الله وهی هذه حوام وکوم موح مرکوام رکوم سعد
عوسما اوقال سم فرفرنوه وفرفرطه فیه یاسا والملک و ومه مه مه ... بلعه لا
مه ... وهذه الاسماء والکلام تقضی الحاجة ویعتمد علی حفظها بعد کل فریضة صح فانه سم عظیم جلیل یعینک علی کل شئ صغیر وکبیر وسلطان
او قاض وجمیع الجن والانس والارواح خصوصا وعموما وللاثیر حفظت فقد یصحبک والستالتی اکثر من هذا فاحفظ تلک الکلام فافهم والسلام
هو الاسم الاعظم الذی تزول به الجبال وتنشی المسی بالنقالع هوا فان الله تعالی عند کل خرج وصل الیسر من عباد الله وحسبی الله علی تقو وهو به
بسم الله فی بسم الله البدیع بسم الله بسم الله الاله الا هو البدیع بسم الله الرفیع جلاله بسم الله ذو النور والبهاء الذی تجلی به النور الساطع فی النور
ذو النور المبین منه النور فی ضلال البرق نار ونور الذی منه کل نور ونور فوق نور ونور ینکس به کل شیطان رجیم وکل جبار عنید هو الله النور
مدبر الامور الحی القیوم قدوس قدوس ستة مرات بکینفس الها قدوس کان قبل الدهور والازمان وهو الازمان کما کان ابدا سرمدا وهو الله
قدوس جبار احاما ضیبا انتم طلحطا یلط ابنایخ یا احد طهطش من فی الذی لستطیع النظر ایا نوذک یا ذا النور العظیم ادعوه اه اه اه ال موسی
بن عمران والانبیا محمد صم وسلم وعلی جمیع الانبیاء نهیلا هطهطیل یا موج مرده ع فیطا مرح ارخ ارخ ارح ارح یا حاکیل یا ذا انتم ریایلیل
صوائیل عوه طوتیم شهوکا ایلش فیموش الهاش بمطش بمطش طهس طوش اسئلک اللهم بحرمة هذه الاسماء هذا الاسم الذی قدرت تمسکه به
الملکة فی اقطار السموات وتطایرت النجوم وتلاطمت الامواج اسئلک یا الله به وتعظم شانه عندک بالقران العظیم لو انزلنا هذا القران الا اخره
نمت علیکم تحی بطارش طانش بهرایاش شبورش انوقطا ران الله من ورائهم محیط بل هو قران مجید فی لوح محفوظ تیلی بعد کل فریضة سبع مرات
صلیته لم تصبح وانت فی سعوا وحفرا وما لی عند الناس الا ان یکون حیا تا الله علیک ان لا تطلع علیه غیر اهله تمت ایه ایه شریفه را با وضو و
حضور قلب اکر خلوت بنی بتیر سه شبا نروز تعد رطا قسعد او تشا به ایه انشاء الله انجه خطورت مشاهده کرده جنانچه طلب موانع تاخیر و اقع نشد
مایوس نکرد د باز نهان طریق سیر و زنوا صلت عایه البته مطلب حاصل شود وبعد مجیب متصل بود و فتوحات هر یوم ٢ نوبت مداوم شد سبوح
بسم الله الرحمن الرحیم فلله الحمد لله رب السموات و رب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض هو العزیز الحکیم فلله رب السموات ورب
الارض رب العالمین وله العظمة فی السموات والارض هو العزیز الحکیم فلله الحمد رب العالمین رب السموات و رب الارض رب العالمین وله النور فی السموات والارض
و هو العزیز الحکیم فلله الحمد رب السموات والارض و رب العالمین وله الملک فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم عدد سوره مبارکه سبع المثانی حروف مکرر
اسقاط شده و در سطر هشتم زمام داده و هفت سطر ٥ ٣ ٢ ١ بر خارج قسمت نسعد و برار بعین ٣ ٣ کبیر ٥ ٣ اسماء الله المنتخب هو حاسب الطرحی

اسماء الملکه صفعطائیل صصه الا طتبعائیل صلکمائیل سسهائیل هرحائیل اسماء الاعوان جبیل هوصیکوش اسبیوش صعدلیوش طیوش

ضکلیوش وقصطیوش اسبهوش تمت عدد اسما اربعین بجمل کبیر ۶۶۸۱۷ عدد زیرجمل اسم با جمل بحر بدل ۱۷۴ الجهت فتح قلعه سوره

تبت را بر کمند شرا حابت در قبرستان و خاک از قبر کافته و از سر سه راه بر داشته با کار دیا مقراض الموح را ریزه کنند با آن خاک قلعه ریزد جواب

تقصد تو ضم سوره مزمل چاپ است که اول سوره مذکور را بخوانند و بعد از ان والشمس و بعد از ان واللیل هفتاد و یک سوره الم نشرح و هفتاد و یک

در هر نوبت و یک نفس حسبی الله را نام بخوانند در یک مجلس جهل و یک نوبت و بعد از آن بهرو رو بعد از نماز فجر این دعا بخوانند چهار مرتبه

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم افتح لنا ابواب الدوله و ابواب النصرة و ابواب السعادة و ابواب السلامة و ابواب العافیه و ابواب الخیره و البرکة

و ابواب الفتح و البشارة و احعل امرنا فرحا و مخرجا و اقذف فی قلب الملا لا جوک احدا سواک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم ابر فی عندک

و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک فانک علی من رحمتک و برکاتک تمت عدد دعای مذکوره ۸۵ ۱۱۴ خاتم عینیه تکتب فی قرطاس

و بحرق عن الدهن فی اسرار جوب امام فخر رازی لفطهیجا لفطسطهیا سیکطهجا بهیطا اجبنی یا عینیه بحق

نفش خاتم و بحق الجن و

الشیاطین و بو دحوش

سطیقا عطبعا لس

لکبال

لفیتعسهو کشهو ه

احب یا عینیه

حمطهمطسم

هطسلمسلهعلحلصو م

لمکللعلمنمعلمه

سکسمه

۲

قاعده جفر طلب الذهب والفضة والفلوس من کیس الحلوان والسلاطین والتجار الدد

اکف دال دج ال دال نسا دکی سر حاوفه لاذع دص ح ال ال هم ی اس ب ب م ن ال س ب ب ل ج ی ام ف

تج ال ب واب ی اس ب ب ک لذی س ب اب وام ی س ب ب ال س ب اب م ن غ ی د س ب ب ع و ن و و ف سطاخ غ نص

عبید ۰ جمع العددین ۷۸۸۵ جمع الحروفین ۵ ۱۳ طالب ۵ ۲ عدد اسم طالب را دو مرتبه تضعیف کردیم ۱۰۰۰ از عدد مجموع منها نمودیم

باقی ماند ۶۸۸۵ این عدد را در خانه اول نهد و عدد اسم را با او اضافه کند و در سیم نهد و علی هذا و وفق مطلب را در نقش خود نقش ضرب نموده جرف

سازد حاصل ضرب و اسم اعظم ملک بعدنج حاصل ضرب اینست ۱۹۳۲۱ و وفق نطاغ شک

بل اسم این شد بطغشکائیل و غیا ابیث اقسمت علیکم و اقسمت علیکم یا ایها الملئکه

٨١٣٤	٨١٨٤	٨٣٤
٨٣١٤	٧٨٤	٧٣٨٤
٧١٣٤	٨٨٨٤	

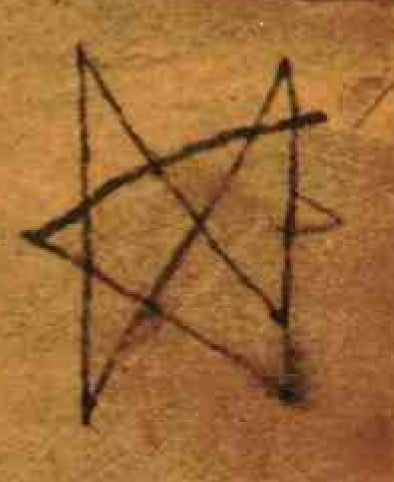

العزة یا دعصلایل امّا اخرو علیکم لما عظم الشکا الخطب بطغشکائیل وبحق اسماء الله تقم اسم بنویسد ان تسلطوا واسرعوا الی هولاء الاعوان
اعوان نویسد تا اخر یجلب الذهب والفضه والفلوس من کیس فلان بن فلان بکبیبه بحق الملک المقربین و ارواح المقدسین اجیبوا و توکلوا ما امرتکم اسرع
من طرفة عین بامر الملک العزیز الجبار والعجل الساعة الوحا الوحا الدیه بلحوا اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر عدد کبیره و
عدد ش ۵ اهت با اسم مطیع ایه جمع نموده در مربع بطریق زوج پر کند بر پاره مس یا بر سفال بنویسد و در آتش دان دفن کند در حال حاضر شود
وعدد ایه یا بنی ان تلک ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یات بها الله جمیعا خابیه والقاما د ر ساعت شمس بنویسد تمت بجهت دفع در سر عدد ایه فلا تخلقوا الی العزه که ۱۷۱۰۶۱
با عدد اسم جذا و بد صداع جمع نموده بطریق طاق در صورمربع بنویسد یکی را در سر نهد و یکی را در زمین غمناک دفن کند درد زایل شود عدد ایه
طلب المطر را در زاویه اول عدد ایه یجیبونهم طلب الله در زاویه عدد ثانی و عدد اسم طالب در خانه نهد و عدد اسم مطر را در خانه ثالث نهد هم بطریق
بطریق که مزبور پر کند و یک مربع و دیگر زوج پر کند و هر دو را بر روی یکدیگر نهد مجرب است اینچ انگشتری ابر نعل کند هست بنویسد و اسم الشخص و
ما در شرا در آتش اندازد و هفت نوبت بخواند هذه سیر الله و ان ما آمدیم عاشق الله دران الاامد وطوفان آتش آمد سوزان و فروزان جواب
آمد فلان فرانچو ابن حارو را آرام وی حرام بار الهی و را الاحضار روز جمعه سعید هر شبه بر سعید دانه فلفل بخواند مطلوب حاضر شود روی بوی
خانه حظ کند و کسی سخن بگوید حسین داند که مطلوب حاضر شود قالوا تالله تفتؤ تذکر یوسف حتی تکون حرضا او تکون من الهالکین الکرین
۲ ابن کل ابن ناحیه نویسد و شروع در خواندن سوره یس کند هر گاه احوا به حاضر شود سوره للاثیم با نه مرتبه هر ماه خوانند حاجت شود حفظ

الدینار من کتاب لطف عبد الحی تنفک صلوة تصنفه من جمیع الله واسع طاهره من جمیع النجاسات تبدل گوی ثیاب و اطهرها
واشغلها فیها بالصلوة والدعاء ویکون وحط لک فی یوم الاحد وانت صایم لا تفطر علی ذی روح ولا علی ما خرج منه
فاذا کان یوم الثالث صلی الفجر وعقبها فاجلس متوجها الی القبلة فاقرأ ۶۷۱۰۶ بسمه علیه ۱۳۱ ۳ ۳ ۳ مرات وکذلک افعل فی یوم
الاربعاء ویوم الخمیس ثم کمّا فی ایام الثلثة العشرة وکذلک فی هذه اللیلة الایام فی لیلتین لا تنقطع لیلا ونهارا واختم لیلة الجمعة لکنا دمها ابو کون
وهو شخص قصیر طویل الیدین ویجلس بین یدیک والسلام علیک خرج بکمال الکرام وثبت فان له هیبة عظیمه وهو من ملوک الجن المومنین وخلیفة الف
نفر من الجن فان قضیت حاجتک وازد هشت وطلبت الفرق عنک وغاب عنک لکن لا یرک واذا جلس وسلم وردت سلام قال یا ابا یوسف
وجب علیک وجب علیک حق واتقوی ما النافیه والضیق ولابد بیت التی عمره بشر من المباح الخلا استعین وبه علی رزقا ببطی ونفقه
عیالی والحج لبیت الله الحرام واجرک علی الله تعم فانه یلتفت للان خلقه صاف بامر بهم فیا تو نه امر بهم به اسرع من طرفة عین قد صلها عبدالله
بن منصور فاتوه بعشر الاف دینار واخره یحبنی فضله فلما حضر الی دم دهش ولم یرده سلا فانظر کلانه فلما لم یتکلم فکن علی اسم
المصاح ولم یدفعه بلا اذیه ولیکتب بزعفران فی ورقه ولیوضع فی القبله بیاندی العامل وهو هذه

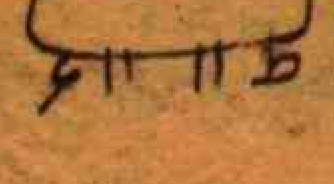

۱۵۱۵۱۵۱۵۱۵۱۵۱۵ لسطیع عدح دل م ص و ک تمت

بجهت ادای دین پنجاه مرتبه در یک مجلس بخواند اللهم یا مسبب الاسباب یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب من غیر سبب یا غنی یا مغنی صل
علی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد صاحب الزمان و اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک
عمن سواک و اقض بهم عنی الدین یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین بجهت رزق و برکت صد و سی بار بخواند
اللهم صل علی محمد و اهل بیت محمد المبارکین و بارک بهم لنا فیما رزقتنا و فیما خولتنا و فیما دللتنا و فیما انعمت به علینا و اجعلنا بهم من
الشاکرین المذکورین لربک و صل علی محمد و آله کثیرا کثیرا بجهت دولت ع‍ ع‍ بار بخواند اللهم یا بدیل یا من یعطی الدولة لمن یشاء و صل علی محمد
و آله و ادل بهم لنا فانک ... لنا وارنا دولة صاحب الزمان و اجعلنا فی دولته ناعمین و بحقه قائمین و من فیضه غانمین و من جمیع
السوء سالمین یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین از جهت قتل اعدا هزار و یک حب زا رد جو بشکند ب زد و هر حبه را مرتبه بخواند
یا قوی و در زیر ... بخواند اعدا ... بجهت رفعت و قدر ع‍ ۱۰۵ بار بخواند یا رافع یا رفیع صل علی محمد و آل محمد وارفع درجتی و رفعناه مکانا
علیا و بحق الله الذی رفع السموات بغیر عمد و بحق ابویه علی العرش و رفعناه فوقکم الطور و بحق نرفع درجات من نشاء و بحق رفیع الدرجات
ذو العرش المجید جهت زیادتی نعمت یا زاید الخضر فی علمه یا زاید النعم الشاکرین یا زاید ثواب المحسن یا زاید اجر الصابرین یا زاید ایمان المومنین
صل علی محمد و آل محمد و زدنی علما و فهما و حلما و حفظا و سرورا و صحة و امنا و ایمانا و سکونا و سعة و رحمة و قربة الیک و صل علی محمد
و آله و سلم کثیرا ظفر بر اعدا ع‍ ۲ بار بخواند یا ظافر المطلوبین صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی یدا من ظلمنی و لسانا علی من خاصمنی
و ظفرا بمن عاندنی و هب لی مکرا علی من کایدنی و قدرة علی من اضطهدنی و تکذیبا لمن قصبنی و سلامة ممن توعدنی و وفقنی لطاعة
من سددنی و متابعة من ارشدنی فتح مشکل عقده را ع‍ ۶ بار بخواند ان تستفتحوا فقد جاءکم الفتح و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و هو الفتاح
العلیم انا فتحنا لک فتحا مبینا ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت
خیر الفاتحین و فتحت السماء فکانت ابوابا اذا جاء نصر الله و الفتح تا آخر بجهت قبول دعا ع‍ ۹ بار بخواند اللهم یا قابل یا قبیل یا مستقبل صل
علی محمد و آل محمد القائلین لحسن المقبولین عند حضرتک و اجعل لی بهم قبولا عند الناس و جاها و جیها لدیهم حتی یسمعون
بحقی و یجیبون دعوتی و لیطیعوا امری و تمثلوا کلامی و حکمی بجهت کفایت مهمات ۹۹ بار بخواند فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
انا کفیناک المستهزئین قل کفی بالله ... و کفی بالله نصیرا و کفی بالله حسیبا و کفی بالله وکیلا کهیعص الیس الله بکاف عبده یا من یکفی کل شیء و لا یکفی منه شیء
صل علی محمد و آل محمد و اکفنی بهم ما اهمنی من امر دنیای و آخرتی بجهت آسانی و دشواری ... تکرار اوقات بخواند یرید الله بکم الیسر
و لا یرید بکم العسر ما جعل علیکم فی الدین من حرج ان ذلک علی الله یسیر فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا و انا انزلناه ... تا آخر بخواند
بجهت ترک و سرد بنویسد در جرم بخورد ذلک تخفیف من ربکم بجهت تب و لرز بنویسد و بخورد و به بندد الان خفف الله عنکم
ربع عدد سوره جن و عم ... بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ایها الارواح الطاهرات المسخرات المطیعات بهذا اللوح الشریف

ربا نفضنا

یا نعضنا ئیل و یا نعضعی ائیل و یا نعضعها ئیل و یا لجعضر ائیل
بحق اسامکم و امرکم والحاکم علیکم بالله عجبسوا ائیل ان تجیبونی ادعونی فاهر ق
هونج ههلاعوان بحیطوش و دیحیوش و بحیحیوش و دیحیوش نعضنا ء
بحق سورة الرعد و بحق خالقکم و موجدکم و بارئکم بارک الله فیکم و علیکم

العمل الساعة لها دب اشرح لی صدری و یسر لی امری باحان یا ساب

رب اشرح ٧١١	لی صدری ٣٥٤	ویسر لی ٣١٥	امری ٢٤١
یا باسط لا اله الا الله ٣٤٨	المر یا اول ٣٦٧	یا مدبر یا وکیل ٣٩١	الم طس یس حم یا رحیم یا واحد ١٨٩
یا مبشر یا وهاب ٦٤٣	طسم طس الله لا اله الا هو یا رحمن ٣٥٧	یا مجید یا الله یا والی ٢٠٣	یا قریب یا محیط یا هادی ٤١٠
یا شدید تام من تاج جلیل ٣٢٧	یس یا الله یا مجید یا دیان ٢٥٠	کهیعص طه حم عسق ٧١٣	ن یا قیوم یا ملک یا وهاب ٣٤٣

بیاض

وایه لو انزلنا در حشر
وایه لو انفقنا عزیز حکیم
در توبه واد واعتصموا
در آل عمران

قال ارسطاطالیس اذا اردت ان تعرف فی العالم فی جمیع
الموجودات من خیر و شر و طلب اذا اردت الملک و غیرک
او تسلط شی من الحیوانات و المطر و الریاح و فی سایر
الاشیا فصل در حصول مرادات از خیر و شر که بسط کنی
حروف نوع را و نظر کنی که کدام طبیعت دارد اول
حروف را از طبیعت بسط کنی ملفوظی و وقتی که ابتدا کنی
اگر روز بنهار را بسط کنی و اگر شب بلیل بسط
کنی بی ساعت که گذشته باشد از روز یا شب بسط کنی
و با و رضم باز و محلص کردان و زمام باز دان
زمام را تکسیر کنی و از و نامهای اعوان بار تعالی
استخراج کنی و غیر آن از و جوان و عدد مطلب که بسط کرده در مربع بسط کنی و عدد تکسیر را در مربع و عدد اسما در مربع ثبت کنی و عدد و هر یک
مربع را در مربع دیگر ثبت کنی و از حاشیه با حروف بردارد و در ظهر لوح موجب بجم نویسد که اثر بزودی ظاهر شود انشاء

ناری و مشرقی	هوائی و غربی	مائی و جنوبی	ترابی و شمالی
حمل	المقبول الوجه	المتبع و لحب	لاستخلاص الرزق
التفریق	والعزل	اسد و قوس	جوزا
سرطان	ثور	جهت صلح بین الازواج و الخادم و المخدوم و طالب و مطلوب	
میزان دلو	عقرب حوت	سنبله جدی	

و غیرهما سوره تبارک الملک و آیة الکرسی و معوذتین و آیه لو انزلنا
الی آخره و آیه لو انفقت الی عزیز حکیم و آیه و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون

ذکواة در رقعه ربع
۲۵۳۱۴۲

وایه واعتصموا بحبل الله جمیعا تا العالم تهند ون طومار نویسد وعدد این ایات وسوره را کرفته با اسمای دو ربع در تحت طومار نوشته حامل کرد
فورا اثر کند اکر بعد بشر زیاد از جها در روز نکند که اثر ظاهر شود ازموده ومجرب دعوت اسم سه اعظم اسم چنانست که هفت شبانه
روز روزه دارد وخلوت کزیند از خلق هر شبانروزی ۷۷۷ نوبت بخواند و هر روز ۱۰۰ نوبت این ایه را انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون
نوعدیکر هم چهارشنبه ۱۰۵۱ نوبت بخواند در خلوت وحیوانی نخورد وجماع نکند اکا بر جز ظاهر شود وانچه مطلب است بدارند نوعدیکر خلوت
کزیند ودر هر شبانروز غسل کند و هر شبانروز صد رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از حمد ۵ نوبت سوره توحید بخواند و در قنوت
این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بعزتک وقوتک وسلطانک وما احاط به علمک ان تسخر لی الجن والانس والشیاطین
وکل ما خلقت من بنات السموات ومن الارواح وکل ساحرة وخذ بنا صیتهم لی والی انک علی کل شیء قدیر وهب لی ملکا وجعلنی سلطانا علی الجن والشیاطین
والسحرة وسخرهم لی ما عون السمع والقی امره بعضهم الی البعض کالف بین نوبی دهرون والقنی امرهم واهوائهم وسلطنی علیهم سلطانک
واعزنی فی جمیع العالم کلها والعالمین کلهم واقض امری منهم بحولک وقوتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وا سم هر شبانروزی بحار
بار بخواند و هزار وپانصد روز ۵ نوبت ونماز انصف شب کند ونصف روز کند واکر نور صوتی کا مل کند در غیب کر جمیع مختصها
واکابر جن را ذکر برنیت وذرات در اکر وران مندرج است ومجموع اطاعت مسکینان اکر جواهر هر یک را فرد فرد اغیب کیر تو انی بدرس
که مامور شوند واطاعت کنند با انچه طلب کنی مهم تو روا کنند وحاضر که تیر افند باشیر غیب دو دبراید وا شیر غیب بزرکست وار کتاب شامل
سکاکی نقل شده هذا العزیمة بسم الله الرحمن الرحیم بعزة الله العزیز وباسماء المقدسه وبا هیا شراهیا ما قبلت وعجلت یا بالحکم ویا
بالمعتصم ویا بانوش ویا بالبیت ویا قروه ویا قیس یا مالک بن عروه یا نوعریه ویا دویعه ویا دهش ویا دهش یا غایض یا مغیث
ویا عبدالرحمن یا حادث یا ذالنود ویا منود یا ابیض یا مروان بن قیس یا جلهم بن حلیس ویا مسلم بن کعب ویا مزاحم بن مزید
یا دقلیس بن دقانیس ویا حطاب بن مالک ویا جناح ویا حصیب ویا طایف ویا عمر ید ویا عمرو دو د دیاج ویا صفر ویا قرطیا و
یا ذکریا یا باهیج یا ماجد یا بکلا بیا یا مهلب وبالعین الذی لاینام وبالعرش الذی لایتحرک وبالاسم الذی تختلف به جبرائیل ومیکائیل
واسرافیل وعزرائیل وبالاسم الذی دعا به الموسون لا اله الا هو العزیز شعزد وبالاسم الذی هو فی التوریة وبالاسم الذی هو
فی الانجیل وبالاسم الذی هو فی الزبور وبالاسم الذی هو فی الفرقان وبالاسم الذی شهد عانه لا اله الا الله لما اقبلت وعجلت عجل
یا بالحکم ولا تریب وکذلک وکذلک عجلون کلهم لتفرح احته بهذا الاسما کلها یوم نکشف عن ساق وتدعون الی السجود وهم سالمون
عجل عجل الان من غیر شیب وکذلک کلهم اموا ذلکم الله ربی علیه توکلت والیه انیب فاطر السموات وجعل لکم من انفسکم ازواجا
یذروکم فیه لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر یوم تدعون الی نار جهنم دعا هذه النار التی کنتم بها تکذبون افسحر هذا انتم ام
انتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون عزمت علیکم بحق ابرهیم واسمعیل ویعقوب سلیمان

وذ الكفل وطالوت وهاروت وماروت بالذی یعنی اعمادکم واباکم ویحیی الموتی ثم انی ادعوك یا رب باسمك الاکبر الاعز الاجل
لما سخرتهم لی واقبل وعجل یا بالحکم وکذلك کلکم الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة اسرع من طرف العین وصلی الله
علی محمد واله الطاهرین در اهنا چند روز روزه کرد و دیگر روز با نوبت بخواند در خلوت عزیمت و ترک حیوانی کند که مسخر
صاحب دعوت شوند هذه اللهم اجعل الصا دخلقه الله الا الله رب الکریم اللهم اهل الصا دخلقه جمیعه الی ناظره بمودة القلوب
قائمة بالمحبة والاشباح متناقة شائقة وهیاکل الفلك بالقلوب ناظرة امره یا معشر الجن والانس اجیبین الی الحدمتی فاطاعوا ونودوا
الی طاعتی فاجابوا وعملوا ان الملجا لهم من سطوات تحرسون فاجابهم یوم مبعوثون امیان بجلیلات احاط فادرك وقل جاء الحق
وظهر الله وهم کارهون کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ولیعوذ فی الارض فسادا والله یحب المفسدین فتعالی الله
الملك الحق الذی لا اله الا هو رب العرش الکریم بنویسد در چراغ نو نهند بروغن زیت یا روغن کنجد یا روغن گل برافروزند مجرب هیج فلان عشق کل
الحب صاحب المرة الساج و بهیجه بجود طارق اللیل والنهار جود ابلیس المزن جمیع الرجال والنسا و هیجه بکل سلطان و هیجه
بکل عامر فی الدور والمساکن کلها و هیجه بکل راس من رؤس المودة هف هف هف هف هیجه بکل جبل و ساعد شاهق
شامخ هیجه هیج بهذه الکلمات فلان بن فلان علی فلان بنت فلان کما کان اول قطعا فا الساعة الوحا الوحا العجل العجل العجل العجل
اعطف اعطف قلب فلان بحب فلان بجوانحی [illegible] و دونه و دنش و جمیع المودة هیج هیج هیج العجل العجل بارك الله
علیکم هـ [illegible] محنه اع ولا ادور رود به له له له له له ع ع ع ع ع ع ع
لا لا لا لا = [illegible] الا الا الا بنویسد بر سر ود[illegible]

آتش دفن کند و بخور کند کندر و سندروس و مصطکی با بنویسد و فتیله و در قاروره نهند بسر بحنیم و در آتش دفن کند
عزمت علیکم یا اصحاب السر السحر والوسواس ویا اهل الفساد باسم ابلیس ثم باسم ابلیس و ملك ابلیس و بعهد اولاد ابلیس
دا [illegible] ابطیه بشتص یا جوبوج مبطود شطیقود ش بحود ش مستر طیکهوش اخنا طهش طمطیحو دشواهش
ملکا یونس واحنهش مرواخیلکم فی جلکم که بدانجا تویید و بدامان او در آویزید و بر نزدیك فلان بن فلان مستوید و دیو
و بقرار کردانید از عشق فلان بنت فلان سود و احمر و مهکال والشیصاره و عمر بیدوغ عمر یب و جابران شمدان و هام
بن هیم و ذو لعید الطیار و ابرجیطفور شی لاقیس ابلیس و هم دیوان که دلش بورید یا جان بجانش بوزید یا طرالوحا
الوحا الی عد الساعة عشه تیز باد و روان باد بکار بار خود تیز شب و در بالشا العجل العجل بنویسد بر سر پاره کاغذ و
در میان نهد یکی سه دانه نمک یا چاردانه فلفل بکذارد یکی صبح و ظهر و شام در آتش نهد یا بنویسد بر سر فولاد یا آهن و در آتش نهد

وزنهار که از نا اهلان و جاهلان پوشیده دارد که مجربست مکرر هیوا اجلسی ایا عیینه بحق تقش الحی الباطیه اللدی اللدی انوا
بویوا الخاتم وبحق ال مجی ح دبردجوش بروحوش وقیفوش وخیطوش وحطوش وا نملوا والعادجب سوط
سوط لستوطوالبونو ابد دفیلان علی فلانه الوحا الوحا الوحا الساعه الساعه الساعه الباد الباد الباد
در سخ فتیله توان کرد به مسح ابهر قوان نوشت و در صورت تمان نهاد ام امج وکند روسند روسی بگذارد و الکبح در اعمال تسخیر
قراءت دلاوهنت بوسط بپرهت هذه بطلیکاش وصلقیلطاش صلیلنبوش ویابهم شهیا هیا هت ویا تادی
ویا شدی ویا شمهای ویا ببهبوش یادنهش ویا تاهت ویا هب التعبوا دسلکم الی فلان بن فلان ما متعوه واسعوا
الیوم والقرادبحق النماخوش والنمایوش وبحق قرقوش وبحق دسالتکم العجلوا العجلوا الوحا الساعه بنویسد بر پوست آهو
ودر آتش اندازد که لیا مجربست لله کهلططلسلوک لا آ بجهت تفرقه بنویسد بر هفت کاغذ و
هر روز یکی را بسوزد در آب روان مجربست لما ختلاط یومئذ الملتقیه ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون
سر یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ع قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفی الصدور هم اکبر
انما یرید الشیطان ع بسم الله وما الله ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض مالها من قرار ان یاجوج وماجوج
مفسدون فی الارض فهل نجعل لک خرجا ان تجعل بیننا وبینهم سدا العجل العجل الساعه نوعی بنویسد بر پوست گاو و جل
بالیکو بیرد و در محلات دفن کند مجربست عزمت علیکم یا شیاطین ارهش تود هو بسته هانیوش کلولان حلن حولان اجنوفی
اهو فی دشمن کروم فلان بن فلان را در فلان بن فلانه هیا هیا هیا اهف اهف اهف ارهف العجلوا العجلوا ایجب ع ۲ ع ع
سر ع اع اسر ع سه در سه خود پر کنند و در سر شاخ یا خانه مطبخها دسانند مجربست در حوالی ان نویسد فاحیج مهاجا
من الصاغ بوی و در طرف دیگر فاحیج سنا مدحوما مدحورا و در طرف دیگر اخرج فلان بن فلان وارمیه من هذه البلده من المکان
فاخرج انها الرجیم قاعده در تسخیر روحانیات از اعمال سید حسن اخلاطی حطو مشوه در ایه کریم وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض
جمیعا منه واستعمال در خلاصه و وفق این ایه است وخلاصه این ایه شانزده حرفست که تکسیر صدور و موخر عمل مشوه بر نسق حلالت دو حرف
تکسیر شد وسخر لکم اف ی ع ت ض ح ع ن ه م و ن س ع ح خ ح د ص ل ک ت ک ع م ف و ذ م ام مکرر که بعد از کنانی
تکسیر اینست وسخر لکم م اف ی ع ت ص ح ع ن ه م ترکیبات ثانی و منفصل عجیل تصیران تو وانی هادس تکسیر عجیل طلبانی
وضحیح مجموع حروف ایه در روی منتظم معتبر بصراول مذکوره سی و شش حرفست مطابق حل اسم وجمل حروف تمام ایه سه هزار و سیزده سبب
بی زیاده و نقصان و در سطور تکسیر صدر موخر و در سطر سیم ملزمست چنانچه حاصل تکسیر چهار سطر وسط بر دکلمات تکسیا ت سلاله که با دو حرف
تا چهار رسیده و حروف صدر و سطور سیت که ترکیب یافته و از مصون ایه مذکوره مدعا واضح نشد جهت اظهار زینت و لوح مظهر و بعضی ایه اینست

وعمل

وعمل دایرا لوح الملکه و اسماء اعوان از اعداد این لوح هست بر هو ثمنمان بصیر فح تا نه قاعده مدعای مستر و عمل کنی الوقوع که
دانسته بر حروف ان مدعا با بینات تمام زنده از حروف تکسیر الهی کنند و تکسیر بصورت مصدر موضع کنند که تا وقتی که تمام در هر دو از آن
تکسیر اسم مخارج اسم ملایکه و اعوان استخراج اکر بلفظ عرب اسم از اسماء الله باید در سطور خواه در طول و خواه در عرض این اسم اعظم بلغ
اللاحصار بر بعل بنولید و دالی انا الله مجرب بطلجی موهنی ملسون بدا سون طلسوح سفصلسلا هجی هیجوان ۲۲۲
علی حبیم ۲۲ احفر مقامی الساعة العجل الوحا فایده علاج قولنج مجرب جهت کسی که قولنج عارض شود تسخیر و کاغذ بسته تحف
دیکر را و سوال میکنند به تو که الله اباده ان کمان دارد کو بید که قولنج دالغذ بر سوال کنند که نه الجون کدرسی بکو بیاد به قولنج نسوای کرده
و تیر بر جله کان پیوسته مقارن این کلمات روی علیل بر کشی تجربه و نستیم عارضه قولنج دفع شود فایده جهت عقرب کزیده نویسند بر آب خوانند
و بجو زد و بجای زخم بیر مالد دفع عظیم کنند انیست کوری یوجی کوز کنام یا لان بنجو اکرمت یا فی منشی هیبد دفع تو اسیر بر سه پاره سنگ
خوانند و هر پاره را یکبار بشنی اکند ای جار بول حی جانی کوتی اسک بو هیر حبنی نهی حیحی حبدی حیدی جامی کشت کشت کنا بدم
فا آ بر تو اسان کناد فایده اول غسل کنند و دو رکعت نماز بعد منقول دعوت شغها ما طریقه انست که اسماء الله و اسامی ملایکه جمع نموده ما تنشی
۲ وبار و آیه ها که مجلب است قلوب سلاطین و اوراد ملایک محبوب و جن و ملک هر که خواهد باید که آنرا نکس ملاحظه کنند که چند وقت
اند و نواسماء الله و اسم ملک یکی ترکیب کنند بر بوجب مثلا تسخیر سلیمان خواهد کنند لیس غفار الخالق یا جبار دم یا دی الله مقصود
اسم ملکی میکائیل احرفتا ییل محبیا ییل ۲۲ اسماعیل سرافیل لوما ییل ترکیب کرده این چنین اللهم انی اسئلک یا غفار یا
خالق یا جبار یا بادی یا الله یا مقصود همچنین بکویند اللهم سخر لی سلیمان و فلان محبتی والکرم یا رب العالمین و برحمتک حبیبک محمد
واله اجمعین و بعد از آن هر صد مرتبه اسماء ملایکه بخوانند و عزیمت بخوانند و قسم دهد این ندا و عرض طلب کنند البته مراد حاصل شود
عزیمت دیا تسعو عزمت علیکم یا ارواح الهوائیه ما دهوا یا دالکرم حرفیا اسماعیل قلب سلیمان ۲۲ همچنین حرف حرف قلبی یاری افعل
ما امرتکم به او کلم علیه بطرفه عینی العجل الساعه الوحا عزیمت هوائیه عزمت علیکم یا ارواح الهوائیه انتم حی الماء سفلیه املا یا
حملیا ییل قلب سلیمان ۲۲ هوائی وعشقی و حبی کان قلب لیکا هوای یوسف املاکی الحبا داما ع امرتکم به و ادکلکم علیه بطرفه
عینی العجل الساعه الوحا عزیمت اصیه عزمت علیکم یا ارواح الارضیه انتم جوهر من جواهر العا سفلیه میکائیل ارضی محبتی فی قلب سلیمان
۲۲ ادفع لحی الحال افعل ما امرتکم به و ادکلکم علیه بطرفه العین العجل الساعه الوحا هذه اسماء و حروف ملک ما
ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
اسماء ملک سرافیل لوحنا ییل و بابیل اسماعیل بکیا ییل سرحنا ییل سمل طیل عطکوا ییل
سرکا ییل لجمل ما ییل لوما ییل نور ایل صدو دایل عططا ییل طا طا ییل هر الهیل سرافیل میکائیل ملح ییل اسماعیل دردا ییل کا ییل

سردیائیل حرقیائیل جبرائیل میکائیل عزرائیل ذهلکئیل بحق توکلت بر سه ورقه نویسد بنام طالب و مطلوب با عداوت و البغضا بینهم العداوة
والبغضا و قال بها افتراق بینی وبینک بعد المشرقین و بعد المغربین مجموع عدد را بگیرد در سه درسه و درج کند ۶۳ ۶۹ یک ثلث ۲۲
۳ و اگر بر لفظ نویسد و در روهای یک مرده یا بنی وکذا العادات عظیم کند و اگر بر پوست آهو نویسد و در روی گوسفند سفید اهوت سوزد
بران ند و در زمین دفن کند اثر سرسام و نزله و برص ظاهر شود عزیمت ثلث بعضا اینست برحل طوراق توهقب عمبش
خوطیه یونس غید بطربی ابلیس وحاد بلیس صونس ضابطه نوشتن ثلث در خانه اول یک مرتبه این اسم بگوید و نویسد ا ا ه ا ه
و در خانه دوم این اسم بگوید و نویسد لها انفطابال و در سیم سه نوبت بگوید جلیش و در چهارم چهار مرتبه بگوید دقتال و در پنجم پنج مرتبه
بگوید هطیطیش و در ششم شش مرتبه بگوید والرحیم و در هفتم هفت مرتبه بگوید رتفطاه و در هشتم هشت مرتبه بگوید ضدابه و در نهم
نه مرتبه بگوید طیبال و چون مثلث تمام شود عزیمت بر هم سه مرتبه بخواند و مطلب خود بر حرز نویسد و بکان خود نیش بسازد که اثر ظاهر شود
و عدد دعای سملهم را که ۵ ۳ ۸ ۹ اینست با اسم طالب در مثلث درج کند و در قبرستان یهودان دفن کند و دعا لا بعد دا اسم السحق بخواند
مشهور شوی ع ۳ ۲ جیم را نه در نه نویسد در خت تام و بعد دعاها بخواند و هر یک مرتبه که بخواند یک خانه را بکند و الی آخر را در خانه
دهم الکلند و صدرت ضادان پیره کنند و بگریه شده در لسخیر ملک المعرا باید در خانه ۲ دور از طول مندل یکنه بهیچ کار در فولاد و کارها
را در دور مندل فرو کند و بخورات لبوزانند بخور پوست خشخاش سندروس کندر سیاه عنبر پوست سیر و فلفل ازرق هر یک قسر باید کند از هر جهة ادلا
دست و بهره و کوست الفدق کند و مداب السخیر یا یوم است و از مندل که بر آید و خود دلالکه داند و در وقت بر آمدن این اسم ۱۲ ادا بسیار
بخواند و هر شب سیزده بار بخواند و هر شب دو رکعت نماز کند و در هر رکعت فاتحه یک بار و سوره جن یک بار و چون سلام دهد عزیمت این اسم هزار بار بخواند چون روز ششم
شود بامداد گاه سی هزار دختر بیرون آیند که همه متوجه وی اند و مرا آینه و هر یک اسب سوار و بر سر هر یک تاج مرصع و درها و جای او بوده از آن اولینه و سرود گویان
هر یک طبقی از لعل و یاقوت و زر سرخ بر گرفته و بر بالای آن تخت نهند و سجده دیو با بهای آن تخت گرفته بایستند و دختر بالای تخت بر تو سلام کند و با تو بهم یاری
کند و گوید مرا قبول کن تا همه حشم که دارم بر سر تو نثار کنند و با تو عهد بندند و عهد وی از همه عهدها محکم تر است و به سرود گوید که دختر خود با حشم وی
از برای تو کنیز ... و مهر و زینت خود بیارم و شما را به بینم و هر چه فرمایی بکنم و خاتم بر مهر و در نگاه به انگشتی خاتم و الله وان اسم که در وقت بر آمدن
از مندل و سیر باید خواند اینست یا علیعطیوش و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ملک الجن لبیدنوس کی هطلطوش بحر واس
هلفتوس طیس هنلیملیش سند عوث کی علیاس هملبوس احبوس ذا حوف و بقدرة الله کی قادر الذی لا اله الا هو الحی القیوم و کی علیه
مریم عود کی الحواریین اجیبوا عونه و بحق هذه الاسماء العظام و صلی الله علی محمد و آله اجمعین تمت فایده نیز اجابت موکلات اعوان از مربع
طبعی الوفق الاولی ابتدا بالمفتاح و هو النسب الذی ... فیه واحد ثم النهایه و هو النسبه الذی یسمی بالمغلوق و ورقه فیه ستة عشر ثم المیزان هو
جمع بین المفتاح و المغلوق و هو سبعة عشر ثم الوفق و هو مجموع اعداد اضلاعا او قطریه و هو اربعه و ثلثون ثم الساعة و هو ان تقرب عدد الوفق

فی عدد بیوت ضلعه و هو سته و ثلثین مائه و اربعین ثم الضابط و هی مجمع المساحة و الوفق و هی مائه و سبعین ثم الغایط و هی ضعف الضابط
و هی ثلثمائه و اربعین ثم البلغ و هی حاصل الضرب الغایط المخلوق و هو خمس الف و ثمانمائه و اربعین اردنا ان نستخرج اسماء الارواح العلویه
استنطقنا البلغ واحد و خمسین موافق عدد ایل بقی ۸۹ ۳ ۵ اضفنا الیه المفتاح و هو واحد صار ۹ ۳ ۵ نطقنا به و نضیف فی آخر کلمه
ایل قلنا هغشص ایل ثم اضافه الیه المخلوق ۶۰ و هو صار ۲۹ ۵ نطقنا به و التضیف فی آخره ایل قلنا هغشو ایل ثم اضفنا
الیه المیزان ۱۷ و قس علی هذا و اما استخراج ملک السفلی من مربع المذکور اخذنا عدد الاصلی و هو ۹ ۸ ۳ ۵ اسقطنا منه ۱۹ ۳ و هو عدد طیش
ربعی بقی ۷ ۳ ۵ اضفنا الیه المفتاح و هو اصار ۵۰ ۸ نطقنا به و نضیف به و نضیف فی آخر کلمه الطیش قلنا هغعا طیش ثم اضفنا الیه
المخلوق ۶۰ صار ۲۷ ۸ ۵ نطقنا و نضیف فی آخر کلمه الطیش قلنا هغعو طیش و قس علی هذا العمل الی آخر العمل فافهم جهت سبد کردن دزد
این را بنویسد باسم سنگ کرده شده و در خمیر گیرد و در آب اندازد و هر کدام که بر روی آب ایستد دزد بود انک انت علام الغیوب ما قلت لهم
الا ما امرتنی به فانه یعلم السر و اخفی با سم فلان طریقه مداومت بود و نه نام جانست که در جای نشیند که او از وی او از سنگ نیند و غسل کند
و جامه پاک بپوشد و بخور سوزد و اول دو رکعت نماز کند در رکعت اول یک الحمد و سه بار سوره توحید و در رکعت دوم یک الحمد و سه بار آیه الکرسی و هر مطلب پیش و عده
که بنشیند صد و یک بار بود و نه نام را بخواند و اگر منظور محبت بود آخر بگوید ان فلان بن فلان و القیت علیک محبة منی الی آخر الایه و بگوید اللهم رب هذه الاسما
العظام التی تجمع فی قلب ۲ م و اگر برای تفرقه بود آخر بگوید و القینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیامه اللهم فرق بین ۲ م و ۲ م کما فرقت
بین السماء و الارض و کما فرقت بین الثلج و النار و کما فرقت بین المشرق و المغرب حقا لا یجتمعون ابدا بحق هذه الاسما العظام و اگر طلب فتح گشایش
امور بود آخر بگوید ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین و سوره اذا جاء نصر الله بخواند و اگر جهت دفع دشمن بود آخر سوره فیل
بخواند و بگوید اللهم یا رب کما حرقت شر اصحاب الفیل عن الکعبه فاصرف هذه العدو فایده جهت هر امور سوره سبع المثانی در زاد و چهل و سه نوبت بخواند
حال ان شخص جهت هر مطالب این سوره را هزار بار بخواند و در ایاک نعبد و ایاک نستعین مطلب او را خاطر کند را انکل شخص برود و هر مطلب پیش و عده
داشته باشد بحل بگردد و بعد از ان فلفل بر دارد و بر فلفلی یکبار سوره کریمه را بخواند و در آتش اندازد مراد حاصل شود مثال دوستی حکمیه عدد سنگ
۴۰ ۸ بار بخواند بر فلفل خواند و در آتش اندازد اگر خواهد که سفر کند وقت عزیمه سفر عدد سوره ۳ ۳ هست سعید و چهل بار بخواند و عقب سفر کند
در ان سفر از قطاع الطریق و بلیات ایمن بود جهت ادای قرض ۱۷۶ بار بخواند جهت محبت ۵ ۴۰ بار بخواند جهت عقد اللسان ۱۱ بار بخواند جهت دیدن
ملوک ۵۹ بار بخواند جهت کشف الارواح ۶۰ بار بخواند جهت تسخیر شخص ۱۳۲ بار بخواند جهت حکمیه محبت ۳ ۶ ۱ ۴ و برای قیاس چون خواهد
که مانع جاه بیفزاید اسم الشخص الاجتیان که تواند و عنا عمل کنند و بعد ضعفا اسم بیدا کنند و در پهلوش کتا رد و اعداد او تضعیفات
را در مربع درج کنند و ان را طلسم جدا کانه نویسد فایده کلی یابد که بیت فی هشت فواها همزه و عدد سی دری بنویسد و سطور را ترکیب
کنند و اعداد جمله را ترکیب بکرد و در مربع کنا اول و ترکیب حروف را در جوانب مربع نویسد و طریق بینج درنج تمام می شود و این ایات تسخیر بنویسند

بسم الله الرحمن الرحيم الله الذي قرنا باسائر الحوت الله الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بامره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وسخر لكم ما في السموات وما
في الارض جميعا منه وسخرنا له الريح تجري واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة هو الذي يريكم اياته فاي ايات الله تنكرون فباي الاء ربكما تكذبان كذلك يتم
نعمته عليكم لعلكم تهتدون ولاتم نعمتي عليكم لعلكم تهتدون ان ربكم الذي تبارك رب العالمين اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك ان تعطيني
بواقع الطافك واغنني بفضلك برحمتك يا ارحم الراحمين الخير وكفني موانع رحمتك الواسعة من اريد بسوء وتوفقني لما يرضيك على والخيرات فيما
احاول تقديمه او تاخيره وتتم كما تممت على ابوي في ابراهيم واسحق ويعقوب انك عليم حكيم وتزيدنا ابدا من فضلك ولديك المزيد وتعود
علينا ببركات القران العظيم والايات الكريم وذكر الحكيم انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد تمت ع عيب حضرت اخوند رحمت ...
صلاحيت وتقوى شعار مولوى مستجمع جميع علوم مولانا محمد تقي ولد ملا محمد على قدس سره كه اسم يا عزيز للاستخراج صحيح واسم مذكور للامام مدت
سه روز ما بين خوانده ۲۲۵۵ مرتبه در اول واخر بنيت رايگيا ركخوانند بسم الله الرحمن الرحيم عزيز غالب له ملك عالي على عيها لا يع
شمقا ... غنيعن لم يزل الايبلا شعل ها اشمعه بيفياى نبا يا مل لعم اعفلعلل ويا لرزن دبثلهى اقسم عليكم يا ملئكة رب العزة
وعيا ئيل رلمغائيل برائيل ما جعائيل لدائيل ليا ئيل معميلائيل هسلبائيل الهها ئيل يلاذائيل عبيائيل
شما عائيل عبدائيل يلاشائيل مكيلائيل منيلائيل لامعائيل هيفيائيل عيزائيل شهمعائيل عجعيائيل لعيمائيل اعنعائيل
بمزائيل قاهائيل ليائيل لعليائيل لهيائيل لترمائيل رلعزائيل عانائيل العلائيل لنزاذائيل زعيائيل عيمائيل لانيائيل
لمعضائيل عيا فائيل شيدهائيل بهذه الاسماء الذي احتجب بها الكبرا اسرعوا الى هذه الاعوان العهيوش بيعيدوش للدعيوش
لدابيوش باليعيوش عغاريوش علعيوش ها بلبوش ماعيوش شما ابوش ميهايوش لعيوش دزاليوش زدم نوكى
نبلايوش لميوش نقا ميوش غبنبوش لغنبوش لهلبوش نعشا حاصى والجاح طلبتى الوحا الوحا العجل العجل ان على
بالذي وجب والزم عليكم الطاعة اسئلكم يا ملئكة الله لعزة الله ربكم وبما اقسم الله به على ما طلبت دزا العجل لئلا يغفو الاعوان ومن
يزع عن منهم عن امرنا توتوه من عذاب السعير ليس خطاب اعوان كنند يا معشر الاعوان الذي ذكرت اسمائكم ودعوتكم الوحا الوحا الاقسط
الله عليكم الملئكة الذي سميهم واحدا واحدا بهذه الاسماء الوحا الوحا العجل الساعة بالذي اوجب عليكم الطاعة بعز الله وسود
وجه الله وبما بعث الرسل من عند الله وبحق محمد رسول الله ۱۲ النبيين وعلى امير المومنين وفاطمة الزهرا سيدة نساء العالمين وبحق الحسن والحسين
سيدي شباب اهل الجنة وبحق علي بن الحسين زين العابدين وبحق محمد الباقر علم الاولين والاخرين وبحق جعفر بن محمد اصل الصادقين
وبحق موسى بن جعفر مستقر الكاظمين وبحق علي بن موسى الرضا امام المومنين وبحق محمد بن علي التقي اطهر الطاهرين وبحق علي بن محمد النقي
امام الطاهرين وبحق الحسن بن علي اكمل المنتجبين وبحق صاحب الزمان المهدي خاتم الوصيين صلوات الله وسلامه عليكم يا ابواب الله
صلوات الله وسلامه عليكم يا بركات الله وكلاء الله صلوات الله وسلامه عليكم يا اسرار الله اني توجهت بكم الى الله وتوسلت بكم الى الله

فی الحاج مطالبی من قضاء حاجت وکفایة مهمی ما مهمی یهمه من امر دنیای واخرتی فاستعفوا الی الله عز وجل فی ذلک وابد و فی نظرة واعینوه بقوة و سخر لی الارواح
والاعوان الموکلین باسماء الله فانکم قادرون علی ما تشاؤن الله الا ان یشاء الله رب العالمین ثم و یوم ... ایام و ... الله ... وبالحج
بها و مایکتب الاسماء فی ید الیمین ... احب یا ... ویا غفوت وانت خطغون ویا عیطور ویا غهطور وانت یا باحرو یا شهریح داهر افعلوا
ما تؤمرون و تقرا فی هذه الاسماء فی لیلة الاولی احد وعشرون وفی لیلة الثانی احد وسبعون وفی لیلة الثالث واحد وخمسون و تجب بالاربعة الکرسی وان
الرسول فایده فی الاحضار حین الطلوع والغروب ان الشیطع فی وقت الصبح بتوجه التام بلا احصر سورة الشمس یقرا ثمانیه وعشرین مرة بنفخ الیه
یا فتح فتح یا کهیعص الکفی ابا ثا ثا تا اجر یا حمعسق احمی یا الخ مغلوبت ... یوم تبدل الارض غیر الارض و برزوا لله الواحد القهار لمن الملک لله الواحد القهار
ان الارض یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون د ب ح ک فی المحبة والالفة والاحضار یکتب
وفی رصاص یکتب حوله دایرة وحول الدایره سورة یس الی قوله لا یبصرون وقد یکتب عوض یس حول الدایره هذه الاسماء ... طیلوث
بهملیا ... طاطو یا طاطو یا عزیطش توکلوا واسرعوا واجیبوا واسرعوا واحضروا و ... الی هذه المکان فی اسرع وقت و اقرب
حال بالذی قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین ثم تاخذ نقش ذکره تربط وسط خیط حریر و تجعل الخیط فی عود حرا
وصغیرة و ... وسط الماء ثم علی وجه الارض ... حوله علی طرف الخاتم فانه یجلسه الذی ... حفش ... کرامت ...
فی الرصاص بنویسد با ... روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا و اذا جاء نصر الله ... آخر و بعده ان جعل
لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله
فتوکلوا ان کنتم مؤمنین ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة
من لسانی یفقهوا قولی و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذلک ... لقد جاءکم ... سوره و حرد
حابل ... و ... ده مرتبه اللهم انی اسئلک بحق اسمک المکنون بین الکاف والنون و بحق محمد و اهل بیته الطاهرین ان تحل ... کره ... م
ع ... بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق هو الله احد و عنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما بالف لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
والکلمات ... را ... بنویسد حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها فایده ... کهیعص ... محمد رسول الله ...
سوره و این لوح را نوشته حامل کرده ... سوره یس ... بلا بسمله ... احد و اربعین حرزا
... باسم المحب و المحبوب علی المحب فانه عظیم فایده ... این
سوره را بر اجزای مذکور خواند که ... روز ... و بعد از آن بهم بیامیزد ... بخورد
... برطرز ... بر ... بیاف ...
اخلاص ... والتین ... الم نشرح فایده در عمل ... روز روزه دارد ...

الله	مبدی	مصور	حی
٢٣٧	١٧	٦٧	٥٥
٣٣٤	١٤	٥٨	٦٨
٤٧	٦٩	١٥	٣٢٥

فی النور ... و ... وقد یصح ... النور

فلوس زرد و هر روز هزار بار بخواند سیما حاصل شود از و اشمل الطوایل مطایل مطوط مسطوط مر مر مطر مروم ابنج ابح منو شمو ریس یس لعبد ارزان
بر خواسته بدهد هر محلی که برهم حاجت شود است بنج کاغذ را ببرد و بر قرطاس این نویسد ه ۵ ن هو وسه نوبت این اسما را بخواند اشجالوش جیجالوش
مطالوش مطالوش یاحوش رب العزة ابج ابح نورتیس یس طب بنویسد بر بیضه مرغ و دفن کند در تنور این هذه و نهیس و نهشی ذولیعه ذولیعه
لسدکوس سلطانی لسبدة ... ونهیس و یحی الشیخ و بحق الملک الشیخ الکبیر الا اجبتم ... فجعلتموه لایقر و لایسبقر السوق و الغم الی ... والبکاء
والصیاح لا یاکل و لایشرب بحق الشیخ الا اجبتم واو ... بقبل حصاف البحر و قبل الفراق الوجه واجعلوا اسا ... یا ذولیعه و دهنش حتی یا نوش
... العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة ... بحق هذه الکلمات ... المرجان فجعلوا به و لاتغفلوا فایده بنویسد و فتیله
کند و در چراغ کذارد و بر بالای سه پایه چوب باشد کذارد و چراغ را در این عزیمة بخواند عزمت علیکم یا روس الجن و الشیاطین و سید الارواح
و رئیس الجن و الشیاطین و عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الکواهن و یا خطفوش سید الارواح و رأس الجن و الشیاطین و عزمت علیک و علی اعوانک و اتباعک
ان ... بحق هذه الخاتم و الکلام و جایز است این را نوشتن بر حدید و فولاد و مس و بیضه مرغ سیاه و شانه کوسفند و نعل نوشتن
و بر شیشه نهادن با مقل و مکر و فلفل و نفط سفید و دفن کردن در آتش فایده بنویسد در روز پنجشنبه لساعت با بهم حط دانه در خانه تاریک
در کاف دیوار کذارد و قدرت ... کند لا اللام ... عزیمت علی حبابیت کوید تیلهف طولان مرجل یرغش بوحش
علش غلش حوطیر فالهود قرشان بوشان اللهم یا کبیع نفطش جلد جهما هلخ ... هنیاخ بزرکان الا اخذتم سمعهم و ابصارهم
ضمان الذی ... لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم و هو السمیع البصیر اقسمت علیکم یا ... الا اجبتم و ... و اسرعتم بقضای
حاجتی بحق عیسی و موسی و نوح ... دوازده نوبت بخواند و حسن لیان ... کسد ... الا ... الابیض باسم المطاوله تکتب هذه العزیمة
علی قرطاس و تعلق فی عنق التمثال من فوق رأسه و یدخن فوقه بالمقل و السندروس و الاشق و الفلفل الابیض و الکندر البغدادی و الزعفران غیر المسحوق و شحم
المعز ... و یواظب علی قراءة العزیمة حین یرتج التمثال ثم ترفع من هناک و یدفع فی النار و العزیمة هذه طالبتک فی مشارق الارض و مغاربها فاین
المفر و این المهرب و این الملتجع و تطلبک ملکة السموات و الارض الذین لا یباحون و لایغفلون عن ذکر الله تعالی و لایسهون یسبحون باللیل و النهار
لایفترون و لایغفلون عن ذکر الله ابدا فاین المفر و این المهرب و این الملتجع ارسلت علیک جبرئیل و میکائیل و عزرائیل و اسرافیل و سطوطرون و فنجیل
و اشیل و عنوئیل و بومیل و شلویکیل و دردیل و زنبیل و رحوائیل و رقسیل و رکوئیل و مرئیل و کوکبئیل و الملئکة الذین یحملون العرش
من بین الوحی و یاضربون ... علیک فی قلبک من بین جنبیک حتی تقبل ... فقلبت فیها سهم و ... الی ... جالس و ... یابس
و لیل ... الحاج و بولک لاینهل علیک لاتبحرون و اذنک لاتسمع و قلبک ... و کبدک مقطوعة و رأسک مصدوع حتی تصل الا
ان ... و ان ... ترد و ان جلست و ان قعدت ... ثم اجبک و لایرون بکاحد سوی انا فلان بن فلان این المفر عزمت
علیکم ایها ... ان ... من کافة الارواح من ملکة الجن و الانس و الشیاطین ... و حق ... فانت یا ... یا ...

وان

وانت یا ناسائیل وانت یا جرجر وانتم ملوک اربع زوایا الارض حتی تجلبوه الی من بین یدیه ومن خلفه ومن فوقه ومن مقعده وعن یمینه وعن یساره
وان کان نائما فایقظوه وان کان قاعدا فاقیموه وان کان قایما فجیئوا به ولطردوه وسوقوه وجروه الی ۲۲م وعزمت علیکم بالسلطان لکم
الشداید وعزمت علیکم باسمائکم وعزمتکم التی عزم بها علیکم لا تصحبتم فی وجه ۲۲م کما اصحبتم وجه ایوب علیه السلام حتی اذلتهم الله عز وجل وحلیتم الدره
حسده لک اعینوه علی ۲۲م واعیاه فی وضعه به ذرعی عملوا وصدقوا قولکم عن طریق بدایه چنانست که چهل و یکصد کاذب را سالک در
بدایه متعاقب یکروز نوبت شود و در یکمدت هر روز بسم الله الرحمن الرحیم ۷۸۶ مرتبه بخوانند و چون صبح صادق شود بعد از نماز
هزار مرتبه صلوات فرستد و سوره ۱۰ ۲ نوبت بخوانند و آیه آخر سوره حشر را از لا یستوی تا آخر باشطای بگوانند که از اول آیه تا یتفکرون بخوانند
و بعده هو الله الذی لا اله الا هو بگوید و آیه من خشیة الله را یکنوبت بخوانند و صد مرتبه هو الرحمن الرحیم بگوید و بعده هو الله الذی لا اله
الا هو صد مرتبه بگوید و آیه مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه الملک القدوس بگوید و آیه مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه السلام المؤمن بگوید و آیه
مذکور را یکمرتبه و صد مرتبه بگوید الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون و یکمرتبه آیه مذکور را بخوانند و صد مرتبه هو الله الخالق البارئ بگوید
و یکمرتبه آیه مذکور را بخوانند و صد مرتبه المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض بگوید و یکمرتبه آیه را بخوانند و صد مرتبه
و هو العزیز الحکیم بگوید و یکمرتبه آیه مذکور را بخوانند و ده مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر اضعاف ما سبحه و حمده
و هلله و کبره جمیع خلقه کما یحب و یرضی و کما ینبغی لکرم وجه ربنا و عز جلاله و مداد کلماته و سعة رحمته کلما ذکر برحمتک یا ارحم الراحمین و چون
اوراد هر روزه تمام شود تا نزد زوال چهار هزار مرتبه کلمه طیبه لا اله الا الله را بخوانند و بعد از نماز ظهر ۲۲ مرتبه سوره حمد را بخوانند و
هفت مرتبه دعای یا مفتح فتح و ۲۳ نوبت یا دعا را بخوانند و بعد از نماز عصر ۲۳ نوبت سوره حمد و هفت مرتبه دعای مذکور و ۲۳ نوبت
یا دعا را بخوانند و از عصر تا غروب آفتاب چهار هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید و بعد از نماز مغرب هزار مرتبه صلوات فرستد و ۲۳ سوره حمد
و هفت نوبت دعای یا مفتح فتح و ۲۳ مرتبه یا دعا را بخوانند و بعد از عشا سوره حمد ده نوبت و بروایتی یازده نوبت و هفت مرتبه دعای مذکور
و ۲۳ نوبت یا دعا بخوانند و بعد از عشا تا وقت خواب چهار هزار نوبت لا اله الا الله را بخوانند تا مدت اربعین روز تمام شود و بعده اسمای تسع و تسعین
را بعدد جمل بخوانند و بعده هر اسم را نود و نه هزار بار بخوانند تا مدتی که جمیع اسما باین عدد خوانده شود و این بدایه از برای سالک مثالی
عمارتیست که از گچ و آهک ساخته شده هرچه تواند خواند و صاحب دم شود بعده اگر مبتلا و را اسمای اربعین مشغول شود خیر را الله
و دخولی تا جائی برسد حسب الرسوم حضرت ابوالغر (؟) سالک المحقق روحی فدیهم قلمی شد و بعد از اسمای تسع و تسعین یک اربعین دیگر هر روز
چهل و یکنوبت سوره حشر و اسمای اربعین بخوانند و بعد از این اربعین اربعین دیگر هر یک از اسمای اربعین را بحد نصاب بخوانند چون سالک
الحجه کفته شد کجایی اولهو بنهایت رسیده بدنی (؟) السلام علی من اتبع الهدی فایده به نیت آنکه کسی چیزی را بکسی بدهد سوره و التین را یکمرتبه بخوانند
و بر آخر سوره و اللیل را بگوید که فلان بن فلان اسب (؟) یا فرس ببرد حمله کند و بگوید که ۲۲م را انقدر چیزی بده و اگر نه ترا هلاک کنم

وباطهار بخ وحولت عرسانی اسما الطاهرة یا طرخیك یا ستیکیا یا شیشا یا شتیشا غت عزیمه بدایه ابنت عزمت علیکم یا ایها الارواح
بالالف المکتوب فی اللوح المحفوظ وانتم مطلعون بسر الموذع فیها لسبعون یا اسرافیل بحق الالف المسطور فی التوریة والانجیل والزبور و
الفرقان من جمیع الکتب والاسنا المنزلة علی جمیع الانبیا صلوات الله وسلام علیهم اجمعین بنویسد بر کاغذ وفتیله کند وگره بزند فتیله را او
سوزنی سیو راخ دراسیم عمولانب وسطوفتی للاگر برده با بر لیم هفت گره در هر گرهی عزیمت قسم للاخوان وبگوی بحق هذه الاسما الاعاجیم
ویجیم و زنجیم ۲۲ واسما کر براکنا باید خوانده است وانشکدیبا دوش سار هو دسوده کلوه کلوه یا صاحب الکلام ویوکلو او
اجیبوا روحانیه ۲۲ لام ۲ م وکور که هفت کاغذ زانبولی دوف رواسم مطو ماد رشو در هر یک ازاین هفت کاغذ برگ یاسمین
وحبه گشنیز وقصو لبان ویاره سندروس وفتیله للاروش کیه در چراغ بروغ زیت و هر یک ازاین کاغذ الابر فتیله بگذارد در پیش
وان ایمارا در بالا نوشته خواند عزیمت مثلث ۵ ۴ بار بخواند و بر مثلث مدخواه حب حب بخ وخواه حب نفعی کلما انزلناه من السماء
مثلث هو مدخواه حالول الو
فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
یوم الازفة اذا القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع علی نفس الحوار الکنس واللیل
اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق اگر مثلث حب بخ این آیه را به نوبت
بخواند وبه مد یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله یحبهم ویحبونه والقیت علیک محبة منی واگر مثلث از
برای نقض بخ به مرتبه این آیه را بخواند والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة هذا فراق بینی وبینک بعد المشرق
والغرب ولعیده عزیمت بر تهیه ۹ مرتبه بخواند و به نقض لباده

تراب			ماء			هوا			نار		
٤	٩	٢	٨	٣	٤	٤	٣	٨	٥	١	٦
٥	٦	٧	١	٥	٩	٩	٥	١	٣	٥	٧
٣	٨	١	٦	٧	٢	٢	٧	٦	٤	٩	٢

عزیمت برهتیه که ۶ ۱۱ از کسیعص و حمعسق استخراج کرده واز
نسخه که صحیح خود رسانیده نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم
برهتیه کریر تقلیه طوبا وبرحل بوحل توقب برهش غلمش حوطیر فلتهود بورسان شلخ موشلخ برهیولا الخطیبی فرمز
العل البیط فیراب ۵ عباها کیلهوا شمخاهیر شمهاهیر بحق علیکم الماخوذ علیکم لا تقیا فیما امرکم به بحق الفریقی من عزة عزه
وادفی ابعهل الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا یا خدام هذه الاسما افعلوا علیکم یا ستیدایل
ویا شیحا ئیل ویا شیطایل ویا شکلائیل ویا سدا ئیل افعلوا کذا وکذا بحق الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر احضروا واسمعوا واطیعوا
امری وکونوا عونی علی جمیع ما ارید وتوکلوا علی جمیع المنافع والرزق والخیرات ودفع جمیع المضاد بحق هذا الاسما اوله الشکیم بوغزبوه
بیه تنصمر سکفال وعزمت علیکم بعالم الغیب والشهادة الکبیر المتعال ملک النفس مهر نقیش ومی نورص عزخکد به لپسلکه صعدا
وبحق الحبهو دخط دبحق وطل ذهح واح وبحق بدوح جمهرط نفعنا الله بها بحق بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذی جعل فی السماء بروجا

وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وهو الذي جعل الليل والنهار خلفة لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا ورحمة الله وبركاته عليكم يا اهل
البيت انه حميد مجيد تمت نصاب عزيمت اوراد اين ١٢٨ ٣١٣ محبت عمل ثلث و با ٥ محبت جمع ٦١٠ يا ٧ و يا ٤٣ غضب غيبت اسم
اسم بايد كه در سى و چهار سطر زمام داده شود تا مدت سه روز در خلوت اسم را با پرخواند و قبل و بعد از عزيمت را چهار بار و اسم را
٣١٣ مرتبه هر روز بخواند با ترك حيوانات و صوم و سلوك و بخور بيزه بسم الله الرحمن الرحيم اسم اعظم يا كبيبي يا اول يا ابد يا على
صولطنطو فالتهار هقملد ذطلنلتى دوتا دلنيطنلى يدوعتول الادع لع اسم ملك تد دا ايل ٤٧١١ ايل اعلا ايل
ماذها ايل لتلتا ايل يقهو ايل الكدعا ايل ظا ابا ايل وتلصا ايل وتضيلا ايل الوظا ايل كنلا ايل يويعا ايل نصلا ايل ابدادا شمس
اذهلا ايل بهعلا ايل اغفدا ايل ذيتوعا ايل علطفطا ايل تصنعا ايل يذنبا ايل عفلا ايل وصهتا ايل تكا ايل بليا ايل
اسم اعوان فضيوش لطا ليوش و بنصيوش اهلليوش فرهويوش دعلصيوش قهطيوش شقطيوش يهايوش مذتليوش الهيوش
تليطيوش اتاقيوش وخ تهايوش تقلايوش كلاعيوش مماويوش هتيوش للايوش حسايوش و باكيوش بلد توش تيتيوش
لفلايوش ايبايوش لهعيوش و اسم مذكور كه عزيمت استخراج شده اينست ياكبيبي است الذى لا تهتدى العقول لوصف عظمته و بعد
تمام كشته هر روز ٧٧١١ و هر ثب نيز همان عدد بعد از هر روز ٧٧١ ور دنما نمت فصل في اخراج الدفاين باذن الله فاذا اخذ كفا منه واقرا
عليه هذه الرقية سبعا ثم دره في ذلك المكان ثم بالغ في القراءة الفه ولا تقطعها حتى تجتمع على راس الدفاين هذه العزيمة عزمت عليكم بالملك والملكوت
وبالقوة والجبروت وبالحى الذي لا يموت بسم الله الرحمن الرحيم لقمان يا بنى انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة او في السموات
والارض او في الكهف وحقه ان الله كان سميعا بصيرا بورة الانعام فالق الاصباح الاية ابيا وان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها وكفى بنا حاسبين
يا خردل الدينا ان تجمع بحق الذي هو رب التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم بحق الله وبحق انبيائه والرسول صاحب الجنة والنار
في الدنيا والاخرة وهو القادر المقتدر وهو العليم الخبير يا خردل الدينا ان تجمع بحق الله الذي هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو
الذي يحيي ويميت وكان عيسى عم يحيي به الموتى ويبرئ الاكمه والابرص باذن الله ثم يا خردل اللهم دنيا وربكم هذا يا خردل ثم هذا الاسم الله
اهيا شراهيا حيا قيوما جبار اللهم الموشا حنان منان مقتدر سبحان عظيم برهانا قديما عزيزا جليلا سلطانا اريد ان تجمع
في موضع هذه النبي الدفينة الذي هو ثمنا بعيدا وعند الله قريبا هلاهيا يا الله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد تمت فايده بجهت فتح البول حيوانات بر سيم اين نوليداهكه ومكه هر روز از ايام هفته اين شكل را بنويسد خوص
عليحده دارد يوم الاحد از جهت غضب سلطان امير شدن يوم الاثنين رجعت اسفر يوم الثلث طلب حرفوم ان بنود وجود لم يرد غايب اليوم الاربعا
خلاص محبوس يوم الخميس ظفر خصم يوم الجمعه روا ايد دكاده يوم السبت بصلح بين الزوجين هذا الشكل در اين روز است

سىاع ااط اااا ط ١٣/١١١ ٩ ١١١ ٥ ١١٥ ه حه سلسلسكى على سلطان الول ملعىـ مرحاطىه حلسلى
حسفا لحسلعسل هلمىه مسلى طط كمطهمه لعسلىلس سلعو ا
/ طسلى سعلسلعهـل طسلهمل

بنویسید بجهت فاش شدن دزد و بر کردن گوساله ببندد هر کس که دزد و بز گوساله صدا کند بهذا ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذلة فی
الحیوة الدنیا و کذلک نجزی المفترین بنویسید و در زیر بالین نهد دزد را در خواب ببیند حال حالی هر جا که اسم الحفیظ در الفسوره و احو ا
که بر هر اسما را الخواند حاجت روا شود از روز پنجشنبه ابتدا کند تا مدت بیست و پنج روز سوره یوسف را یا عزیز یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا حی
یا بصیر یا علیم یا کافی یا اول یا اخر یا ظاهر یا باطن یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا ملک یا قدوس یا شکور یا غفور یا احد یا صمد یا فرد یا وتر
یا وحی احفظنی من الآفات من جمیع البلیات فاقض حوائج ابرحمتک یا ارحم الراحمین بر کف دست نویسید و بخود دارد جن در خواب مطلب را بگوید
بسم الله بیهت هت نهت بهت بهت بهت بنویسید و با خود دارد خوابی ببرد که طاع که علا لا لاه بنویسید و بدست
گیرد و پیش کسی که حاجت خواهد رود روا شود لاع لاع بیع حه له هه ه هر گاه قمر در سنبله باشد یا در قوس باشد این وفقات را نویسید
بجهت مطالب مشروعه روا شود و اگر در خانه آتش افکند چوب بگیرد و این کلمات را بخواند و با آتش اشاره کند و بگوید بگیر حق سراطیل آتش بر طرف شود
و حروفات اینست که موقوف شد فعصصلسهشطفکا این حروفات را بر کل یکان نویسید و در دست گیرد و این کلمات و اسماء را بخواند
ملیکه را نوشته بخواند جزرٍ یا بدسرائیل صفطلهائیل حاکیل عقد البول السارق یا خذ لوم الغنم و یقرأ علیه سوره الم سجده سبع مرات و یس ۷
و آیه الکرسی ۷ و یقول ربطت بول السارق بتاع خلاف و در کوزه کند و در موضع تاریک نهد جلب النفع بسبع عجم صم بحول الله الوهاب عزمت علیکم
یا ارواح المقدسه یا ملائکة الغرة ای ملاک لهذه الحروفات الطاهرات ان تعینونی مع اتباعکم و اعوانکم بجلب الذهب فی المال و اللاقمه و اللابسه و
الاقمشه و المراکب و العیون بجلب القلوب و وصل کل مطلوب و محبوب العجل الساعه هر گاه قمر زاید النور باشد در برج سنبله خانه ارکوست نویسید

		مریخ	زحل	ذنب	
	ڪلم	احد	حی ۹	ضبیر	١١٩١ ١١١١١٩١٢
	مریخ	لطیف	بصیر ۹	کبیر فضة	١١٩١١ ٣١١١ ٨٠١١١ ٩١ ٩ ١٨
	ڪلم	قدیس ۹	واحد	ی ری ۶	له مع الحصبات ١١٩١١ ٩١ ٩١ ٩١ ٨١ ١١
		مریخ	زهره	شمس	١١٩ ٨٧ ٩١ طاد ١١١١ ١١٩٩ ط

و بهشت نیز یا شاهد رحمانی او کذا الله
برکت السلطان الیه این کلمات را بر موضع وجع نویسید
هم ذلیل ساکن شود و اگر به شکر و زعفران نویسید
و بخورد دل ا ا هسوبولیح اللهم رب السموات
السبع و رب العرش العظیم اقض عنا الدین و اغننا من الفقر بحق اعداد و نام هر دو را غریب در سجده بگوید اللهم اسم بلا و اقطع اثره و العقبی
اجله عجل الیه فی عام ذلک بجبه عقد اللسان در خانه و سط هشت گنشته دو رد هر چهار جا روا فنا کنند صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی

فم

فهم لا يعقلون صم بكم عمى فهم لا يتكلمون صم بكم عمى فهم لا يفقهون هذا يوم لا ينطقون للكرك به الساكنة وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا احد رسص
طع كلمو لا عدد مجموع ١١ ٥ ٦ ٧ ٧ بجهت باز حمل كه نخست بر پوست آهو نويسد انا وا اول سوره آل عمران تا عزيز ذو انتقام ايضا از سوره مذكور اذ قالت
امرأة عمران رب اني نذرت لك ما في بطني تا يسبح بالعشي ولهكذا از اول سوره مريم تا شيا و هونت حامل كرد دو برج جل بندند و بخور دوند
العجل النعم م ٢٣ م يا عجل ح ٢٣ م فايده بگيرد عدد اسم طومط را و عدد دعاى موافق مقصود و اين هر سه عدد يك سازد و انواع جمع كويند
عدد جمع را در عدد قمر ضرب كنند و آنرا حفظ نمايد و باز عدد جمع را در عدد عطارد ضرب نمايد و حفظ كنند تا آخر بزحل رسد و اين عدد دعاى مختلفه
در هفت شب فتيله كنند و در چراغ نو بر روغن خوشبوى بسوزانند و طريقه فتيله النجف كه شب اول كه بالى قمر كه مفروب آنست در شب كه تعلق بقمر دارد در
ساعت اول شب كه ابتدا از قمر جهت گرفته با عدد جمل يكبار و با عدد نور يكبار و قس عليها تا حوت بر ترتيب بر كاغذ نويسد و اين دوازده عدد
يك فتيله بسازند و بر كاغذ نويسد و بسوزانند و شب ديگر كه تعلق بعطارد دارد بعد و در ساعت اول باز با حوانه برج جمع عدد بسوزانند تا آخر و نوع
ديگر اينست كه عدد جمع را در عدد نار و هوا و آب و تراب و نباتات جماد و حيوان ضرب كنند و هفت عدد بشود كه اثر الله و بهر شب بطور مذكور
فتيله كنند و بسوزانند تا جمع اثر ظاهر شود ان شاء الله بنويسد بر دو پاره قطعه كاغذ يكى بنام زن و يكى بنام مرد و بيايد و موى از دم سگ و موى
از قفاى گربه و هر دو را با هم در آميزد و در ميان هر كاغذ بنهد و بر در خانه انگشت دفن كند يا در قبرستان بسم الله الرحمن الرحيم طلقتم النساء و طلقوهن
وللمطلقات متاع بالمعروف و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و ان يتفرقا يغن الله كلا من سعته و القينا بينهم العداوة و البغضاء
الى يوم القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله و يسعون في الارض فسادا الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو ابدا بيننا و بينكم
العداوة و البغضاء ابدا قال هذا فراق بيني و بينك بعد المشرقين فبئس القرين انك لن تستطيع معي صبرا و هم بالعدوة الدنيا و هم بالعدوة
القصوى و مكروا و مكر الله و مكرنا مكرا الخبيثات للنسا الطلاق الفراق الفراق اللهم فرق و بغض فلان في قلب فلان كما فرقت بين المشرق و المغرب
و كما فرقت بين الكفر و الايمان و كما فرقت بين الذكر و الانثى و كما فرقت بين الكلب و السنور و كما فرقت بين الذئب و الغنم و كما فرقت بين
الماء و النار و كما فرقت بين الليل و النهار و كما فرقت بين النور و الظلمات و كما فرقت بين الجنة و السعير و كما فرقت بين الحب و البغض
اللهم لح ٢٣ م عنج كما نجيت عيسى من الاعدا و كما نجيت يوسف من الجب و كما نجيت يونس عن بطن الحوت و كما نجيت ابرهيم من نار النمرود
و كما نجيت محمد صلى الله عليه و آله و جميع الانبيا و المرسلين من ابو جهل عليه اللعنة و نفيته بغضا و فرق القلب م ٢ عنم العجل العجل الوحا
الساعة عم لا طعام و شراب و لا نوم و لا قرار و لا يجتمعان ابدا دايما ابدا بنويسد در ابتداى ان اندازد دوستى بدشمنى مبدل شود بسم الله الرحمن
الرحيم حتى اذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا حتى اذا جعله نارا قال آتوني افرغ عليه قطرا فما اسطاعوا ان يظهروه و القينا بينهم العداوة
و البغضاء ابدا قال هذا فراق بيني و بينكم بصير ضرب بالبصيرة بر سفال آب نارسيده نويسد و در قبر دفن كند بسم الله الرحمن الرحيم يا شليخ
يا معيلا طبالع و يا طهموتا و يا سميعوا يا بالتسعوس و عليس يونس و يا اسقالوس و يا مسير و مشا و يا

محبّتا و یا طّنج غت بالعرا وق و النقصا ۶ غت کفانستن ۶۰۶ عدد استقرای د ر ۱۰۰ ادر ۱۰۰ با ینطریق است که اول لجلیله و ور را مفروض کند که افتتاح
از وضع اعداد از شش عنصر یکی را در بیت چهارم کناند و ۲ را در اول کذارد ۵ را در ۲ و ۶ در ۶ از آن سامی یا بد و ۷ را در ۹ در ز ابعوض شش که ناقص
استقرا بنجا یا اول و دو مفروض شده ۶ را در اول کذارند ۵ را در ۲ و ۶ در ۶ از آن سامی یا بد و ۷ را در ۹۹۹ را در سر ویکم و ۹ را در ۳ و ۱ در
۵ و بعد از وضع ده در خانها علم که داخل شش از شش شده و یکعدد در ۲ دو را در اول غیر ده عدد دیکر از ۶ ۲ استقرا باقی مانده در بیوت اول
نکارد و برانیمنوال ۱ را در پهلوی زاویه سیم و ۱۲ در زاویه علیم دویم و ۳ را در پهلوی ۷ و ۶ را در زیر ۱۲ و ۷ را پهلوی ۳ و ۷ را در پنج ضلع
اعلی و چون اعداد استقرا بر شد بعد نصف را بیوت دو بطریق ربع و نصف با تمام رساند و تالیف بین التمامیه و تاسیس بین الزوجین
وضع یابد بنا الحساب جمل جمع نماید و طریقه آنست که اسم دو خانه لا با این مزوجات جمع کند بهای طریق ایمر بیج که بدرج نوشته و وضع نماید
و اکر آیه یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا لله و هل اتی علی الانسان تا قلیلا و دبر برای تنبیه بنویسد و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث
الی ربهم ینسلون قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم جمیع لدینا محضرون
یوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا و لسان بخور کنند و چهل ونه بار غیبت بخوانند و از بار بیا و برد مطلوب حاصل کرد د عدد و انه لحب الخیر
۲ عدد والقینا الم تر کیف اذا جاء یحبونهم والقیت لقد جاءکم لو انفقت
جغسلو هعظو وغطی غنصح عزکی بغصصط جغسط
ذیجب مجموع ایات حب والتمس البسمله وتمت للاسلام سلام قول فاتحة الکتاب
طغعقنط بطغتلح کعرجصح ۶۳۳۴ ۲ لم بعدد زعزج ضیح یعقنی
وحیلت من بیع بیدیه و من یتق الله سوره فتح انعام عدد مصحف فاطمه ایات محبت معوذتین
۷ ۶ ۶۳۶۸ ساعقد هیعضط
نو دونه نام ایة الکرسی
لن عضطلا دبغط
باب دویم ازجاه سبح اسم اذ رمیت سورة الحجر فلق ناس
جغعسط کن عنص یعنغ قفرغنبح طفقنسح ۵ عقب ۲ ۸ ن ۱۲۸
کافرون توحید دعای رحبه ادخلنی فیه غنیه وال ع ص د صحح عدد و الشمس ۶ س صحح
دغنخبح غضسح فه غنیه دغل عد کغفلح ۱۴۳۳۴
والف یا حکیم وایه لحب الخیر فی قلوبهم مرضا
جغسنکا عرضا جغتصب اللهم افتح ابواب الخیر والدولة والسعادة که عدد ۱۱۲۷ اسم النجفی
۱۰۶۸۶
۱۴۳۳۴ ۶۳۳۶۰۸۱۶۳۱۸ ۶۳۱۸
۱۲۶۳ ۶ ۱۲ ۵ ۱۲۶۳۱۸ ۵ ۱۶ ۶۳ ۱۲۱۲ ۶۳۳۲ ۴۳۳۶۰۲

٢ ١٠

عدد اللهم تا آخر یا قیاح جمیع قسمت شد و خمس در رقبه و ٣ زیاد ٣٠٣ جمع کل ٨٥٥٣

جمع بخور و عطر کنند و در مربع کذارد و هر روز ... مرتبه بخواند در فتح و جوانک کلمه شود جو بسته شده بطلب بوا سیر خون ... نوبت بخواند بعد عدد

مقرره مقرره است بعادت اهل هند اما الحل جوا سارا جر بو اسیر سبد هما را راجه نیبوا ایچه جانی کی جانی بو اسیر جرم نهی عو شنبه با مرتبه بر

نوفل ادلیس یاری بهین کیح هاری سمجهوی یا رکی کوری بیاری جی اسیر مهاد بو کا دو سنا یکا یا هماری به منز نو اسیر یادی و محل استنجا

هفت نوبت بخواند و دست بمالد اکی جون ملی جو جا تا جان سبحان کان بکانا یا نجی اکره بوجهی کوی هر سن بکار نه اوس کی بهوای

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

هم هم هم هم

هم هم

هم

اگر کسی این طلسم را سر قبله کی ان بنویسد تیر از خط شعر بیست

٥ ١١١١ ٩ ١٤ ١١١١ ٩

٩ ١١ ٧ ٥ ١٨ ١

هذا الدعا بزرکوار عظیم الشان بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله رب العالمین سبحانک

الله السلام المومن سبحانک الله العزیز المهیمن سبحانک انت الله الجبار المتکبر سبحانک انت الله الخالق البارئ سبحانک انت الله السمیع العلیم

سبحانک انت الله المصور الحکیم سبحانک انت الله البصیر الصادق سبحانک انت الله الحی القیوم سبحانک انت الواسع اللطیف سبحانک انت

الله العلی الکبیر سبحانک انت الله البدیع الرابد سبحانک انت الله الودود الغفور سبحانک انت الله الحمید المجید سبحانک انت الله المعید

الوارث سبحانک انت الله الماحی سبحانک انت الله الظاهر الباطن سبحانک انت الله الرفیع العالی الباقی سبحانک انت الله الغالب المعطی

سبحانک انت الله القاسم المتعال سبحانک انت الله القوی القایم سبحانک انت الله النور الهادی سبحانک انت الله الکفیل المتعال

سبحانک انت الله المجمل المحسن سبحانک انت الله المنعم المفضل سبحانک انت الله الفاطر الصادق سبحانک انت الله خیر الرازقین سبحانک

انت الله خیر الناصرین سبحانک انت الله خیر الفاطرین سبحانک انت الله خیر الناظرین سبحانک انت الله خیر الحافظین سبحانک انت

الله المغیث الدایم سبحانک انت الله المتعالی الحق سبحانک انت الله الباعث الوارث سبحانک انت الله المجیب الباسط سبحانک انت

الله الشهید المنعم سبحانک انت الله الرازق سبحانک انت الله الرزاق الولی الغنی سبحانک انت الله القادر المقتدر سبحانک انت الوهاب

التواب الوهاب الحسیب سبحانک انت الله الجبار البارئ سبحانک انت الله المحیی الممیت سبحانک انت الله الفاطر الخلاق سبحانک انت الله

الرقیب الفتاح سبحانک انت الله خیر الوارثین سبحانک انت الله خیر الفاصلین سبحانک انت الله العزیز الجبار سبحانک انت الله الرووف

الرحیم سبحانک انت الله لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المومنین وافوض امری الی الله ان الله

رووف بالعباد وصلی الله علی سیدنا ونبینا ورسولنا وشفیعنا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین

هذا نور ونه تمام بادی تعم جل شانه وعظم برهانه بسم الله الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا لا إله إلا أنت اللهم إني أسألك بحق يا الله يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا الله يا رازق يا الله يا خالق البارئ يا الله الرزاق التواب يا الله الفتاح العليم يا الله الحكيم العدل يا الله اللطيف الخبير يا الله القابض
الباسط يا الله الحافظ الرافع يا الله السميع البصير يا الله الحليم العليم يا الله الغفور الشكور يا الله العلي الكبير يا الله الحفيظ المقيت يا الله
الحسيب الجليل يا الله الواسع الحكيم يا الله الودود المجيد يا الله الباعث الشهيد يا الله الحي القيوم يا الله السميع السادات يا الله المجيب الدعوات
يا الله الرفيع الدرجات يا الله الولي الحسنات يا الله العظيم البركات يا غافر الذنب والسيئات يا الله المعطي للسؤالات يا الله سبحانك
يا لا إله إلا أنت الغوث الغوث احفظنا من آفات الدنيا والآخرة واقض حاجات المسلمين يا الله يا خير الغافرين يا الله يا خير الغافرين
يا الله يا خير الغافرين يا الله خير الناصرين يا الله خير الفاتحين يا الله خير الحاكمين يا الله خير المحسنين يا الله يا أسمع السامعين يا الله
يا خير الرازقين يا الله يا أسرع الحاسبين يا الله يا الله يا الله سبحانك يا لا إله إلا أنت خلصنا من آفات الدنيا والآخرة واقض حوائجنا
يا الله يا رب سبحانك يا لا إله إلا أنت يا الله يا ذو الرحمة الواسعة يا الله يا ذو المنة السابقة يا الله يا ذو الحكمة البالغة يا الله يا ذو الحجة
القاطعة يا الله يا ذو الكرامة الظاهرة يا الله يا ذو الصفة العالية يا الله يا ذو القوة التامة يا الله سبحانك يا لا إله إلا أنت احفظنا
من آفات الدنيا والآخرة واقض حاجاتي وحاجات حوائج المسلمين يا الله يا راحم العبرات يا الله يا مضاعف الحسنات يا الله يا سيد
النكبات يا الله سبحانك يا لا إله إلا أنت يا صانع كل مصنوع يا الله يا خالق كل مخلوق يا الله يا مالك كل مملوك يا الله يا رازق كل مرزوق يا
الله يا كاشف كل مكروه وبلية يا رب يا رب يا رب يا ذي رجائي يا رب رجائي يا حي يا حي يا حي يا قيوم يا قيوم يا قيوم يا ذا الجلال
والإكرام يا الله يا راحم كل مرحوم يا الله يا ناصر كل منصور يا الله يا ساتر كل معيوب يا الله يا ملجأ كل مطرود يا الله يا فارج كل مهموم
يا الله يا غياثي عند مصيبتي يا الله يا من عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند غربتي يا ناجي عند وحشتي يا فارجي عند كربتي
يا وليي عند نعمتي سبحانك يا لا إله إلا أنت احفظنا يا رب رحمن يا رحيم يا عزيز لا يضام يا لطيف لا يرام يا حيا لا يموت يا دائما لا يفنى يا عالما لا يجهل
يا قويا لا يضعف يا رب البيت الحرام يا رب الركن والمقام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا الله يا فرد بلا ند يا الله يا صمد بلا عيب يا الله
يا وتر بلا كيف يا الله يا موصوف بلا تشبيه يا الله يا عزيز بلا ذل يا الله يا موجود بلا مثل يا الله يا لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين سبحانك
اللهم وبحمدك وتبارك اسمك وتعالى جدك وجل ثناؤك ولا إله غيرك يا لا إله إلا أنت اغفر لي ذنوبي وذنوب جميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين
والمؤمنات الأحياء منهم والأموات إنك مجيب الدعوات إنك على كل شيء قدير برحمتك يا أرحم الراحمين

شرح ناد علی   بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد این رسالهایست مشتمل بر بعضی اسرار نامات و سبب نزول این کلمات آنست که در غزای احد
چون لشکر اسلام شکسته شدن حضرت رسالت صلعم در میان کشتگان پنهان گشت درین وقت جبرئیل ع نزول کرده این کلمات را آورد
ناد علیا مظهر العجایب تجده عونا لک فی النوایب حضرت رسالت صلعم از جبرئیل سوال نمود که بمن تواند رسید جبرئیل ع گفت آری پس حضرت با فرحت
شادمان و مسرور شده و فرمود که کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی هنوز تمام نشده بود که حضرت امیر المومنین ع سواره و مکمل حاضر
شده و با لشکر کفار محاربه نمود و بعضی را بقتل آورده و جمعی بهزیمت نموده شدند لشکر اسلام از کفار غنیمت بسیار گرفتند اما درین کتاب دو روایت
اشهر روایات مظهر العجایب بفتح المیم است و بنا برین تقدیر چنین باشد که ای محمد بخوان علی را که او محل عجایب و غرایب است و اما تقدیر ثانی است
و روایت دیگر مظهر العجایب بضم میم و کسر ها و بنا برین تقدیر چنین باشد که ای محمد بخوان علی را که نماینده و اظهار کننده عجایب و غرایب است و خواص این
کلمات بسیار است و از آنجمله چند خاصیت که مذکور میشود خاصیت ۱ اگر کسی در میان جمعی گرفتار باشد هفت بار بر خاک پاک خوانده و بجانب
ایشان بپاشد بهر بار حضرت حسبی الله و تقاصر بروی نتوانند رسانید خاصیت ۲ اگر کسی را از دشمنان خوف باشد بر خواند این کلمات
مواظبت نماید هر روز هفتاد بار بخواند دشمنان مقهور گردند خاصیت ۳ اگر کسی را سحر کرده باشند که بهیچ گونه گشاده نگردد این کلمات را بر آب
چاه بخواند بعدد هفت مرتبه و بآن آب غسل کند و از آن آب بنوشد سحر باطل گردد خاصیت ۴ اگر کسی را زهر داده باشند این کلمات را بمشک و
زعفران بر کاسه چینی نویسند و بآب باران بشویند و دوازده بار بر آن بخوانند و آن را بوی دهند تا بخورد زهر بر او کار نکند خاصیت ۵
اگر کسی بیمار باشد که اطبای عالم از معالجه او عاجز باشند هفتاد بار این کلمات را بر آب باران بخوانند و بخورد البته شفا یابد خاصیت ۶ اگر کسی را
مهمی پیش آید یا بمرضی گرفتار باشد هزار بار بخواند از غم بفرج و شادی مبدل گردد و مهمات او بر وفق دلخواه ساخته شود خاصیت ۷ اگر پادشاهی بر کسی غضب
کند و از کشتن ترسد هفت بار بخواند و بر خود دمد و در آید و سه بار در برابر وی بخواند خشم پادشاه بلطف و عنایت مبدل گردد خاصیت ۸
اگر کسی رسولی بجای فرستد سه بار در گوش او بخواند مقبول القول باز گردد و هر مهمی که دارد ساخته شود و اگر کسی در اول روز آدینه پیش از آنکه بکسی
سخن گوید چهل و هشت بار بخواند با هر که سخن گوید محبوب او شود خاصیت ۹ اگر کسی بتهمتی متهم شده باشد هر صباح چهل بار بخواند از تهمت آزاد
بود رسته شود و خلایق زبان به نیکی او بگشایند خاصیت ۱۰ از برای بخواب قبل از نماز جمعه بیست و پنج نوبت بخواند بخواب از او دیده شود
خاصیت ۱۱ جهة غنا هر بامداد بیستی از نظم نموده یکبار بخواند غنی و بی نیاز گردد خاصیت ۱۲ جهة ازدیاد حالت و حشمت هر روز پانصد
نوبت بخواند محتشم و مکرم گردد خاصیت ۱۳ جهة انقیاد اعدا هفتاد روز هر روز صد و هجده بار بخواند اعدا مطیع او گردند
خاصیت ۱۴ از برای بسته شدن زبان اعدا ده روز هر روز صد بار بخواند زبان ایشان بسته گردد خاصیت ۱۵ برای مرادات هر روز
بیست و چهار بار بخواند مرادات بر آید خاصیت ۱۶ جهة شفای مریض دوازده روز هر روز هفتاد بار بخواند شفا یابد خاصیت ۱۷
برای چشم زخم و عقد اللسان سه روز هر روز سه بار بخواند از چشم بدان و زبان حاسدان ایمن گردد بجهت ... چهل روز هر روز یکبار

بخوانند کنوز مخفی براو منکشف شود خاصیت ۱۸ بجهت رویت سوال صم و اسم هر عزم در مقام خواب هر شب صد هزار نوبت بخوانند البته مراد او
کفایت شود خاصیت ۱۹ بجهت افتتاح مهمات و اقبال هر روز پانصد نوبت بخوانند در اسرار بروی بگشایند خاصیت ۲۰ برای خلاص محبوس
هفت روز هر روز صد و شصت بار بخوانند مهمات او بر آید خاصیت ۲۱ بجهت اتمام مهمات هر روز پانزده نوبت بخوانند مهمات او کفایت
شود حب الدعا و انکار بزودی بر آید خاصیت ۲۲ بجهت کشف اسرار غیوب چهل روز هر روز شصت و هفت بار بخوانند در باب اسرار علم لدنی
براو بگشایند خاصیت ۲۳ برای دفع اعدا هفتاد روز هر روز هفتصد بار بخوانند در وقت نماز پیشین می باید که خوانده شود و بکسی سخن
نگوید البته اعدا مقهور وی گردند خاصیت ۲۴ بجهت شر اعدا و دفع شر ایشان هشت روز هر روز هشتاد بار بخوانند تا در حکمت بروی
بگشایند و از شر دشمنان و حاسدان و غمازان ایمن گردد خاصیت ۲۵ بجهت تحصیل علوم هر روز هفتاد بار بخوانند در وقت نماز بامداد
در علم و حکمت براو بگشایند خاصیت ۲۶ برای مزید دولت و نعمت هر روز شانزده نوبت بخوانند مراد او بر آید خاصیت ۲۷ برای
فتح بلاد پنج روز هر روز چهارصد بار بخوانند مهمات او بزودی بر آید خاصیت ۲۸ برای رفع حاجات و قبول نظر سلاطین شش روز
هر روز شصت بار بخوانند مقبول القول گردد خاصیت ۲۹ از برای عزت و شکوه و وقار در نزد خلایق هر روز پانزده بار بخوانند عزت
و شکوه یابد بجهت بر آمدن مقاصد شانزده روز هر روز صد نوبت بخوانند مقصود دریابد و مراد او بر آید خاصیت ۳۰ بجهت بغض
و عداوت میان دو شخص روز بیست و یکبار بخوانند میان ایشان عداوت پیدا شود خاصیت ۳۱ از برای استقلال از جای خود سی روز هر
روز سی و نه بار بخوانند البته جدائی شود خاصیت ۳۲ از برای اختلاف و عداوت میان جمعی سه روز هر روز سی و پنج بار بخوانند البته جدائی شود
خاصیت ۳۳ از برای محو و مقهور شدن پنج روز هر روز صد نوبت بخوانند مقصود بر آید خاصیت ۳۴ از برای شجاعت و دفع خوف شب
روز هر روز پنجاه نوبت بخوانند از بیم خوف ایمن باشد خاصیت ۳۵ از برای اعدا شش روز هر روز صد و پنجاه نوبت بخوانند از شر دشمنان ایمن
و محفوظ گردد و خواص حرز یا دعا و قرائت قلاوت بطریق اقسم حرز یا دعا بجهت هر حاجت و حصول مقاصد و طرق خوانده هر ترتیب
خواننده بر موجب ۳ ۳ ۳ ۳ واختتام و اعتصام اینست پنج نوبت بخوانند که الله صمدی من عندک مددی و علیک معتمدی و نوبت
دیگر خوانده شروع کند در یا دعا هر بار که خوانده شود اغثنی بگوید و در آخر هر نوبت ... باید بخوانند که یا ابا الغیث یا علی ادرکنی بعد از آن
که ۳ ۳ ۳ ۳ بهمان قاعده خوانده شود اختتام پنج نوبت تکرار میشود که یا ابا الغیث یا علی ادرکنی به هر مهم و حاجت که خوانده میشود

البته ان تحصل شود و بجالست والله اعلم
بالصواب

۱۰۴

هرکه خواهد که بکشد شاعر بعد نعمت اول
خواهد که از آن خوانم بخواند تا او را خفت
باید که تو نزنت این عزایم ابرار جمله جنان
تو از اسم عاملان نعم از بلا ما چنانم بعد از آن جمله جنان
حاضر کردند عزایم این یا شغلیا دلیوثانه غوثانه
هیوثانه مطیعا اجب ایها العامر وانت کنت معقول
ان تقبل له عنی انت وبنی پیش کند حتی آید حلال الارواح المقضاه
حاصلی فی اصح نعوذ الی مطالب با رک الله فیک وابن را تیز باید
بنیتی خاتم تو بسر به هو سطل و بدین و لیس نمیت

اگر کسی را فرزند
نشود این اسماء را بر کاغذ
بنویسد اگر پسر خواهد بر پهلوی راست
بندد و اگر دختر خواهد بر پهلوی چپ بندد و از
بر دوخت بند به بار دار شود اسم اعظم است

علی علی علی علی علی علی له له له له له وهه وهه
وهه وهه وهه اوه اوه اوه اوه اوهو اوهو ۲۲۲۲۲۲۲ مه
مه مه مه وما مه بمد ها وما بمد ها وما ها بمد ویحواها شراهیا اودا مسا او شاشبوح
قدوس صبوح قدوس صبوح قدوس صبوح قدوس صبوح قدوس صبوح قدوس صبوح قدوس
رب الملائکه والروح

بسم	۳۰۲	۲۸۷	۷۹
الله	۲۸۹	۲۳۷	۱۰۵
الرحمن	۱۰۳	۹۸	۳۸۶
الرحیم	۶۵	۱۰۴	۳۲۱

۷۸۰ به حرف ... اول به هر وقت ... کنند

بنیت و تسلی عقل ... جدا ... به همه ... و بنیت نام ... الاول و مریضه ... مل ... عسل

قال امیر المؤمنین علی علیه السلام اکتب هذه فی ورقة او قرطاس بسم الله الرحمن الرحیم
بعد از آن معقول له الی عنقه از اصحاب الکهف نورانیم
ومن لم یجعل الله له نوراً فما له من نور
ثم اصطلح الی یحیی بن نعم الصفا فی سته رود
عظم الفتح الله الذی کان قادر فیهم کنید
بنیت و بعض عن مائی ولد را در نما فانند
بر بنیان او ... مدد عسل سلسل

۱۰۵

ن هـ
عـک
۲۰۶۶۱

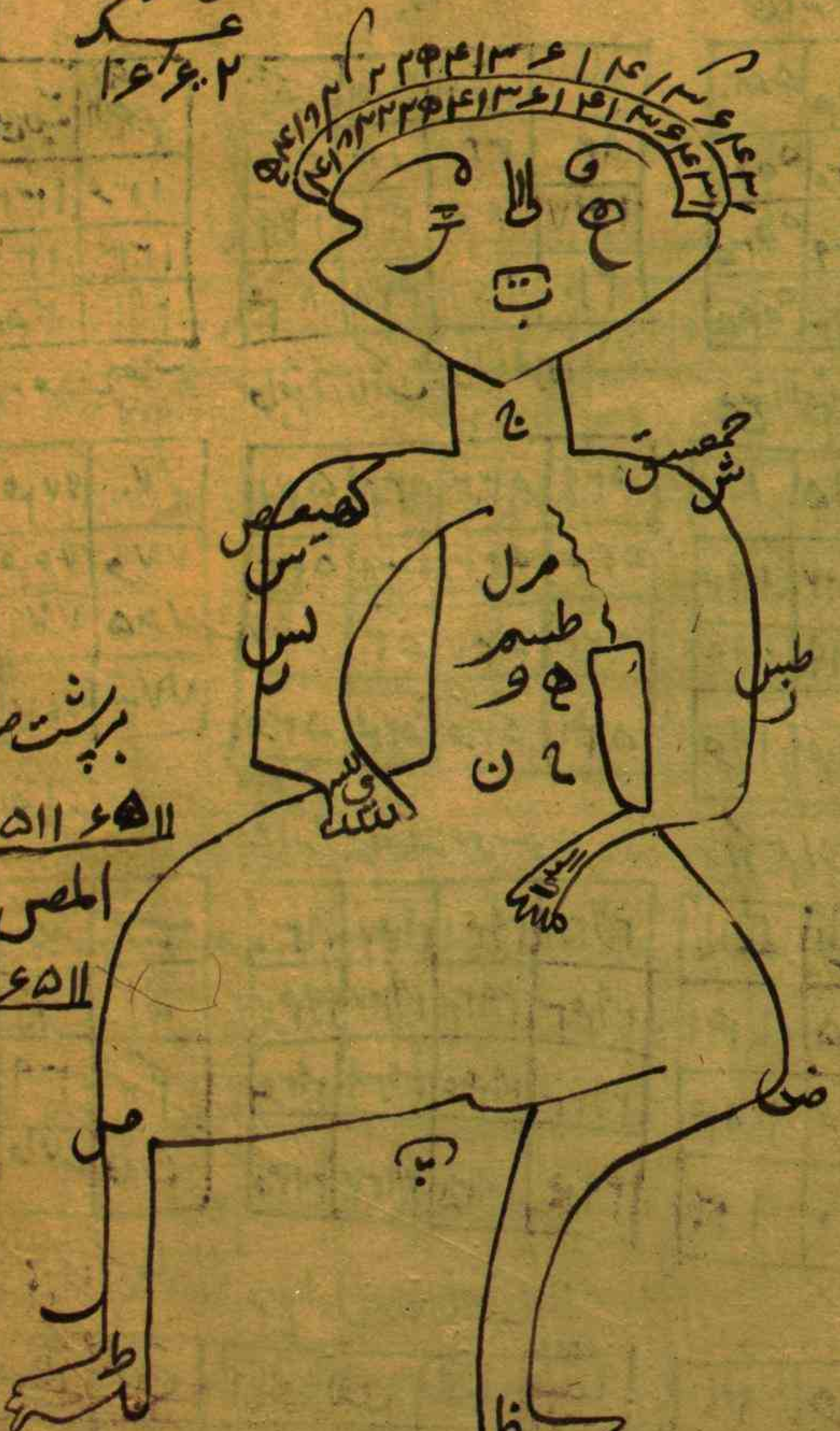

بر پشت صورة این بنویسید

۱۱۵۶|۱۱۵۶|۱۱۵۶|۲۸۸

المص خ وطه

۱۱۵۶|۱۱۵۶|۱۱۵۶|۲۸۸

۸۰۰۱۰۸

سلام ۱۳۱	قولا	من رب	رحیم الرحیم
۲۹۳	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۵۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۵۵	۲۹۱

۲۰۵۸
۷۲۸
۸۱۷

۸۰۰

فسیکفیکم	الله وهو	السمیع	العلیم
۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۲۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

مربع آیه ثم انزل علیکم ... امنة

۵۵۳۰	۵۵۴۴	۵۵۴۱	۵۵۳۷
۵۵۴۲	۵۵۳۶	۵۵۳۱	۵۵۴۳
۵۵۳۵	۵۵۳۹	۵۵۴۶	۵۵۳۲
۵۵۴۵	۵۵۳۳	۵۵۳۴	۵۵۴۰

مربع آیه وسخر لنا کل شیء مع حروف معطوف

۷۶۳	۷۷۷	۷۷۴	۷۷۰
۷۷۵	۷۶۹	۷۶۴	۷۷۶
۷۶۸	۷۷۲	۷۷۹	۷۶۵
۷۷۸	۷۶۶	۷۶۷	۷۷۳

وافتح لنا فاتک خیر الفاتحین

۵۲۱	۵۳۵	۵۳۲	۵۲۹
۵۳۳	۵۲۸	۵۲۲	۵۳۴
۵۲۷	۵۳۰	۵۳۷	۵۲۳
۵۳۶	۵۲۴	۵۲۶	۵۳۱

۷ بکر

مربع اللهم یسر لنا امورنا

۸۶ بر ۱۱

۱۸۱	۱۹۵	۱۹۱	۱۸۸
۱۹۲	۱۸۷	۱۹۳	۱۹۴
۱۸۶	۱۸۹	۱۹۷	۱۸۳
۱۹۶	۱۸۴	۱۸۵	۱۹۰

مربع عدد اسم وموافق اسم محمد طاهر

منعم	زکی	عابد	حبیب
۴۹	طیب ۲۱	نافع ۲۰۱	اله
ودود ۲۰	ولی	۳۹	بر ۲۰۲
ازل ۳۸	بدیع الحی ۲۰۳	واحد ۱۹	والی

مربع آیه فسبحان الله حین تمسون

۱۹۳۱	۲۹۴۴	۲۹۴۱	۲۹۳۸
۲۹۴۲	۲۹۳۷	۲۹۳۲	۲۹۴۳
۲۹۳۶	۲۹۳۹	۲۹۴۶	۲۹۳۳
۲۹۴۵	۲۹۳۴	۲۹۳۵	۲۹۴۰

مربع اسم از اسم اعظم

یا الله	المحمود	فی کل	فعاله
۱۴۱	۱۸۵	۷۸	۱۲۸
۱۸۴	۱۳۸	۱۳۱	۷۹
۱۳۰	۸۰	۱۸۳	۱۳۹

مربع ذو الکتابتی همین اسما ۵۹۱

حی	ربی	مرکل	مربی
۱۴۱	۵۱	۸۱	۲۱۱
۲۵۰	۳۱	۲۱۴	۸۲
۲۱۳	۸۳	۲۴۹	۱۳۹

مربع اول سوره انا فتحنا ۱۰۳

انا فتحنا	لک	فتحا	مبینا
۴۹۰	۱۰۳	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

۲۰	۴۰۴	۶۰	۳۰۴
۲۰۲	۳۰۲	۲۰۲	۴۰۵
۳۰	۶۰۳	۵۰	۲۰۴
۴۰۸	۶۰۶	۲۰۸	۳۰۸

در طلا نقش باید کرد و با خود باید

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] السبحة الشریفة المبارکة العزیزة الشریف [illegible]

[illegible] و[illegible] شرف [illegible]

[illegible] کان [illegible] القدر [illegible]

[illegible] والحروف [illegible] العمر [illegible] الکتابة [illegible]

[illegible]

۶۳۴	۷۰۱	۷۲۸	۶۰۳	۷۰۲	۷۳۳	۷۶۰	۵۷۰	۵۶۴	۶۳۷	۶۶۴	۵۳۸	۵۳۷	۶۶۹	۶۹۶	۵۰۶
۶۹۵	۵۰۷	۵۳۶	۶۷۰	۷۲۷	۶۰۴	۶۳۳	۷۰۲	۷۵۹	۵۷۱	۶۰۱	۷۳۴	۶۶۳	۵۳۹	۵۶۸	۶۳۸
۵۴۰	۶۶۶	۶۳۵	۵۶۷	۵۰۸	۶۹۸	۶۶۷	۵۳۵	۶۰۵	۷۳۰	۶۹۹	۶۳۲	۵۷۲	۷۶۲	۷۳۱	۶۰۰
۷۳۲	~~[illegible]~~ ۵۹۹	~~[illegible]~~ ۵۷۳	~~[illegible]~~ ۷۶۱	~~[illegible]~~ ۶۳۶	~~[illegible]~~ ۵۶۶	~~[illegible]~~ ۵۴۱	۶۶۵	۶۶۸	۵۳۴	۵۰۹	۶۹۷	۷۰۰	۶۳۱	۶۰۶	۷۲۹
۵۶۵	۶۲۱	۶۶۰	۵۴۲	۵۳۳	۶۷۳	۶۹۲	۵۱۰	۶۳۰	۷۰۵	۷۲۴	۶۰۷	۵۹۸	۷۳۷	۷۵۶	۵۷۴
۷۵۵	۵۷۵	۵۹۷	۷۳۸	۶۵۹	۵۴۳	۵۶۴	۶۴۲	۶۹۱	۵۱۱	۵۳۲	۶۷۴	۷۲۳	۶۰۸	۶۲۹	۷۰۶
۶۰۹	۷۲۶	۷۰۳	۶۲۸	۵۷۶	۷۵۸	۷۳۵	۵۹۶	۵۴۴	۶۶۲	۶۳۹	۵۶۳	۵۱۲	۶۹۴	۶۷۱	۵۳۱
۶۷۲	۵۳۰	۵۱۳	۶۹۳	۷۰۴	۶۲۷	۶۱۰	۷۲۵	۷۳۶	۵۹۵	۵۷۷	۷۵۷	۶۴۰	۵۶۲	۵۴۵	۶۶۱
۵۱۴	۶۸۸	۶۷۷	۵۲۹	۶۱۱	۷۲۰	۷۰۹	۶۲۶	۵۷۸	۷۵۳	۷۴۱	۵۹۴	۵۴۶	۶۵۶	۶۴۵	۵۶۱
۷۱۰	۶۲۵	۶۱۲	۷۱۹	۷۴۲	۵۹۳	۵۷۹	۷۵۱	۶۴۶	۵۶۰	۵۴۷	۶۵۵	۶۷۸	۵۲۸	۵۱۵	۶۸۷
۵۹۲	۷۳۹	۷۵۴	۵۸۰	۵۵۹	۶۴۳	۶۵۸	۵۴۸	۵۲۷	۶۷۵	۶۹۰	۵۱۶	۶۲۴	۷۰۷	۷۲۲	۶۱۳
۶۵۷	۵۴۹	۵۸۱	۶۴۴	۶۸۹	۵۱۷	۵۲۶	۶۷۶	۷۲۱	۶۱۴	۶۲۳	۷۰۸	۷۵۳	۵۸۱	۵۹۱	۷۴۰
۵۸۲	۷۴۸	۷۴۵	۵۹۰	۵۵۰	۶۵۲	۶۴۹	۵۵۷	۵۱۸	۶۸۴	۶۸۱	۵۲۵	۶۱۵	۷۱۶	۷۱۳	۶۲۲
۶۵۰	۵۵۶	۵۵۱	۶۵۱	۶۸۲	۵۲۴	۵۱۹	۶۸۳	۷۱۴	۶۲۱	۶۱۶	۷۱۵	۷۴۶	۵۸۹	۵۸۳	۷۴۷
۵۲۳	۶۷۹	۶۸۶	۵۲۰	۶۲۰	۷۱۱	۷۱۸	۶۱۷	۵۸۸	۷۴۳	۷۵۰	۵۸۴	۵۵۵	۶۴۷	۶۵۴	۵۵۲
۷۱۷	۶۱۸	۶۱۹	۷۱۲	۷۴۹	۵۸۵	۵۸۷	۷۴۴	۶۵۳	۵۵۳	۵۵۴	۶۴۸	۶۸۵	۵۲۱	۵۲۲	۶۸۰

رب ایسر

نقله من كتاب رجب الحافظ البرسي

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل ولما كان سر الله مودعا في خزائن علم الحروف وهو علم المخزون في كتاب مكنون لا يمسه
الا المطهرون ولا يناله الا المقربون لانه [illegible] اسرار الجلال ومجمع اسماء الكمال افتتح الله به المسطور منبع ٣
واودعه سر القضاء والقدر وذلك بان الله سبحانه لما اراد اخراج الوجود من عالم العلم الى عالم الكون
اراد العلويات والسفليات باختلاف المواد بتعاقب الادوار وانوارها من مكان التقدير الى فضاء
[illegible] التصوير وعبا فيها اسرار الحروف التي هي معيار الاقدار ومصدر الاثار لان الباري سبحانه
بالكلمة تجلى لخلقه وبها احتجب ثم اوجد طينة آدم عليه السلام في العماء الذي هو عبارة عن الاختراع
الاول من غير مثال ولا تقدير بمثال ثم ركز في جبلة العماء نسبة من تلك الحروف ورتبها حتى
[illegible] استشرف [illegible] بها في عالم الايجاد بلطائف العقل لاشتراق الظهور ثم نقله بعد ذلك
في اطوار الهباء الذي عبارة عن الاختراع الثاني ورتب فيه رتبة من الحروف التي ذكرها في
جبلة العماء حتى [illegible] استشرف منها في عالم الايجاد بلطايف روحه عن الاختراع ثم نقله
باطوار الذر الذي هو عبارة عن الابداع الثاني واوجد فيه نسبة من الحروف التي وضعها في جبلته
الفطرية التي استشرف بها في عالم الايجاد بلطايف القلب في الابداع الثاني فالحروف معانيها
في العقل ولطايفها في الروح وصورها في النفس وانتقاشها في القلب وقوتها الناطقة
في اللسان وسرها المشكل في الاسماء ولما كان الخاطب الاول وهو العقل النوراني كان
خطاب الحق له بما فيه من معاني الحروف ومجموع هذه الحروف في سر العقل كان الفا واحدا
لانه بالقوة حقيقة مجموع الحروف وهو الذي سمع اسرار العلوم بحقيقة هذه الحروف
من سائر الاشياء والعقل هو صاحب الرمز والاشارة والحقيقة والايماء والادراك و
والحروف في لطيفة الروح شكل ضلعين من اضلاع المثلث متساوي الاضلاع ضلع

يتم واخر مبسوط

قايم وآخر مبسوط على هذه الصورة ل والقائم ضلع الالف والمبسوط ضلع الباء وانما قلنا ان
البسيطة ثم الحروف في لطيف الروح شكل ضلعين لان فيض الانوار البسيطة التي في العقل هي في الروح بالقوة
فاتفق في وجود الاسرار ونباتها في اختلاف الاطوار وحيث ان الروح تستمد من نور العرش كذلك
ساير الحروف تستمد من نور الالف والالف ورجوع السفلى والعليا منها اليه وكل حرف من الحروف
قائم بسر الالف والالف بسر الكلمة وملائكة النور الحاملون للعرش من ذوات هذه الحروف
والاول منها المتعلق المتعلق بالعقل اسم الالف والموحدين لحضرت الجلال اربعة العقل
والروح والنفس والقلب والقلب هو الموحد الرابع وتوحيده بسر الحروف التي اوجدها
الحق في جبلته لان القلب لوح النفوس النقوش الربانية بل هو اللوح المحفوظ بعينه
ومن هيهنا اختلفت الحروف باختلاف اوضاعها ونسبتها الى احوال ادم فالالف يوم
خلقه وخط الجيم يوم تسويته وخط الباء يوم نفخ الروح فيه وخط الالف يوم السجود وكانت
تركيب البنية الانسانية بالحكمة الالهية من شكل تربيعي وتربيع طبيعي ومن عالم الا
ختراع والابداع فنعلم ان العالم العلوي والسفلي باجمعه داخل تحت فلك الالف الذي
هو عبارة عن الاختراع الاول والعرش العظيم والعقل النوراني والجبروت الاعلا
وسر الحقيقة وحضرة القدس وسدرة المنتهى وساير الحروف اجمالا وتفصيلا
انبعثت عنه وحينها باختلاف اطوارها وتباين اثارها تستمد منه وترجع اليه و
الرب سبحانه خلق الخلق بستة هذه الحروف عالم الخلق وعالم الامر كن فيكون
وكلامه سبحانه في حضرة القدس قدسه انما سمع بهذه الحروف وهي آية بذات
الحق سبحانه واسماؤه المخزونة المكنونة مندرجة تحت سر هذه الحروف فالالف
منها اول المخترعات ومنها ساير مراتب العالم وجميع الحروف محتاجة اليها ومن عرف
ظاهر الالف وباطنه وصل الى درجة الصديقين ومرتبة المقربين لان له ظهر
وبطون فظاهره ٣ العرش واللوح والقلم وهو مركب من ٣ نقط الواجدة والواحدة

من العقل والنفس تستمد من الروح وجميع الانوار العلوية تستمد منه م م

من العقل

هيهنا م

والواحد وبحثها يأتي فيما بعد وباطنه الثاني ١١٠ وهو عدد بسائط وهو عدد الاسم
الاعظم فاذا اخذ منه ١١ وهو موضوع الاسماء والاعداد بقي ٩٩ وهي عدد الاسماء الحسنى
وباطنه الثالث ٧١ وهو عدد اللام الفايض عنه وهذا العدد مادة الاسم الاعظم وحرف
من ظاهر الاسم الاعظم وباطنه الرابع ٤٢ وهو فيض اللام وهو الميم وعدده ٤٠ وعددان لب
الالف واللام وهذا العدد ظاهر الاسم الاعظم وباطنه الخامس ٧ ان ضرب مفرداته في
نفسها ٩ والفتق الفايض عنه في فتق الحروف ايضا ٩ وهي الف لام ميم والعرش و
اللوح والقلم مفرداتها ايضا ٩ ع ش ل و ح ق ل م والعقل والنفس والروح ايضا كذلك
ع ق ل ن ف س ر و ح فالالف هي الكلمة التي تجلى فيها الجبار بخفي الاسرار فمن عرف ظاهره
وباطنه ادرك خفي الاسرار ومكنون الانوار لانه حرف يستمد من قيومية الحق
والكل يستمد منه فصل واما الالف المبسوط وهو الباء فهي اول وحي نزل على رسول
الله صلى الله عليه وآله واول صحيفة آدم ونوح وابراهيم وسرها من انبساط الالف
المبسوط فيها وسر القيامة بقيام طرفه وهو سر عالم الاختراع والانوار والاسرار الحقيقية
مرتبطة واليها الاشارة بقول امير المؤمنين عليه السلام انا النقطة التي تحت الباء
وسر الباء المبسوط تشير الى الالف القائم المنبسط في ذاتها المحتجب ولذلك قال محيي
الدين الطائي الباء حجاب الربوبية ولو ارتفعت الباء لشهد الناس ربهم فصل
وحرف القاف باطن الف وسر الام والمراد بسر الام القدر والقلم بسائطه ٣
احرف وهو الكاتب لاسرار القدر وهو الاسم الاعظم والقلم حرفه الاول
القاف المحيط بالعالم ظاهرا بالعلم باطنا وعدده ١٨١ فاذا اخذ منه عدد الاسم
الاعظم وهو [illegible] ابقى ٧١ وهي مادة الاسم الاعظم وحرف من حروف كمالاته
السبع ن من حروف ظاهر الاسم الاعظم ومنه علم باطن السين من الاسم
الاعظم وحرفه الثاني ل والثالث م ومن هذه الحروف تركب العوالم
باسرها

باسرها وساير الموجودات باجمعها داخلة تحت ٩٩ اسما والاسماء داخلة تحت الاسم
والاسم الاعظم هو المايه وعشره والقاف بحسابه العددي مايه داخل تحت الاسم
الاعظم **فصل** وحرف ط طيان في جميع العالم وسره في المبادي الاوليات ونشاة
الاختراعات وسرها سار في العلويات والسفليات ولها اسرار في ظهورها
وظهرت في اسم لوط فكان من سرها ان دمر قومه كما ظهرت الهاء في اوله اسم هود
فكان من سرها خسف الارض بقومه وتدميرهم وظهرت لمعا في اسم محمد صلى الله عليه
واله في قوله تعالى **طه** وهو اسم محمد بلغة **طي فصل** وحرف الجيم حرف ملكوت
ستلقى عن اباء تشترك فيه جميع العوالم الملكوتيه وهو حرف اظهره الله في اول اسماء
الجلال والعرش قايم بالجلال الجيم والقلم يستمد منه والكرسي ايضا في صفة الجمال
قايم به وهو المثلث الذي انبسط فيه سر الالف والباء ظهر في اطوار الغضب
وركون اللطف فتجلي في الجبار والجواد فله الجبروت والجود **فصل** وحرف
كاف حرف ظهر في اسم الملك وله العز وهو باطن القلم وباطن الامر وباطن العرش
والكرسي وباطن الصور السماوية والارضية **فصل** وحرف عين وهو اول اسرار
العرش والعقل وحامل الاسرار العالم لان العرش حامل الكرسي والقلم واللوح هو م
والافلاك والارضين والعقل حامل الروح والروح حامل النفس والنفس
حامل القلب والقلب حامل الجسم والقدرة حاملة الكل **فصل حرف** ث حرف ظهر في الجسم
الوارث والباعث وظهوره في الوارث اشارة الى فناء الموجودات وفي الباعث اشارة
الى بعثهم بعد الممات وجمعهم بعد الشتات **فصل وحرف الزاي** حرف شريف ظهر في
العزيز فالعزة لله جميعا ومنه وصول العزة الى ساير العالم بالترتيب فبعض العالم الحكم
يستمد العزة من بعض وكرة التراب تستمد من الماء والماء من الهوى والهواء
من النار والنار من الملك هكذا ترتيب العزة في الاكوان واليه الاشارة بقوله تعز من تشاء

فصل وحرف الواو حرف من حروف العرش سيار في اجزاء العالم متعلق بطي
في الخلق والامر كن فيكون **فصل** ولما كان هذا العلم الشريف اشارات ورموز اوردت
منه هاهنا ما فيه اشارة وتنبيه **فصل** واما علم النقط والدوائر من اجل العلوم
وغوامض الاسرار لان منتهى الكلام الى الحروف ومنتهى الحروف الى الالف ومنتهى الالف
الى النقطة والنقطة عندهم عبارة عن نور الوجود المطلق الظاهر الباطن ومن الابتداء بالانتهاء
يعني ظهور الهوية التي هي مبدا الوجود التي لا عبارة لها ولا اشارة **فصل** ولما كانت
الالف قائم بنفس العقل والعقل قائم به وتمام الحروف في اسم الالف ولكن بينهما تباين في الرتبة
والف العقل قائم والف الروح مبسوط وهذا القلم الشريف ولكن كشف للناس منه
شئ ما بين الالف واللام والميم التي هي جوامع الامر الحكيم لا اضطرب كل سليم وجهل
كل عليم كما ورد عن ابن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال يا محمد ان في سورة
الاحزاب ٩ اي محكم لو قدرنا ان ننطق به لينقطه ولكن الناس اذا وجدوا
وضلوا ولكن كما قيل ومستخبر عن سر ليلى اجبته بعمياء عن ليلى بغير يقين تقولوا
حبينا فانت امينها كما انا ان ضني نهم بامين **فصل** وسر الله مودع في كتبه وسر
الكتب في القران لانه الجامع المانع وفيه تبيان كل شئ وسر القران في الحروف المقطعة
في اوائل السور وعلم الحروف في لام الف وهو الالف المعطوف المحتوي على سر الظاهر والباطن وعلم اللام
الف في الالف وعلم الالف في النقطة وعلم النقطة في المعرفة الاصلية وسر القران في فاتحته وسر الفاتحة في مفتاحها
وهو بسم الله وسر البسملة في الباء وسر الباء في النقطة **فصل** والفاتحة هي سورة الحمد وام الكتاب وقد
شرفها الله في الذكر فافردها واضاف القران اليها فقال عز اسمه ولقد آتيناك سبعا من
المثاني والقران العظيم فذكرها اجمالا وافرادا وذلك لشرفها وهذا مثل قوله حافظوا
على الصلوات والصلوة الوسطى ادخلها اجمالا وافردها اجلالا والصلوة الوسطى
صلاة المغرب ظاهرا وفي وقت اذانها تفتح ابواب السماء ويجب التعجيل بها لقوله عجلوا

في مفتاحها جيم ۴

المغرب

بالمغرب واما الباطن والوجه فهي فاطمة الزهرا لان الصلوة والخمس بالحقيقة
هم السادة الخمسة الذين اذا لم يعرفوا ويذكروا في الصلوة فلا صلوة فالظهر رسول الله
صلى الله عليه واله وسلم بدء النور اول ما خلق الله نوري اول ما خلق اللوح والقلم
علي وفاطمة واليه الاشارة بقوله تعالى ن والقلم وما يسطرون وصغروا قدرها وحقروا
عظيم امرها المغرب شمس النبوة وجيبها الفرض وتمام الفرض وقبول الفرض لان المتقبل صلى
الله عليه واله وسلم رضاه في رضاها فقال والله يا فاطمة لا يرضى الله حتى ترضى ومعنى
الرمز ان فاطمة عليها السلام ينبوع الاسرار وام الابرار ومغرس الانجاد وعصمة الجبار
واذا غضبت غضب الرب العلي النبي والولي لمن غضبت عليه شمس الرسالة وزهرة
الجلالة فقد غضب الرب العلي والنبي والولي لمن غضبت عليه شمس الرسالة وزهرة الجلالة
فقد غضب عليه ربه وشمس العصمة ومقر الحكمة لانها بضعة النبي وحبيبة الولي
ومعنى السرائر لمن غضبت ربه عليه ونبيه ووليه ومن غضب عليه الرب والنبي
والولي فهو الشقي كل الشقي وصلاة العشاء الحسن عليه السلام حيث احتجب عنه نور
النبي والولي والصبح الحسين عليه السلام لانه بذل نفسه في مرضات الله حتى اخرج نور الحق السلام
من خفية الباطل ولولاه لتم الظلام الى يوم القيامة **فصل** والتوجه الى الله في الصلوة
يتوقف على اسباب منها معرفة الطريق للسالك والدليل في المفاوز من المهالك فاذا قطع
الطريق ووصل الى مدينة حصينة مغلقة فيجب ان يكون الدخول اليها فان دخلها
كان امنا قال واذا وصل الدليل الى المدينة احتاج الى من يفتح له الباب ويرفع له
الحجاب ويقول له ادخل بسلام اما المدينة فمحمد واما الادلاء فهم الحجج من بعده
من ولده منهم وعقد السرائر علي ولاينهم ايتح له احصى المفا واما المفاتيح فهي التفكر

[illegible]

فی اقوالهم ونمونهم وبواطن احوالهم وتجتهدون فی خطها فاذا كان لها حقيقة تشهد
بها الكتاب والسنة والاثر كما هنا فی تركيب المقاتيح فی السفر واما الطريق
فمجاهدة النفس وركوب الاشق فی لزوم الاوامر والنواهی ومخالفتها فی الميل
الی المطعم والمشرب فان الطهارة لا تحصل بدون ذلك واما العلم والوصول الی الدخول
اليها فيقول والحجج من الائمة ابواب الباب وولاة الطريق يمكنه انفعاله عن جميع الطبع
الا المطعم والمشرب فصل واما المدينة فهی نفس العلم والوصول الی الدخول اليها
بقول صاحب الشريعة انا مدينة العلم وعلی بابها بالولاية هی باب النبوة والحجج
من الائمة ابواب الباب وولاة واما الاقفال فهی موضع الشريعة ومفاتيحها آيات
الكتاب هذا اسرار ال محمد عليهم السلام فصل ومثل هذا الباب من الحديث القدسی
بقوله تعالی سبحانه ولاية علی حصنی فمن دخل حصنی امن عذابی فحصر الامان
فی ولاية علی عليه السلام لانها لا اقرار الولاية يستلزم الاقرار بالنبوة والاقرار
بالنبوة يلتزم الاقرار بالتوحيد فالموالی هو القائل بالعدل والقائل بالامامة والعدل
مع التوحيد هو المؤمن والمؤمن امن فالموالی لعلی هو المؤمن الامن والمخالف هو المنافق الزاهق
من غير عكس ومثال هذا من قول النبی صلی الله عليه واله انا مدينة العلم وعلی بابها والحديث
لا تؤتی الا من الباب فحصر اخذ العلم بعده فی علی وعترته فعلم ان كل اخذ علما بعد النبی من غير
علی وعترته فهو بدعة وضلال وفی هذا اشارة لطيفة وذلك ان كل وحی يأتی الی النبی
من حضرة الرب العلی فانه لا يصل به الی الملك حتی يمر به علی الابواب ويدخل به من الباب
واليه الاشارة بقوله صلی الله عليه واله ان الله اطلعنی علی ما شاء من غيبه وحيا وتنزيلا واطلعك
عليه الهاما وبهذا اشارة الی ما حضر به نبيه ليلة المعراج خطابا فان ذلك مختص به وليه

الهيا

١١١

الهاما واما قوله عليه السلم انك ترى ما ارى وتسمع ما اسمع فانه اشارة الى نزول الملئكة
الى الرسول صلى الله عليه واله بالتحف الالهيه فان الله خصه وليه يسمع بعضها ويراه
وامر نبيه بايصال باقيها اليه لان الخازن لاسرار النبوة والولى في علو مقامه تلميذ النبي
ووزيره لان ساير البحار داخلة تحت البحر المحيط **فصل** وسورة الحمد فيها الاسم
الاعظم عن يقيني وعدد اياتها ٧ سبع ثمانية وهي العدد الكامل يظهر حينئذ العشرة و (وسبع ثمان [illegible])
هو ضرب السنة في ايام الاسبوع ومبلغه وهو عدد له نصف وثلث وخمس (وربع)
وسدس وسبع وثمن وتسع وعشر وعدد الكلمات في ام الكتاب مع البسمله
٢٩ كلمة وعدد السور المفتتحة بالحروف المقطعة ٢٩ سورة وعدد ايام الشهر
٢٩ يوما فاذا اخذ منها الالف كانت ٢٨ بعدد منازل القمر واذا
قسمت كان منها الافلاك ٩ والبروج ١٢ [illegible] والمواليد ٣ هذه (وللعالم)
٩٨ سورة بعدد حروف المعجم وعدد حروف الفاتحة [illegible] واعداد حروفها
٤٣٤ وساير اعدادها تنقسم الى الفردانية [illegible] اعداد
الاسم الاعظم قسمين ظاهره وباطنه فالظاهر [illegible] مرة والباطن ٩٩٣
مرة تاويلا وعدد بسايط حروفها ٩٢ او ١٠٩ الفا والفردانية ند ودبعها
حيث دارت **فصل** وحروف المعجم ٢٨ حرفا كاملا وعددها باطنها يعني بسايطها
١٢ حرفا وعدد الحروف المقطعة في سور القران ١٤ حرفا [illegible] هجا بسايط الحروف
اسم العزيز المفتاح ١٩ مرة وفي بسايطها الاسم الاعظم [illegible] مرة والاسمين منها
[illegible] مرات واذا اخذ المكرر والتنزيل من هذه الحروف بقي ١٤ حرفا وهي الحروف
النورانية وهي مقطعة في سورة الحمد وهي هذه ا ل ي ع ح ق م ن ه ك س ر ص ط
واعدادها ٩٩٤ ومن هذه الحروف النورانية تستخرج اسماء الله الحسنى

الله وإسم الأعظم وعلم دو[ر] والأسرار صحيحا وظاهرا وباطنا وجملة وأفرادا الأن اسم
الله تعالى الأعظم قد يكون في حرف واحد وقد يكون في عدد واحد وقد يكون
في حروف وأعداد وكلمات حسب الإرادة الإلهية والحكمة الربانية وهو
في الحروف على هذه المثال ا ل د ع ح ي م ن ك ش هـ ص ك ف ط فهذه او
هذا رمز اخر من السر المكتوم قد ابرزته مكشوفا ومعرفته مدفونة على من كان
له حظ من علم الحروف وأعدادها الظاهرة والباطنة وهي هذه
ا ل د ع ح ي م ن ك س هـ ص و ط فهذه ٩٩٩ بعدد الاسماء
الحسنى وهذه الوجه الثالث من هذا السر وهو ا ل م ك ع ي ع ص [illegible]
ح ف فهذه ١١٢ وهذا وجه اخر ا ل د ع ح ي م ن ك س ص ف ط ١٢
فإذا اخذنا من هذه الحروف سبع الاسم الاعظم وهي ثلثة حروف [illegible] اعداد
بقي منها ١١ حرفا وهي العدد الخفي والسر الخفي ا ل ح م ن ك س هـ ص ف ط
فهذه ١١ عددا وهي زيادة الاسم الاعظم فصل وحروف الاسم الاعظم الاكبر
مع المكرر ٣٣ وهي هذه ال م الدمع ال د ال م الدخ م ال دخ م م ال ك
ال م ك هـ د ع ا ع س ق اي الا الله الطا م ص ط س ط هـ ع ل ي ال د ال
م ص هـ واعداد هذه الحروف ٢٢٤ وهذه حروف الاسم الاعظم واعدادها
فإذا اراد النبي او الامام الهادي دعا بها فصل وهذا العدد من اعداد
اسم الاعظم ١٣١١ ومضاعفتها ١٣٣١ وهذه تكتب لكل الم فيشفى او تعلق او
يسقى وتعلق فهو شفاء من كل داء وان اراد كتب موضعها حروفا من العنصر الحار
المطلق هـ ط ومن البارد اليابس المطلق ي ومن الحار الرطب ك
ومن البارد الرطب ل على هذه المثال للـ ـله والباقي على هذا المثال فض ومن

خوامي

ومن خواص الفاتحة ان من قراها مع صوم وقطع حيوان ٧
ايام في كل يوم ١٠١١ مرة وصلى على محمد هذا العدد لا يطلب شيئا الا وجد
فيها قد تحاسبت واوردت في هذه الرسالة لمعة من حقائق الاسرار
تسر المومن التقي وتضر المنافق الشقي وسميتها مشارق انوار اليقين
في حقائق اسرار امير المومنين فجاءت كالسيف المنتضى في كشف
اسرار المرتضى ولي الله ولي الانعام والاحسان والرضى ورتبتها على
فصول فاقول ان اعلى مطالب الكمال واعلى مراتب الجلال للانسان العلم
الذي ينال به الحيوة الابديه والسعادة السرمديه واجل العلوم ما يبحث
فيها عن اجل المعلومات واجل العلوم ما
ما يبحث عنه فيه عن حقيقة
الوجود والموجود
تمت الكتاب
بعون الملك
الوهاب ... في ٢١

قلم منصوري

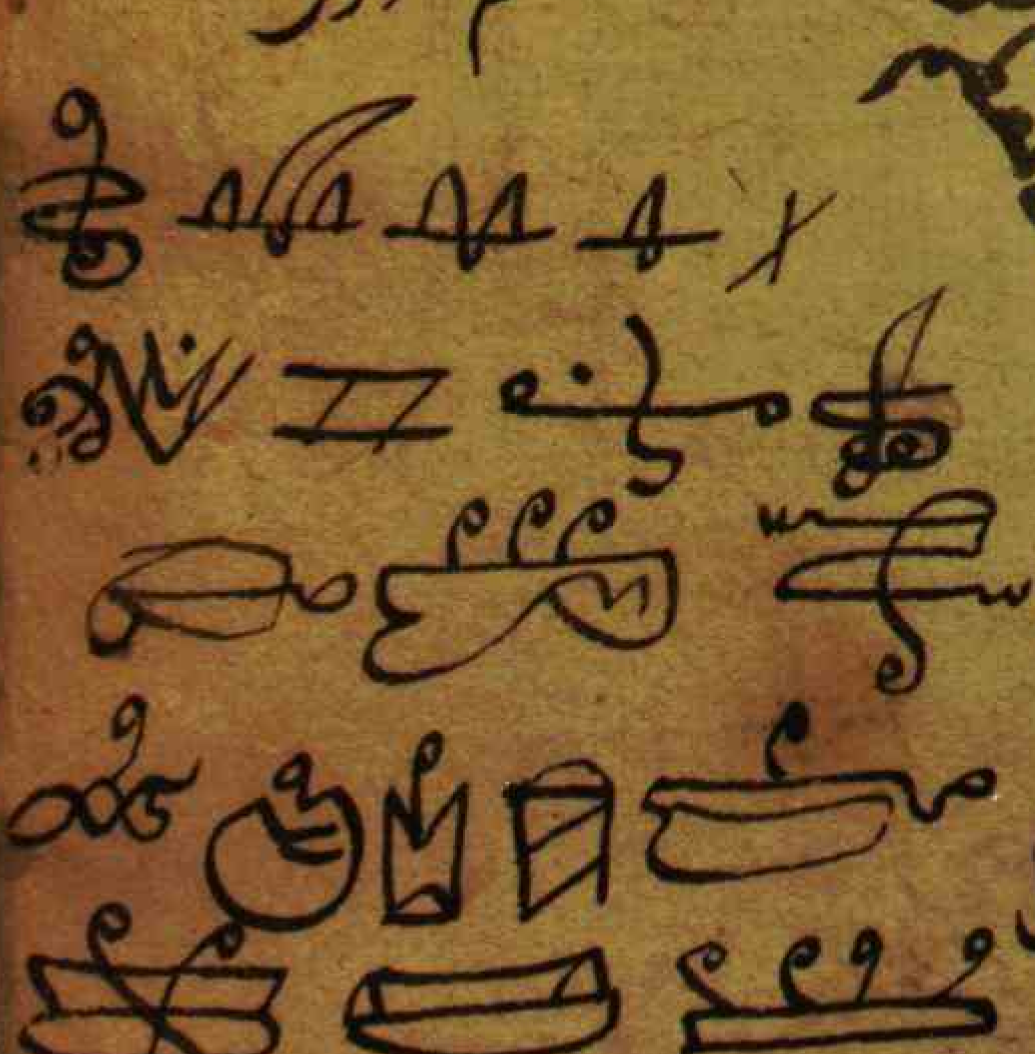

من متملكات العبد الاقل
محمد جعفر ابن الحكيم

بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible]

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

[illegible]

۱۲۸	۱۹۵	۲۲۲	۹۷	۹۶	۲۲۷	۲۵۴	۶۵	۶۴	۱۳۱	۱۵۸	۳۳	۳۲	۱۶۳	۱۹۰	۱	
۱۸۹	۲	۳۱	۱۶۴	۲۲۱	۹۸	۱۲۷	۱۹۶	۲۵۳	۶۶	۹۵	۲۲۸	۱۵۷	۳۴	۶۳	۱۳۳	۲
۶۵	۱۶۰	۱۲۹	۶۲	۳	۱۹۲	۱۶۱	۳۰	۹۹	۲۲۴	۱۹۳	۱۲۶	۶۷	۲۵۴	۲۳۵	۹۴	۳
۲۲۶	۹۳	۶۸	۲۵۵	۱۳۰	۶۱	۳۶	۱۵۹	۱۶۲	۳۹	۴	۱۹۱	۱۹۴	۱۲۵	۱۰۰	۲۲۳	۴
۶۰	۱۲۵	۱۵۴	۳۷	۲۸	۱۶۷	۱۸۶	۵	۱۲۴	۱۹۹	۲۱۸	۱۰۱	۹۲	۲۳۱	۲۵۰	۶۹	۵
۲۴۹	۷۰	۹۱	۲۳۲	۱۸۳	۳۸	۵۹	۱۳۶	۱۸۵	۶	۲۷	۱۶۸	۲۱۷	۱۰۳	۱۲۳	۴۰۰	۶
۱۵۳	۲۲۰	۱۹۷	۱۲۲	۷۱	۲۵۲	۲۲۹	۹۰	۳۹	۱۵۶	۱۳۳	۵۸	۷	۱۸۸	۱۶۵	۴۶	۷
۱۷۶	۲۵	۸	۱۸۷	۱۹۸	۱۲۱	۱۰۴	۲۱۹	۲۳۰	۸۹	۷۲	۲۵۱	۱۳۴	۵۷	۴۰	۱۵۵	۸
۹	۱۱۲	۱۷۱	۲۴	۱۰۵	۲۱۴	۲۰۳	۱۲۰	۷۳	۲۴۶	۲۳۵	۸۸	۴۱	۱۵۰	۱۳۹	۵۶	۹
۲۰۴	۱۱۹	۱۶۷	۲۱۳	۲۳۶	۸۷	۷۴	۲۲۵	۱۴۰	۵۵	۴۲	۱۴۹	۱۷۲	۲۳	۱۰	۱۸۱	۱۰
۸۶	۲۴۳	۲۳۸	۷۵	۵۴	۱۳۷	۱۵۲	۴۳	۲۲	۱۶۹	۱۸۴	۱۱	۱۱۸	۲۰۱	۲۱۶	۱۰۷	۱۱
۱۵۱	۴۴	۵۳	۱۳۵	۱۸۲	۱۲	۲۱	۱۷۰	۲۱۵	۱۰۸	۱۱۷	۲۶۲	۲۳۷	۷۶	۸۵	۲۴۴	۱۲
۷۷	۲۴۲	۲۳۹	۹۴	۳۵	۱۴۶	۱۴۳	۵۲	۱۳	۱۷۸	۱۷۵	۲۰	۸۹	۲۱۰	۲۰۷	۱۱۶	۱۳
۱۴۴	۵۱	۴۶	۱۲۵	۱۷۶	۱۹	۱۴	۲۷۷	۲۰۸	۱۱۵	۱۱۰	۲۰۹	۲۴۰	۸۳	۷۸	۲۴۱	۱۴
۱۸	۱۷۴	۱۸۰	۱۵	۱۱۴	۲۰۵	۲۱۲	۱۱۱	۸۲	۲۳۷	۲۴۴	۷۹	۵۰	۱۴۱	[illegible]	۳۷	۱۵
۲۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۲۰۶	۲۴۴	۸۰	۸۱	۲۴۸	۱۴۷	۴۸	۴۹	۱۴۲	۱۷۹	۱۶	۱۷	۱۷۴	۱۶

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

هذه النسخة الشريفة المباركة شرف وصول كتبه

في شرف الشمس وجعلها كان عزيز العلماء اعني الشمس

بسم	الله	الرحمن	الرحيم	الحمد	لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و
الله	الرحمن	الرحيم	الحمد	لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك
الرحمن	الرحيم	الحمد	لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين
الرحيم	الحمد	لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا
الحمد	لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط
لله	رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم
رب	العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط
العالمين	الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين
الرحمن	الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت
الرحيم	مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم
مالك	يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير
يوم	الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير	المغضوب
الدين	اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير	المغضوب	عليهم
اياك	نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير	المغضوب	عليهم	و
نعبد	و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير	المغضوب	عليهم	و	لا
و	اياك	نستعين	اهدنا	الصراط	المستقيم	صراط	الذين	انعمت	عليهم	غير	المغضوب	عليهم	و	لا	الضالين

۲۲	۳	۹	۱۰	۱۷	۱۵	۱	۱	۱۱	۳۴
۵	۱۱	۱۷	۲۳	۴	۸	۱۹	۱۷	۱۲	۳
۱۸	۲۴		۶	۱۲	۱۴	۱۰		۱۳	[illegible]
۱	۷	۱۳	۱۹	۲۰	۵	۲	۲۱	۲۳	۷
۱۴	۱۵	۲۱	[illegible]	۸	۱۸	۱۶	۲۰	۲	۴

باخشع الجبار حضر و امر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران